

## خواص مواد دارویی - حرف الف

### « الف »

#### آب

آب های ناپسند عبارتند از: آبهای راکد ، آبهای مرداب ها ، آبهای بد مزه و بدبو، آب های تیره ، پرمایه و سنگین وزن ، آب هایی که زود سنگ می شوند ، آب هایی که پرده ای بر آن نمودار است و چیزهایی بیگانه را بر آن می بینند .

گزند آب های بوره ای بوسیله ی شیر ، آب انگور ، کهنه ، نشاسته ، و آب انگور کهنه رقیق ریحانی و همانند آن ،سنجد خام ،خیار نارسیده ، سبزیهای لطافت بخش و ادراری دفع می شود .

چاره آب پرمایه و تیره رنگ با لطافت بخش هایی چون: سیر، پیاز، گندنا است و اگر بعد از آن آب انگور کهنه بنوشند یا با آن مخلوط کنند آسیب رسان نیست .

گاهی که آب را آب زبر گویند منظور از آن آب غلیظ پر مایه یا آب بسیار زداینده است و گاهی هم آبی را که در هنگام شستشو بسیار پاک کننده است زبر می خوانند .آب تلخ را می توان به وسیله ی شیرینی ها اصلاح نمود .

برای دفع آب شور ، خرنوب شامی ، دانه آس ، زالزالک ، گل آزاد و قاوت بکار می رود .عموماً آب بدخیم را می توان بوسیله ی سرکه اصلاح کرد.

مزاج: آب دریا تند و تیز است . آب بوره ای گرم و خشک است . آب مسی و آهنی برای درون خوبند .

خاصیت: آب سرد برای کسانی که بنه آمده ها دارند زیان آور است . لیکن برای کسانی که جسم متخلخل دارند و برای بند آمدن هر نوع سیلان و نزیف موادی که سبب بیماری می شوند خوب است .

آرایش: آب دریا داروی ترک های ناشی از سرما است بشرطی که چرکین نشده باشند .شپش کش است ،خون بند آمده در زیر پوست را تحلیل می دهد. آبهای گوگردی در علاج بهک و برص مفیدند .

ورم و جوش: آبهای گوگردی در فرو نشاندن ورم مفاصل و نرم کردن سخت شده ها و برکندن زگیل های آویز کاری هستند .

زخم و قرحه: آب صاف و زلال با قرحه سازگار نیست و رطوبت می افزاید. نباید آن را به قرحه نزدیک کرد .

آب دریا برای خارش ، گری و قوباء مفید است . شستشوی تن با آب گوگردی در علاج قوباء، گری و جوش های سعغه مفید است .

مفاصل: آب دریا و هرآبی که هم مزاج اوست اگر تن را در آن شستشو دهند در بیماریهای عصب مانند لرزش ، فلج ، تخدیر شدن و غیره مفید است .

آب گوگردی نیز همچون آب دریا و درتسکین درد مفاصل ، درد سر و عصب مفید است .

سر: آب نیمه گرم برای صرع داران خوب است و از آب گرم زیان می بینند. بخار دریا سردرد سرد را از بین می برد. آب مسی برای دهان و گوش سودمند است

چشم: آب کویری برای چشم بد است .

اندام های تنفسی: آب بسیار سرد به نفع سینه نیست. آب نیمه گرم در علاج ورم های گلو، زبان کوچک و سینه مفید است .

آب دریا را بر پستان پیاشند از آماس آن می کاهد. آب بوره ای شاید برای شش خوب باشد. آب زاج بلوری در خون برآوردن مفید است .

اندامهای غذا: آب آهنی با طحال و معده سازگار است و آب مسی تقریباً چنین است. آب بسیار سرد مخصوصاً برای بیمارانی که بندآمدنی ها دارند ضرر دارد .

آب دریا و همانندش با معده ناجور است. بخار آب دریا در علاج استسقا مفید است. آب بوره ای شاید برای معده مرطوب خوب باشد .

آب زاج بلوری بازدارنده استفراغ است و در این باره اثر خوب دارد. آبی که از گل سیاه بر می آید گیرنده و از این روی در منع استفراغ مؤثر است .

آب های گوگردی در علاج ورم، درد کبد و طحال اثر دارند .

اندام های دفعی: آب دریا را در حقنه بکار ببندند درد و پیچ روده تسکین می یابد. آب دریا را بخورند اسهال می دهد ، اما گزیدگی دارد و بهتر است بدنبال نوشیدنش سوپ مرغ بخورند .

آب های زاج بلوری ضد سقط بچه و ریزش حیض است .

آب های گوگردی برای دفع درد زهدان سودمندند. آب بسیار سرد برای غریزه جنسی خوب نیست. شکم را بند می آورد .

آب شور اول اسهال می دهد و بعد بوسیله ی خشکی که در اوست شکم را بند می آورد .

آب های معدنی عموماً مانع ریزش بول و حیض و بچه آوردن هستند .

اکثر آب های معدنی شکم را اسهال می دهند و خشکی می آورند. مثلاً آب زاج بلوری بند آورنده شکم است و گاهی قولنج می آورد .

آب های آهنی و مسی برای گرده بسیار خوب و در علاج قولنج مفیدند .

آب های تیره سنگ کلیه و مثانه پدید می آورند. آبی که آهن تفته را در آن بگذارند داروی خون برآوردن است .

تب ها: آب های گوگردی و گل آلود و آب راکد مردآب ها سبب تب می شوند. آب غلیظ تب سه در میان می آورد .

زهرها: مارگزیده در آب دریا بنشیند سود می بیند و این علاج پادزهر سایر گزنده های کشنده است .

## آبنوس

چوبی است مشهور که آن را از زنج یا به قول دیسکوریدوس از حبشه می آورند سیاه خالص است و طبقاتی در آن نیست. هنگامی که می برند بشکل شاخ خمیده یا به قولی به شاخ مخروط می ماند، به زحمت می شکنند و شکسته اش زبان را می گزد. بهترینش آن است که با وجود سیاهی و همواری، خطوطی در آن مشاهده نمی شود، در ساییدن به شاخ خراطی شده شبیه، پر مایه و محکم است.

در چشیدن گزش دارد.

مزاج: گرم و خشک است. گروهی برآنند که با وجود حرارتی که دارد حرارت خون را خاموش می نماید.

خواص درمانی: تم و سپیدی چشم را از بین می برد. از ساییده آن شیاف می سازند، اگر برفسان ساینند و گرد آن را در چشم بکشند بسیار سودمند است.

خاک اره آبنوس را بر طبقی می سوزانند و می شویند زخم مزمن چشم را بر طرف می سازد. علاج رمده خشک، گری چشم و آبریزی دائم چشم است.

اندام های دفعی: به گفته خوزیان سنگ کلیه را خرد می کند و باد شکم را علاج است.

## آب دهان

آب دهان گرسنه و ناشتا و به ویژه اگر از مزاجی گرم باشد بسیار باکنش و فعال است.

زخم و قرحه: داروی اگزمای خشک است.

چشم: علاج نقطه سرخ و سفیدی چشم است.

زهر: حشرات موذی، مار و کژدم را می کشد.

## آهن

سه نوع آهن هست شاپورگان، برماهن و فولاد.

خاصیت: زنگ آهن گیرنده است و خورنده. چرک آهن از چرک هر آلیاژی خشکاننده تر می باشد.

ورم و جوش: زنگ آهن با آب انگور کهنه را بر جمره و سایر جوش ها بمالند مفید است.

مفاصل: زنگ آهن با آب انگور کهنه را بر نقرس بمالند مفید است.

سر: آهن را در سرکه بسیار تند بجوشانند آن سرکه در مداوای ریم و چرک همیشگی گوش بسیار مفید است.

چشم: زنگ آهن در مداوای زبر شدن پلک و ناخنه مفید است.

اندام های غذا: آهن سرخ شده را در آب فرو کنند و آن آب را با آب انگور کهنه مخلوط نمایند در علاج آماس طحال ، سستی و ناتوانی معده بسیار سودمند است .

سونش آهن مواد آبکی را اسهال می دهد لیکن در این باره سونش مس از آن مؤثرتر است .زنگ آهن گیرنده است (قبض) .  
اگر آن را بردارند خونریزی زهدان را بند می آورد .زنگ آهن بواسیر را خشک می کند .آهن سرخ شده را در آب انگور کهنه فرو کنند آن آب انگور اسهال مزمن را بند می آورد ،سستی مقعد و خونریزی زنانه را علاج می کند و شهوت انگیز هم هست .

## آویشم(به زبان عامیانه آویشن)

گیاهی است که بیشتر مردم آن را می شناسند .

مزاج :گرم و خشک است .

خاصیت :گدازنده و قطع کننده است .

آرایش :زگیل ها را از بین می برد .

ورم و جوش :ضمادش با سرکه داروی ورم های بلغمی است .

مفاصل :خوردن آن در علاج ناتوانی پی ها خوب است .ضمادش با قاوت و آب انگور کهنه علاج عرق النساء می باشد .نوشیدنش درد انتهای دنده ها را از بین می برد .

چشم :اگر آویشم را با غذا همراه کنند قوت چشم را نگه می دارد و کم سویی را از بین می برد .

سینه :سینه و شش را می پالاید و علاج خون بر آوردن است .

آب پزان مسکن درد انتهای دنده هاست بشرطی که با غسل باشد و بلیسند . از قوت خشکننده ای که دارد خون بر آوردن را باز می دارد .

اندام های غذا :در هضم کمک است .شربت آن سوء هاضمه را از بین می برد .کسانی که بسیار کم اشتها هستند به اشتها می آیند .

اندام های دفعی :بول و حیض را راه می اندازد .کرم را بیرون می راند

## آسی

مره تلخ آمیخته با گسی و شیرینی دارد و گسی آن سبب سردی آن شده است .

برساقه آن برجستگی هایی است که به اندازه ی کف دست و هم رنگ ساقه است.این برجستگی ها از بخش دیگر آس قوی تر است .

گسی آن در هنگام مکیدن آنقدر محسوس است که زبان را نیشگون می گیرد . این برجستگی ها دارای گوهر خاکی و کمی گوهر لطیف است .

بهترین نوع آن به منظور استفاده درمانی گونه ای است که رنگش به سیاهی می زند ، به ویژه «آس خسروانی» که در کوهساران می روید .

بهترین نوع گل آن از نظر طبی گلهای سپید رنگ است .

افشره ی برگ و میوه آس بهترین ماده درمانی است . چنانچه افشره اش کهنه شود ناتوان می گردد و کفک بر آن می نشیند . مزاج : دارای گرمی لطیف و سردی بر آن غالب و گیرندگی آن بیشتر از سردی است .

خاصیت درمانی : اسهال ، عرق و هر نوع خونریزی و هر نوع سیلانی را بسوی اندام ها بند می آورد . اگر تن را در گرمابه با آس مالش دهند تن را توان می بخشد و رطوبت های زیاد پوست را بر می کند .

پخته آن استخوان شکسته را به هم جوش می دهد .

سوخته آن را می توان به جای توتیا در خوشبو کردن بدن بکار برد .

مرهم ، ضماد ، شربت و رب میوه آس برای جلوگیری از نوع خونریزی (نزیف) مفید است .

گیرندگی آس قوی تر از سردی بخشی آن است .

ارزش غذایی آن اندک است .

در بین شربت های دارویی جهت بند آوردن شکم ، درد شش و سرفه ، شربتی چون آس وجود ندارد .

آرایش : روغن ، افشره ، پخته شده آس و به ویژه دانه آس ریشه موها را تقویت می کند ، از ریزش باز می دارد و سبب بلندی و سیاهی مو می گردد .

دانه آس را اگر در کره بپزند بازدارنده عرق است و خراش ناشی از عرق را اصلاح می کند . برگ خشکیده آس بوی بد زیر بغل و پیچ و خم های بدن را از بین می برد .

خاکستر آس کار توتیا را می کند و لکه و کک و مک را می زداید .

ورم و جوش : ورم های گرم و باد سرخ و مورچه و جوش و زخمها و هر نوع زخمی که بر کف دست آید و انواع سوختگی با آتش چاره شان آس مخلوط با روغن زیتون است .

مفاصل : اگر میوه آس را در آب انگور کهنه بپزند و ضماد کنند سستی مفاصل را از بین می برد .

اندام های سر : خون دماغ را بند می آورد . سیوسه را می زداید و زخمهای سر را می خشکاند . اگر آب آس را در گوشتی که قرحه دارد یا چرکین است بچکانند خوب می شود . شربت آس سستی لثه را از بین می برد .

اندام های چشم :علاج درد و برآمدگی چشم است .

اندام های تنفسی و سینه:قلب را توان می بخشد و خفقان را از بین می برد.میوه آن بوسیله ی شربتی که دارد علاج سرفه است و اسهال را باز می دارد. میوه و رب میوه اش در خونریزی ها مفید است .

اندام های تغذیه :مانع سوزش در مجرای بول و سوزش مثانه است .

افشره میوه آن بول را ریزش می دهد و در جلوگیری از ریزش زیاد خون حیض مفید است .

آب آس شکم را بند می آورد .

آغشته کردن تن با آب آس مانع اسهال مراری و سودایی می شود .

اگر میوه اش پخته شود رطوبت های زهدان را از جریان باز می دارد .

ضماد آن برای علاج بواسیر و آماس بیضه ها مفید است .

آس پخته شده از بیرون آمدن مقعد و زهدان جلوگیری می کند .

زهرها :آس و میوه آن را اگر با آب انگور کهنه بنوشند برای علاج نیش کژدم و رتیل مفید است .

## آزاد درخت

این درخت معروف است و ثمری دارد که به (نبق) شبیه است .در ری آن را درخت هلیله و کنار نامند و در طبرستان آن را بطاحک خوانند . درختی است بزرگ و تنومند .

مزاج :گرم و خشک .

خواص درمانی :شکوفه آن باز کننده انسدادها است .

آرایش :آب برگ و به ویژه برگ آن که مخلوط با آب انگور کهنه باشد شپش کش است و مو را بلند می کند .

اندام های سر :شکوفه اش انسداد مغز را باز می کند .

اندام های تنفسی :ثمر آن برای سینه بسیار زیان آور و کشنده است .

اندام های غذا :ثمر آن برای معده بد است و معده را زحمت می دهد .

تب ها :گویند اگر الیاف آن را با شاه تره و هلیله بپزند و بخورند تب های بلغمی را بکلی بهبود می بخشد .

زهرها :افشره شاخه های نازک آن که با عسل مخلوط بشود پادزهر هر سمی است .میوه اش شاید سم کشنده بشود .

برای بلند شدن موی سر می توان به جای برگ آزاد درخت ،برگ شاهدانه و آس و سدر بکار برد .

## آنک

منظور از این نام تنها سرب سیاه است. سرب سیاه گوهر آبی بسیار دارد که از سرما بند آمده است .

مزاج: سرد و تر است .

دمل و جوش :آنک را با بعضی از روغن‌ها در میان دو سنگ مخصوص سائیدن دارو می ساینند چرک و سیاهی که از آن بدست می آید در مداوای دمل های گرم مفید است آن را سرد می گردانند .

علاج زخمهای پلید است که قرحه های سرطانی را هم شامل می شود .

برگه سرب را بر خنازیر ،غده و قرحه مفاصل بگذارند و ببندند بسیار خوب است .زیرا در گدازندگی بسیار فعال است .

زخم و قرحه :سائیده آن بطریقه نامبرده و کوبیده سرب به ویژه شسته آن در علاج زخمهای چرکی پلید ،سرطانی و مفاصل سودمند است .

مفاصل :سائیده و کوبیده سرب قرحه مفاصل را چاره می کند و اگر بر غده مفاصل ، و مفاصل پیچیده بگذارند و ببندند بهبودی بخش است .

چشم :سوخته سرب و به ویژه شستشو داده آن رمد خشک و قرحه های چشم را معالجه می کند .

اندام های تنفسی و سینه :سوخته ،سائیده و کوبیده سرب در مداوای قرحه های سینه سودمند است .

اندام های دفعی :سائیده نامبرده و کوبیده آن علاج بواسیر است . بر کمر بستن برگ های آن خواب های پریشان را بر طرف می کند ،شهوة جماع را فرو می نشاند و در علاج زخمهای قرحه های ذکر و بیضه ها سودمند می باشد .

## آمله

گرمای خون را فرو می نشاند .ریشه موها را قوی می گرداند و مو را به رنگ سیاه در می آورد .

مفاصل :برای پی ها و مفاصل مفید است .

چشم :دید را تقویت می کند .

نفس و سینه :قلب را قوت و صفا می دهد و مایه افزایش هوش و ذکاوت می شود .

اندام های غذا :معدده را تقویت و دباغی می نماید .قی را باز می دارد ، تشنگی را فرو می نشاند و اشتهاانگیز است .

اندام های دفعی :معدده را نیرو می بخشد و شهوت انگیز است . برخی برآنند که بندآورنده ی شکم است .

مربای آن ملین است، هیچ زحمت نمی دهد و در علاج بواسیر مفید است .

آذریون

مزاج: گرم و خشک کوبیده اش با سرکه علاج کم مویی است .

خاکسترش با سرکه در عرق النساء مفید است .

دیسقوریدوس گوید: «اگر زن به آذریون دست بزند یا آن را استعمال کند فوراً سقط جنین می کند» .

پادزهر همه سم ها است و به ویژه نیش های مسموم کننده .

## آلو

نیاز به معرفی ندارد. آلوی بستی از آلوی سیاه قوی تر و آلوی زرد از سرخ رنگ آن مؤثرتر است .

آلوی سفید مات (غیر براق) سنگین و کمتر اسهالی است .

مزاج: سرد و تر است .

خواص درمانی: صمغ آن لطافت بخش ، قطع کننده و چسبناک می باشد .

زخم و قرحه :انگم آن قرحه را جوش می دهد . مخلوط آلو با سرکه اگرما را از بین می برد و به ویژه اگر عسل یا شکر داشته باشد برای کودکان مفید است .

اندام های سر: در دهان گردانیدن برگ آلو از نزله های لوزتین و زبان کوچک جلوگیری می نماید .

چشم :انگم آلو را در چشم بکشند دید را قوی می کند .

اندام های تنفسی و سینه :آلوی ترش و شیرین التهاب قلب را تسکین می دهد. اندام های غذا: ترش و شیرینش در بر کندن صفرا از همه مؤثرتر است. آلوی شیرین معده را تر و سرد می کند ،سستی می دهد و عموماً با معده ناسازگار است .

آلوی شیرین در بیرون راندن صفرا از سایر آلوها مؤثرتر است .

در اسهال ،آلوی تر از آلوی خشک کاری تر است و این خاصیت از لزج بودن آن ناشی می شود .

## ابر مرده (اسفنج)

جرمی است دریایی ،در سستی و تخلخل به نمد می ماند .گویند جانوری است که در جایی که بدان چسبیده حرکت می کند ولی از جای خود دور نمی شود .

تر و تازه اش که نیروی مزاجی بحر با اوست قوی تر و خشکاننده تر از کهنه آن است .

سنگ شده آن هم همین مزاج را دارد ولی کمتر گرم است .



خاصیت درمانی: بسیار خشکاننده است. اگر آن را به ویژه تازه اش را بسوزانند و خاکستر آن را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر جای بریده یا دریده بگذارند از خونریزی جلوگیری می کند و اگر تنها اسفنج را با آتش بسوزانند و بر زخم بگذارند چون گوهرش بازدارنده خون است و از سوئی با گرمی که از آتش دارد داغ می گذارد از خونریزی جلوگیری می کند و همچنین آن را فتیله کنند و به دهانه رگهای بهم آمده فرو کنند رگها را باز می کند ، لطافت بخش است و جلا دهنده (زداینده).

دمل و جوش: ورم های بلغمی را خشک می کند .

زخم و قرحه: اسفنج را در سرکه خیس نمایند و بر زخم بگذارند زخم را خوب می کند .

اسفنج را با عسل بجوشانند زخمهای عمیق را درمان می کند و اگر اسفنج را خشک یا با آب انگورکهنه خیس کنند و بر زخم بگذارند سودمند است. رطوبت های کهنه را می خشکاند و جای زخم را پاک می کند .

اندام های تنفسی و سینه: سوخته اسفنج همراه روغن زیتون در معالجه خون برآوردن مفید است .

سنگی که در اسفنج است سنگ مئانه را خرد می کند .

## ابرق

دارویی است از ایران و در تقویت عقل و هوش مفید است .

## ابریشم

همان حریراست و از چیزهایی است که قلب را شاد می کند .

ابریشم خام تا پيله است بهتر از ابریشم سوخته است و گاهی پخته شده آن را که رنگ نکرده باشند بکار می برند .

خاصیت درمانی: لطافت می دهد ، رطوبت را می مکد و شادی آور است .

اندام های غذا: بعلت تلخی و خاصیت دباغی که در ابریشم هست ماده دباغی دادن موجود است و از آنجا که لطیف و خشک کننده و بی سوزش است و خشکی معتدل دارد برای بر طرف کردن تصلبات ریوی بسیار سودمند است و هر نوع از ابریشم در این زمینه بکار می آید .

چشم: ابریشم را اگر سرمه کنند برای چشم مفید است . اشک ریزی را باز می دارد ، زخمها را خشک می گرداند و با چشم سازگار است .

ابریشم چاقی آور است و از اعتدال مزاجی که دارد خشک و معتدل می نماید .

ابریشم تقویت روح می کند و در هضم غذا کمک می نماید .

## اردک

نوعی مرغ است .

مزاج: اردک از همه ماکیانها گرم مزاج تر است . سرمازده را گرم می کند و گرماخورده را به تب گرفتار می نماید .

خاصیت: پیه اردک از پیه سایر پرندگان بهتر و برای تسکین درد و احساس سوزش در ژرفاهای بدن مفید است . گوشت اردک بادزا و چینه اش بسیار مغذ است .

آرایش: گوشتش فربهی می آورد و پیه اش رنگ و رو را صفا می دهد .

اندام های تنفسی: صدا را صاف می کند .

اندام های غذا: گوشت اردک در معده زیاد می ماند و سبب سنگین شدن معده می شود . گوشت غاز از آن سنگین تر است . بهترین و سبک ترین گوشت اردک بر معده بال اردک است . گوشت مرغان شناور اگر هضم شود از گوشت سایر پرندگان مغذی تر است .

اندام های دفعی: شهوت انگیز است و آب پشت را فزونی می دهد .

## ارمال

چوبی است خوشبو و رنگش به رنگ قرفه است .

آرایش: دهان را خوشبو می کند .

دمل و جوش: ضمادش در علاج ورم های گرم مفید است .

زخم و قرحه: از زیاد شدن زخم مانع و چرک را از بین می برد ، می خشکاند زیرا خشکاننده ای است که نمی گزد و نمی گذارد اندام ها متعفن شوند .

اندام های سر: مغز را توان می بخشد ، لثه را محکم می کند و ضد بیماری های دهان است .

چشم: خوردن آن در علاج رمد مؤثر است .

نفس کش و سینه: قلب و شاید درون را تقویت می نماید .

عموماً شکم را قبوضیت می دهد .

## ارتدبرید

ارتدبرید دارویی است به پیاز دو نیمه شده شبیه که درعلاج بواسیرمفیداست .

## اردقباقی

درختی است شبیه کبر (خرنوب شامی). میوه اش داخل غلاف است . بویش بسیار تند است و می کشد .

مزاج :تأثیر آن از تاج ریزی و کاکنه قوی تر است .

دمل و جوش :ورم های درونی را معالجه می نماید و اگر بر ورم های گرم خارجی بمالند ورم را در هر حالتی باشد از بین می برد .

زهرها :برجای نیش زنبور بمالند فوراً تسکین می یابد .

## استرک

گویند استرک شاداب خود بخود شیره می تراود و گاهی بوسیله ی پختن صحفش را می گیرند .آنچه خود به خود زرد رنگ است و هرگاه کهنه شد به رنگ طلایی می زند و این نوع ارزش زیاد دارد .

خاصیت :گیرنده و خشکاننده

سر:بعضی گفته اند گرم و خشک است و رطوبتهای مغز را می کشد و مغز را می پالاید .

اندام های غذا :پیه خشک رطوبت معده را بر می چیند .استرک خشک شکم را بند آورد .

## استبرک

درختی است از یمن و عربستان و یکی از شیره داران است .گویند نوعی از این درخت سایه اش سم است کسی زیر سایه اش بنشیند می میرد .

مزاج :گرم و خشک .

خاصیت :قبضی است ملایم .

آرایش :بر پوست بمالند در علاج بیماری های ویروسی پوستی (سعفه) و قوبا مفید است .

سر:بر سر بمالند خارش (حرارت) را از بین می برد .با غسل مخلوط کنند و به دهان بچمه بمالند زخم های دهان را شفا می دهد .

اندام های راننده :اسهال می آورد و روده را ناتوان می کند .

زهرها :نوعی استبرک هست اگر در سایه اش بنشینند زیان می بینند و شاید بمیرند بهتر آن است که از آن دوری کنند . شیره آن سمی است و شش و کبد را تکه تکه می کند و در مدت دو روز می کشد .

## اسفند

نیاز به معرفی ندارد .

خاصیت: تقطیع می کند و نرمش می دهد .

مفاصل: محلول آن را بر مفاصل بمانند درد مفاصل را از بین می برد .

چشم: دیسکوریدوس گوید: سائیده آن را با عسل و آب انگور کهنه و زهره کبک یا زهره مرغ خانگی و آب رازیانه مخلوط کنند کم سوئی را از بین می برد.

اندام های غذا: دل بهم خوردن به دنبال دارد .

اندام های دفعی: بخورند یا محلولش را بمانند ادرار بول و حیض می کند و در علاج قولنج مفید است .

## استوقدوس

گیاهی است دارای پرزهای باریک و سرخ رنگ که به پرزخوشه جو شبیه است. برگهایش از برگ جو درازتر است و چوبهایش خاکی رنگ و همچون افیمون بی گل است. مزه اش تند است و به تلخی می زند .

خاصیت درمانی: بوسیله ی تلخی که در آن وجود دارد گدازنده و لطافت بخش است .

خوردن آن بندآمدگی ها را باز می کند ، می زدايد و اندکی قبوضیت دارد که بدن و درون را توان می دهد و از عفونت جلوگیری می نماید .

مفاصل: آب پز آن دردهای پی و دنده ها را تسکین می دهد .

شربت آن در مداوای بیماری های سرد عصب بهترین دارو است . پس لازم است کسانی که ضعف اعصاب دارند یا از سرما به بیماری عصب دچارند این دارو را ادامه دهند .

سر: در علاج مالیخولیا و صرع سودمند است .

اندام های غذا: این دارو تشنگی آور است .

اندام های دفعی: مجاری بول را استحکام می بخشد. بلغم و سودا را بیرون می راند .

## اسفناج

نیازبه معرفی ندارد .

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت درمانی: ملین است و ارزش غذایی آن از سلمه بیشتر است .

در اسفناج قوتی است زداينده ، شوينده و صفرا را بر می کند. شاید برگ آن معده را خوش نیاید ، پس بهتر آن است که تصفیه شود و آنگاه بخورند .

اندام های تنفسی و سینه: خوردن و اندودن اسفناج برای سینه و ریه گرم و سودمند می باشد .

مفاصل:علاج دردهای خونین پشت است .

اندام های دفعی :ملین شکم است .

## اسفرزه

اسفرزه دو نوع است :زمستانی و تابستانی

مزاج:سرد و تر است .

خاصیت:خرد شده آن را در روغن گل بجوشانند قابض است .با سرکه ضماد کنند سردرد را به کلی از بین می برد .

دمل و جوش:با سرکه بهم بزنند در مداوای ورم های گرم ، مورچه ، جمره ، باد سرخ ، و به ویژه دملهای بناگوش و دمل های بلغمی بسیار مؤثر است .

مفاصل:ضمادش با سرکه و روغن گل پیچش و ترنجیدگی عصب ، نقرس و درد گرم مفاصل را درمان می کند .

سر:ضمادش را بر سر بگذارند سر درد گرم علاج می شود .

سینه:سینه را تماماً نرم می کند .

اندام های غذا :لعاب اسفرزه با روغن گل ، یا باروغن بادام تشنگی صفرایی شدید را تسکین می دهد .

اندام های دفعی :اگر اسفرزه را با روغن گل مخلوط کنند اسهال را بند می آورد و از خراش جلوگیری می کند ، به ویژه برای کودکان بسیار مفید است . اگر با روغن بنفشه باشد شکم را روان می کند .

تب ها :خوردن آن شدت تب های گرم را تسکین می دهد .

## اشنان

چندین نوع است .نوعی که سفید است و آن را چلغوز گنجشک گویند از همه لطیف تر است و نوع دیگر آن به رنگ سبز است

خواص درمانی :جلا می دهد ، تنقیه می نماید و بازکننده است .

اندام های دفعی :بند آمدگی بول را درمان می کند .

زهرها :سم قاتل است.و دود اشنان سبز حشرات را می گریزند .

## اشه

صمغ گیاه طرثوث است و برخی آن را چسبنده طلایی می نامند ، چه کاغذ و دفتر را با رنگ طلایی آن رنگ آمیزی و زینت می دهند. در باز کردن ، تأثیرش بحدی است که می تواند خون از دهانه رگها روان سازد. نیروی نرم کنندگی و خشک کنندگی هم دارد .

دمل و جوش :محلول و ضماداشه که همراه سرکه و بوره سرخ باشد در مداوای خنازیر، سخت شدگی ها و ترکیدگی مفید است .

زخم و قرحه :گوشت فاسد را می خورد ،گوشت سالم می رویاند و در علاج زخم های پلید سودمند است .

مفاصل :اشه آمیخته با عسل یا با افشره جو مسکن درد بیماری اعصاب(سیاتیک) ،پهلوی درد و درد مفاصل است .

اگر با عسل و زفت باشد و ضماد کنند سختی مفاصل را از بین می برد. اگر با سرکه و بوره و روغن حنا مخلوط کنند خستگی را بر طرف می کند .

چشم :زبری و گری پلکها را نرمش و سپیدی و جلا می دهد. در مورد رطوبت های چشم سودمند است .

نفس کش و سینه :درمعالجه «ربو» تنگی نفس و تند نفسی مفید است و باید با عسل بلیسند یا با افشره جو بخورند .

قرحه حجاب را تنقیه می نماید ،از خفگی ، بلغم و زهره سیاه رهایی می بخشد .

اندام های دفعی :در ادرار چندان مؤثر است که با بول خون می آید ، مسهل است. ضد کرم کدو است. حیض را روان می گرداند .

بیضه ها را که به سختی دچار شوند با اشه و سرکه بمالند نرمش طبیعی را بدست می آورند .

زهرها :اگر اشه را با مشک زمین و روغن زیتون مخلوط کنند قاتل حشرات است .

## اصطراک ، قره بخور

همان میعه است و شیره آن را عسل لبنی و قره بخور می گویند که این شیره عبارتست از قطره هایی که از درختی مانند درخت به تراوش می کند .

بهترین نوع از میعه سایل آن است که بدون وسیله روان وسایل است و تراکش چون عسل بی موم ،خوشبوی و رنگش به زردی مایل است .

اگر سیاه رنگ یا خاکستری رنگ باشد نوع خوب نیست .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :رساننده ، بسیار نرم کننده ، گرمی بخش و تحلیل برنده است . دودش همانند دود کندر است و نوعی تخدیر هم دارد .درشام روغن از آن می گیرند که ملینی قوی است .

ورم و جوش: سختی های گوشت را نرم می کند .

زخم و قرحه: برگری تر و خشک مالیده شود داروی بسیار خوبی است .

مفاصل: اندام های را توان می بخشد ، خوردنی یا مالیدنی باشد ترنجیدن مفاصل را خوب می کند . یکی از داروهای رفع خستگی است .

سر: بخار تر و خشک آن نزله ها را قطع می کند و بهترین علاج زکام است .

درمیعه و به ویژه در روغنش نیروی بیهوش کننده (خواب گران) است .

سینه: در سرفه همیشگی و بلغم و گلو درد مفید است . صداگرفتگی را از بین می برد و گلو را بسیار نرم می کند .

اندام های غذا: به هضم غذا کمک می کند .

اندام های دفعی: ملین شکم است . خوردن شود یا بردارند بول و حیض را راه می اندازد و سختی زهدان را نرم می نماید . میعه خشک و قبض است .

## اطراطیقوس

دارویی است که حالی نام گرفته است .

مزاج: کمترین سردی ندارد و هیچ قابض نیست .

خاصیت درمانی: تحلیل برنده و سرد کننده است .

دمل و جوش: ضماد و مرهم آن ورم رگهای پستان را فرو می نشاند .

## اغلاقونی

چوبی است سخت و خالدار ، خوشبو و پوستی دارد پر نقش و نگار .

آرایش: مکیدن و آب پز آن را در دهان گردانیدن ، دهان را خوشبو می کند . از اغلاجون گرد می سازند و بر همه تن می پاشند ، تن را خوشبو می کند . گاهی آن را به جای کندر می توان دود کرد .

اندام های غذا: خوردن یک مثقال از چوب اغلاجون معده لزج را به اعتدال می آورد .

مرهمش سودمند است . شیرش مستی آور و درد کبد و درد پهلو را درمان می کند .

زخمهای روده ها و درد شکم و روده را از بین می برد .

## افیون

شیره خشخاش سیاه است. بو کردن افیون مصری خواب آور است. گاهی از کاهوی بیابانی نیز افیون می گیرند و آنهم مخدر است لیکن مخدری است ضعیف. افیون را بر آهنی سرخ شده در آتش بریان می کنند تا رنگش سرخ شود. افیون سنگین و تند بو و ترد (زودشکن) که در آب زودتر حل شود یا گداخته شود، از تابش خورشید نرم شود و چون بر شعله بگذارند چراغ را تاریکی ندهد، بهترین

نوع است. افیون زرد که آب را رنگ می کند و زبر و کم بو و رنگ آن روشن است افیونی است ناخالص و از خشخاش تیغی نشانی دارد.

گاهی از کاهوی بیابانی بدل افیون می سازند که کمتر بو دارد و شاید افیون را با صمغ عربی مخلوط کنند که افیون اصلی نیست و چنین افیونی بسیار روشن و درخشان است.

مزاج: سرد و خشک

خواص درمانی: مخدر است. مالیدن و خوردن آن آرام بخش همه دردها است. مقدار خوراکی افیون اندازه یک دانه عدس درشت است.

دمل و جوش: بازدارنده دمل های گرم است.

زخم و قرحه: قرحه را می خشکاند.

مفاصل: اگر افیون مخلوط با زرده تخم مرغ برشته و به ویژه افیون مخلوط با شیر را بر جای نقرس بمالند مسکن درد است.

اندام های سر: خوردن یا برداشتن آن با فتیله یا بدون فتیله خواب آور است. اگر گداخته افیون مخلوط با روغن گل و مر و زعفران را در گوش دردمند بچکانند درد بر طرف می شود، اما پیشینیان آن را مداوای رمب بکار نمی بردند و می گفتند به چشم زیان می رساند.

اندام های تنفسی و سینه: سرفه سخت و شدید را تسکین می دهد.

اندام های غذا: اگر از گرما و رطوبت، معده سست گردد افیون آن را دباغی می کند و جمع می آورد.

اندام های دفعی: بند آورنده اسهال است و از خراشیدگی و قرحه روده جلوگیری می کند.

## افیوس

افیوس حدقی چیزی است که به کره چشم می ماند.

مزاج: بنا به گفته ی جالینوس سرد و خشک است.

خاصیت درمانی: اگر بر زهار کودک بمالند بر آمدن مو را به تأخیر می اندازد.

اندامان غذا: میوه آن در مداوای یرقان سودمند است.



## افمیدون

خاصیت درمانی: بشدت سردی می دهد و رطوبت آبی زیاد با خود دارد .

اندام های سینه :برجستگی پستان را حفظ می کند .

اندام های دفعی :گویند هر کس بخورد عقیم می شود .

## افستین

گیاهی است که برگ آن شبیه برگ مرزه و دارای تلخی و گیرندگی و سوزش است .

حنین گوید :«افسننتین چندین گونه است :خراسانی ، مشرقی ، سوسی و طرسوسی».

دانشمندان دیگر که قدیمی تر از حنین هستند گفته اند :افسننتین نبطی ( خودرو ) معطر است .

افسننتین عموماً دارای گوهر خاکی و لطیف است .با مزاج خاکی خود دارای گیرندگی ،با گوهر لطیفش اسهال می دهد و باز کننده است .بهترین نوع افسننتین گونه سوسی و طرسوسی است که به رنگ عنبر است .

مزاج :گرم و خشک و افشره اش گرم تر است .

خاصیت درمانی :افسننتین بازکننده و گیرنده است .

افسننتین لباس را از بید و گزند حشرات نگاه می دارد و اگر با مرکب ترکیب شود رنگ مرکب ثابت می ماند ،تغییر رنگ نمی دهد و کاغذ را از موش خوردگی محفوظ می دارد .

آرایش :افسننتین رنگ و رو را زیبا می کند .برای موخوره و گری مفید است .لکه های بنفش زیر چشم را می زداید .

درزخم و دمل و جوش :ضماد و شربت آن برای گرفتگی های عروقی درونی مفید است .درمداوای گوش :بخار پخته شده آن درد گوش را تسکین می دهد و خوردن آن با عسل از سخته جلوگیری می نماید .

اندام های چشم :هرنوع و به ویژه خودرو آن اگر به صورت ضماد در آید و به زیر چشم ببندند برای معالجه هر نوع درد کهنه و تیرگی چشم مفید است .

اندام های تنفسی : شربت آن کشیدگی زیر سراسیبی های دنده های رو به شکم را معالجه می کند .

اندام های تغذیه :اگر پخته و افشره افسننتین را به مدت ۱۰ روز بنوشند در باز گردانیدن اشتها تأثیر به سزایی دارد . شربت افسننتین معده را تقویت می کند و در بسیاری از حالت ها مفید است . اگر کسانی که یرقان دارند آن را به مدت ۱۰ روز بخورند بسیار مفید است و در مداوای طحال مؤثر است و اگر آن را با عدس یا برنج بپزند و بخورند کرم ها را از بین می برد . افسننتین مخلوط با سنبل بادشکم و معده را چاره ساز است . اگر افسننتین را با روغن حنا مرهم کنند و بر تهیگاه بمالند درد

تهیگاه تسکین می یابد و اگر آن را با روغن گل محمدی مرهم کنند و یا با گل محمدی مخلوط کنند درد معده را از بین می برد و سفتی آن را بر طرف می نماید .

اندام های دفعی: دربیرون راندن بول و روان کردن حیض بسیار مؤثر است . به ویژه اگر آن را با عسلاب بردارند . افسنتین مسهل صفا است ولی در بلغم و آنچه در روده ها ماندگار است مؤثر نیست . علاوه بر آن شربت افسنتین در مداوای بواسیر و بریدگی - خراش و زخم مقعد نیز مفید است .

اگر آن را آب پز کنند و یا آن را با برنج بپزند و با عسل بخورند کرم را از بین می برد و شخص به اسهالی سبک دچار می شود . افسنتین با عدس سوخته نیز همین کار را انجام می دهد .

تب ها : خود به خود در مداوای تب کهنه مفید است .

سموم : با آب انگور کهنه پادزهر گزش نیش کژدم ، گزش راسو ، و سم شوکران است . اگر با سرکه باشد پادزهر قارچ سمی است و پاشیدن آن پشه را از بین می برد . اگر آن را با مرکب مخلوط کنند صفحات کتاب از موش خوردگی به دور می ماند .

## اقاقیا

صمغ درخت کرت (خرنوب مصری) است که می خشکانند و از آن قرص می سازند .

ترکیب آن از گوهر خاکی و گوهر لطیف است و از این رو همراه با نوعی سوزندگی است که با شستن بر طرف می شود و از آنجا که دارای تندی است در عمق فرو می رود و سردی می دهد .

این درخت خاردار است و خارهای آن راست نیستند و ساقه اش خمیده است . گلی سپید دارد و میوه آن مانند لوبیا گرگی سپید و در غلاف است .

اقاقیای سبز تیره که به سیاهی می زند بوی خوش دارد ، گران وزن ، سخت و از همه بهتر است .

مزاج : شسته آن سرد است و خشکاننده .

خاصیت درمانی : اقاقیا گیرنده است و خونریزی را باز می دارد .

آرایش : اقاقیا رنگ را زیبایی و مو را سیاهی می بخشد و چاره ترک های ناشی از سرماست .

دمل و جوش : در این زمینه اقاقیا با آس برابر است و کژدمه را علاج می نماید . اگر با سپیده تخم مرغ همراه باشد سوختگی و دمل های گرم را خوب می کند .

مفاصل : اقاقیا سستی مفاصل را از بین می برد .

اندام های سر : اقاقیا در مداوای قرحه های دهان مفید است .

اندام های چشم : تنها اقاقیای مصری در مداوای چشم مؤثر است که دید را نیرو می بخشد ، چشم را لطیف می کند ، چشم درد را آرامی می بخشد و سرخی داخل چشم را بر طرف می سازد .

اندام های دفعی: وارد بدن کردن به صورت (آمپول -شیاف و ...) (اماله) و ضماد و شربت اقاقیا شکم را بند می آورد .  
در معالجه خراش و اسهال خونی مفید است .سیلان رحم را قطع می کند . بر آمدن مقعد و رحم و سستی آنها را از بین می برد .

## اقریطس ، گل جزیره کرت

گوهری هوایی بسیار دارد .با سایر گلها هم کنش و از آنها کم توان تر است. زداینده بی سوزش است .حواس را ناتوان می کند .  
چشم :علاج جوش و سرخی و خارش پلکها است .  
اندام های دفعی :گویند زایش را آسان می کند و بارداران اگر بر شکم ببندند نگهدار جنین است .

## آکرا

اکثراً بیخس را به منظور دارویی بکار می برند .  
بهبتریش رگی است که به ستبری انگشت و بسیار زبان سوز باشد .  
مزاج :کسانی که جای باور نیستند می گویند سرد و لطیف است در صورتی که گرم و خشک است .  
خاصیت :بجوند بلغم را جذب می کند .اگر با روغن زیتون مخلوط باشد و بدن را با آن بمالند از گرمی که در اوست عرق بدن را ریزش می دهد .  
آرایش :با روغن زیتون عرق ریز است .  
مفاصل :تن را با آن یا با آب پز آن یا با روغنش بمالند ،در علاج سست عصبی همیشگی ،کرخی عصب مفید است و کزاز را باز دارد .  
سر :بندآمدنی های پالایشگاه و بینی را به خوبی باز می کند ،آب پزش داروی درد دندان و به ویژه علاج درد سرد دندان است .بیخس را در سرکه بجوشانند و در دهان بگردانند دندان لق را استوار می کند .  
تب ها :مقبل از آمدن تب لرز بیخ آن را با روغن زیتون مخلوط کنند بر بدن بمالند مانع تب لرزه می شود و گروهی می پندارند که ضد هر لرزشی است .

## اوسیه

نوعی نیلوفر هندی است و مزاجی گرم و خشک دارد .

## اورمالی ، عسل دارو

روغنی است بسیار گرم و پر مایه چون عسل و از عسل غلیظ تر. در اصل شیره ای است که از ساقه درختی که در تدمر می روید به دست می آورند، از آن شیره روغن می گیرند، آن را با روغن گل آن درخت مخلوط می کنند و آن را اورمالی و روغن عسل هم می نامند. هر چه صاف تر و پر مایه تر و کهنه تر باشد بهتر است.

مزاج: گرم و تر و گرمی آن بیشتر است.

زخم و قرحه: هم ضماد و هم مالیدن آن گری چرکین را درمان می کند.

مفاصل: درد مفاصل را بر طرف می کند.

اندام های سر: سستی زا و خواب آور است.

چشم: در چشم بکشند تاریکی چشم را از بین می برد.

اندام های دفعی: کسی که آن را به قصد اسهال می خورد تا فرجام کار نباید به خواب رود.

## اوبوپیلون

گیاهی است که به کدومی ماند.

زخم و قرحه: گویند در معالجه زخم های تر بهترین دارو است. مرحمش زخم ها را بهم می آورد و جوش می دهد.

## انجدان رومی

مزاج: تخم و بیخش گرم و خشک است.

خاصیت: بازکن و بادشکن و تحلیل برنده است.

اندام های غذا: رساننده و هاضم است. بادها و به ویژه باد معده را از بین می برد و معده را تقویت می کند.

اندامهای دفعی: کرم و کرم کدو را از بین می برد. تخمش در ریزش دادن بول و حیض بسیار مؤثر است.

زهرها: پادزهر هر نیشی است.

## اندر

دارویی است کرمانی، هوش و ذکاوت را افزایش می دهد.

## انگدان

دو نوع است سپید و سیاه. انگدان سیاه در غذاها داخل نمی شود.

خاصیت درمانی: لطافت زا است و بیخس بادآور. اگر تن را با آن و به ویژه با شیره آن ماساژ دهند در جذب کردن مواد به خارج بسیار مؤثر است.

آرایش: بوی تن را تغییر می دهد، ضماد آن که با روغن زیتون باشد لکه سیاه خونی زیر چشم را به کلی از بین می برد.

دمل و جوش: در علاج زخم های درونی سودمند است، اگر انگدان و بیخ آن را با مرهم ها مخلوط کنند خنازیر را درمان می کند.

مفاصل: انگدان مخلوط با روغن بنفشه یا روغن حنا درد مفاصل را درمان می کند.

اندام های غذا: بیخ آن باد گلو می آورد، شکم را قبوضیت می دهد، دیر هضم است و هاضم، معده را گرمی می بخشد، تقویت می کند اشتها بر می انگیزد.

اندام های دفعی: اگر آن را با پوست انار و سرکه بپزند، بواسیر مقعد را از بین می برد، ادرار آور است و برای مثانه زیان آور. زهرها: پادزهر هر سموم است.

## انیسون

این دارو تخم رازیانه رومی است. تند مزگی آن از رازیانه خودرو کمتر است. دارای نوعی مزه شیرین و بهتر از رازیانه خودرو است.

مزاج: جالینوس گوید: گرم و خشک است.

خواص درمانی: باز کننده و کمی گیرنده و گس است. مسکن دردها، عرق آور و بادشکن است و اگر در روغن جوشانده شود تأثیرش بیشتر است.

در مزاج انیسون اندکی تندی است که تقریباً با داروهای سوزنده برابر می باشد. سر: اگر آن را بخار کنند و بخار آن را استنشاق کنند سر درد و سرگیجه را از بین می برد.

اگر آن را بکوبند و با روغن گل محمدی بیامیزند و در گوش بچکانند بیماریهای درونی گوش را که ناشی از اثر ضربه یا برخورد باشد بهبود می بخشد و درد گوش را بر طرف می نماید.

چشم: برای سبل مزمن داروی خوبی است.

دستگاه تنفس و سینه: شیر را فزونی می دهد.

تغذیه: حالت تشنگی را که از رطوبت های بورقی رخ می دهد از بین می برد.

برای بند آمدگی های کبدی مفید است و رطوبت طحال را بر طرف می سازد.

اندام های دفعی: بول و حیض سفید را ریزش می دهد. رطوبت های سفید را از زهدان پاک می نماید و شهوت جماع را بر می انگیزد. گاهی که سبب ادرار می شود شکم را بند می آورد، راه بندان های کلیه و مثانه و زهدان را باز می نماید. تب ها: با تب کهنه مقابله می کند.

زهرها: پادزهر هر سموم و حشرات سمی است و زبان آنها را دفع می نماید. انگشتان اخمو شکوفه سورنجان است و تأثیرش تأثیر سورنجان.

## اناکیر

دو نوع است گل زرد می دهد و دیگر گلش آسمانی رنگ است.

زخم و قرحه: هر دو نوع در مداوای جراحات و باز داشتن از آماسیدن مفیدند. خار و پیکان ها را بیرون می کشند. از انتشار زخم جلوگیری می کنند. اگر با آب هر نوعی از آن غرغره کنند یا به بینی بکشند، بلغم های سر سرازیر می شود و درد دندان تسکین می یابد.

اندام های دفعی: با آب انگور کهنه خورده شود درد کلیه را بر طرف می سازد.

به عقیده بعضی آنچه گلش کبود رنگ است برآمدگی های اطراف مقعد را معالجه می نماید و آنچه گل سرخ می دهد برآمدگی های نامبرده را افزایش می دهد.

زهرها: با آب انگور کهنه خورده شود پادزهر مار است.

## انگور

انگور سفید ارزنده تر و انگوری که چیده شده و دو روز یا سه روز از چیدنش گذشته بهتر است.

مزاج: پوسته انگور سرد و خشک و دیر هضم است. مغزش گرم و تر و دانه اش سرد و خشک است.

خاصیت: انگور تازه چیده بادآور است. اگر آن را آویزان کنند تا پوستش خوب پژمرده شود غذای خوب می دهد و معده را توان می بخشد. در تغذیه خوب و در کم زبانی با انجیر برابر است هر چند غذای انجیر از انگور بیشتر است مویز دوست کبد و معده است.

اندام های غذا: انگور و مویز همراه دانه داروی دردهای روده است.

## انار

انار شیرین سرد و تر و انار ترش سرد و خشک است.

خاصیت: انار ترش صفرا را بر می کند. جریان زائده ها را به درون راه نمی دهد.

ورم: انار دانه و عسل را بر کژدمه بمالند مفید است .

زخم و قرحه :دانه انار و عسل را بر قرحه پلید و زبر بمالید مفید است .

کاسبرگ انار و به ویژه سوخته آن و گلنار از گرمی که دارند زخم را بهم می چسبانند .

چشم :افشره انار ترش با عسل داروی ناخنه است .

سینه :انار ترش سینه و گلو را زبر می سازد .هراناری در علاج تپش قلب مفید است و قلب را جلا می دهد .

اندام های غذا :همه انواع انار کیموس خوب دارند و انار میخوش برای معده از همه بهتر است و التهاب معده را فرو می نشاند .انار شیرین با معده سازگار است .

اندام های راننده :انار ترش و شیرین هر دو بول را ریزش می دهند .

تب ها :انار میخوش در تب ها و التهابات مفید است . انار شیرین اکثراً تب داران گرم را زیان می رساند .

## انجیر

انجیر خوب در درجه اول سفید و بعد سرخ و بعد سیاه است .

انجیر خوب رسیده بسیار خوب و کم زیان است .انجیر خشک کنش خوب دارد و لیکن خونی که از آن به وجود می آید خوب نیست و به این علت است که تنها خوردنش شپش زیاد می کند . اما اگر با گردو و یا بادام بخورند کیموس خوب می دهد .

مزاج :انجیر تر گرم و بسیار تر و آبکی است .انجیر نارس زداینده و سردی بخش است .

انجیر خشک گرم و لطیف است .

خاصیت :انجیر خشک و به ویژه تند مزه آن بسیار زداینده ، رساننده و گدازنده است .انجیر پر گوشت بیشتر رساننده است و چسبندگی و تکه کنندگی و لطافت بخشی هم دارد .

انجیر وحشی از انجیر باغی تند مزه تر و قوی تر است .انجیر بادزا است .

آرایش :انجیر نارسیده را بر پوست بمالند یا ضماد شود ، در علاج خال ها ، زگیل ماندها و لک و پیس مفید است .داروی ورم گرم و سست است . دمل را می رساند و به ویژه اگر با زنبق و نطرون یا با آهک و پوست انار باشد داروی کژدم است .

ورم و جوش :انجیر را با آرد جو بپزند و ضماد کنند ورم سخت را نرم می کند .

انجیر را آب پز کنند و در گلو گردانند (غرغره) ورم گلو را از بین می برد .

انجیر پخته و پوست انار داروی ورم بناگوش است .

انجیر و پانیذ علاج کژدمه است . انجیر خشک و شیرین برای ورم کبد و طحال زیان آور است .

زخم و قرحه :افشره برگ انجیر زخم آور است .آب پز انجیر را با کف خردل بر خارش بمالند مفید است .برگ انجیر داروی بیماریهای ویروسی پوستی و جوش های ( شری )را علاج است .

مفاصل :انجیر نارسیده و برگ انجیر و برگ خشخاش را با هم ضماد کنند و بر پوست استخوان بگذارند مفید است .

سر :انجیر تر و خشک در صرع مفید است .آب پز انجیر را با کف خردل مخلوط کنند و در گوش بچکانند صداهای گوش را می خواباند .

افشره شاخه انجیر قبل از آنکه برگ از آن سر بزند یا شیره انجیر بر دندان کرم خورده سودمند است .

ضماد انجیر ورم بناگوش را علاج می کند .انجیر نارسیده خشک شود و بکوبند و گردش را بر قرحه سر پاشند سود بینند .

چشم :شیره انجیر مخلوط با عسل در مداوای تیرگی چشم مرطوب ،اول آب به چشم آمدن و کلفت شدن طبقات چشم مفید است .

ماساژ دادن پلک چشم با برگ انجیر زبری و گری پلک را از بین می برد .

سینه :انجیر تر و خشک زبری گلو را از بین می برند .انجیر شیر پستان را ریزش می دهد ،سرفه مزمن را علاج است و در مداوای ورم شش و نازک نی مفید است .

اندام های غذا :انجیر راه بندان های کبد و طحال را می گشاید .

انجیر خشک تشنگی آور است .اگر با خاراگوش باشد داروی استسقا است . خوردن شربت انجیر به نفع معده است و اشتهای خوراک را کاهش می دهد .

انجیر خشک که زداپندگی دارد برای کبد و طحال آماس کرده زیان دارد .

انجیر نمی گذارد مواد ناجور به سوی روده راهی شوند .افشره برگ انجیر دهانه رگهای پیژی را باز می کند . انجیر تر ملین و کمی مسهل است . به ویژه اگر با بادام کوبیده خورند مسهلی ملایم است و سفتی زهدان را نرم می کند .شیره انجیر را با زرده تخم مرغ بردارند زهدان را می پالاید ، حیض و بول را راه می اندازد .خوردن انجیر یا شنبلیله زهدان را تقویت می کند و جمع می آورد .با فیجن و انجیر و به ویژه با شیرش حفته کنند پیچ و درد روده را درمان می کند و ریگ را از گرده بیرون می آورد .

زهرها :شیرش را بر نیش کژدم و رتیل بمالند مفید است .

انجیر نارسیده یا برگ سبز انجیر را بر گزیده سگ هار بگذارند مفید است .

ضمادش که با گاودانه باشد پادزهر دندان راسو است .

خاکستر آب مکرر چوب انجیر خورده شود یا مالیدنی باشد پادزهر نیش رتیل است .



## الوا

افشره منعقد شده ای است به رنگ میانه سرخی و زعفرانی و چندین نوع دارد: اسقوطری، عربی و سمنگانی . بعضی گویند گیاهش همچون زنجفیل شامی است که اشتباه است . بهترینش اسقوطری است که آبش چون آب زعفران و بوی مر دارد . درخشنده ، زودشکن و بدون ریگ باشد .

مزاج: خشک و گرم .

خاصیت: گیرنده و خشکاننده بدن و خواب آور است .

آرایش: الوا و عسل علاج اثر ضربه و شفا بخش کژدمه چرکین است .

الوا و آب انگور کهنه را بر سر بمالند از ریزش مو جلوگیری می کند .

ورم و جوش: اگر با آب انگور کهنه یا عسل باشد در علاج ورم پس و پیش (مقعد و ذکر) و ورم ماهیچه های پهلوی زبان بسیار مفید است .

زخم و قرحه: قرحه های سر سخت را دوا می کند بینی، دهان یا ناصور باشند .

مفاصل: داروی درد مفاصل است .

سر: سر را زائده های صفراوی می پالاید. الوا و روغن را بر پیشانی و گیجگاه بمالند سردرد را از بین می برد. الوا و روغن گل در علاج قرحه بینی و دهان و کوفتگی گوش و آماس ماهیچه های پیرامون زبان خوب است . به شرطی که با آب انگور کهنه یا عسل باشد و بر پوست بمالند .

چشم: الوا در علاج قرحه و گری و درد چشم و خارش گوشه چشم و در خشکانیدن رطوبت چشم بسیار مفید است .

اندام های غذا: خوردن دو قاشق الوا با آب سرد یا ولرم معده را از زائده های بلغمی و صفراوی پاک کرده و اشتهای تباه و دروغین را رد می کند .

سوزش و التهاب زبان کوچک که ناشی از گرمی زرداب معده باشد چاره اش با الوا است .

بندآمده های کبد را باز می کند لیکن به زیان کبد است و از اسهالی که می دهد داروی یرقان است .

اندام های راننده: خوردن آن با آب گرم اسهال می آورد . اگر با آب عسل بخورند بلغم و صفرا را بیرون می آورد. الوا با هر داروی مسهلی باشد معده را از زیان حفظ می کند . بهترین و سالم ترین

مسهل برای معده است. الوای شسته کمتر اسهالی است اما برای معده سودآورتر است با عسل که باشد از قوتش می کاهد و اسهالش از جذب کردن نیست بلکه با هر چه برخورد کند بیرون می آورد. خالص که خورده شود اثرش از کبد خارج نمی شود و به معده نمی رسد. خوردن الوای عربی افسردگی می آورد، درد و پیچ روده و اسهال به دنبال دارد. در روزهای سرد خوردن

الوا خطرناک است. شاید اسهال خونی بدهد. مخلوط آن را با آب انگور کهنه شیرین بر بواسیر برآورده و ترک های لبه پیزی بگذارند مفید است. خونریزی پیزی را قطع می کند. ورم مقعد را درمان می کند. شفای ورم ذکر است به شرطی که با آب انگور کهنه و عسل باشد و بر ورم بمالند .

## الماس

بعضی گویند سرد و خشک است و دیگران بر این عقیده اند که گرم و خشک است .

خاصیت درمانی :بسیار زدااینده است و به عقیده دیسقوریدوس سوزنده و عفونت آور است .

آرایش :در جلا دادن دندان بسیار فعال است .

اندام های سر :بعضی عقیده دارند که گذاشتن الماس در دهان دندانها را می شکند ، و در این زمینه دو رأی دارند .گویند خاصیت الماس دندان شکنی است ،یا اینکه در جایی که الماس هست مارهای سمی بسیار است .

اندام های دفعی :بعضی گفته اند : اگر دانه ای از الماس را بر سر پمپی بوسیله ی سقز رومی بچسبانند و پرتاب کنند و به مثانه برسانند سنگ مثانه را خرد می کند که نظریه ای بعید بنظر می رسد .

زهرها :الماس سم قاتل است .

## خواص مواد دارویی حرف(ب)

« ب »

### بابونه

گیاهی است که گلپایش به رنگهای زرد، سفید و ارغوانی یافت می شود و گیاهی است مشهور و شناخته شده .

ازبرگ و گل بابونه قرص می سازند و ساقه آن را می خشکانند و نگاه می دارند. اکثراً در زمینهای خشن و نزدیک به کناره های زمین می روید. در بهار کنده و جمع آوری می شود .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت درمانی: باز کننده است ، غلیظ را لطیف می نماید ، سستی می آورد ، گدازنده است با کمی جذب یا اصلاً جاذب نیست .

دمل و جوش: بوسیله ی قوت سست کنندگی و تحلیل که در آن موجود است ورم های گرم را فرو نشاند و تصلبات کم را نرم می کند. خوردن آن در مداوای ورم سخت داخلی مفید است .

مفاصل: کشیدگی را سستی می دهد. همه اندام های عصبی را تقویت می نماید و برای رفع خستگی از هر دارویی سودمندتر است ، زیرا حرارت بابونه به حرارت جاندار می ماند .

سر: مغز را تقویت می کند ، در مداوای سر درد سر ، تخلیه سر از مواد ناسازگار مؤثر است . زیرا می گدازد و جذب نمی کند . زخم های دهان را بهبود می بخشد .

چشم: ضماد آن جوش ترکیده چشم (غرب) را شفا می دهد و در مداوای رمد و تیرگی و جوش و خارش و حرب چشم سودمند است .

سینه: خون را از سینه پاک می کند و بر می آورد .

اندام های غذا: بیرقان را از بین می برد .

اندام های دفعی: هرنوع از بابونه به ویژه بابونه ای که گل ارغوانی دارد در ادرار بول و بیرون آوردن سنگ مؤثر است . در علاج دردهای سرد و گرم مثانه بابونه را بر مثانه می بندند .

تب ها: برای تب های سبک و ورم های گرم درونی که هنوز به طور کامل نرسیده باشند سودمند است . اما در تب های بسیار شدید و در ورم های گرم تمامی رسیده اثری ندارد .

### بابونه چشم گاو یا اقحوان

به قول دیسکوریدوس: برخی از مردم ، اقحوان را اماریون ، برخی قورینبون و گروهی از قسمون می نامند .

اقحوان دو صفت دارد: زرد مایل به سرخی و سفید . نوع سفیدش قوی تر است .

گیاه آن دارای چوبهای نازک است ، گل آن سفید و مدور و وسطش زرد است . بویی سنگین دارد و مزه اش به تلخی می زند، گل اقحوان به گل مرو می ماند. تند مزه و تند بو است .

خاصیت درمانی: گرمی بخش ، رساننده علاج انواع انسداد است و نوع سرخ رنگ آن قابض و مانع سیلان است . تحلیل می برد لیکن در گیرندگی و خشکانیدن از گدازندگی قوی تر است .

اقحوان عرق آور است و اگر روغنش را بر اندام بمالند عرق می آورد .

تحلیل برنده و لطافت بخش است و همه رگها را باز می کند .

اندام های سر: خواب آور است و بو کردن تازه آن سبب خوابیدن می شود. روغن اقحوان درد گوش را درمان می کند .

مفاصل: در مداوای پیچش ، پی ، پارچه پشمی را در اقحوان آب پز شده می خیسانند و بر جای دردناک می گذارند مفید است .

دمل و جوش: ورم گرم معده و خون بند آمده در معده را از بین می برد و در علاج ورم های سرد نیز مفید است .

زخم و زخم های چرکی: در مداوای ناصور و قرحه های پلید و برکندن خشک ریشه و علاج زخم های پی مفید است .

اندام های تنفس و سینه: اگر خشک شده آن را با سکنجبین و نمک بخورند در علاج «ربو» مفید است .

اندام های غذا: برای فم المعده بد است لیکن چیزهایی را که با معده سازگار است و بسوی معده می آیند تحلیل می برد و می خشکاند و خون بند آمده داخل معده را آب می کند .

اندام های دفعی: شدیداً ادرار آور است . اگر با عسل آب باشد خون منعقد در مثانه را حل می کند . گل اقحوان اگر با عسل آب خورده شود سنگ مثانه را خرد می نماید .

شکوفه اقحوان و استعمال روغن آن در نزد زنان بول و حیض را ریزش می دهد . استعمال روغن اقحوان نیز مدر است و سفتی زهدان را از بین می برد و آن را باز می کند .

روغن آن سودا و بلغم را بیرون می دهد و در علاج ورم های گرم لبه مقعد و ترکاندن بواسیر مفید است . در علاج ترک های آب ریز و قولنج و درد مثانه و سفتی طحال مفید است .

## بار سرو

ضماد آن در علاج فتق و ورم ها سودمند است .

## بارزد (قنه)

دیسقوریدوس گوید: فنه انگم گیاهی است که به خیزران می ماند و در سوریا یعنی در شام می روید. بعضی آن را (مکانیون) گویند. نوع بهتر متراکم تر است که به کندرشیه است و با دست خرد می شود .

مزاج: گرم و خشکاننده است .

خاصیت: نرمی بخش ، تحلیل برنده ، بادشکن ، گرمی بخش و التهابی و جاذب است و از آن داروهاست که شاید گوشت را تباہ سازد .

آرایش: جوش های عدسی را قطع می کند .

ورم: دارای خنازیر است .

قرحه: با سرکه بر زخمهای شیری بمالند خوب است .

مفاصل: در علاج خستگی و کزاز و ترنجیدن ماهیچه مفید است .

سر: داروی سردرد است . صرعی دار آن را بو کند بهوش آید . علاج گیجی و بیهوشی است . داروی دندان درد و دندان کرم خورده است . درد سرد گوش را درمان می کند .

اگر با روغن سوسن باشد و نیمه گرم در گوش بچکانند ورم و درد گوش را سودمند می آید و هیچ آزاری ندارد .

سینه: علاج برنشیت و سرفه همیشگی است .

اندام های راننده: در ریزش دادن حیض بسیار قوی است . اگر بردارند خفگی زهدان را معالجه می کند .

زهرها: پادزهر تیر زهرآلود ، و سم مار و کژدم است . دودش حشرات موزی را تار و مار می کند .

## بادرنگبویه

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: در علاج همه بیماریهای بلغمی و سودایی مفید است .

آرایش: در خوشبو کردن دهان بسیار مؤثر است .

زخم و قرحه: داروی گرمی سودایی است .

سر: بندآمده های راه به دماغ را باز می کند و بوی گند دهان را از بین می برد .

سینه: شادی آور ، توان بخش قلب ، علاج خفقان است .

اندام های غذا: کمک هضم غذا است و داروی سکسکه می باشد .

## بادنجان

نیاز به معرفی ندارد . تازه ترش سالم تر است و کهنه اش بد است و مزه و مزاج قلیا را دارد .

مزاج : به عقیده ابن ماسرجویه سرد مزاج است . لیکن در حقیقت چون تلخی و تندی دارد گرمی و خشکی در درجه دوم غالب آمده است .

خاصیت : سبب سودا و انسداد می شود .

آرایش : پوست را بد رنگ و سیاه می کند . رنگ را زرد می گرداند . بادنجان کوچک همه پوست است و لکه های سیاه صورت را سبب می شود .

دمل و جوش : پدید آورنده ورم های سرطانی و سخت و جذام است .

اندام های سر : انسداد ، سردرد و جوشهای دهان را بوجود می آورد .

اندام های غذا : گرفتگی هایی برای کبد و طحال در بر دارد . اما اگر آن را با سرکه بپزند گرفتگی کبد را باز می کند .

اندام های دفعی : باعث بواسیر است ، ولیکن اگر دنباله های بادنجان را در سایه خشک کنند برای دفع بواسیر خوب است . بادنجان به روانی و قبضی شکم کاری ندارد . اما اگر در روغن بپزند روان کننده و اگر با سرکه بپزند قابض است .

## بادام

نیاز به معرفی ندارد . بادام از گردو کم روغن تر است اما گردو از بادام زود هضم تر است .

مزاج : بادام شیرین تقریباً در گرمی و تری معتدل است و کمی سوی تری می گراید .

بادام تلخ گرم و خشک است .

خاصیت : انگم درخت بادام تلخ گیرنده و گرمی بخش است . بادام عموماً زداينده و پاک کننده و بادکننده هست . لیکن بادام تلخ لطافت بخش است و زدايندگی بیشتر دارد و از اینرو در باز کردن قوی تر از بادام شیرین است

آرایش : بادام تلخ علاج لکه های سیاه ، کک و مک ، اثرها و گرمی زدگی ها می باشد .

ترنجیدگی رخساره را سر حال می آورد . بیخ بادام تلخ را بپزند و بر لکه های سیاه بگذارند بسیار مفید است . خوردن بادام شیرین فریبهی می آورد .

ورم و جوش : بادام تلخ با آب انگور کهنه علاج شری است (آبله ریزهای سرخ و آزار دهنده) .

قرحه : با غسل بر پوست بمالند مورچگی و ساعیه (ریز تر از مورچگی) را علاج می کند . با سرکه یا آب انگور کهنه داروی بیماریهای ویروسی پوستی یا (پوست انداختن) و تلخ از شیرین کاری تر است .

سر: بادام و به ویژه تلخ کوبیده و سائیده داروی درد گوش و صداها و وزوزگوش است. با بادام و آب انگور کهنه سر را بشویند رطوبت و سپوسه و شوره را از میان بر می دارد و خواب می آورد .

چوب درخت بادام تلخ را بکوبند تا تمام نرم شود، آنگاه با سرکه و روغن گل مخلوط کنند و بر پیشانی ببندند سردرد از بین می رود. روغن بادام تلخ هم داروی سردرد است .

چشم: تقویت دید می کند .

سینه: بادام تلخ با نشاسته گندم داروی خون بر آوردن است و در علاج سرفه مزمن و برنشیت و ذات الجنب مفید است .

روغن بادام شیرین و قاوت بادام در علاج سرفه و خون بر آوردن مفید است .

اندام های غذا: بادام و به ویژه بادام تلخ راه بندان های کبد و طحال را باز می کند .

بادام تلخ دهانه رگهای دهان بسته را باز می نماید .

چغاله بادام که با پوست باشد دیرهضم است ، کم غذاست و خلطش خوب است .

چغاله را با پوست بخورند رطوبت معده را بر می چیند . و اگر همراه شکر بخورند زود سرازیر می شود .

قاوت بادام شیرین بر معده گران است و زرداب را بوجود می آورد .

اندام های دفعی: بادام تلخ راه بندان گرده را باز می کند ، روغن بادام تلخ تنقیه کننده کلیه و مثانه است و اگر با زنبق بخورند سنگ را خرد می کند .

بادام تلخ و روغن زنبق و روغن گل را ضماد کنند برای کلیه مفید است . بادام تلخ داروی درد ، ورم گرم ، سخت شدن و خفه شدن زهدان است .

علاج بی اختیری ادرار و درد گرده است . بادام تلخ را بردارند حیض را ریزش می دهد .

بادام شیرین که زداپندگی دارد و بادام تلخ که از آن زداپنده تر است و هر دو برای قولنج داروی خوبی هستند .

روغن بادام که از بادام جدا شود لطیف تر و سبک تر می شود .

زهرها: برای گزیده سگ هار مفید است .

## بارهنک

دو نوع از این گیاه موجود است: یکی بزرگ و دیگری کوچک . بارهنک بزرگ سودمندتر است .

مزاج: خشک و تر است .

خاصیت: برگ به علت داشتن ماده آبی سرد گیرنده است و نزیف خون را بند می آورد .

خشک آن گزنده نیست بلکه برای دمل های کهنه و نو بهترین علاج است .

ورم و جوش :در مداوای ورم گرم ، سوختگی ، مورچگی ، شری ، باد سرخ ، ورم های بیخ گوش و خنازیر بسیار خوب است .

زخم و قرحه :برای معالجه زخم چرکی پلید ، آتش فارسی که ساری باشد ، قرحه های همیشگی ، زخم های گود ، از هر دارویی پیشی گرفته است .

بارهنگ مخلوط با گل اندلسی (قیمولیا) و سفیداب را بر باد سرخ بگذارند شفا می دهد .

مفاصل :ضماد بارهنگ را بر پاغر بگذارند بازدارنده سردی است و آماس را فرو می نشاند .

سر :درد گرم گوش را تسکین می دهد ، آب پز ببخش را در دهان بگردانند دندان درد را آرام می کند . بارهنگ به جای سلق (نوعی چغندر) در شوربای عدس بریزند و بخورند برای صرع مفید است .

افشره برگ بارهنگ را در گوش بچکانند درد گوش تسکین می یابد .

بیخ بارهنگ را بچوند و آبش را در دهان بگردانند علاج دندان درد است و زخم و جوش درون دهان را شفا می دهد .

چشم :سرمه کش را به افشره بارهنگ بمالند و در چشم بکشند رمد را بر طرف می نماید .

نفس کش :بارهنگ را بجای سلق در آش عدس بریزند برای برونشیت مفید است .

تخم بارهنگ علاج خون برآوردن است .

اندام های غذا :بجای سلق بارهنگ را با عدس بپزند در باز کردن راه بندها کبد ، درد گرده ، بیماری استسقا مفید است .

اندام های دفعی :تخم بارهنگ را بخورند یا آبش را در وارد کردن به صورت (آمپول - شیاف...) بکار ببرند برای زخم روده ، اسهال مراه ای مفید است و خونریزی بواسیر بند می آید .

تب ها :گویند علاج تب سه گوش (تب نوبه) است .

زهرها :بارهنگ و نمک را برگزیده سگ هار بگذارند سودمند است .

## بارهنگ آبی

مزاج :گرم و خشک است .

خاصیت :گویند هیجان را فرو می نشاند .

اندام های دفعی :گویند در مداوای زخم روده ، پیچش و درد روده ، درد زهدان ، سودمند و ادرار بول و حیض می کند و در علاج فتق مؤثر است .

زهرها :پادزهر خرگوش آبی و افیون و غیره است .



## باقلا

باقلاچندین نوع است: آنچه ما می شناسیم ، باقلای مصری ، نبطی و هندی است .

باقلای نبطی از همه قابض تر و مصری از همه رطوبتی تر است .

اگر باقلادیر هضم و نفاخ نبود ، از لحاظ غذایی خوب از افشره جو کمتر نمی بود بلکه خونی که از باقلا پدید می آید از خونی که از افشره جو غلیظ می آید پر مایه تر و قوی تر است .

بهترینش باقلای سفید و چاق است که کرم زده نباشد .

بدترینش باقلای تازه و تراست و بهتر آن است که زیاد در آب خیس شود و خوب بپزند و آن را همراه فلفل و نمک و شیره ی انگدان وسعتر و روغن های دیگر بخورند .

اما باقلای هندی در اندازه ای ویژه تنها در داروهای استفراغ و روان ساختن شکم بکار می رود .

مزاج: تقریباً معتدل است و گرایش به سوی سردی و خشکی دارد . دارای رطوبتی بیش از لزوم است و بخصوص باقلای تر بیش از خشک آن تر مزاج است .

باقلای تر بارطوبتی که دارد و با سردی که در آن هست می تواند کشنده باشد . و آنهایی که می پندارند سردی باقلا در درجه دوم است زیاده روی کرده اند .

خاصیت: اندکی زداینده و بسیار نفاخ است . اگر خوب بپزند ولی نه همچون افشره جو باشد و در وقت پختن چندین بار آب آن را عوض کنند حالت بادزایی را از دست می دهد .

اگر باقلا را پوست بکنند و مغزش را در دیگ بسایند و حرکت ندهند بادزایی آن کاهش می یابد .

باقلای در روغن جوشیده کم باد است ولیکن دیر هضم تر هم هست .

نپخته باقلا با پوست ، بادش بسیار است و شاید آرد آن کم بادتر باشد . باقلای نبطی قابض است و پوستش از همه اجزایش قابض تر است و زداینده نیست .

باقلای مصری از همه انواع باقلها قبض تر و زداینده تر است و گوشت سست ایجاد می کند و خلط های غلیظ می آفریند . ولی بقراط باقلای مصری را به خوبی تغذیه ستوده و آن را مایه بهبودی می داند .

اگر باقلا را به دو نیم کنیم و بر جای نزیف بگذاریم خون بند می آید .

اگر مرغی از باقلا تغذیه کند و کسی تخم آن مرغ را بخورد خوابهای پریشان می بیند .

باقلاخارش با خود می آورد به ویژه باقلای سبز بسیار خارش آور است .

آرایش: پوست باقلا را بر مو بگذارند نرم و نازک می شود .

باقلا و به ویژه اگر با پوست باشد بهکلیک و پیس را از صورت می زداید و لکه های سیاه و نقطه ها را از بین می برد و رنگ و روی را زیبا می کند .

دمل و جوش :ضماد باقلا با آب انگور کهنه آماس بیضه را فرو می نشاند .

زخم و قرحه :درعلاج قرحه ماهیچه مفید است .

مفاصل :در مداوای ترنجیدن ماهیچه و ضماد آب پزش با پیه خوک در نقرس سودمند است .

سر :سردرد می آورد و هر کس به سردرد مبتلا است از خوردن باقلا زیان می بیند .

ماده ای سبز در اندرون باقلای مصری هست که تلخ مزه است اگر آن را بکوبند و با روغن گل مخلوط کنند و در گوش دردمند بچکانند درد از بین می رود .

چشم :باقلا را با عسل و شنبلیله ضماد کنند و بر چشم بگذارند برای پژمردگی چشم و نقطه سرخ داخل چشم مفید است .

باقلا با کندر و گل محمدی خشیکده و سفیده تخم مرغ ضماد شود داروی برآمدگی چشم است و به ویژه اگر کره چشم برآمده باشد .

اندام های تنفسی :برای سینه خوب است .داروی خون برآوردن و سرفه است .اگر باقلا را با عسل و آرد شنبلیله مخلوط کنند آماس گلو و لوزتین را فرو می نشاند .

ضمادش برای آماس پستان و پنیر شدن شیر در پستان داروی خوبی است .

اندام های غذا :دیر هضم است ، زود سرازیر می شود و زود بیرون می رود .علاوه بر این سبب انسداد می شود .باقلای پوست نکنده را در سرکه بپزند مانع استفراغ می شود .باقلای هندی مؤثرترین عامل قی کردن است .اندام های دفعی :باقلا را با سرکه و آب بپزند اگر با پوست باشد داروی اسهال مزمن است .

در مداوای خراش روده مفید است و به ویژه باقلای نبطی بیشتر مؤثر است و قاوت آن هم همین کنش را دارد .قاوت چنانکه هست یا شوربا شود فرقی نمی کند .

ضماد باقلا ورم رگ های بیضه را فرومی نشاند و به ویژه اگر با آب انگور کهنه بپزند کمترین مقدار باقلای هندی خورده شود اسهال می آورد .

## بدل مرجان

مشهور است .سنگی است که از دریا بیرون می آورند و به رنگهای سرخ ، سیاه و سفید یافت می شود .

مزاج :سرد و خشک است .

خاصیت :گیرنده است و نزیف راباز می دارد .خشکندهی آن بیشتر از گیرندگی و بسیار خشکاننده است .

زخم و قرحه :گوشت زیادی را از بین می برد .

چشم :چشم را جلا می دهد و تقویت می کند و به ویژه اگر سوخته آن را شستشو دهند مؤثرتر است .رطوبت های چشم را بر می مكد و اثر قرحه های چشم را از بین می برد و در مداوای (دمعه )مفید است .

اندام های تنفسی :در باز داشتن خون بر آوردن و در بیرون راندن خون مؤثر است و در این باره سیال آن همان تأثیر را دارد .و به ویژه سوخته شسته آن که از جمله داروهای تقویت قلب و تسکین خفقان قلب بشمار می آید. اندام های غذا : محلول آن در علاج آماس طحال مفید است .

اندام های دفعی :داروی زخمهای روده است .

## برباله

این گیاه دارای ساقه بزرگ و گره دار و ناصاف و شبیه فریز است . تخم زیادی دارد .خوشبو است و زبان را می خارد . این گیاه در میان برگهایش و نزدیک ساقه گل های بنفش رنگی تولید می کند که شبیه گل بنگ است هرچه خوشبوتر باشد بهتر است .ساقه های آن از اجزای دیگرش مفیدترند .قوت آن با قوت سوسن زرد برابر و از ادخر قوی تر است .

مزاج :این گیاه گرم و خشک است و شهرت دارد که گرمی آن بیشتر از خشکی است .

خواص درمانی :تمامی اجزای این گیاه در باز کردن و تسکین دردهای درونی مفید است به ویژه خیسانده آن .

مفاصل :اسارون و به ویژه خیسانده آن در مورد بیماری اعصاب(سیاتیک) درد مزمن سرین بسیار مؤثر است .

چشم :این گیاه در معالجه ستبری قرنیه مفید است .

اندام های تغذیه : بر باله در معالجه بند آمدگی های کبد و سخت شدن این عضو بسیار مفید و در مداوای یرقان نیز مفید است .

اندام های دفعی : برباله با تقویت مثانه و کلیه به دفع بول کمک می کند . دارای خاصیت مسهل است .

## برغست (قنابری)

مزاج :گرم است .

خاصیت :لطیف ،زداینده ، تکه کننده

آرایش :لکه های سیاه و بهک را می زداید و بدون شک خوردنش یا ضماد گذاشتنش بهترین برنده وضع (لکه های سپید صورت )است ، که در ظرف چند روز این کار را می کند .این دارو را عرب ها می شناسند .

زخم و قرحه :ضماد برگش زخمهای چرکی پستان را علاج است .

سر :آبش را به بینی بکشند رطوبت های غلیظ را علاج می کند .

نفس کش: شش را می پالاید و راه بندان ها را باز می کند .

اندام های غذا : راه بندان های کبد و طحال را باز می نماید .

اندام های راننده : آبخ شکم را روان می سازد ، ضماد برغست بواسیر و درد و پیچش روده را باز می دارد و سفتی زهدان را نرم

می کند و کیموس های غلیظ را بیرون می راند .

زهرها : برغست پادزهر همه حشرات موذی است .

## برنج

دانه ای است مشهور .

مزاج : گرم و خشک است ، برخی گویند از گندم گرمتر است .

خاصیت درمانی : برنج غذای خوبی است و کمی به خشکی مایل . اگر برنج را با شیر و روغن بادام بپزند نیروی غذایی آن بیشتر

و بهتر می گردد و دیگر خشکاننده و بند آورنده نیست به ویژه اگر برنج را شبی در آب سبوس بخیسانند .

برنج به کندی سردی می دهد و برای جلا دادن خوب است .

اندام های دفعی : برنج آب پز تا حدی قبض کننده است . شیر برنج آب پشت را زیاد می کند و قبوضیت ندارد . مگر آنکه آن را

در پوسته بسیار بجوشانند و آب آن را بخار کنند . اگر برنج را در آب سبوس بخیسانند این قبوضیت را به کلی از دست می

دهد .

## برطانیقی

برخی گویند بستان افروز است و قسمی گویند غیر آن است و برگش به برگ ترشک کوهی می ماند ولی این از ترشک بهتر

است و تقریباً سیه فام است .

خاصیت : برگ آن بسیار قابض است .

زخم و قرحه : زخم و زخم ها را بهم می آورد .

سر : داروی جوش های درونی و زخم های کهنه دهان است و باید در مداوای جوش های دهان رب آن استعمال شود که بسیار

سودمند است .

## برگ کابلی

گیاه برگ کابلی که عبارت از دانه ای هندی است دو نوع می باشد : کوچک و کم شاخه ، بزرگ و پرشاخه . کوچک آن بهتر از

بزرگ آن است .

دانه برگ کابلی را از هندوستان یا سند می آورند .

مفاصل: دربرکندن بلغم بسیار خوب است .

اندام های دفعی: برای راندن بلغم روده ، کرم کدو و سایر کرم ها بسیار مؤثر است .

## **بسیاسه**

نوعی گردو است که به حجم مازو می باشد . پوستش نازک و زودشکن است و بوی خوش و تند دارد .

خاصیت: قبوضیت دارد .

آرایش: کک و مک را می زداید و بوی دهان را خوش می کند .

چشم: تقویت دید می کند و داروی سبیل است .

اندام های غذا: کبد و طحال و معده و به ویژه فم معده را تقویت می دهد . شکم را بند می آورد . مدر و داروی عبی اختیاری ادرار است ، اگر با روغن ها مرهم شود مسکن درد است ، و پرزه (شیاف زنانه ) سودمند و مانع استفراغ است .

## **بسپایک**

بسپایک عبارت از چوبی است باریک ، خاکی رنگ ، گره دار و کمی به سیاهی و سرخی می زند یا مایل به سبز است .

شاخه هایی دارد شبیه به کرم هایی که پاهای بسیار دارند . مزه اش تا اندازه ای شیرین و گس است .

برخی گویند: بسپایک روی درختی در مردآب ها می روید . و پاره ای می گویند بر سنگ ها نمو می کند . بهترینش آن است که ستبری آن به اندازه ی انگشت کوچک و رنگش مایل به سرخی باشد و در درجه دوم نوع زرد پرمایه و شاداب و ترد که کمی تلخی و گوارایی همراه گسی دارد و مزه اش به مزه ی میخک شباهتی دارد ، خوب است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: گدازنده ، رساننده ، بادشکن و راننده رطوبت است .

مفاصل: ضمادش در پیچش عصب سودمند است .

اندام های دفعی: بدون درد دادن شکم را روان می کند ، بلغم و کیموس آبی را بیرون می راند . در مداوای قولنج بسپایک را در آبگوشت خروس یا ماهی یا آش حبوبات داخل می کنند .

بیخ بسپایک را بکوبند و گرد آن را با عسلاب سبک مخلوط کنند و از آن بخورند مراره و بلغم را بیرون می آورد .

## بشام

درختی است مصری، بو و برگش به برگ و بوی فیجن شبیه است. لیکن برگ بلسان سپیدتر است. تنه درخت بلسان به تنه درخت حضض (فلیزه‌ره) می‌ماند. از حیث تأثیر درمانی روغنش از دانه و دانه اش از چوبش قوی تر است.

روغن: شیره آن را بعد از طلوع ستاره دو خواهر می‌گیرند. با نیشتر تنه آن را سوراخ می‌کنند و هر شیره ای که از آن تراوش می‌کند بوسیله ی پنبه دانه بر می‌دارند و هر ساله بیشتر از چند رطلی جمع نمی‌شود.

مزاج: گرم و خشک

خاصیت درمانی: انسداد را باز می‌کند و در بیماری های درونی سودمند است.

زخم و قرحه: بشام و به ویژه اگر با زنبق باشد زخم را تنقیه می‌کند و پوسته استخوان را بیرون می‌کشد.

مفاصل: خوردنش برای مداوای بیماری اعصاب و تناول پخته شده آن در علاج ترنجیدگی مفید است.

اندام های سر: سر و زخم های سر را تنقیه می‌کند، در مداوای صرع و سرگیجه سودمند است.

اندام های چشم: بشام و شیره اش تم چشم را بر طرف می‌کند چشم را جلا می‌دهد و دید را تقویت می‌نماید.

اندام های تنفسی و سینه: چوب و دانه اش درمان پهلو درد، برونشیت شدید، نفس تنگی، دردسر و شش هستند.

شیره و دانه آن درمان ذات الریه سرد، و سرفه می‌باشد. همه اجزاء آن برای قسمت درونی بالایی شکم سودمند است.

اندام های غذا: در ضعف هاضمه مفید است. پخته آن سوء هضم را از بین می‌برد و معده را تنقیه می‌کند و کبد را قوت می‌دهد.

اندام های دفعی: مدر بول است.

درد و پیچ روده (مغص) را درمان است. بخور آن رطوبت زهدان را دفع می‌نماید و آن را خشک می‌کند و چاره ساز سردی زهدان است. اگر دود آن را برکشند کلیه دردهای زهدان را از بین می‌برد. پخته اش دهانه رحم را باز می‌کند. اگر با روغن گل و موم مرهم شود سردی رحم را برطرف می‌کند و در بی اختیاری ادرار سودمند است.

تب ها: شیره اش تب لرز را علاج است.

زهرها: ضد سموم و درمان مارگزیده است و اگر شیره آن را با شیر حیوان بنوشند پادزهر شوکران و به ویژه هر سموم حشرات مودی است.

## بشنیز

گیاهی است شبیه خاراکوش، ولی این به رنگ سبز است و رطوبتی چسبنده دارد. نوعی دیگر از آن هست که شاخه هایش از این کوتاهتر و برگش پهن تراست. برگ آن ریز و باریک و به رنگ های سپید و زرد در بهار و تابستان پیدا می‌شود.

خاصیت: لطافت بخش ، بسیار بازکننده ، ضماد آن فضول را از ریزش به سوی اندام باز می دارد .

سر: ضمادش سردرد سرد را درمان می کند. محللول و آب پزیش سالمتر است ،از بند آمدن بینی جلوگیری می کند و علاج زکام می باشد .

اندام های دفعی: سنگ کلیه را خرد می کند. درآب پزیش بنشینند حیض را روان می سازد و قرحه های زهدان را پاک می کند ،خوردن و ضماد آن زهدان بهم آمده را باز می کند و سختی زهدان را از بین می برد .

## بعل

گیاهی است که در بهاران در آب می روید و به یونجه و شبدر می ماند .

شاخه هایش بسیار و تخمش همانند تخم هویج است .

مزاج: گرم است .

اندام های غذا: برای طحال بسیار خوب است .

اندام های دفعی: مدر بول است .

## بکمون

همان عرفج بیابانی و از رده شیرداران و تخم آن چون سایر شیرداران آتشین و اسهال آور است .

بلوط

معروف است .بلوط قابض است و قبوضیت شاه بلوط کمتر است .

بیشتر قبوضیت بلوط از جفت آن است که پوسته داخلی بلوط است .

مزاج: سرد و خشک است .شاه بلوط که از شیرینی برخوردار است کمی گرمی در بر دارد .برگ بلوط از بلوط قابض تر و در خشکانیدن کمتر از بلوط است .

خاصیت: در شاه بلوط زداینده گی و در همه انواع بلوط قبوضیت هست . پایین های شکم را پر باد می کند و نزیف ها را باز می دارد و در این زمینه برگش از همه بیشتر کنش دارد .

همه انواعش نیروبخش اندام ها می باشد .شاه بلوط دیر هضم است و نیروی غذایی بیشتر دارد.اگر با شکر آمیزند نیروی غذایی آن افزایش می یابد.

جالینوس فرماید: بلوط تقریباً از حیث غذایی بودن به گندم می رسد و از سایر حبوبات مغذی تر است .شاه بلوط که شیرین است از بلوط مغذی تر است. لیکن عموماً غذایی برای آدمیزاد بسیار خوب نیست .

برخی از مردمان به خوردن بلوط عادت کرده اند ولی چون از آن نان می پزند سالمتر می شود و زیانی نمی رساند .

دمل و جوش :بلوط مخلوط با پیه بزغاله و خوک نمد سود برای گرفتگی عروق مفید است .

ثمر بلوط در مداوای ورم های گرم که نو پدید باشند مفید است .

زخم و قرحه :مانع زیاد شدن جوش های ساری ،(زخم دهان )زخم های فراگیر (ساعیه )می باشد ، که در این حالت باید برگ بلوط را بسوزانند و سائیده آن را بر زخم بگذارند یا بر زخم بپاشند که در بهم آوردن زخم ها بسیار مفید است .

سر :چون بازدارنده بخار است سردرد می آورد و در بند آوردن شکم نیز فعال است .

اندام های تنفسی :داروی خون بر آوردن است .

اندام های غذا :در علاج رطوبت معده مفید است .

اندام های دفعی :قبض است ، در مداوای خراش و قرحه روده و نزیف خون مؤثر است و بول را فزونی می دهد .

زهرها :پادزهر حشرات موزی است .آب پز پوست بلوط با شیر گاو و پادزهر (سهم ارمنی )است .مغزشاه بلوط برای هر زهری پادزهر خوبی است .

## بلادر

میوه ای است شبیه هسته خرما و مغزی دارد همچون گردو ،شیرین مزه است و بی گزند .

پوسته آن متخلخل و سوراخ است و در این سوراخها انگبینی لزج و بودار موجود است .اگر آن را به دندان بشکنند زیانی نمی رساند به ویژه اگر همراه مغز گردو باشد بهتر است .

مزاج :گرم و خشک .

خاصیت :انگبینش سبب قرحه و ورم می شود و خون و خلط ها را می سوزاند .

دمل و جوش :ورم های گرم درونی را بر می انگیزد .

مفاصل:در مداوای سردی و سستی عصب و فلج و کجی دهان مفید است .سر:برای رفع فراموش کاری خوب است ولیکن بیماری وسوسه و مالیخولیا را تحریک می کند .

اندام های دفعی :دود آن بواسیر را می خشکاند .

زهرها :از جمله سم هاست .سوزنده اخلاط و بدین سبب کشنده است .

پادزهر بلادر دو نوع است و روغن گردو از قوتش می کاهد .

## بل



گویند خیار هندی است و به خیار کبر می ماند. مزه اش تلخ و مانند مزه زنجفیل است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: قبض است و درون را توان می بخشد .

اندام های غذا: آتش معده را دامن می زند، در علاج قی سودمند است و یکی از داروهای گوارشی است .

اندام های دفعی: شکم را بند می آورد و باد را پراکنده می کند .

## **بلیله**

تقریباً هم مزاج آمله و مغزش شیرین و تقریباً چون فندق است .

مزاج: سرد و خشک است .

خاصیت: هم زداینده و نرم کننده است و هم قابض .

اندام های غذا: معده را دباغی و جمع می کند ، سستی و رطوبت معده را از بین می برد ، هیچ دارویی در دباغی معده به بلیله

نمی رسد و فواید بسیار دارد .

اندام های دفعی: شاید شکم را بند آورد . بعضی گویند تنها ملین است و بس .

بلیله برای روده مستقیم و مقعد بسیار سودمند است .

## **بنفشه**

گیاهی است مشهور و بیخش چون سایر اجزایش نیروی دارویی دارد .

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت درمانی: خون معتدل بوجود می آورد .

دمل و جوش: بنفشه و برگ آن را با قاوت جو ضماذ کنند ورم گرم را فرو می نشاند .

زخم و قرحه: زوغن بنفشه برای گری (جرب) داروی خوبی است.

اندام های سر: بو کردن و بر سر مالیدن آن سردرد را تسکین می دهد .

اندام های چشم: مالیدن و خوردن آن در مداوای رمذ گرم مفید است .

نفس و سینه: بنفشه و به ویژه مربای آن با شکر درمان سرفه گرم است و سینه را نرم می نماید .

شریت آن درمان سینه پهلوی و شش است و دراین زمینه از جلاب بهتر است . (گلاب )

اندام های غذا :التهاب معده را از بین می برد .

شربت آن علاج درد کلیه، ملینی ملایم است و برآمدن مقعد را فرو می نشاند. خوردن بنفشه خشک صفا را بیرون می راند .

## بنگ

چیزی است که از هند و یمن می آورند .گویند تراشه خار مگیلان است .

زرد و سبک و خوشبویش خوب است و سفید و سنگین آن بد است .

مزاج :گرم و خشک است .

خاصیت :اندام ها را تقویت می کند .

آرایش :پوست را پاک می کند .رطوبت های زیر پوست را می مکد . بدن را خوشبو می کند .

اندام های غذا :برای معده خوب است .

سر :با عقل و هوش ناسازگار است .

خاصیت :اندام ها را تقویت می کند .

آرایش :پوست را پاک می کند .رطوبت های زیر پوست را می مکد . بدن را خوشبو می کند .

اندام های غذا :برای معده خوب است .

## بورک

بورک درتأثیر بخشی مانند نمک است و تفاوت این است که بورک قوی تر از نمک است و قابض نیست .

گاهی آن را در سفالینی بر آتش بریان می کنند .

خاصیت درمانی :بسیارزداینده ،شوینده و قشرانداز است ،تنقیه می نماید و خلط های غلیظ را می برد .

آرایش :بورک را اگر برمو بپاشند مو را نازک می کند.ضماد بورک خون را به سطح بدن می کشاند و رنگ رخساره زیبا می شود

.بورک لاغری را علاج می کند .لیکن اگر زیاد بخورند رنگ را سیاه می گرداند .

زخم و قرحه :در زدودن چرک مؤثر و داروی خارش است . بورک و سرکه علاج جرب است .

مفاصل :از بورک و داروهای دیگر مرهم می سازند که بیماری فلج را به تأخیر می اندازد و به ویژه فلج سبک را از بین می برد و

داروی پیچش پی ها است .

سر: درعلاج شوره سر مفید است. کف بورک را با عسل در گوش بچکانند در پاک نمودن و باز کردن گوش مؤثر و برای علاج کری سودمند است. بورک مخلوط با آب انگور کهنه یا شربت زوفا صداهای گوش را از بین می برد. اندام های غذا: برای معده بد است و معده را تباه می گرداند. ضماد بورک با انجیر استسقا را فرو می نشاند .

اندام های دفعی: برداشتن (حقنه) بورک شکم را روان می سازد . بورک را با آب انگور کهنه و زیره یا پخته فیجن و شبت بخورند درد و پیچش روده (مغص) را از بین می برد. در رفع درد شکم عموماً از نمک مؤثرتر است .

بورک را با برخی از داروهای ضد کرم می نوشند ، کرم ها را بیرون آورد . همچنین شکم و ناف را با آن مسح کنند و نزدیک آتش بنشینند کرم ها را می کشد و در این زمینه نیز از نمک بهتر است .

زرها: هر بورکی و به ویژه بورک آفریقایی سوخته و ناسوخته و کف بورک نیز بهترین پادزهر قارچ سمی است .

در علاج گزیده سگ هاربورک را با پیه الاغ و خوک قاطی می کنند و بر زخم می گذارند .

## بویانس

اکثراً بیخ آن را بکار می برند . انگم و شیره ای هم دارد که انگم از شیره قوی تر است .

بویانس را با روغن زیتون ، آبکامه ، کمی آب انگور کهنه مخلوط می کنند و بهم می زنند تا غلیظ شود و هرچه پرمایه تر شود مفید تر است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: تحلیل برنده است .

زخم و قرحه: از شدت خشک کنندگی که در آن است پوسته استخوان فاسد شده را جدا می کند و چرک زخم را از بین می برد .

مفاصل: با اعصاب بسیار ناسازگار است .

اندام های تنفسی: زائده های غلیظ را که در سینه باشند بیرون می آورد . برای شش خوب است و خوردن و ضماد آن داروی ریه و زخم های ریه است. اندام های غذا: اگر بویانس را بر طحال بماند یا آن را در آب گرم حل کنند و بر طحال بمانند سختی طحال را از بین می برد .

## بوزیدان

چوبی است ره آورد هندوستان و تأثیرش به تأثیر بهمین نزدیک است .

بهترینش سفید و ستبر و راه و زبر است . باریک و هموارش که سفیدی آن کم باشد خوب نیست . گاهی آن را بوسیله ی (لعبه بربری) غش می نمایند .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: نرم کننده است و لطافت بخش .

مفاصل: در مداوای درد مفاصل و نقرس مفید است .

اندام های دفعی: شهوت انگیز است .

زهرها: پادزهر است .

## **بهمن**

قطعات چوبی است که عبارتند از ریشه های خشک و ترنجیده و ناهموار و برخی سفید و برخی سرخ رنگ اند .

مزاج: گرم و خشک .

آرایش: فربه کننده .

اندام های سینه: برای قوت قلب بسیار خوب و در علاج خفقان مفید است .

اندام های دفعی: در افزایش آب پشت بسیار مؤثر است .

## **به**

مزاج: سرد و خشک است .

خاصیت: به و گل و روغن به قبضند و به شیرین کمتر قبض است . به دانه قبض نیست و ملین است . به دانه از جریان مواد زائد به درون جلوگیری می کند . به عموماً توان بخش است .

آرایش: بازدارنده عرق است . روغن به داروی ترک های ناشی از سرما است .

ورم و جوش: روغن به بهترین داروی مورچگی است .

قرحه: روغن به در علاج زخم های چرکی مفید است .

مفاصل: زیاد خوردن به درد اعصاب بدنبال دارد .

چشم: برشته اش را بر آماس گرم چشم بگذارند سودمند است .

سینه: افشرد به در علاج نفس بلندی برنشیت و خون برآوردن مفید است .

به دانه زبری گلو را بر طرف می کند ، گرفتگی ریه را نرمش می دهد . لعاب به نیز خشکی قصبته الریه را تر گرداند .

اندام های غذا: از استفراغ جلوگیری می کند ، خمار را می زداید ، تشنگی را تسکین می دهد .

اگر کسی معده اش برای پذیرش زائده آمادگی دارد از خوردن به که معده را قوی می گرداند فایده می بیند. به کال تقویت معده می کند و مانع استفراغ بلغمی است .

بول را ریزش می دهد. گویند این خاصیتش روی آورد است . شکم را بند می آورد و قبوضیتش بی منفعت نیست .

به را با عسل بپزند بیشتر بول را ریزش می دهد اما ممکن است بجای قبوضیت اسهال بیاورد . گاهی سبب قولنج و درد و پیچش روده می شود . خونریزی حیض را بند می آورد . افشره به یا روغن به را در ذکر بچکانند سوزش مجرای بول را شفا می بخشد .

روغن به به نفع گرده و آبدان است .

اگر با غذا به بخورند اسهال می دهد و اگر زیاد بخورند خوراک را قبل از هضم شدن بیرون می ریزد .

بآب پز به حقه کنند برآمدگی های مقعد و زهدان را بر طرف می کند .

## بیش موش بوحا

بوحا گیاهی است که در زمین های رستنگاه بیش می روید و هر بیشی نزدیک بوحا بروید ثمر نمی دهد .

بوحا بهترین پادزهر بیش است . اما بیش موش جانوری است شبیه موش و سوراخش در نزدیکی بیخ بیش می باشد .

هر فایده که «بیش» در علاج برص و جذام دارد «بوحا» هم دارد. بیش موش نیز داروی برص است و در مداوای جذام سودمند ، و پادزهر افعی و سایر سم ها است .

## بیدمشک

از نباتات خوشبو است .

خاصیت :مالیدن آب و افشره اش ورم ها را فرو می نشاند .

سر:شکوفه بیدمشک و بو کردن برگ آن بادهای متراکم سر را درمان می کنند .

اندام های دفعی :شکم را روان می کند .

## بیش

سمی است کشنده

مزاج :در منتهای گرمی و خشکی است .

آرایش :اگر بر برص بمالند یا با معجون (بزرجلی) بخورند برص را از بین می برد و در مداوای جذام نیز سودمند است .

زهر: سمی است کشنده، فوری که جسم را می‌گنداند. پادزهر بیش موش بیشتر است و آن نوعی موش است که از گیاه بیش تغذیه می‌نماید. بلدرچین هم از بیش می‌خورد و می‌میرد.  
با معجون‌هایی که به منظور جلوگیری از سم بیش درست می‌کنند مسک هم داخل است.

## بیوه‌زا – شش شاخ

مزاج: گرم است.

خاصیت: لطیف و تحلیل برنده.

مفاصل: در علاج کزاز مفید است.

سر: آب پزیش را در دهان بگردانند داروی درد دندان و در علاج هر نوع نزله مفید است و ریشه‌هایش نیز همین کارها را انجام می‌دهد.

نفس: در بیرون راندن خون از سینه مفید است.

اندام‌های غذا: بیخ‌ش علاج استفراغ پی در پی است.

اندام‌های راننده: بیخ‌ش در علاج تراوش رطوبت‌های همیشگی زهدان مفید است.

## بید بیابانی

برگش را پاره کنند شیره قوی می‌دهد.

خاصیت: ثمر و برگش گیرنده بی‌آزارند. به حد کافی می‌خشکاند. خاکسترش بسیار خشکاننده است. بید تر را ضماد کنند خونریزی را بند می‌آورد.

برگش را پاره کنند شیری می‌دهد که بسیار زداپنده و نرم کننده است.

آرایش: خاکسترش را با سرکه بر زگیل بمالند آن را بر می‌کند.

زخم و قرحه: بید بیابانی و به ویژه ثمر و برگش ضماد شود زخم میان استخوان را علاج است، خاکسترش را با سرکه بر پوست بمالند مورچگی را از بین می‌برد.

سر: شکوفه و آبش مسکن سردرد هستند. افشره برگش در زدودن ریم و چرک گوش بی‌نظیر است.

چشم: ثمر و آبش را بر کاسه چشم ضربه خورده گذارند بسیار مفید است.

شیره اش برای چشم کم‌سو داروی خوبی است.

## خواص مواد دارویی (ج-چ-ح-خ)

«چ»

### جبسین

سنگ گچ ورقی و شفاف را جبسین می گویند و چون بسوزد لطیف تر می گردد. مزاج: سرد و خشک .

خاصیت: چسبنده است . بر اطراف جای نزیف بگذارند بدان سبب که چسبنده ،گیرنده ، جمع آورنده و لزج است نزیف را باز می دارند و اگر بسوزد لطیف می گردد و خشکانیدنش بیشتر می شود .

سر: اگر بر پیشانی بمالند خون دماغ را بند می آورد .

چشم: جبسین را با سفیده تخم مرغ مخلوط کنند تا سخت نشود و بر رمد خونی بگذارند مفید است .

زهر: جبسین از جمله زهرهای خفه کننده و بسیار کشنده می باشد .

### جنطیانا

برگهای زیرین آن به برگ گردکان یا برگ بارهنگ شبیه است .

رنگش سرخ ،وسطش برجسته ، ساقه آن مجوف و صاف و به ستبری انگشت است .بلندیش دو زراع است .برگهایش با هم فاصله دارند و میوه اش داخل کاسبرگ ها قرار گرفته است . بیخ آن دراز است و به بیخ زراوند می ماند .در کوهستان ها و در سایه و جای مرطوب می روید . گویند اولین کسی که این گیاه را کشف کرده جنطین شاه بوده که در قله کوهساران بسیار بلند آن را پیدا کرده و از اینرو نام جنطیانا به خود گرفته است .

از این گیاه افشره می گیرند .

چنانکه پنج روز آن را در آب می گذارند ،آنگاه می پزند ،صاف می کنند و بعد می بندند که همچون عسل شود ،آنگاه به عنوان دارو بکار می رود .

بهترین نوع آن جنطیانای رومی است که بسیار سخت و سرخ رنگ و عبارت است از چوب و رگ هایی به ستبری انگشتان .برخی بزرگ ترند و بعضی کوچک تر .

مزاج: سرد و خشک .

خاصیت: بیخ آن بهک را از بین می برد و به ویژه افشره نامبرده اش در این زمینه بسیار مؤثر است .

مفاصل: آن را شربت کنند و بخورند در علاج پیچش پی ها و کسانی که از ارتفاع افتاده باشند سودمند است .

چشم: در علاج رمدها بر چشم می مالند .

اندام های تنفسی: افشره آن داروی ذات الجنب است .

اندام های غذا: راه بندان کبد و طحال را باز می کند . شربت آن درد کبد ، طحال ، سردی کبد و آماس کبد را از بین می برد .  
معهده ای که از سرما بیمار است چاره اش با بیخ جنطیاناست .

اندام های دفعی: بول و حیض را راه می اندازد .

زهرها: بهترین پادزهر نیش کژدم است . شربت آن پادزهر نیش همه حشرات سام و زهر دندان سگ هار و کلیه درنده ها را خنثی می سازد .

## جو و شلت

جو که مشهور است و شلت نوعی جو است که پوست ندارد و همان کنش های جو را دارد .

مزاج: سرد و خشک .

خاصیت : زداینده و ماده غذائیش کمتر از گندم است . افشره جو از قاوت جو قوی تراست . آرد جو و قاوتش تندی و شدت اخلاط را کاهش می دهند. هر نوع افشره جو مفید است .

آرایش: افشره جو را به گرمی بر لکه های سیاه بمالند مفید است .

ورم و جوش : آن را در آب می پزند مانند سوپ می شود و با زفت و رازیانه مخلوط می کنند و بر ورم سفت می گذارند ورم را نرم می کند .

در آب پخته جو یا جو و آب پر مایه اش داروی ورم های گرم است .

قرحه: در سرکه بسیار تند و پر مایه بپزند و بر گری چرکین بگذارند شفا می دهد .

مفاصل: جو، به و سرکه را ضماد کنند و بر نقرس بگذارند مفید است .

ریزش مواد ناجور را از مفاصل باز می دارد .

سینه: افشره جو داروی بیماریهای سینه است . افشره جو را با تخم رازیانه بخورند شیر پستان را افزونی می دهد . آرد جو برای معده خوب نیست .

اندام های راننده: قاوت و آب پز قاوت جو قبوضیت می دهد .

تب ها: آب جو سردی می دهد و تب ها را رطوبت می بخشد .

## جوجادو



دانه ای است تلخ مزه و شبیه به جو. رنگش کمی به سرخی مایل و گلش از جو درازتر و باریک تر است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: قبض است و شکم را بند می آورد .

دمل و جوش: سخت ها را نرم می کند .

سر: راه بندان بوجود می آورد .

اندام های دفعی: شکم را بند می آورد . اگر در آب پز آن بنشینند در علاج درد و سستی مقعد بسیار مفید است . خوردن خرد شده آن مخلوط با روغن زیتون در علاج بواسیر مفید است .

زهرها: پادزهر است .

## جوزرومی

آن را اکیروس نیز می نامند . گویند درخت جوز رومی در کنار رودخانه ای به نام «لیرندانوس» نشو و نما می کند . شیره این درخت بعد از آنکه می تراود در آب رودخانه می بندد .

مزاج: بسیار گرمی بخش و خشکاننده است . صمغش در منتهای گرمی و گرمی گل آن از آن بیشتر است .

اندام های سر: اگر میوه آن را با سرکه بخورند داروی صرع است .

مفاصل: برگ آن را با سرکه ضماد کنند تپش ناشی از نفرس را تسکین می دهد .

اندام های غذا: خوردن صمغ آن معده را از رطوبت ناسازگار نگاهداری می کند .

اندام های دفعی: خوردن صمغ آن نمی گذارد رطوبت های نامطلوب بسوی روده روان شوند .

این انگم را در مرهم ها بکار می برند .

## جو دوسر، یولاف

قوت دانه اش همان قوت جو و در حقیقت چیزی است میانه گندم و جو .

قاوت و نیم کوبیده اش از قاوت و نیم کوبیده جو قبض تر است .

مزاج: معتدل و مایل به رطوبت است .

خاصیت: بدون سوزش خشک می کند و گدازندگی و قبوضیت دارد .

## جیوه ، سیماب

به دو طریقه بدست می آورند یا راساً از منبع بدست می آید . یا اینکه از سنگی که در معدن جیوه است تهیه می شود . استخراج جیوه از سنگ جیوه همان عملیات استخراج طلا و نقره را دارد که با فشار حرارت از معدن جدا می شود .

سنگ جیوه اگر بی آرایش باشد و آمیزه ای از خاک و سنگ دیگری در آن نباشد ، همرنگ شنگرف یا صحیح تر بگوئیم شنگرف همرنگ آن است و باز به آن نمی رسد .

مزاج: گرم و تر است .

خاصیت: بالا برنده و قابض است .

آرایش: جیوه مرده با روغن گل ، شپش و رشک شپش را از بین می برد .

زخم قرحه: جیوه مرده با روغن گل و با داروهای ضد گری علاج گری و در مداوای زخم چرکی سودمند است .

مفاصل: بخار جیوه باعث فلج و سوزش می شود و خشکی ها را با خود می آورد .

سر: دود جیوه شنوایی را از بین می برد و دهان را بدبو می کند .

چشم: دود جیوه باعث کوری چشم می شود .

زهرها: بالا آمده جیوه از فشار حرارت بسیار قطع کننده ، از سموم قاتل و علاج آن نوشیدن شیر و استفراغ کردن است . جیوه موش کش است و حشرات و مارها از دودش گریزانند .

«ج»

## چاتانقوش

ثمر درخت سقزیابنه . این درخت در سرزمین های سردسیر بسیار مشهور است .

مزاج: گرم و خشک .

خاصیت: گرمی بخش ، نرمی بخش ، پالاینده ، قبض و شیره آن از شیره مصطکی تلخ تر و در گدازندگی مؤثرتر است . در شیره اش اندکی قبضی هست و بسیار زدااینده و بازکننده خوبی است .

می رساند ، نرم می کند و مواد را از ژرفاهای تن بسوی خود می کشد .

در اکثر حالات کار مصطکی را انجام می دهد . دود ثمرینه همچون کندر بی آزار است .

آرایش: صورت را جلا می دهد. لکه های سیاه را از بین می برد. سقزدرختی برای ترک های صورت داروی خوبی است.

ورم و جوش: شیره اش ورم های سخت را نرم می کند و می رساند.

زخم و قرحه: گری و بیماریهای ویروسی پوست را از بین می برد.

شیره اش درمرهم هایی که برای پاک کردن زخم ها و خشک گردانیدن ریم و چرک می سازند بکار می رود. زخم های رویه پوست را بهبود می بخشد، درعلاج خارش قرحه، گری چرکین، گری بلغمی و جوش های بلغمی سودمند است.

مفاصل: روغنش جزئی از مرهم های ضد خستگی، فلج و دهان کجی است. سر:شیره اش همراه عسل و روغن زیتون رطوبت های گوش را از بین می برد.

چشم: دودش به چشم آید خوره پلک ها را علاج و از ریزش مزه جلوگیری می کند.

سینه: مالیدن یا ضماد آن در مداوای پهلوی درد مفید است.

شیره اش را تنها یا همراه شیرینی بلیسند قرحه شش و سرفه مزمن را بر طرف می کند.

اندام های غذا: میوه درخت سقز و به ویژه روغن دانه اش داروی طحال است. سینه را تنقیه می کند لیکن اشتهای طعام را از بین می برد.

اندام های دفعی: ثمرینه هیجان انگیز است و بول را ادرار می دهد. شیره اش نیز ادرار می آورد.

زهرها: شیره و ثمرش را همراه آب انگور کهنه نوشند پادزهر رتیل است. چلغوزه

بار درشت درخت صنوبر است و از گردو مغذی تر می باشد ولی دیر هضم تر است.

مزاج: معتدل است و اندکی گرمی دارد.

خاصیت: تغذیه پرمایه و خوب و نیروبخش می دهد رطوبت های تباه روده را از بین می برد. دیر هضم است. اگر سردمزاجان با عسل و گرم مزاجان با نبات بخورند هم خوب هضم می شود و هم تغذیه بیشتر می دهد.

اگر در آب بخیسانند تند و تیزی و زبان گزی خود را از دست می دهد و بسیار تغذیه دهنده تر می شود. حتی دانه های خرد و کوچک آن که مواد غذایی در بر ندارند اگر در آب خیس شوند از دارویی بودن به غذایی بودن تبدیل می شوند. دانه های خرد صنوبر شناخته شده و در هر جایی هست.

مفاصل: درعلاج درد عصب، پشت درد، بیماری اعصاب و احساس سست بودن مفید است.

اندام های تنفسی: در تنقیه شش نظیر ندارد. هر چه چرک و خلط متراکم است بیرون می آورد.

اندام های دفعی: شهوت انگیز و به ویژه مرهای آن شهوت انگیزتر است. چرک و سنگ مثانه را مداوا می کند.

زهرها: همراه انجیر و خرما پادزهر نیش کژدم است .

## چنار

مزاج: پوست و گردوی ثمر آن دارای خشکی بسیار است . مزاج چنار سرد و خشکاننده و زداينده است .

خاصیت: برگ و بر چنار سوسک ها را می کشد .

پوست چنار بسیار خشکاننده است . گردی که بر برگ چنار می نشیند برای حواس و غیره بسیار بد و خشکاننده است .

آرایش: پوستش که هم خشکاننده و هم زداينده است شاید در علاج برص مفید باشد .

دمل و جوش: برگ چنار در معالجه ورم های بلغمی و مفاصل و زانو مفید است .

زخم و قرحه: اگر خاکستر آن را بر زخم های پوسته انداز و پلید پاشند داروی خوبی است . پوست چنار را با سرکه بپزند و بر سوختگی بگذارند مفید است .

مفاصل: برگ چنار داروی درد مفاصل ، ورم های گرم مفاصل و به ویژه در علاج ورم زانو سودمند است .

سر: پوست چنار که با سرکه بپزند درد دندان را تسکین می دهد . گرد چنار برای گوش و شنوایی خوب نیست .

چشم: گرد برگش برای چشم زیان آور است .

برگ سبزش را اگر بشویند ، بپزند و بر چشم بگذارند آب ریزش چشم را باز می دارد و التهاب چشم درد را از بین می برد .

سینه: گرد آن برای شش و صدا زیان آور است .

زهرها: ثمر چنار تاتر است و خشک نشده با آب انگور کهنه پادزهر حشرات سامه است . ثمر چنار با پیه ضمد شود پادزهر نیش و گزیده ها است .

## «ح»

## حب الصنوبر

دانه این درخت از پسته باریکتر است و پوست نازک و زودشکن دارد . سرخ رنگ آن مغذی و سفید رنگ آن و چرب و خوشمزه است .

حب الصنوبر کوچک بیشتر از آنکه غذایی باشد دارویی است .

مزاج: دانه صنوبر بزرگ معتدل است و گرایش به سوی گرمی و نمناکی دارد . دانه صنوبر کوچک گرم و خشک است .

خاصیت: رساننده ، نرم کننده ، گدازنده ، گزنده و گزندگی ناخشکیده اش بیشتر است . دانه صنوبر را در آب بخیسانند گزندگی اش از بین می رود .

آرایش: چاق کننده است .

مفاصل: اگر دانه صنوبر بزرگ خورده شود سستی و ناتوانی تن را علاج می کند و رطوبت های تباه را از تن بر می چیند و می خشکاند .

سینه: دانه صنوبر کوچک و بزرگ به تنهایی و به ویژه اگر با آب انگور تازه تلخ خورده شود رطوبت گندیده شش را درمان می کند . چرک و ریم سینه را بیرون می راند . در خون برآوردن و سرفه مفید است .

دانه صنوبر را با آب انگور شیرین بپزند و بخورند شش را از چرک و ریم پاک می کند .

اندام های غذا: همراه گیاه خارا گوش ضما د کنند و بر معده بگذارند معده را توان می بخشد . دانه صنوبر دیر هضم است و غذای بسیار و نیرومند می دهد . اما اگر در آب گرم نخیسانند معده گز است . گرمی داران باید دانه صنوبر را با تبر زد بخورند و سرد مزاجان با عسل که هم زود هضم ، هم غذای خوب و هم برای معده مفید باشد .

اندام های دفعی: دانه صنوبر را با کنجد و تبرزد یا با عسل بخورند آب پشت را بسیار فزونی می دهد . زیاد خوردن آن و زیاد خوردن مرزه کوهی پیچ و درد شکم می آورد .

## حب البان

درختی است که دانه هایش بزرگ تر از نخود ، مایل به سفیدی است و مغزی نرم و روغنی دارد .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت درمانی: خود حب البان و به ویژه مغز آن تنقیه کننده است و مواد غلیظ را می برد . اگر با سرکه و آب خورده شود از آنجا که تلخی و گیرندگی دارد انسدادهای درونی را باز می کند و داغ گداز است .

پوسته اش بیشتر قابض و روغنش نیز خالی از قابضیت نیست و عموماً زداپنده و برنده است .

آرایش: دانه بان و روغن آن نقطه ها و لکه های سفید و سرخ و سیاه صورت را بر طرف و اثر زخمها را از بین می برد .

دمل و جوش: دانه بان همراه با مرهم درعلاج دمل های سخت و زگیل بسیار مؤثر است .

زخم و قرحه: دانه بان که با سرکه باشد در مداوای جرب پوسته انداز ، جرب چرکین ، جوش های شری و سعفه (بیماری جلدی کچلی مانند ) سودمند است .

مفاصل: دانه بان به ویژه روغن آن پی را گرمی می دهد و سفتی های پی و ترنجیدگی را نرم می نماید .

سر: خونریزی بینی را به سبب قبوضت بند می آورد . روغن بان و به ویژه اگر با پیه اردک باشد درد و صداهای گوش را از بین می برد .

جوشیده ریشه بان را مزمه کننده درد دندان تسکین می یابد .

اندام های غذا :با سرکه در معالجات تصلبات کبد و طحال مفید است .

گاهی حب البان را با نان و آرد شلمک و عسل آب یا آرد گاودانه ، یا آرد سوسن مخلوط می کنند و ضماد آن را بر طحال می گذارند .

حب البان با معده سازگار نیست و دل را بهم می زند .اگر یک مثقال از بان یا میوه آن را با عسل بخورند به شدت قی می کنند و اسهال آور است .

اندام های دفعی :یک مثقال از دانه بان را با عسل بخورند بلغم خام خارج می شود و اگر فتیله را با روغن بان بیندایند و بردارند بلغم خام را بیرون می راند.

## حب القلقل

سفیدش بزرگ تر از کاجیره است .تماماً مستدیر نیست .

مغزی دارد چرب و خوشمزه .بعضی گویند دانه انار بیابانی است .

مفاصل :تن های سست را توان می بخشد .

خاصیت :در روغن جوشیده اش سبک تر است .

آرایش :فربهی می آورد .

سر :سردرد می آورد و به ویژه اگر آن را مزه آب انگور غلیظ کهنه کنند .

اندام های غذا :زیاد خوردنش امتلا می آورد ،قی و اسهال بدنبال دارد .

اگر با تبر زد و شکر و عسل بخورند زود هضم تر است .

در روغن جوشیده اش بهتر است .دانه ریزش سوزش بسیار به معده می دهد.

## حرفش

از تیره کنگر است (صمغ کنگر )

مزاج :گرم و مرطوب

آرایش :محلول آن داروی داء الثعلب ،با آبش سر بشویند شپش کش است . بول بدبو را ریزش می دهد و در نتیجه بوی بد زیر بغل را هم می زداید .

ورم: ورم ها را از بین می برد .

زخم و قرحه :آبش داروی خارش سخت است .

سر :آبش شوره سر را از بین می برد .

اندام های غذا :دل را بهم می زند و به ویژه حشمت کوهی بیشتر مؤثر است .

اندام های دفعی :شهوة انگیز است . بول را راه می اندازد و بول بدبو را بیرون می راند .ملین است و بلغم را خارج می کند .

## حناء

دیسقوریدوس گوید :حناء درختچه ای است که برگهایش بالای شاخه ها قرار گرفته و به برگ زیتون شباهت دارند . لیکن از برگ زیتون بهتر و نرم تر و سبزرنگ تر است .

گل حناء سپید است ، به گل اشنه می ماند و بوی خوش دارد .

تخم حناء سیاه و شبیه به تخم گیاهی است که آن را یاس کبود می خوانند .

مزاج :سرد و خشک

خاصیت :دارای نوعی گدازندگی و گیرندگی است . خشک می کند ولی آزار نمی رساند و تحلیل می برد .بادشکن است و دهانه رگ ها را باز

می کند.روغن حنا بسیار گرمی بخش و نرم کننده است .

آرایش :حناء و آب کندنس را بر مو بمالند مو را سرخ رنگ می کند .

دمل و جوش :آب پز حنا در علاج ورم گرم ، بلغمی و ورم پره بینی مفید است و می خشکاند .

زخم و قرحه :آب پز حنا را بر سوختگی بپاشند مفید است .

مفاصل :درد پی ها را تسکین می دهد . در مرهم فلج و کشیدگی مفید است .

روغن حنا خستگی را از بین می برد . پی ها را نرمش می بخشد و در شکستگی استخوان مفید است .

سر :حناء و سرکه را بر پیشانی مالند سردرد تسکین می یابد .

حناء و سرکه در علاج زخم دهان و جوش های زبان و پیرامون زبان

مفید است .سینه :داروی ورم داخلی حجاب و در مرهم خناق وارد است .

اندام های دفعی :درد زهدان را درمان می کند .

«خ»

## خار مصری

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: خشکاننده است و نزله ها را قطع می کند .

زخم و قرحه :بیخ آن و به ویژه تخمش در مداوای زخم ها بسیار مؤثر است .

سینه :برای ورم گلو مفید است .

اندام های غذا :برای ورم معده سودمند است .

## خار شتری

به انگدان نزدیک است .بهتر آن است که سرکه اش را بکار برند .

سرد و خشک است .سرکه اش معده را به خوبی تنقیه و تقویت می کند . اشتهاآور است .

جرم آن می گزد و از این رو سبب دل بهم خوردگی می شود .

دیر هضم است و بسیار در معده می ماند .

تب ها :در علاج تب ربع ،سه روز در میان سودمند است .

## خانق النمر

دیسقوریدوس گوید :شاخه های این گیاه باریک و بلند و به زحمت کوبیده می شوند و برگش شبیه برگ لبلاب و از آن نرم تر و نوک تیزتر است و بوی گران دارد .

خاصیت :برگ این گیاه را با پیه مخلوط کنند و با نان بپزند گریگ و سگ و روباه از این نان بخورند فوراً نیروی خود را از دست می دهند و می میرند .

نباید این دارو را در بیرون و درون تن بکار برد .

زهرها :سم قاتل است .گویند اگر نزدیک کژدم ببرند می میرد .

## خرفه

گیاهی است شناخته شده .افشره اش در تأثیر درمانی بهتر از هر جزء آن است .



خاصیت: قابض است. نزیف و سیلان های مزمن را قطع می نماید. ارزش غذایی آن کم، ولی در برکندن صفرا بسیار مؤثر است.

آرایش: بر زگیل بسایند زگیل را بر می کند.

دمل و جوش: ضمادش در ورم های گرم که بیم گندیدن می رود و در باد سرخ مفید است.

سر: به صورت محلول اگر سر را با آب آن بشویند جوش های سر را از بین می برد. کندی دندان را که از خوردن ترشی باشد از بین می برد زیرا زبری دندان را برطرف می کند. سردرد ضربانی را تسکین می بخشد.

چشم: اگر در چشم بکشند برای چشم درد مفید است ولی زیادش تیرگی می آورد.

اندام های تنفسی: افشره آن با گسی که دارد برای خون بر آوردن مفید است.

اندام های غذا: خوردن و ضمادش در معالجه التهاب معده، کبد و استفراغ تلخ (مراری) سودمند است. لیکن اشتها را ضعیف می کند.

اندام های دفعی: حقنه خرفه خراش روده را بر طرف می سازد. در اسهال مراری مفید است. قرحه و درد کلیه و مثانه را از بین می برد و در اکثر حالات اشتهای خوراک و اشتهای جماع را از بین می برد. اما به عقیده ما سرجویه شهوت انگیز است. شاید آنچه او فرماید راجع به مزاج های گرم و خشک باشد.

خرفه در بازداشتن نزیف حیض و در معالجه سوزش زهدان سودمند است.

آب خرفه داروی بواسیر خونی است. افشره اش کرم کدو را

بیرون می آورد. اگر خرفه را بریان کنند و بخورند اسهال قطع می شود.

تب ها: در علاج تب های گرم مفید است.

## خرمای کال و نیمه رسیده

هر دو نوع مشهورند و میوه گرمسیری هستند.

مزاج: سرد و خشک. خرمای کال از خرمای زرد قابض تر است.

خاصیت: خرما نفاخ است و به ویژه اگر بعد از آن آب بخورند. سرکه خرما در آغاز شیرین شدنش قرقر براه می اندازد و راه بندان هایی در درون ایجاد می کند.

پخته غوره خرما، خرمای کال، التهابات را تسکین می دهد و حرارت غریزی را بحال خود می گذارد.

خوردن کال و کم رسیده خرما چون زیاد باشد خلط های پدید می آیند .

سر :خرمای کال سردرد می آورد و اگر بیش از حد بخورند شاید سکنه ببار آورد .

خرمای کامل و کم رسیده هر دو برای لثه و گوشت میان دندانها مفیدند .

سینه :با سینه و شش ناسازگارند .

اندام های غذا :معده را دباغی می کنند .در کبد بستگی ایجاد می کنند . دیر هضم اند و تردش دیر هضم تر است .ارزش غذایی آنها کم است و شیرین به هضم نزدیک تر است .

اندام های دفعی :هر یک از آن دو قیوضیت دارند و به ویژه اگر با سرکه یا آب انگور کهنه گس مزه آمیخته شوند .خرمای کم رسیده بول را زیاد می کند و اگر با سرکه گس خرده شود سیلان زهدان و نزیف بواسیر را قطع می کند.

تب ها :زیاد خوردن آنها تب و لرز می آورد .

## خرمای تر

مزاج :گرم و تر است .

خاصیت :خونی که از خرمای تر بوجود می آید ،بیم زود گندیدنش می رود ،بد است و علاجهش با بادام و گلنگبین است و باید قبل از خوردن رطب کاهو خورند و بعد از خوردنش سرکه و سکنجبین بنوشند .

اندام های غذا :با معده سرد سازگار است .

نفس :به زیان حنجره و صدا است .

اندام های راننده :ملین است و گوهر آب پشت را فزونی می دهد .

## خریزه

ریشه اش خشکی آور است .

خاصیت :رسیده اش لطیف و کالش متراکم است .مزاج خربزه نارسیده مزاج خیار است و به هر حال باز کننده است .گرمک از حیث خلط از سایر انواع خربزه بهتر است .گوشت آن زداینده و به ویژه تخمش بسیار جلادهنده است

خریزه رسیده و نارسیده هر دو زداینده و تخم آن بیشتر زداینده است .

خریزه با هر خلطی که در معده باشد می سازد و تبدیل به آن خلط می شود .

خریزه بیشتر میل به بلغم شدن می کند تا صفرا و سودا شدن .گرمک زود تغییر نمی کند .

آرایش: خربزه و به ویژه پوست و مغز آن پوست را پاک می کند. در برداشتن لکه های سیاه و سفید پوست و التهاب پوست مفید است و اگر مغز آن را چنان که هست با آرد گندم خمیر کنند و در آفتاب خشک کنند مفیدتر است.

چشم: پوستش را بر پیشانی بچسبانند مانع نزله های چشم می شود و داروی بسیار خوبی است.

اندام های غذا: خربزه عموماً و به ویژه ریشه اش قی آور است. خربزه اگر خوب هضم نشود قی آور و مسهل می گردد. گرمک دیر هضم است مگر اینکه با همه محتویاتش خورده شود. گرمک از خربزه مغذی تر و خلطش بهتر است.

خربزه را باید بعد از خوردن طعام خورد، در غیر این صورت دل را بهم می زند و قی می آورد. بهتر آن است که بعد از خربزه کسی که گرمی دارد سکنجبین بخورد و کسی که رطوبتش زیاد است کندر یا زنجفیل پرورده.

اندام های دفعی: کال و رسیده اش مدر بول است و علاج برای سنگ مثانه و کلیه ولی بشرطی که سنگ ریز باشد و در خرد کردن سنگ کلیه

ویژگی دارد.

گرمک کمتر ادرار آور و شیرین تر است و از خربزه زودتر به معده می رسد و به ویژه اگر گرمک نرم باشد.

زهرها: اگر خربزه در معده فاسد شود، سم می گردد و هرگاه سنگینی معده حس شود باید بسرعت معده را خالی کنند و به هر وسیله ای باشد استفراغ نمایند.

## خردل

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: بلغم را قطع می کند و روغنش از روغن ترب گرم تر است. از دودش حشرات گریزانند.

آرایش: رخسار را پاکیزه می کند. لکه های بد رنگ و اثر خون خشکیده را می زداید. در علاج بهک خوب است. زبان را می خشکاند و درد داء الثعلب مفید است.

ورم و جوش: ورم گرم و هر ورم مزمن را نرم می کند. با گوگرد بر خنازیر بگذارند خوب است.

زخم و قرحه: علاج گری و قوباء است.

مفاصل: در علاج درد مفاصل و عرق النساء داروی خوبی است.

سر: رطوبت سر را بر می چیند. داروی درد گوش و دندان درد است.

بعضی گفته اند: ناشتا خوردن خردل هوش را افزایش دهد.

چشم: در چشم بکشند تم و زبری چشم را از بین می برد.

سینه: خردل کوبیده با عسلاب بخورند قصبه الریه را از زبری مزمن شفا می دهد .

اندام های غذا: تشنگی آور است .

اندام های راننده: علاج خفگی زهدان است و آرزوی جماع را

برمی انگیزد.

تب ها: درتب های هر روزه و کهنه مفید است .

## خرچنگ دریایی

خاصیت: سوخته اش از هر سوخته دیگر لطیف تر است .

آرایش: سوخته اش دندان را پاکیزه نگه می دارد و لکه های سیاه و کک و مک را از رخساره می زداید .

قرحه: سوخته اش زخم چرکین را خشک می کند و در گری سودمند است .

چشم: اشک را مانع است و همراه نمک بسایند ناخنه را از بین می برد .

فتیله از آن بسازند و بر پلک بمالند گری پلک را از بین می برد و در جلا دادن چشم بسیار سودمند است .

## خرزهره

خرزهره دو نوع است: بیابانی و کنار آبی . خرزهره بیابانی برگش شبیه برگ خرفه است . شاخه های دراز و بر زمین گسترده دارد . همراه برگ ها خار هم هست . گاهی این نوع خرزهره را در ویرانه ها نیز می یابیم . نوع دوم که در کنار رودخانه ها پیدا می شود ، شاخه ها پایا و خارها در زیر برگها پوشیده و برگش همانند برگ بیدمشک و بادام است . مزه ای بسیار تلخ دارد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: بسیار گدازنده ، با آب پز آن خانه را آب پاشی کنند کک و موریانه را ریشه کن می کند .

ورم و جوش: برگ آن را بر ورم های سخت بگذارند داروی بسیار خوبی است .

زخم و قرحه: خرزهره و به ویژه افشره برگ آن داروی خارش و گری و جوش های پراکنده است .

مفاصل: ضماد آن علاج پشت درد دیرپا و درد زنانوان است .

سر: شکوفه اش عطسه آور است .

زهرها: به تنهایی سم است . اگر همراه آب انگور کهنه و فیجن خورده شود پادزهر حشرات سمی است .

## خرنوب

خرنوب شامی بهترینش است .

مزاج :خرنوب نبطی از شامی خشک تر و سردتر است .

خاصیت :خرنوب شامی خشکی دهنده ، گیرنده و خرنوب نبطی خشک تر و خشکاننده تر است .

آرایش :اگر با خرنوب نبطی نرسیده زگیل ها را ماساژ دهند و فشار زیاد دهند از بین می رود .

سر :آب پزش را در دهان بگردانند درد دندان تسکین می یابد .

اندام های غذا :خرنوب شامی برای معده بد است و هضم نمی شود و خشکش نیز دیر هضم است .خرنوب نبطی در علاج یرقان مفید است .

اندام های راننده :در آب پز خرنوب نشستن معده را تقویت می کند .

خرنوب شامی تر شکم را روان می کند ، خرنوب شامی خشک شکم را بند می آورد و در علاج کم اشتهاپی مفید است .

خرنوب نبطی از ریزش بی انقطاع و زیاد از حد حیض مفید است بشرطی که بردارند و بخورند .

در علاج پیچش و درد روده و در اسهال نیز مفید است .

## خربق

دیسقوریدوس گوید :برگ این گیاه همانند بارهنگ یا سلق بیابانی و از سلق بیابانی کوتاه تر است .

باید نوعی را برگزید که پهنای سطحش مناسب و رنگش سفید ، زودشکن و بزرگ حجم و نازک باشد و فوراً در اول مرحله چشیدن بسیار زبان سوز نباشد و آب در دهان جمع گردد .

مزاج :گرم و خشک است .

خاصیت :خربق سفید از سیاه تلخ تر است و سیاه از سفید گرم تر و اگر موش بخورد می میرد .

آرایش :در عمل آرایش با خربق سیاه برابر است .

قرحه :سائیده اش را ببینند عطسه می کنند .

چشم :دید را قوی می کند .

اندام های غذا :خربق سفید در استفراغ کردن بسیار قوی است اما خطر خفه شدن نیز دارد .

زهرها :خوردنش سم است . سگ و خوک بخورند می میرند .

## خربق سیاه

خوبش آن است که نه بسیار تازه و نه بسیار کهنه ، نه بسیار چاق و نه بسیار لاغر و میانه این چهار حالت باشد .

رنگش خاکستری ، زودشکن ، پوشیده نباشد که در میان آن چیزی مانند تار عنکبوت متکون شده است . مزه اش تند و زبان گز باشد .

مزاج: گرم و خشک .

خاصیت: گدازنده ، نرم کننده ، بسیار زداينده است و به حدی که گوشت مرده را می خورد .

آرایش: با سرکه بر پوست رخساره بمالند بهک و وضح (لکه سفید) را بر می دارد .

زخم و قرحه: شیر خربق سیاه و خربق سفید را با سرکه بر پوست بمالند یا با آن استفراغ کنند علاج گری و قوباء و پوست انداختن است . ناصور را شفا می دهد و زخم سفت را از بن بر می کند .

مفاصل: استفراغ بوسيله ی تزریق در علاج فلج و درد مفاصل بسیار مفید است .

سر: خربق سیاه را در سرکه بپزند و در گوش بچکانند صداها را خاموش می کند و اگر در دهان بگردانند درد دندان تسکین می یابد .

آب پزیش را در گوش کم شنوا بریزند شنوایی را تقویت می کند و در علاج بیماری وسواس و مالیخولیا و صرع و سردرد نیمه ای و سایر بیماری های سر مفید است .

چشم: در چشم بکشند دید را نیرو می دهد .

اندام های راننده: داروی بیماری سودا است و سودا را از تمام تن بیرون می راند .

زبان و فشاری ندارد . بلغم و صفرا را بیرون می آورد .

خون را از هر خلطی می پلاید حتی اگر در آن سوی بدن باشد و خلط های بد را از پوست می زداید .

خربق سیاه در علاج ورم روده و مثانه و در ریزش دادن بول و حیض مؤثر است .

## **خسک – سه کوهک**

دو نوع خسک هست . اولی برگش به برگ خرفه می ماند و از آن باریک تر و دومی نمناک است که در جاهای مرطوب و کنار آب ها می روید .

مزاج: هر دو نوع خار خسک سرد و خشکند .

خاصیت: از آنجا که گیرنده و رساننده و نرمش دهنده است ریزش مواد را باز می دارد .

دمل و جوش: مانع ورم گرم و ریزش مواد است و برای ورم های گلو داروی خوبی است .

زخم و قرحه :خسک آمیخته با عسل در علاج زخم گندیده و بازرویابیدن گوشت سودمند است .

سر :در علاج قرحه های گندیده لته مفید است .

چشم :آبش را در چشم بچکانند خوب است .

اندام های تنفسی :ورم های پیرامون گیر ماهیچه گلو را معالجه می نماید .

شهوة انگیز ، خرد کننده سنگ گرده و آبدان است .

افشیره اش تأثیر خود او را دارد ،در علاج عسرالبول و قولنج مفید است .

زهرها :پادزهر مارگزیده و سم های کشنده است .آب پزش کک را از بین می برد .

## خطمی

این نام یونانی و به معنی بسیار مفید آمده است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :نرم کننده ، رساننده ، سست کننده و تحلیل برنده است .

آرایش :با روغن کنجد بر پوست بمالند ودر آفتاب بنشینند بهک را می زدايد. تخمش مؤثرتر است .

ورم و جوش :ورم سخت را نرم می کند ،از آماس جلوگیری می نماید ،ورم خونی را فرو می نشاند ،دما را می رساند ، در علاج آماس بادکن و خنازیر مفید است .

با سقز تلخ بردارند زهدان سخت شده را نرم کند .

با صمغ و گوگرد بر خنازیر بگذارند سودمند است .

مفاصل :خطمی و به ویژه اگر با پیه غاز باشد در علاج درد مفاصل ، بیماری اعصاب ، لرزش ، گسستگی وسط های ماهیچه و کشیدگی اعصاب مفید است .

سر :ضمادش علاج ورم بناگوش است .

چشم :التهاب و بادکردگی پلک را از بین می برد .

سینه : تخمش علاج سرفه گرم است . راه بلغم برآوردن را آسان می کند ، مانع خون برآوردن است ، زیرا گیرندگی در بر دارد .

ضماد برگش ورم پستان را فرو می نشاند و از علاجات ذات الجنب و ذات الریه بشمار می آید .

اندام های غذا :شیره اش تشنگی را از بین می برد .

اندام های راننده: آب پز برگ و بیخش را بخورند در علاج سوزش مجرای بول ، سوزش روده ، ورم اطراف پیزی ، اسهال بد ، مفید است .

تخمش را با سقز بردارند علاج سفت شدن و بهم آمدن زهدان است .

آب پز برای زهدان خوب و خون زچگی را پاک می نماید .

زهرها : با روغن کنجد و روغن زیتون بر تن بمالند از گزند حشرات در امانند. آب پز با روغن کنجد را بر جای نیش زنبورعسل بمالند مفید است.

## خنثی

برگش همچون برگ گندنای شامی و ساقه اش صاف و بر سر ساقه گل است و ثمرش دراز و مستطیل چون بلوط و تند مزه است .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : خنثی و به ویژه بیخش زداينده و گدازنده است .

آرایش : این گیاه و به ویژه خاکستر بیخش داروی کم مویی و بیماری خونی می باشد و اگر خاکسترش را بر بیهک بمالند و در آفتاب بنشینند مفید است .

ورم و جوش : ضماد بیخش که با درد آب انگور کهنه باشد در علاج قرحه چرکین و بدخیم مفید است .

مفاصل : داروی سستی ماهیچه و درد استخوان است .

سر : افشره اش را تنها یا با عسل و آب انگور کهنه و مر مخلوط کنند چرک و ریم را از گوش می زداید و اگر در گوش عکس طرف دندان دردمند بچکانند درد دندان تسکین می یابد .

چشم : افشره بیخش برای چشم مفید است .

نفس کش : در علاج پهلو درد و سرفه مفید است .

بیخش را که با آب انگور کهنه بر پستان ورم کرده بگذارند سودمند است .

اندام های غذا : در علاج یرقان بد نیست .

اندام های راننده : بول و حیض را ریزش می دهد . ثمر و گلش را با آب انگور کهنه بخورند مسهل است . بیخش را با درد آن بر ورم بیضه بگذارند مفید است .

زهرها : پادزهر نیش حشرات است .

ثمر و گلش را با آب انگور کهنه بخورند در نیش کژدم و هزار پا بسیار مفید است .



## خولنجان

تکه هایی پچییده ، به رنگ سرخ و سیاه ، تند مزه ، خوشبو ، سبک وزن و ره آورد چین است .

ماسرجویه گوید : خولنجان و خسرودارو یکی است .

مزاج : گرم خشک .

خاصیت : لطیف و بادشکن است .

آرایش : دهان را خوشبو می کند .

اندام های غذا : با معده سازگار است و خوراک را هضم می کند .

اندام های راننده : درعلاج قولنج و درد گرده مفید و در غریزه جنسی کمک می کند .

## خيار چنبر

تخمش از تخم خیار بهتر و نارسیده تر باشد لطیف تر و بهتر است .

مزاج : سرد و تر .

خاصیت : صفرا و گرمی را خاموش می کند .

ورم و جوش : برگ آن را با عسل بیندازند و بر جوش های ( شری ) بلغمی بگذارند مفید است .

نفس کش : غش کرده گرم مزاج آن را ببوید به هوش می آید و نشاط از سر می گیرد .

اندام های غذا : برای معده خوب است و تشنگی را دفع می کند اما کمتر به خوبی هضم می شود .

اندام های راننده : بول را ریزش می دهد . شکم را نرم کند . درد اطراف ذکر و میان ران ها را تسکین می دهد . با آبدان سازگار است .

زهرها : برگش در علاج سگ هار گزیده مفید است .

## خيار شنبر

دو نوع خیار شنبر هست یکی کابلی و دومی بصرائی .

بهترینش آن است که از نی به دست می آید و درخشنده و چرب تر است .

مزاج : تر است و حرارت و سردی معتدل دارد .

خاصیت : تحلیل بر و نرمش بخش است .

ورم :علاج ورم های گرم درون است و اگر با آب تاجریزی بدان غرغره کنند آماس گلو را فرو می نشاند .بر ورم سخت بمالند مفید است .

مفاصل :مالیدنش بر پوست درد نفرس و مفاصل را از بین می برد .

اندام های غذا : تنقیه کبد می کند ، در علاج یرقان و درد کبد سودمند است .

اندام های راننده :ملین است . مراه سوخته را بیرون می آورد و اسهالی بی آزار می دهد .

## خواص مواد دارویی حرف(س)

«س»

### ساده

مرکز این گیاه هندوستان است. درمردآب های سرزمینهای سیاه گل می روید.

بهترین آن است که تازه و تر و رنگش مایل به سفیدی باشد ، زود خرد نشود بوی ناردین را بپراکند .

عفونتی و شور مزه و سست و پژمرده نباشد .

مزاج : سرد و خشک است .

خاصیت : گویند با لباس باشد لباسها را از بید حفظ می کند .

آرایش : زیر زبان بگذارند بوی دهان را خوش می کند و نمی گذارد دندان خراب شود .

ورم و جوش : برگ ساده را می ساینند ، در گلاب می پزند و ضماد می سازند در علاج ورم گرم بسیار مفید است .

اندام های غذا : در علاج ورم گرم چشم مفید است .

### سپوس ( نخاله )

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : زداینده ، نرم کننده و بسیار تنقیه کننده است ولی باز در تنقیه به گاودانه نمی رسد . بلغم را تحلیل می برد و بادها را می پراکند .

ورم و جوش : سپوس مخلوط با سرکه ورم های نوحاسته را فرو می نشاند .

ورم بلغمی و بادکردگی را علاج است .

زخم و قرحه : سپوس را با سرکه بسیار تند ضماد کنند و تا گرم است بر گری چرکین بگذارند بسیار مفید است .

سینه : سپوس و به ویژه اگر آب پزیش را با شکر و روغن بادام بخورند سینه را نرم می کند . با آب انگور کهنه مخلوط شود و بر ورم پستان بگذارند مفید است .

اندام های دفعی : زوده را تحریک می کند و محتویات را بیرون می ریزد . سوپ سپوس را بخورند شکم نرم می شود .

زهرها : ضماد سپوس پادزهر کژدم و مارگزیده است .

## سدر (نبق = میوه سدر)

درختی است بزرگ و تناور و خاردار. میوه ای می دهد سرخ رنگ ، خوشمزه و به اندازه ی فندق که آن را می خورند. این درخت اکثراً در گرمسیرها می روید و در آن سامانها نامهای گوناگون دارد. برخی از مردم این درخت را کنار می گویند .

مزاج : تر و خشکش می خشکاند ، لطافت می بخشد و تمام اجزاء درخت این کنش را دارد. دود درخت کنار بسیار گیرنده است .

خاصیت: نبق و به ویژه قاوتش بسیار قبض است .

آرایش: مو را از ریزش باز می دارد ، بلند و تقویت می نماید و نرم می کند . انگم سدر جوس سوزنی را از بین می برد ، سپوسه سر را می زداید و مو را سرخ می کند .

ورم و جوش: برگ کنار ورم را نرم می کند و تحلیل می برد .

سر: انگم سدر سرشویه شود سپوسه و شوره را می زداید ، سر را پاکیزه می کند و مو را پیچ می دهد .

سینه: برگش داروی برنشیت و بیماریهای شش است .

اندام های غذا: معده را توان می بخشد . بندآور شکم است . نبق و به ویژه قوتش خونریزی حیض را بند می آورد .

قرحه روده را علاج می کند و اسهال را که ناشی از ضعف معده باشد بند می آورد. اگر با آب پز کنار حفته کنند یا بنوشند همین تأثیرات را دارد .

سیلان زهدان را علاج می کند. نبق تر و تازه همکار به ، زالزالک ، سیب و گلابی است یعنی به اعتدال بخورند شکم را بند می آورد و اگر زیاد بخورند ، هضم نشود و مزاج از آن نفرت پیدا کند قی و اسهال شدید بدنبال دارد .

## سدر

گویند لنج سدر است. لنج از درخت های تنومند ، بلند و به مصر انتقال داده شده است و در آنجا مزه آن تغییر کرده است .

دیسقوریدوس گوید: لنج درختی است که در مصر می روید و میوه اش خوردنی است . گاهی نوعی از رتیل در این درخت پدید می آید و به ویژه در لنج های اطراف صعبه .

گروهی پندارند که این درخت اول در ایران و سم بوده ، بعد از آنکه به مصر منتقل شده تغییر مزاج داده ، مزه اش دگرگون شده ، می خورند و زیانی ندارد .

خاصیت درمانی: برگ کوبیده لنج را بر اندامی یا جایی که خونریزی دارد می گذارند نزیف را بند می آورد .

## سرخس

دیسقوریدوس حکیم فرماید: گیاه سرخس به دو نوع نر و ماده تقسیم

شده است .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : خشکاننده بی سوزش و دارای تلخی و گیرندگی است .

قرحه : زخم را بهم می آورد . سرخس ماده را خشک و خرد کننده ، بکوبند ، بسایند و سائیده را بر قرحه های ترصعب العلاج بپاشند بسیار مفید است .

کرم و کرم کدو را می کشد .

اگر سه مثقال سرخس ماده را با آب انگور کهنه بخورند کرم های دراز را بیرون می آورد . اگر زن از سائیده اش بخورد باردار نمی شود .

سرخس خشک را گاهی به منظور دارویی بر شکم می مالند . برگ نودمیده سرخس را بپزند و بخورند ملین است و شکم را نرم می کند .

## سرخس نر

چیزی است که به سرخس می ماند ، بر درخت های کهنسال بلوط می پیچد و از سرخس عادی کوچکتر و کم پرتر است . ریشه های درآمده هم دارد که در مزه اش تا اندازه ای شیرینی همراه با تندی ، تلخی و گیرندگی حس می شود و قوتی گنداننده در آن هست .

مزاج : بسیار گرم و خشک است .

آرایش : موی را باریک می گرداند ، می سترد و از بین می برد زیرا هم عفونی است و هم تند .

مفاصل : گروهی عقیده دارند که در علاج فلج و دهن کجی مفید است .

## سرمه

بهترین قسم سرمه ورقی است که خرده های آن درخشندگی دارد ، خالص و بی آرایش است . بسیار زود می شکنند .

در مداوای قرحه مفید است ، گوشت زائد را از بین می برد . زخم را بهم می آورد . برای علاج سوختگی سرمه و پیه تازه را مخلوط می کنند و ضماد می نمایند ، نمی گذارد بترکد و قرحه شود و اگر قرحه بشود سرمه مخلوط با موم و اسپیدان چاره آن است .

سر : خونریزی مغزی که از پرده مغز باشد با سرمه بند می آید .

چشم : چشم را سالم نگه می دارد و چرک زخم های چشم را از بین می برد . فرزجه آن نزیف زهدان را متوقف می نماید .

## سرخدار

این گیاه شاخه های باریک و مستدیر الشكل (لوله ای) دارد که بهترین آنها حد وسط میان جوال دوز و قلم نی می باشد .  
رنگش سیاه مایل به زرد است .نه مزه زیاد دارد و نه بوی زیاد .بوی کمی که می دهد بوی خوشی است و به بوی ترنج نزدیک است .

قوتش با قوت گوزبو یا برابر ،از آن لطیف تر است و به جای دارچین بکار می رود .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : قبض است و بادشکن .

سر :با آب عطسه آور و با روغن گل داروی سردرد سرد است .

اندام های غذا :برای کبد و معده سرد بسیار سودمند است .گویند شکم را بند می آورد .

## سریش

دیسقوریدوس گوید :بعضی از مردم از این رو این گیاه را سریش نامیده اند چون چسب مشهور را از آن می گیرند .

برگ سریش به برگ گندنای شامی می ماند .ساقه صاف دارد .

مزاج : گرم است .

خاصیت : گرمی می دهد .

ورم و جوش :با قاوت مخلوط شود ورم نوحاسته گرم را فرومی نشاند .

قرحه :ضماد سریش در علاج قرحه بدخیم و پلید ، زخم و دمل های چرکین ، سوختگی از آتش سودمند است .

آرایش :اگر بیمار داء الثعلب گرفته ، جای موهای ریخته را با پارچه پشمین ماساژ دهد و ضماد خاکستر سریش بر آن بگذارد  
مو را باز می رویاند .

اگر لکه سفید بهک را در آفتاب با پارچه ای ماساژ دهند و بیخ سریش را با سرکه بر آن بمالند لکه از بین می رود .

سر :سریش را به تنهایی یا سریش مخلوط با کندر ، عسل ، آب انگور کهنه و مر بپزند و نیمه گرم در گوشه بچکانند که بر  
عکس طرف دندان دردناک است درد دندان تسکین می یابد .

آب بیخ سریش را با آب انگور کهنه قدیمی و شیرین و با مر بپزند داروی درد گوش است .

چشم :همین دارویی که برای درد گوش ذکر شد بر چشم بمالند در همه بیماریهای چشم مفید است .

سینه: دو مثقال سریش را با آب انگور کهنه سیاه پرمایه انگوری بخورند در علاج درد جنین، سرفه و سستی ماهیچه ها مفید است، بول و حیض را ریزش می دهد .

بیخ سریش را با درد آب انگور کهنه بپزند و بر آماس پستان بگذارند بسیار خوب است .

زهرها : پادزهر حشرات موذی است . برگش سریش را بر جای نیش حشرات بگذارند مفید است .

اگر ثمر و گل سریش را با آب انگور کهنه بخورند بهترین علاج نیش کژدم

است .

## سراج القطرب

گیاهی است که به زوفا نزدیک است . تنها تخمش بکار می آید .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : بازکننده است و گیرندگی در مزاجش چیرگی دارد . خونریزی را از هر کجا باشد بند می آورد .

قرحه : بهترین علاج زخم است .

سر : ضمادش خون دماغ را قطع می کند .

نفس کش : خون برآوردن را بند می آورد . بدان حقه کنند علاج قرحه روده است .

زهرها : تخمش با آب انگور کهنه خورده شود پادزهر نیش عقرب است .

بعضی می گویند تخم نوع بیابانی را بر کژدم گذارند کژدم تخدیر می شود و نیش نمی زند .

## سرو

درختی است بلند در پاییز و زمستان خزان نمی کند و همچنان سبز است . در مزه اش تند و تیزی کم و تلخی بسیار هست و گس مزگی از تلخی بیشتر است .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : برگ و ثمر سرو قبض است و رطوبت ها را تحلیل می برد و در همه حالات ثمرش از برگش قوی تر است . چسبندگی دارد ، خون را بند می آورد و ضد عفونت است . می گویند ثمر ، شاخ و برگ سرو را بر آتش بگذارند پشه ها را می گریزند .

آرایش : با سرکه و لوبیا بپزند و ناخن را به آن بمالند لکه های ناخن

می رود . برگ سرو بهک را از بین می برد و مو را سیاه می گرداند .

زخم و قرحه: برگ، شاخ و ثمر سرو تا نرم و ترند داروی زخم اندام های سخت است. برگ، شاخ و ثمر سرو با آرد جو باشد مورچگی و باد سرخ را درمان می کند.

مفاصل: ضماد برگ تر و ثمر سرو برای فتق داروی خوبی است. با آرد جو ضماد شود باد سرخ و همانند آن را علاج می کند. تقویت اعصاب می کند. آماس بیضه را فرو می نشاند. سستی را از بین می برد و محکم می نماید.

سر: ثمر سرو را بکوبند تا نرم بشود و با انجیر فتیله سازند و در بینی بکشند گوشت زائد را از بین می برد. با سرکه بپزند مسکن درد دندان است.

چشم: ضمادش در علاج ورم چشم مفید است.

نفس کش: آب پزیش یا ثمرش را با آب انگور کهنه بخورند برای علاج خون برآوردن، دشواری نفس، بلند نفسی و سرفه کهنه بسیار سودمند است.

برگ سرو را با آب انگور کهنه سیاه بخورند داروی عسر بول است و مواد رطوبی ناساز را از رسیدن به مثانه باز می دارد.

در علاج قرحه روده مفید است و شکم را از زائده های ناسازگار حفظ

می نماید.

## سرو کوهی

مزاج: گرایش به گرمی و خشکی دارد و ثمرش نیز گرم و خشک است.

خاصیت: گرمی بخش، لطیف و بادشکن است. در ثمرش قبوضیتی است که در سایر اجزاء درخت نیست.

مفاصل: در علاج گسستگی ماهیچه سودمند است.

سینه: داروی درد سینه و سرفه است.

اندام های غذا: تنقیه کننده است و راه بندان ها را باز می نماید. با معده سازگار و نفخ معده را علاج است.

بول و حیض را ریزش می دهد. علاج خفگی و درد زهدان است.

زهرها: گزند حشرات موزی را دفع می نماید. دود چوب، ثمر و برگش حشرات و مگس را می گریزند.

سراوند

دیسقوریدوس گوید: نام زراوند نامی است قدیمی و بعد از این نام بعضی آن را «ارسطن» گفته اند که به معنی سرآمد است و کلمه «لوخوس» را بدان افزوده اند که به معنی زن تازه زائیده است و به معنی بافایده ترین دارو برای زن تازه زائیده می باشد.

مزاج: همه انواعش گرم و خشک است.



خاصیت: زداینده ، لطافت بخش ، بازکننده ، نازک کننده و با کشش است . خار و پیکان ها را جذب می کند .نوع درازش در زدودن و گرمی بخشیدن دارای مقام اول است و از این رو در باز رویانیدن گوشت و بهبودی بخشیدن به قرحه تأثیرش از همه بیشتر است و اما در بقیه کنش ها غلتان آن مفیدتر

است . زیرا در باز کردن و نرم نمودن یکه تاز است و در گرمی بخشیدن با نوع دراز برابر یا اندکی کمتر است .

آرایش: بهک را می زداید ، دندان را جلا می دهد . چرک را از دندان می برد ، رنگ را رونق می بخشد ، برای دندان غلتان آن از همه بهتر است .

زخم و قرحه :قرحه های پلید ، بدخیم و پوست انداز را تنقیه می کند و گوشت می رویاند .برای باز آوردن گوشت نوع دراز آن بهتر از سایرین است .

اگر زراوند را با زنبق بر قرحه های گود و گندیده بگذارند چرک و ریم را از بین می برد و گودی را پر از گوشت سالم می کند .  
مفاصل: همه انواع زراوند و به ویژه غلتان آن در علاج گسستگی ماهیچه مفید است .جای نفرس را با آن بمالند و از گسستگی ماهیچه جلوگیری می کند .

اگر بیماران نفرس بخورند مفید است .

سر: زراوند را با عسل در گوش بچکانند چرک گوش را پاک و شنوایی را تقویت می نماید و نمی گذارد دمل در گوش پدید آید .

زراوند و فلفل که با هم باشند ریختنی های مغز را خارج می کنند .

زراوند و به ویژه غلتان آن در مداوای برنشیت ، در تنقیه سینه ، در تسکین دادن پهلو درد اگر با آب مخلوط شود و بخورند سودمند است .

اندام های غذا :داروی سکسکه و همراه سکنجبین علاج طحال است .

گاهی زراوند را با سرکه بر طحال بمالند بسیار مفید است و در این علاج ها غلتان آن از همه قوی تر است .

اندام های دفعی :خلط های بلغمی و مراری را بیرون می راند و به مقعد فایده می رساند .اگر زراوند دراز یا غلتان با مرو فلفل مخلوط شود و خورده شود در تنقیه زائده های زهدان ،پاک شدن خون تازه زائیده ، روان ساختن خون حیض مفید است .  
تب ها :داروی تب لرز است .

زهرها :پادزهر نیش کژدم است و به ویژه قسم دراز آن پادزهره اش بیشتر است .

اگر آن را با نوشابه هایی بنوشند یا آن را ضماد کنند و بر جای نیش بگذارند حشرات و زهرها را دفع می کند .

**سرکه**

مزاج : سرکه ترکیبی از گوهر گرم و سرد است که هر دو لطیفند و سردی آن چیرگی دارد .

خاصیت :بسیار خشکاننده است . در حالات خونریزی سرکه می خورند و بر جای خون برآمدن می پاشند مانع خونریزی می شود .

سرکه از آماس جلوگیری می کند .

سرکه نمک هضم است .ضد بلغم است . به نفع آنهاست که مزاج صفراوی دارند و به زیان سودائیان .

آرایش :بازدارنده آماس است .سرایت غانغرینا را خنثی می کند ، شفای باد سرخ است چه بخورند چه بمالند .ورم را از زیاد شدن باز می دارد . داروی کژدمه است .علاج مورچگی و جمره است و بر پوست بمالند نمی گذارد مورچگی و جمره سبب آماس شوند .

زخم و قرحه :پشم را از سرکه تر کنند و بر زخم بگذارند ورم نمی کند . سرایت قرحه واگیر و گری و قوباء را از بین می برد .

در علاج سوختگی از هر چیزی زود اثرتر است .

مفاصل : برای عصب خوب نیست .سرکه و گوگرد را بر نقرس بمالند مفید است .

سر :سرکه را با روغن زیتون یا روغن گل مخلوط کنند و خوب به هم بزنند و پشم ناشسته را بدان تر کنند و بر سر گذارند سردرد گرم تسکین می یابد .

سرکه لثه را تقویت می کند . خوردنی یا مالیدنی آن برای لثه خوب است و به ویژه اگر سرکه با زاج بلوری حل شده باشد و در دهان بگردانند علاوه بر تقویت لثه دندان لق را محکم کند و خون از لثه آمدن را علاج می کند .

بخار سرکه حس شنوایی را تقویت می کند ، کم شنوایی را از بین می برد و صداهای گوش را می خواباند .

چشم :سرکه و عسل را بر لکه های بدرنگ زیر چشم بمالند مفید است ولی بسیار سرکه خوردن دید را ناتوان می کند .

سینه :به نفع زبان کوچک است .در گلو گردانیدن سرکه مانع سرازیر شدن خلط به گلو می شود .

علاج افتادن زبان کوچک است .

نوشیدن سرکه گرم کرده در علاج سرفه مزمن ، بلند نفسی و زالو بسیار مفید است .

اندام های غذا :با معده گرم و تر سازگار است . اشتها آور و کمک هضم است .معده را دباغ می دهد و بخار سرکه استسقا را تحلیل می برد .اما همیشه خوردنش ممکن است سبب استسقا شود .

اندام های راننده :زهدان را خنک می کند . با سرکه گرم کرده و نمک حقنه (حالتی مثل شیاف و آمپول )کنند زخم واگیر روده را علاج است اما باید قبلاً حقنه نرم بعمل آید و لیونت شکم حاصل شود .

زهرا: برجای نیش حشرات ریزند مفید است . برای دفع گزند افیون و شوکران بخورند مفید است . سرکه ای که از انگور وحشی می گیرند با نمک در گزیده سگ هار و غیره مفید است .  
در هر مسموم شدنی خوردن سرکه گرم کرده سودمند است .

## **سنجد**

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: هر خونریزی را بند می آورد . صفرايي را بر می کند که به اندرون می ریزد .

سینه: در علاج سرفه گرم مفید است .

اندام های غذا: از استفراغ جلوگیری می کند .

اندام های راننده: در علاج پوست اندازی روده که ناشی از صفرا باشد مفید است ، بند آورنده شکم و مانع قی کردن است .

## **سنی صغیر**

گیاهی است با ساقه ای ترد و زودشکن دارای گل و تخم هایی است به رنگ سرخ که بسیار تیز و تندمزه است . هر چه در سرخی تیره تر باشد و در بو تندتر ، مرغوب تر است .

خاصیت درمانی: بادشکن است و با مزاج پیران و نوپیران سازگار .

بیماری های سودا را از بین می برد .

مفاصل: علاج ترنجیدگی است .

سر: در معالجه مالیخولیا و صرع سودمند است .

اندام های غذا: صفرايي مزاجان را آزار می دهد و برای آنها قی آور است و تشنگی می آورد .

اندام های دفعی: در بیرون آوردن بلغم مؤثر است .

## **سفید آب**

آنک را می سوزانند خاکستری که بدست می آید سفید آب نامند و اگر در سوختن افراط شود آن خاکستر سرنج و لطیف تر می گردد .

سفید آب را بوسیله سرکه و نمکها و سایر چیزهایی که در کتاب های طبی آمده است به دست می آورند .

مزاج: سرد و خشک است . سفید آب سرکه ای لطافتش بیشتر و ژرف و رونده تر است .

دمل و جوش: ورم های سخت و سرد را نرمی می بخشد .

زخم و قرحه :سفیدآب را با مرهم می آمیزند زخم قرحه را پر می کند و گوشت را می رویاند .سفیدآب و به ویژه سرنج ، گوشت بد را می خورد و باز آوردن گوشت آن از سفیدآب بهتر است .

چشم :در علاج جوش های چشم سودمند است .

اندام های دفعی :جزء داروهای ترک مقعد و بسیار سودمند است .

زهرها :سفیدآب سم است .

## سقانی

ممکن است شکر تیغال باشد .

اندام های دفعی :در تنقیه کلیه نظیر ندارد .

زهرها :کارساز گزیدگی سگ هار است .

## سقمونیا (محموده)

بهترین محموده آن است که بی آلیش ، کبودرنگ مایل به سپیدی و هم رنگ صدف صاف باشد .زود در دست خرد می شود همین که در آب حل شد آب را هم رنگ شیر می سازد و برای بکار بردنش بهتر آن است که آن را در داخل سیب بر آتش بریان کنند و با آب کرفس بیامیزند تا هیچ خطری در بر نداشته باشد .

مزاج :گرم و خشک است و گرمی آن از خشکی بیشتر است .

خاصیت :زداینده و گدازنده و دشمن معده و کبد است .

آرایش : لک و پیس و برص و لکه های سیاه صورت را می زداید .

زخم و قرحه :با عسل و روغن زیتون بپزند و ضماد کنند و بر زخم بگذارند مفید است .

جوش :با سرکه بر گری چرکین بمالند خوب می شود .

مفاصل :با سرکه و سوسن ضماد شود درد مفاصل و سرین را از بین می برد و در علاج بیماری اعصاب مفید است .

سر :بیخ گیاه و افشیره آن با سرکه و روغن گل سردرد را دوا می کند . محموده را با سرکه و روغن گل مخلوط کنند و بر پیشانی کسی که سردرد همیشگی دارد ببندند خوب می شود .

سینه :قلب را می آزارد .

اندام های غذا :با معده و کبد هیچ سازگار نیست و بسیار زیان در

بر دارد.

افسردگی می آورد. دل بهم خوردن و تشنگی و بی اشتهایی به دنبال دارد. اصلاحش با یک برابر تخم کرفس و انیسون است .

در اسهال دادن زرداب بسیار فعال است. اما اثرش در مملکتی و از هوایی به هوایی فرق دارد .

اگر به اندازه ی کم از محموده کهنه خورده شود بول را ریزش می دهد ولی اسهال نمی دهد و اگر با الو یا با لوبیا گرگی و نمک و تخم های خوشبو بسیار کم آن همین کار را می کند .

زهرها :خوردنش یا مالیدنش بر اندام پادزهر نیش کژدم است .

## سکبینه

درخت سکبینه خودش بهره ای ندارد و هر چه هست در انگم آن است .

تا متراکم و صاف تر باشد و رنگ رویه اش سرخ مایل به سفیدی و رنگ درونی اش سفید مایل به سرخی باشد و زودتر در آب حل شود بهتر است و هر آنچه از اصفهان آورند بسیار خوب است .

اما نوعی که با زرد سفید شبیه است و یا با زرد مخلوط شده باشد بد است .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : گدازنده ، لطافت بخش ، بادشکن ، گرمی بخش و زداپنده است .

آرایش :سکبینه را در خوراک بریزند رنگ را زیبا می کند .

مفاصل :در علاج فلج و گسستگی ماهیچه و وترهای میان ماهیچه مفید است .

سکبینه را بخورند یا حقنه کنند مواد ماندگار در سرین را اسهال می دهد و درد سرد مفاصل را دوا می کند .

سر :داروی صرع است و سردرد سرد و ناشی از باد را تسکین می بخشد .

چشم :در چشم بکشند تم را از چشم می راند ، آماس پلک را فرو می نشاند و لکه های داخل چشم را می زداید .در علاج آب در چشم آمدن بهترین دارو است .

سکبینه را در سرکه بسایند و بر ورم جو مانده پلک بگذارند از بین می رود و قرحه های چشم را درمان کند .

سینه :سکبینه را با آب فیجن فشرده بخورند در علاج سینه درد ، پهلودرد ، سرفه همیشگی و بدتنفسی مفید است و سینه را از خلط های نارسیده پاک می گرداند .

اندام های غذا :در علاج استسقا خوب است .آب زرد را بیرون می ریزد . از سکبینه و بادام تلخ یا به جای بادام تلخ ، فیجن را با عسل یا نان گرم ضاماد سازند درد کبد را از بین می برد .بخورند یا حقنه کنند در علاج قولنج ، درد و پیچش روده و از بین بردن سنگ گرده و مثانه مفید است .

سکبینه شهوت انگیز است. حیض را ریزش می دهد. شکم را ملایم و نرم می کند. خلط لزج و آب زرد را بیرون می ریزد و برای زهدان مفید است.

تب ها: در تب های هر روزه سودمند است.

زهرها: بر پوست بماند پادزهر نیش حشرات و ضد سم خوردگی است و در این زمینه از بارزد بسیار مؤثرتر است.

## سلق

دیسقوریدوس گوید: دو نوع هست یکی سفید و یکی سیاه.

مزاج: به عقیده بعضی خشک و گرم است و بعضی می گویند سرد است. ولی درست این است که مزاجش مرکب است اما در تر مزاجی بیخس اختلافی نیست.

خاصیت: ماده بوره ای دارد، لطافت بخش و گدازنده است و در باز کردن بندآمده ها از سوسن قوی تر است.

نرمی بخش است. سلق سیاه به ویژه اگر با عدس باشد قبض است.

ماده بوره اش گدازنده و خاکی اش گیرنده است. همه انواع آن کم غذا است.

آرایش: افشره آن و آب پز برگش ترک های ناشی از سرما را دوا می کند.

در علاج داء الثعلب سودمند است. اگر لکه های سیاه صورت را اول بوسیله ی نظرون بشویند و بعد برگ سلق بر آن گذارند سود می بینند. افشره سلق زگیل ها را بر می کند. قاتل شپش است.

ورم: سلق در آب جوشیده را بر ورم بگذارند تحلیل می برد و پخته

می گرداند. سلق را چنان که هست بر زیاده گوشت ها بگذارند مفید است. ضماد سلق و سوسن را بر ورم گرم بگذارند مفید است.

قرحه: برگ در آن جوشیده سلق داروی سوختگی است و اگر با عسل مخلوط بشود و بر پوست بماند علاج (بیماری ویروسی پوستی) است و ضمادش زخم چرکی را بکلی بهبودی می بخشد.

سر: آب سلق را با زهره کلنگ در بینی کنند کج دهنی را خوب می کند و زخم بینی را از بین می برد.

آب نیم گرم سلق را در گوش بچکانند درد تسکین می یابد. آب سلق را سرشویه کنند سپوسه را از بین ببرد.

اندام های غذا: بیخ سلق که ماده بوره ای در آن زیاد است برای معده بسیار بد است. هر معده ای هر چند قوی باشد از سلق به کزک می افتد و سوزش حس می کند.

سلق کم غذا است و به تنهایی و به ویژه اگر با خردل و سرکه باشد در باز کردن بندآمده های کبد و طحال مفید است.

سلق سیاه و به ویژه اگر با عدس باشد بندآورنده شکم است . بی شک اگر سلق در آث آنقدر بجوشد تا از هم بپاشد قبوضیت می آورد . با آبش حقنه کنند رسوبی درد را بیرون می ریزد .

هر نوعی از سلق سبب باد و قرقر می شود و پیچش و درد شکم بدنبال دارد . اما اگر سلق با غذا خورده شود در قولنج مفید است .

## سماق

دو نوع است ، خراسانی و شامی .

مزاج : سرد و خشک است .

خاصیت : گیرنده ، توانبخش و بندآورنده است . سماق در خونریزی بسیار مؤثر است و بعضی عقیده دارند که حتی اگر سماق درسته را بر جای خونریزی ببندند کافی است . سماق تراوش صفرا را به اندام های درونی راه نمی دهد .

آرایش : آب پز آن نوع از سماق که به سماق رنگرزان مشهور است مو را سیاه می گرداند .

ورم : جای ضربه خورده را ضماد بگذارند از آماس و خون بند شدن ( حصر ) جلوگیری می کند . زیاد شدن آماس را مانع است . سماق داروی کژدمه است .

قرحه : سرایت زخم چرکی را مانع می شود .

مفاصل : آب پز را بر درد استخوان بمالند از آماسیدن جلوگیری می کند .

سر : چرک و ریم گوش را از بین می برد . انگم سماق را در دندان کرم خورده بگذارند درد را تسکین می دهد .

اندام های غذا : دباغ معده است . معده را قوی می کند ، تشنگی را آرام می بخشد . ترشی سماق اشتهای خوراک را بر می انگیزد . دل بهم آمدن ناشی از صفرا را آرام می بخشد . بندآورنده شکم ، بندآورنده خونریزی حیض و غیره است .

علاج پوست اندازی روده است . حقنه با سماق آب ریزش زهدان و بواسیر را چاره می کند .

سماق در طعام باشد برای از بین بردن اسهال همیشگی ، زخم روده و فساد معده خوب است .

## سندروس

دیسقوریدوس گوید : سندروس انگم درختی است از عربستان و هندوستان .

کمی به مر می ماند . بویش بد است . بعضی از دود آن استفاده می کنند و گاهی لباس ها را با آن دود می کنند .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : گیرنده و بندآورنده خونریزی است . کشتی گیران این دارو را بکار می برند که سبک خیز و توانا باشند و به نفس تنگی دچار نشوند .

آرایش: کسی که بخواهد لاغر شود هر روز سندروس را در آب و سکنجبین حل کند و بخورد بسیار مؤثر است .

قرحه: دود سندروس ناصورها را می خشکاند .

سر: رطوبت های سرماخوردگی بوسیله ی دود سندروس بر طرف

می شوند . لثه را استحکام می بخشد و در تسکین درد دندان نظیر ندارد .

سینه: درعلاج خفقان حکم کهریا دارد . بندآورنده خون است .

چشم: در زدودن لکه های چشم زود تأثیر می کند .

سندروس حل شده در آب و سکنجبین را در چشم بچکانند ضعف دید را بر طرف می نماید .

## سنبل

دو گونه هست یکی سنبل الطیب و دومی سنبل رومی .

سنبل که (اقلیطی) نام دارد از سنبل هندی و سوری در هر خصوص ناتوان تر است . مگر در ادرار بول که در ریزش بول تأثیر بسیار دارد .

سنبل هست که ستر است و آن را سنبل غلیظ می گویند اینگونه سنبل با سنبل که آن را سنبل سوری (منسوب به سوریه) نامیده اند در تأثیر بخشی تقریباً برابر است .

بهترین نوع آن سنبل سوری است که رنگش به زعفرانی مایل است و پرزهای زیاد دارد ، سنبلش کوچک است و خوشبو و شبیه به مشک زمین و مزه اش زبان گز است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت : بازکننده و تحلیل برنده است . سنبل هندی بسیار گیرنده است و حرارت کم دارد .

ورم و جوش : آماس ها را تحلیل می برد .

قرحه: رطوبت قرحه را می خشکاند .

سر: رطوبت های ناشی از سرما را منع می کند و مغز را توان می بخشد .

چشم: هر نوع سنبلی اگر با داروی در چشم کشیدن مخلوط شود یا گرد آن را با سرمه کش بر پلک بمالند مزه ریخته را باز می رویاند و در این کنش سنبل الطیب از سایر انواع سنبل مؤثرتر است .



سینه : همه انواع سنبل تپش (خفقان) را آرام می بخشد ، سینه و شش را می پالاید .رسیدن مواد ناجور را به معده مانع می شود .

اندام های غذا : راه بندان کبد و معده را باز می کند . معده را توان می بخشد ، همه انواع سنبل در علاج یرقان مفید و مانع رسیدن مواد بد به معده هستند .سوزش معده را تسکین می دهد .

هر سنبلی ادرار می دهد .اما سنبل اقلیطی که کم مایه تر است و کمتر قبوضیت دارد ریزش بول قوی تر است .

در آب پز هر سنبلی بنشینند در علاج آماس زهدان مفید است ، درد گرده را تسکین می دهد و مواد بد را به روده راه نمی دهد .

در بند آوردن خونریزی زیاده از حد که برای زهدان روی می دهد خاصیت ویژه ای دارد .

## سومقوطن

می گویند همیشه بهار و از تیره مهر گیاه است .

مزاج :سرد و خشک است ، رطوبتی معتدل الحاره دارد و لطیف و تکه کننده است .لزجی پیاز دشتی را دارد که گدازندگی اش از آن است و تا اندازه ای جمع کننده و گیرنده است لیکن سردی و خشکی در مزاجش چیرگی دارد .نه بو دارد و نه چندان شیرین است . آب دهان را گرد می آورد و اجزای گوشت را در دیگ چنان بهم می آورد که گویی یکپارچه شده است .

مفاصل :آب پزش داروی گسستگی در پی ،وسط های ماهیچه ها و کناره های ماهیچه ها است و نمناک ها را بهم جوش می دهد .

سینه :زبری گلو را از بین می برد . خون برآوردن را بند می آورد . با عسلاب باشد شش را می پالاید .در علاج قرحه روده ، پوست اندازی روده (سحج)فتق آبی روده ،درد گرده ، سودمند است و می گویند خونریزی حیض را بند می آورد .

## سوس (مهک ، شیرین بیان)

مزاج :بیخ مهک مزاجش معتدل است و اگر به طرفی گرایش پیدا کند رو به حرارت و رطوبت است .

ورم :افشره و بیخش داروی کژدمه می باشند .

قرحه :افشره اش برای زخمها بد نیست و مفید است .

چشم :بیخ مهک و افشره اش داروی ناخنه و افشره اش مؤثرتر است .

سینه :فصبه الریه را نرم می کند . ریه را می پالاید ، به نفع شش و گلو است و صدا را صاف می کند .

اندام های غذا :آبش تشنگی را فرو می نشاند و برای التهاب معده داروی خوبی است .

علاج سوزش بولی ، قرحه گرده و مثانه و گری مثانه است .

تب ها: در تب های کهنه مفید است .

## سورنجان

ریشه گیاهی است که برگهایش با زمین تماس دارد و گل‌های سفید و زرد

می دهد. بهترینش آن است که رویه و داخلش سفید ، سخت ، ترد است و زود می شکند. سورنجان سرخ و سیاه خوب نیست .

خاصیت: دارای نیروی اسهالی است هر چند گفته اند قبوضیت دارد .

قرحه: سورنجان سفید در علاج زخم کهنه بسیار مؤثر است .

مفاصل: داروی نقرس است . ضمادش فوراً درد را تسکین می دهد . اما اگر زیاد از آن ضماد کنند و بر ورم بگذارند ورم سخت را سخت تر می کند . برای همه مفاصل و به ویژه در حالت سرماخوردگی بهترین یار و یاور مفاصل است .

اندام های غذا : برای معده خوب نیست . معده را ناتوان می کند . سورنجان سرخ و سیاه داروهای اسهالی را در معده باز می دارند و آسیب و بلادهای توان فرسا بدنبال دارند . مسهل است ، شهوت انگیز است و اگر با زنجفیل و پونه و زیره بخورند بسیار شهوت انگیز است .

زهرها: سورنجان سرخ و سیاه سم است .

## سوسن

دیسقوریدوس گوید: سوسن گیاهی است که برگش به برگ گلابول می ماند و از برگ گلابول پهن تر ، بزرگ تر و لزج تر است .

مزاج: سوسن آزاد و سفید رنگ گرم و خشک است و سوسن رنگین کمان بیابانی گرم و خشک تر است .

خاصیت: به اعتدال می خشکاند . بیخش زداینده تر از سایر اجزاء است . روغنش لطیف است زیرا از گلش می گیرند و گلش بسیار لطیف است . روغنش را با مواد خوشبو بیامیزند یا نیامیزند بسیار

تحلیل برنده و نرم کننده است و در همه این کنش ها رنگین کمان (ایرسا)ی نامبرده از سایر انواع سوسن قوی تر است. ایرسا مسکن درد و ضد گندیدن و گرمی بخش و لطافت بخش است .

آرایش: سوسن و به ویژه بیخش در علاج لکه های سیاه صورت و کک و مک مفید است و صورت را بدان شویند رخساره را پاکیزه و صیقل می دهد و ترنجیدگی را از میان بر می دارد .

ورم و جوش: برگ و تخم سوسن را بکوبند ، بسایند و با آب انگور کهنه مخلوط کنند و ضماد سازند و بر باد سرخ گدازند بسیار سودمند است و همچنین در علاج ورم نارسیده بلغمی و گری چرکین و نرم کردن کبره (خشک ریشه ) و (سعفه ) بسیار خوب است و به ویژه اگر با داروهای دیگر مخلوط بشود تأثیرش بیشتر می شود .

زخم و قرحه: قرحه را از گوشت خوب پر می کند. بیخش داروی سوختگی از آب گرم است. زیرا می خشکاند و با ملایمت می زداید. آب پز برگش نیز همین تأثیر را در این زمینه دارد. اگر در استعمال کردن بیخ و برگش روغن گل همراه باشد بسیار بهتر است.

افشره رنگین کمان (ایرسا) و سایر انواع سوسن را با عسل و سرکه در آوندی مسین می جوشانند داروی قرحه مزمن و زخم هاست.

برای علاج سوختگی آب گرم سوسن کاشتنی از هر سوسنی بهتر است.

مفاصل: در مداوای گسستن عصب، ترنجیدن عصب و بیماری اعصاب بهترین دارو است.

سر: آب پز بیخ سوسن را در دهان بگردانند درد دندان تسکین می یابد و به ویژه سوسن بیابانی در علاج درد دندان بسیار کاری است. آب پز بیخ سوسن خواب آور است. روغن سوسن علاج قرحه سرو سپوسه است. در گوش بچکانند وزوز و صداها را می خواباند. روغن سوسن با روغن گل را بر پیشانی بمالند سردرد بر طرف می شود. بینی را بدان اندایند رطوبت نرمی که بر رویه بینی می نشیند از بین می رود.

سینه: بیخ سوسن و به ویژه نوع رنگین کمانی اش علاج نفس بلندی و سرفه می باشد و رطوبت های بازمانده و پرمایه را از سینه پاک می کند.

اندام های غذا: سوسن و روغنش برای معده بد و برای طحال خوب هستند.

روغن سوسن باز کننده و تحلیل برنده است. بخورند یا بمالند زهدان سفت شده را نرم می کند. بیخ سوسن را با روغن گل بپزند در علاج بیماری های زهدان بی نظیر است. روغن زنبق هم بهترین

داروی درد زهدان است. بیخ سوسن را با سرکه بپزند یا با تخم بنگ و آرد گندم آب پز کنند ورم گرم رگ های بیضه را فرو می نشاند.

بیخ سوسن و روغن زنبق دهانه بواسیر را هر طوری باشد باز می کنند. اگر با آب انگور کهنه بخورند حیض را ریزش می دهد و اگر با سرکه بنوشند کسانی که در جماع به سرعت آب می ریزند از آن بهره می بینند.

اگر بیخ سوسن را در آب بپزند و بعد زنان آن را بر خود ببندند سفتی زهدان نرم، دهانه باز و درد زهدان بر طرف می گردد. تب ها: در علاج تب و لرز مفید است.

زهرها: سوسن و افشره و تخم سوسن خورده شود پادزهر همه نیش ها و به ویژه پادزهر نیش کژدم است.

روغن سوسن پادزهر بنگ و قارچ سمی و گشنیز است.

## سوسن گوهی

مزاج: گرم و خشک است.

خاصیت: خون را به زیر پوست می کشاند ، زداینده قوی است ، در علاج ورم و دردهای سرد و باد و بادکردگی مفید است .  
مفاصل: ضماد بیخ و برگش در عرق النساء و درد مفاصل سودمند و درد سرد مفاصل و گسستگی ماهیچه را درمان می کند .  
سینه: با غسل باشد و بلیسند در علاج خون برآوردن کمک است .

سر: سردرد می آورد .

اندام های راننده: آب پز بیخش و به ویژه شربتش بول و حیض را ریزش می دهد .

زرها: سوسن کوهی و به ویژه نوع مصری آن پادزهر حشرات موذی است .

## **سوسنبر**

همان سینبر است .

مزاج: گرم و خشک و ضد گندیدگی است .

آرایش: شپش کش است .

ورم و جوش: در علاج ورم ناپیدا و التهابات شدید زیر پوست و بسیار سخت مفید است .

سر: سوسنبر را در سرکه بپزند و با روغن گل مخلوط کنند و بر سر بمالند در علاج فراموش کاری و درهم و برهمی فکرو بیماریهای آن مفید است . علاج سردرد است .

برگ سوسنبر بیابانی را بر سر و پیشانی ببندند سردرد را درمان می کند .

اندام های غذا: کرم و کرم کدو و بچه مرده را بیرون می آورد .

سوسنبر و به ویژه سنگلاخی آن بول و حیض را ریزش می دهد .

سوسنبر بیابانی را با آب انگور کهنه بخورند چکمیزک را باز می دارد و سنگ را بیرون می آورد . برای درد و پیچش روده مفید است .

زرها: پادزهر نیش ها است . بر نیش زده زنبور بگذارند و یا در سکنجبین بریزند و بخورند درد نیش زنبور از بین می رود .

## **سیارون**

چوب گیاه سیاه دانه است و تلخی و گیرندگی دارد .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: گدازنده و اندکی قبض است .

اندام های غذا: آب پز بیخس برای معده مفید است .

آب پز بیخس بول را ریزش می دهد .

## سیون (ترتیزک آبی)

سیون همان قرت العین است . گیاهی است که در آب های راکد پیدا است و نوعی بوی خوش دارد . خام و پخته اش در علاج سنگ سودمند است .

## سیسالیوس (کاشم)

برگش به برگ رازیانه می ماند و از برگ رازیانه ستبرتر و ساقه اش زبرتر است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: کاشم و بیخ و تخمش گدازنده ، لطافت بخش و بادشکن است . دردهای ناپیدا را تسکین می دهد . بلغم بند آمده را می گدازد . چهارپایان از آن بخورند بهره بسیار می دهد . با آب انگور کهنه بخورند ضد سرما است و اگر با فلفل باشد برای سرما خوب است اما پلک را زیان می رساند .

مفاصل: برای درد پشت خوب است .

سر: بهترین داروی سرع و سبک عقلی است . (کند ذهنی)

سینه: کاشم و به ویژه بیخ و تخمش که با هم باشند در علاج برنشیت ، دشواری نفس ، نفس بلندی و سرفه مزمن ، بسیار مفید است . اگر بیخ کاشم را با عسل درآمیزند معجون شود و بلیسند سینه را از رطوبت های لزج پاک می نماید .

اندام های غذا: بادشکن است . دردهای درونی را درمان می کند . کاشم و به ویژه بیخس در هضم غذا کمک می کند . با معده سازگار است . پیچش و درد روده که ناشی از بادکردگی باشد علاجش با کاشم است .

زایمان انسان و حیوانات را آسان می کند . داروی عسر بول است . در مداوای درد زهدان و خفگی زهدان و دردهای درونی مفید است .

اگر به مدت ده روز هر روز افشره ساقه این گیاه و تخمش را در سبکی بریزند و بنوشند درد گرده بر طرف می شود .

کاشم عموماً برای گرده خوب است . خوردنش علاج چکمیزک است ، حیض را ریزش می دهد و در دردهای ناپیدا مفید است .

تب ها: گویند برای مداوای تب بلغمی بد نیست .

## سیب

از همه معتدل تر سیب شامی است .

مزاج: سیب بی مزه سردی و تری بیشتر دارد .

خاصیت: سیب و به ویژه برگش بازدارنده زائده ها است .

ورم و جوش: برگ و افشره آن علاج ورم گرم نوحاسته و مورچگی است .

قرحه: برگ و الیاف سیب و افشره آن گیرنده قرحه را به هم می آورد .

مفاصل: همیشه خوردن و عادت کردن به خوردن سیب به ویژه بهاری آن درد عصب در پی دارد .

سینه: سیب و به ویژه سیب خوشبوی شامی و شیرین ، خوشبو و ترش آن قلب را توانا می کنند .

اندام های غذا: ضعف معده را درمان می کند .

تب ها: سیب نارس سبب تب می شود .

## سیاه دانه

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تند و تیز ، تکه کننده ، بلغم ، زداینده ، بادشکن است و بادکرده ها را فرو می نشاند . بسیار تنقیه کننده است .

آرایش : زگیل های واژگون را می برد . خال ها را می زداید و در علاج لک و پیس و برص ویژگی دارد .

ورم و جوش: با سرکه داروی جوش شری و ورم بلغمی سخت است .

قرحه: با سرکه به زخم بلغمی و گری چرکین بگذارند مفید است .

سر: داروی زکام است و به ویژه اگر در روغن سرخ کنند و در وصله کتان بیچند و بر پیشانی بمالند سردرد سر را از بین می برد .

اگر شبی در سرکه باشد و فردای آن روز آن را بسایند و آن را بو بکشند در علاج سردرد مزمن و کج دهنی بسیار مفید است .

سیاه دانه سبب باد کردن انسداد پالایشگاه است .

آب پزش را با سرکه مزمزه کنند درد دندان تسکین می یابد و اگر با چوب صنوبر آب پز شود در تسکین درد دندان مؤثر است .

چشم: سیاه دانه را بسایند و گردش را با روغن زنبق مخلوط کنند و به بینی بکشند اول آب آمدن در چشم را مانع می شود .

نفس کش: با نظرون خورده شود در بلند نفسی مفید است .

اندام های راننده: سیاه دانه را بخورند یا برناف بمالند داروی کرم و کرم کدو است . اگر چند روزی آن را بکار برند حیض را راه می اندازد .

اگر با عسل و آب گرم خورده شود در سنگ کلیه و مثانه مفید است .

تب ها: در علاج تب های بلغمی و سودایی داروی بسیار خوبی است .

زهرها: خوردنش پادزهر نیش رتیل است . حشرات از دودش می گریزند . بسیار خوردنش کشنده است .

## سیر

چندین نوع است: کاشتنی که مشهور است . گندناپی که قوتش مرکب از قوت سیر و گندنا است .

سیر بیابانی تلخ و گیرنده است و آن را سیر مار هم می گویند .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: ملین ، بسیار بادشکن ، زخم آور پوست .

آرایش: سیر را با آب پز پونه کوهی بخورند و بر تن بمالند شپش و رشک را ریشه کن می کند . خاکستر سیر را با عسل مخلوط کنند . بهک و لک خونی زیر پلک را می زداید و داروی کم بودن مو است که از مواد متعفن بهم آمده است .

جوش: سیر دمل های باطنی و ناپدید را باز می کند . خاکسترش داروی جوش ها است .

زخم و قرحه: پوست را زخم می دهد . خاکستر سیر با عسل داروی قوباء و گری تر است . سیر بیابانی را تا تر است بر زخم بدخیم بگذارند زخم را بهم می آورد .

مفاصل: داخل کردن مانند آمپول و شیاف سیر در علاج بیماری اعصاب مفید است .

سر: سیر مایه سردرد می شود . سیر کفیده و در آب پخته داروی دندان درد است . آب پز سیر را در دهان گردانند درد دندان تسکین می یابد ، به ویژه اگر با کندر مخلوط باشد .

چشم: دید را ناتوان می کند و سبب جوش های داخل چشم می شود .

سینه: سیر پخته گلو را صاف می کند و داروی سرفه مزمن است . درد سینه و سردی را دوا می کند و زالو را از گلو بیرون می آورد .

اندام های غذا: سیر و زیتون و هویج را با هم بپزند در علاج شکم گندگی داروی بسیار خوبی است .

اندام های راننده: در آب پز برگ و ساقه سیر بنشینند بول و حیض ریزش می یابد و بچه دان بیرون می آید و اگر آب پز را بخورند یا بدان (داخل کردن مانند آمپول و شیاف کنند) باز همین تأثیرات را دارد . سیر را بکوبند و با عسلاب بخورند بلغم را

بیرون می آورد. داروی کرم است و ملین. سیر به علت اینکه گدازنده و خشکاننده است شاید برای غریزه جنسی خوب نباشد ، اما اگر سیر را چندان در آب بجوشانند تا تندیش از بین برود شاید در باقیمانده اش گرمی اندک بماند و بخشکاند و مواد بلغمی را در مزاج بلغمی به باد مبدل سازد و غریزه جنسی را دگرگون کند .

زهرها :اگر سیر را با آب انگور کهنه بخورند پادزهر نیش حشرات و پادزهر نیش مار است و همچنین در سگ هار گزیده مفید است .

## سیر بیابانی

از سیر کاشتنی بسیار ریزتر است .برگ و ساقه ای دارد که بر ساقه گلی سفید رنگ پدیدار است .

مزاج :گرم و خشک است .

خاصیت :لطیف و زداینده و باز کننده است .

زخم و قرحه : زخم های بزرگ و پلید را خوب می کند .

مفاصل :در علاج گسستگی ماهیچه داروی خوبی است .



## خواص مواد دارویی حروف(ش)

«ش»

### شاه افسر \_ ناخنگ

گیاهی است به رنگ کاه به شکل هلالی (ماه نو) با وجود تخلخلی که دارد تا اندازه ای سخت است. گاهی به رنگ سپید و گاهی زرد رنگ است.

دیسقوریدوس گوید: بعضی ها این گیاه را «ایسقیفون» می نامند.

گیاهی است خشک دارای شاخه های زیاد و چهار گوش که به سپیدی می زنند و خم می شوند. برگ این گیاه شبیه برگ درخت به است لیکن اندکی درازتر از آن است. کمی زبر است و کرکدار و رنگش به سپیدی متمایل است و در جاهای زبر و خشن می روید. بهترین نوع مورد استفاده اش گونه ای است که سخت تر است رنگش کمی به سپیدی می گراید مزه اش تلخ تر و بویش تند و آشکار است.

دیسقوریدوس گوید: بهترین نوع آن به رنگ زعفران است که دارای بوی قوی تر می باشد.

قابض و تحلیل برنده است.

مزاج: گرم و خشک است.

دمل و جوش: این گیاه خود به خود در علاج دمل های گرم و سخت مفید است.

زخم و قرحه تر: گیاه را در آب حل می کنند و زخم را بدان می شویند یا اینکه گیاه را با داروهای خشک کننده از قبیل مازو، گل خشک و عدس مخلوط می کنند.

اندام های سر: ضماد این گیاه ورم گوش ها را فرو می نشاند و درد گوش را از بین می برد. اگر افشره آن را در گوش بچکانند درد گوش را بهتر از ضمادش چاره می کند.

اگر آن را در آب حل کنند سردرد را از بین می برد.

چشم: ضمادش با داروهای ذکر شده چاره ساز ورم چشم است.

اندام های دفعی: ضماد آن با داروهای نامبرده ورم مقعد و بیضه ها را فرو می نشاند. اگر ساقه های آن را با برگ هایش بجوشانند و آن را بنوشند ادرارآور است، حیض را روان می سازد.

اگر با آب جوشانده آن خود را شستشو دهند خارش بیضه ها را فرو

می نشاند.

## شاه تره - تخم ترتیزک بیابانی

دیسقوریدوس گوید: بهترین ترتیزک در سرزمین بابل می روید که قوتش هم ردیف قوت خردل و تخم ترب است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: گرمی بخش ، تحلیل بر ، رساننده و نرمش دهنده است و رییم و چرک گری را خشک می نماید .

آرایش: خوردن یا مالیدن آن مو را از ریزش باز می دارد .

دمل و جوش: داروی ورم بلغمی است . با آب و نمک ضماد شود دمل ها را شفا می بخشد .

زخم و قرحه: در علاج گری چرکین و قوباء(نوعی بیماری ویروسی) مفید است . با عسل همراه باشد جوش عسلی را از بین می برد و پلیدی آتش فارسی را بر می اندازد .

مفاصل: خوردنش و ضمادش که همراه سرکه و قاوت جو باشد داروی بیماری اعصاب است .

اگر بیماری بیماری اعصاب همراه با اسهالی باشد که خون در مدفوع دیده شود این دارو را حقنه(وارد کردن مانند شیاف ، آمپول و ...) کنند مفید است . در علاج سست بودن همه پی ها بسیار سودمند است .

سینه : شش را تنقیه می کند ، داروی برنشیت است . تخم ترتیزک نیز از داروهای برنشیت است .

از آنجا که دارای قوت قطع کننده و نرمش دهنده است آن را با سوپ مخلوط کنند برای برنشیت بسیار خوب است .

اندام های غذا: معده و کبد را گرمی می دهد . ستبری طحال را از بین می برد و به ویژه اگر با عسل ضماد شود .

اندام های دفعی: شهوت انگیز و کرم کش است . حیض را روان می سازد . در روغن جوشیده اش بندآور شکم است و به ویژه اگر نکوبیده باشد ، چون سائیدن لزجی آن را از بین می برد . در علاج قولنج مفید است .

اگر کوبیده آن را با آب گرم بنوشند مسهل و بادشکن روده ها است .

زهرها: خوردن آن یا ضمادش با عسل پادزهر حشرات است و اگر بسوزانند حشرات از دودش گریزانند .

## شاه تره

سبز و شاداب و تلخ مزه اش خوب است .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: به علت مزه گیرنده که دارد سرد است و از تلخ مزگی اش گرم است و سردی آن از گرمی بیشتر است .

زخم: خوردنش داروی خارش و گری است .

سر: لته را محکم می کند .

اندام های غذا: معده را توان می بخشد و بند آمده های کبد را می گشاید .

## شاه دانه

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: باد را از بین می برد . بسیار خشکاننده و خلطش کم و ناپسند است .

ورم و جوش: بیخ شاه دانه بیابانی را بپزند و بر ورم گرم که در جای سخت بر آمده و کیموس ها در آن جای گرفته اند ضماد گذارند گرمی را خاموش می کند و سخت را نرم می نماید .

سر: از گرمی که دارد می آورد . افشرد اش درد گوش را از بین می برد . روغن و برگش شوره سر را از بین می برد .

چشم: تم چشم می آورد .

اندام های غذا: دانه اش دیر هضم و برای معده بد است .

اندام های راننده: زیادش خوردن آب منی را می خشکاند .

## شابانک

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تحلیل برنده و بسیار لطافت بخش است . اگر زیر بالش کودک بگذارند در علاج جریان آب دهن در وقت خواب مفید است .

مفاصل: بر تن بماند ، یا به بینی کشند ، یا با آب انگور کهنه خورند علاج فلج است .

سر: آبش را به بینی کشند مغز را می پالاید و در علاج کج دهنی مفید

است . با آب انگور کهنه خورند در صرع سودمند است .

اندام های غذا: رطوبت های معده را بر می چیند .

اندام های راننده: بادهای زهدان را از بین می برد .

## شاه زیره

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: بادشکن است و می خشکاند ولی به لطافت زیره نیست .

اندام های غذا: خوردنش استفراغ را بند می آورد . معده را گرم و به هضم طعام کمک می نماید .

چشم: از داروهای چشم است ولی اگر زیاد بخورند کم سویی ببار می آورد .

سینه: آرامش بخش سکسکه و خفقان است .

اندام های دفعی: آب پز و تخمش خورده شوند ادرار بول می دهند .

پیچ و درد روده را تسکین می دهند .

زنان در آب پز بنشینند درد زهدان بر طرف می شود .

تخمش را بسوزانند و ضماد کنند بواسیر را بر می کند .

دانه و تخم آن را بخورند داروی کرم است .

## شاه پسند

دانه این گیاه تقریباً به دانه آس می ماند .

مزاج: گرم و تر است .

زخم و قرحه: زخم را بهم می آورد . زخم پلید را از سرایت باز می دارد به شرطی که با سرکه ضماد شود .

ورم و جوش: ورم بلغمی را نرم می کند .

آرایش: آب پز مو را سیاه می کند .

اندام های راننده: آب پز شاخه اش بول و حیض را راه می اندازد . اگر خود را با آن بشویند خارش عورت را تسکین می دهد .

## شبدر

شبدر گیاهی است که سه نوع دارد: بیابانی ، کاشتنی و مصری . تخم آن را نان می کنند و می خورند .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: شبدر کاشتنی به اعتدال می زداید و می خشکاند . شبدر بیابانی قبض و گری رسان است و روغنش بادهای پرمایه را پراکنده می سازد .

آرایش: شبدر کاشتنی و بیابانی هر دو داروی لکه های سیاه رخسارند .

زخم و قرحه: افشره شبدر کاشتنی که با عسل باشد زخم را تنقیه

می کند.

مفاصل: روغنش داروی درد مفاصل است .

سر: افشره اش را به بینی کشند عطسه می آورد و برای بیماران صرع بسیار مفید است .

چشم: افشره شبدر کاشتنی و به ویژه اگر با عسل باشد سفیدی چشم و تم چشم را چاره می کند .

سینه: هر نوع از شبدر و به ویژه بیابانی آن درد دنده ها را که از بلغ باشد دوا می کند . خناق و درد گلو می آورد و در این حالت علاجش گشنیز و کاسنی و کاهو است که آسیبش را دفع می کنند .

اندام های غذا: علاج درد سرد بادزای معده است . روغنش در سر آغاز استسقا داروی خوبی است .

اندام های دفعی: ادرار بول و حیض می دهد . شبدر بیابانی با شربت تخم پنیرک بستانی داروی درد مثانه است . روغن شبدر علاج درد بیضه ها و زهدان است .

شبدر بیابانی قی و اسهال را درمان می کند . شکم را بند می آورد . شبدر و تخمش شهوت انگیز است .

تب ها: کسی که تب نوبه دارد اگر سه برگ یا سه دانه از تخم شبدر بخورد یا اگر در تب سه اندر میان چهار برگ یا چهار دانه از تخمش را بخورد نوبت تب ها بهم می خورد .

زهرها: آب شبدر بر جای نیش کژدم بیاشند فوراً تسکین می یابد . اما اگر بر اندامی درست پاشند سوزش و درد پیدا می شود .

تخمش از خود شبدر در علاج نیش کژدم قوی تر است .

## شبث — شوید

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: خلط سرد را می رساند ، درد را تسکین می دهد ، باد را

می پراکند . روغنش نیز همین تأثیرها را دارد و بسیار نرم کننده است .

ورم: ورم ها را می رساند .

زخم: خاکسترش در علاج زخم های سست و شل مفید است .

مفاصل: روغنش درد مفاصل و شبیه آن را آرام می کند .

سر: شبث و به ویژه روغنش خواب آور است . افشره اش در علاج درد

گوش که سودایی باشد و در برچیدن رطوبت های گوش مفید است .

چشم: همیشه بخورند دید را ضعیف می کند .

سینه: شبت و تخم شبت شیر را به راه می اندازد و به ویژه در کسی که شیر بسیار دارد ، بسیار مؤثر است که شیر را زیادتیر می کند .

اندام های غذا :سکسکه ای که ناشی از بالا آمدن طعام و پر شدن معده باشد علاجش با شبت است .

اندام های راننده :آب پزش حقنه(وارد کردن مانند شیاف ،آمپول و ...) شود ، یا در آن بنشینند درد و پیچش روده تسکین می یابد .تخم شبت بواسیر بر آمده را قطع می کند . خاکسترش داروی زخم ذکر و پیزی است

## شرنگ ، هندوانه ابوجهل

شرنگ بر دو نوع است :نر و ماده

شرنگ نر الیافی و شرنگ ماده سست و سفید رنگ و نرم است .سفید بسیار سفید و نرم بسیار خوب است .سیاهش بد است و باید وقتی آن را می چینند پیهش را فوراً بیرون نیاورند .

مزاج :گرم و خشک .

خاصیت :گدازنده ، تکه کننده ، بسیار جاذب ، برگ سبز آن خون دماغ را بند می آورد .

آرایش: در مداوای جذام و واریس ، پاغر ، بر پوست بمالند مفید است .

دمل و جوش :برگ شادابش ورم ها را می رساند و تحلیل می برد .

مفاصل :در علاج درد پی و مفاصل و بیماری اعصاب و نقرس سرد بسیار مفید است .

سر :مغز را می پالاید بیخ شرنگ را با سرکه بپزند و مززه کنند درد دندان را فرو می نشاند .شرنگ را در روغن زیتون بجوشانند و آن را در گوش بچکانند صدای گوش را از بین می برد . کشیدن دندان را آسان می کند .

نفس کش و سینه :در علاج بلند نفسی بدان قی کنند بسیار خوب است .

اندام های غذا :بیخ شرنگ در علاج استسقا خوب است ولی با معده ناسازگار می باشد . در بیرون راندن بلغم پرمایه و غلیظ از مفاصل و پی ها ویژگی دارد .

زرداب را روان می سازد و برای علاج قولنج تر و بادی دارویی است بسیار سودمند و شاید خون را هم بیرون آورد .

از آنجا که در روده ماندگار نیست و بسیار زودگذر است تلخی اش تأثیر چشمگیری بر روده ندارد .در مداوای بیماری های گرده و آبدان مفید است .

زهرها :شرنگی که هنوز به رنگ سبز است و چیده شده زیاد از اندازه مسهل و زیاد لازم قی آور است .بیمار را آزاری دهد و شاید کشنده باشد . یخ شرنگ پادزهر مار است .در خنثی کردن سم کژدم بهترین پادزهر است خوردن و پاشیدن آب پز آن بسیار مفید است .

## شربین

درختی است که از آن قطران می گیرند. بهترش آن است که قطرانش پرمایه و صاف و نیرومند و بدبو باشد و هرگاه از درخت تراوید قطرانش بحال خود ماند و از هم نپاشد .

این درخت را در زبان فارسی اورس می گویند. ضد گندیدن و تن مرده را نگهدار است .

خاصیت: پوست اورس گیرندگی دارد .

سر: کسی که زیاد از بر میوه این درخت بخورد از گرمی بخشیدن زیاد و از گزیدن معده که خاصیت اوست دچار سردرد گرم می شود. برگش را در سرکه بپزند و بدان مزمزه کنند درد دندان تسکین می یابد .

سینه: ثمرش داروی سرفه است .

اندام های غذا: ثمرش معده را می گزد . با معده و کبد سازگار است .

اندام های راننده: ثمرش از چکمیگزک مفیدتر است . با فلفل بخورند بول را ریزش دهد. پوستش خورده شود شکم بند می آید و شاید بول را هم

بند آورد .

زهرها: ثمرش با آب انگور کهنه پادزهر سمومیت از خرگوش دریایی

است. ثمرش را با پیه شتر مخلوط کنند و به تن بمالند حشرات از آن می گریزند .

## شفتالو

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت: رطوبتش زود می گندد. ملین است و کمی گیرندگی دارد . نارسش گیرنده تر است .

آرایش: برگش را به تن بمالند خوش بو می شود .

سر: آب برگش کرم های گوش را می کشد، روغنش در علاج سردرد نصفی و درد سرد و گرم گوش سودمند است .

اندام های غذا: رسیده اش برای معده خوب و اشتهاآور است و بهتر آن است که قبل از غذا بخورند و بر چیزی دیگر نخورند که خودش فاسد شود و چیزی را فاسد گرداند .

اندام های راننده: برگش را بر ناف ببندند کشنده کرم شکم است. خوردن افشره شکوفه و برگش داروی کرم است .

رسیده اش ملین است و نارسیده آن قبض .

## شقرس

خاصیت: گرم است و افشره اش را در علاج دردها می خورند .

آرایش: سبزش را با آب انگور کهنه بر پوست بمالند علاج لک و پیس است .

زخم: زخم مزمن را بهم می چسباند و گردش را بر گوشت زائد بپاشند مفید است .

مفاصل: با سرکه بر نقرس بمالند مفید است .

سینه: با شیرینی ها بلیسند داروی سرفه است .

اندام های غذا: مقداری را با ادرومالی بخورند سوزش معده را تسکین می دهد .

اندام های راننده: اگر زنان بردارند در ریزش حیض ملایم است .

## شقایق (لاله)

دونوع است: کاشتنی و خودرو . کاشتنی بر دو نوع است: یکی گل سرخ می دهد و گل دومی سفید به رنگ شیر و مایل به ارغوانی است .

مزاج: گرم و تر .

خاصیت: زداینده و تحلیل برنده است .

آرایش: اگر با پوست گردو مخلوط باشد مو را سیاه می کند .

ورم و جوش: پخته اش را بر ورم های سخت نشده بمالند مفید است .

زخم و قرحه: خشکیده اش علاج زخم پلید است زخم را خوب می کند و چرک زخم ها را پاک می کند . در علاج پوست انداختن بسیار مؤثر است .

داروی گری چرکین است و در تنقیه زخم های پلید کم نظیر است .

سر: افشره اش را به بینی بکشند مغز و سر را پاک می کند .

بیخس را بسایند رطوبت های سر را بیرون می کشد . افشره اش علاج قوباء(نوعی بیماری ویروسی) است .

چشم: افشره اش با غسل داروی تم، سپیدی و اثر زخم چشم است .

سینه: برگ و ساقه های لاله را با گیاه مرزه کوهی بپزند و بخورند شیر را ریزش می دهد .

اندام های راننده: لاله را بردارند حیض را راه می اندازد .



## شکر

نیشکر با شکر هم مزاج و از شکر نرمی بخش تر است .

مزاج : گرم و تر است و گرمی در شکر تبرزد کمتر است .

خاصیت : نرم کننده ، زداینده و شستشو دهنده است .

چشم : آنچه به انگم شبیه و از نیشکر می گیرند چشم روشنی است .

سینه : سینه را نرمش می دهد و زبری را می زداید .

اندام های غذا : برای معده خوب است . لیکن برای معده ای که صفرا در آن پیدا می شود زیان آور است و در این صورت شکر به صفرا تبدیل

می شود . شکر راه بندان ها را باز می کند ، تشنگی آور است ولی نه به اندازه ی عسل و به ویژه شکر کهنه تشنگی آورتر از تازه آن است .

شکر کهنه خون تیره و پرمایه بوجود می آورد. بلغم را از معده می زداید .

نیشکر در استفراغ مفید است .

هرشکری و به ویژه آنچه بر بالایی های شکر می نشیند و گویی نمک است ، اسهال آور است . شکر سلیمانی و شکر سرخ بیشتر از سایر انواع شکر لیونت می دهند .

شاید بادزا باشد و شاید بادشکن باشد .

شکر و روغن بادام در علاج قولنج مفید است .

## شلکا انجیر

دیسقوریدوس در کتاب خود گوید : درختی است تنومند ، به درخت انجیر می ماند و شیره بسیار دارد . برگش شبیه برگ توت و سالیانه سه الی چهار بار میوه می دهد . میوه اش از جوانه شاخه ها سر بر نمی زند ، چنان که در درخت انجیر دیده می شود ، بلکه میوه آن از ساقه شاخه ها و به انجیر بیابانی شبیه است .

مزه اش از انجیر نارسیده شیرین تر و دانه هایش به بزرگی دانه انجیر

نیستند . مزاج : گرم و تر است .

خاصیت : از شیره درخت آن قرص می سازند و حقنه (وارد کردن مانند شیاف ، آمپول و ...) می شود که ملین است و بسیار گدازنده .

اندام های غذا :با معده ناسازگار است .

زخم و قرحه :شیره آن چسبنده است و زخم های دشوار را درمان می کند. دمل و جوش :آماس های سخت را نرم می کند .

اندام های دفعی :مسهل است .

تب ها :شیره درخت آن در علاج تب لرز مفید است .

زهرها :شیره آن را بر جای نیش بمالند پادزهر حشرات است .

## شلمک

گیاهی است که در میان گندم زار می روید .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت :لطیف ، زداینده ، تحلیل برنده .

آرایش :مخلوط آن را با گوگرد بر لک و پیس بمالند مفید است .

ورم و جوش :با تخم کتان بر ورم و خنازیر بگذارند نرم می کند .

زخم و قرحه :شلمکی را که با گندم روئیده اگر بر زخم بمالند یا بسایند و بر زخم بپاشند مفید است .مالیدنش داروی قوباء(نوعی بیماری ویروسی) است با پوست ترب بر زخم بگذارند مفید است .

مفاصل :در غسل آب بپزند و ضماد کنند علاج بیماری اعصاب است .

سر :مستی و بیهوشی می آورد .

اندام های رانده :شلمک و به ویژه با قاوت جو را بسوزانند و دودش را برکشند به باردار شدن زن کمک می نماید .

## شلغم

بیابانی و کاشتنی است .

مزاج :هر دو نوع گرم و تر هستند .

خاصیت :پخته آن غذایی بسیار متراکم می دهد و بهترش آن است که با گوشت چرب بپزند .

آرایش:اگر شلغمی را بسوزانند و موم و روغن گل در وسط آن بریزند و بر خاکستر گرم بگذارند تا موم بگذارد علاج کم مویی کهنه است .

زخم :همین کار در ترک های چرکین ناشی از سرما مفید است .

سینه: شلغم پخته با گوشت چرب ، سینه و گلو را نرم می کند .

اندام های غذا :زیاد در معده ماندگار است .

مفاصل :آب پزش را بر نقرس بپاشند بسیار سودمند است .

چشم :خوردنش برای چشم مفید است .

اندام های راننده :آبش بول را ادرار می دهد و شهوت انگیز است .

## شبلیله

مزاج :گرم و خشک و رطوبتی بیگانه دارد .

خاصیت :رساننده و نرمی بخش است .

آرایش: روغنش همراه آس برای مو مفید است .اثر زخم را از بین می برد .

ماده لعابی تخم شبلیله و به ویژه اگر با روغن گل باشد ترک های ناشی از سرما را درمان می کند .

در داروهای لکه های سیاه رخساره و زیبا شدن رنگ و دگرگونی بوی دهان و بوی بد تن و عرق مفید است .

ورم و جوش :ورم های بلغمی و سخت را از بین می برد .

آرد شبلیله ورم های گرم پدید و ناپدید را شفا می دهد ، به شرطی که التهاب نکرده و تا اندازه ای سخت باشند .ورم های اندرونی را نرم می نماید و می رساند .

زخم :با روغن گل داروی زخم می باشد .

سر :سرشویه کنند شوره را از بین می برد . سردرد می آورد و به ویژه اگر با آبکامه باشد اما آبکامه برای معده خوب است و اگر همراه شبلیله باشد از گزندش به معده می کاهد .

چشم :آب پز شبلیله نقطه سرخ چشم را بر طرف می کند . بر چشم بمالند مواد غلیظ را که سبب آماس چشم می شوند از بین می برد .

سینه :صدا را صاف می کند ، کمی غذا به شش می دهد . سینه و گلو را نرم می کند . سرفه و برنشیت را تسکین می دهد و به ویژه اگر با عسل یا انجیر یا خرما بپزند .در علاج آماس و درد و بهم آمدن زهدان در آب پزش بنشینند مفید است .

آب پزش با سرکه که داروی زخم روده است . شبلیله سبز را بخورند و سرکه بر آن سر بکشند داروی زخم معده است .آب پزش همراه آب علاج اسهال است .

روغنش آماس مقعد را فرو می نشاند .حقنه(وارد کردن مانند شیاف ،آمپول و ...) اش پیچش و درد شکم را بر طرف می کند .آب پز آن با عسل رطوبت های پرمایه را از معده سرازیر می کند .

بول و حیض را روان می سازد. زنانی که زهدان سخت دارند و به دشواری بچه می آورند و زهدان خشک دارند فرزجه شنبلیله و پیه اردک بسازند و همین را کسانی که بواسیر دارند انجام دهند مفید است .

## شنگرف

بعضی ها گویند شنگرف هم قوت سفیداب است و برخی معتقدند که در قوت یا شاه دانه برابر است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: گیرندگی بیش از کشندگی دارد .

زخم و قرحه: زخمها را بهم می آورد . گوشت را در زخم ها بر می آورد .

داروی سوختگی و جرب خشک است .

سر: خوره دندان ها را بر طرف می کند .

## شنگ

مزاج: کمی حرارت و سردی دارد و می توان گفت ولرم است .

خاصیت: تا اندازه ای گیرنده و بیخش بیشتر گیرندگی دارد. بیخ شنگ را در پادزهرها بریزند اندام ها را محکم می کند .

زخم و قرحه: برگ خشکیده اش زخم را بهم می آورد و در علاج زخم های کهنه مفید است و در این زمینه گلش کاری تر است .

سر: برگ ، بیخ و گلش ، هر کدام را با افشره جو بخورند علاج زخم شش و داروی خون برآوردن است .

اندام های غذا: شنگ و به ویژه آبش معده را توان می بخشد و ریزش مواد را از معده باز می دارد .

اندام های دفعی: شنگ و به ویژه گل شنگ یا افشره اش را با آب انگور کهنه بخورند بهترین علاج زخم روده است . ضماد شنگ و خوردنش خونریزی زهدان را قطع می کند .

## شوکران (بیخ تفتی)

دیسقوریدوس گوید: گیاهی است که مردم گرگان آن را (بوط) می خوانند .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: خونریزی را بند می آورد .

آرایش: به علت سردی زیاد که دارد اگر بر جای موی چیده بمالند مانع بازروئیدن مو می شود. بر پستان بمالند بزرگ نمی شود.

ورم: افشیره اش داروی جمره و مورچگی است.

مفاصل: بر نقرس گرم بمالند مفید است.

سر: گویند افشیره اش رطوبت های گوش را از بین می برد.

چشم: داروی چشم درد است.

سینه: بر پستان بگذارند بزرگ نمی شود و بی اراده شیر از آن نمی تراود.

اندام های راننده: خونریزی را بند می آورد. داروی درد زهدان است.

بر بیضه بگذارند بزرگ نمی شود.

زهرها: سم قاتل است.

## شیر

گوهر شیر ترکیبی است از آبی و پنیری و چربی. در شیر گاو چربی زیاد است. شیر شتر بسیار رقیق و چربی و پنیری اش از شیر گاو کمتر است.

شیر بسیار خوب آن است که رنگش بسیار سفید، قوامش معتدل و قطره اش بر ناخن نلغزد و باقی بماند.

مزاج: مواد آبکی شیر کم و چربی آن معتدل است و کمی گرایش به گرمی دارد. شیر ترش (ماست) سرد و خشک است.

خاصیت: به سبب گوهر آبی که دارد لطافت بخش و شوینده است و گزندگی ندارد.

اندام های غذا: هر شیری و به ویژه شیر پستان زن تغذیه زیاد به مغز می دهد.

شیر زود هضم است و باید چنبن باشد.

شیر وقتی غذایی شده است که سایر غذاهایی که هضم ها دیده و به بارها پالایش رسیده اند هم حال شده است.

کسی که شیر می نوشد باید بعداً آرام بگیرد که مبادا شیر تباه گردد و بترشد. اما نباید بعد از شیر نوشیدن فوراً خوابید و نباید غذای دیگری خورد.

شیر ناجوشیده بادزا است و چون بجوشد معتدل می شود. نوشیدن شیر برای زیبایی رنگ بسیار مفید است اما گاهی لکه های سفید در رخساره به وجود می آورد. شیر را با شکر بخورند رنگ را بسیار زیبا می کند و به ویژه زنان از آن بهره می برند.

شیر فربه کننده است و حتی آب پنیر هم فربه می دهد چنان که اگر آنهایی که مزاج گرم و خشک دارند آب پنیر بنوشند و اسهال شوند دلیل چاق شدن آنهاست .

آب پنیر را بر رخساره مانند لکه ها و اثرها را از بین می برد و اگر بخورند هم همین اثر را دارد .

ورم و جوش :اکثراً از اثر شیر نوشیدن دمل های بد و آماس های تباه و بادکردگی و سرخ شدن پوست و گری و خارش از بین می رود . کسانی که ورم های درونی دارند بهتر آن است که از خوردن شیر پرهیز کنند .

زخم و قرحه :شیر زخم های ناپیدا را می شوید و پاک می کند و می پوشاند.

مفاصل :شیر عموماً با اعصاب ناجور است و برای بیماران عصب و به ویژه آن بیماری که سرد و بلغمی باشد خوب نیست .

سر :شیر بز آب بینی زکامی را بند می آورد.تندی آن را ملایم می کند. داروی زخم گلو است .شیر فراموشی خشک و غم و وسوسه را از بین می برد .

شیر برای دندان خوب نیست ، دندانها را می کاود ، می خورد ، خرد می کند و به ویژه اگر دندان انسان سرد مزاج باشد . لثه را سست می کند . بهتر آن است که بعد از شیر نوشیدن با عسل و آب انگور کهنه و سکنجبین مزمه کنند.

شیر برای بیماریهای سردرد و سرگیجه و کسانی که احساس صداهای غریب (طنین) می کنند خوب نیست .نباید بعد از شیر خوردن خوابید . شیر عموماً برای کسانی که ضعف سر دارند بد است .

چشم :شیر سبب تم و پرده چشم می شود .اما در چشم بدوشند برای مداوای رمد و دفع گزند مواد گرم و ناسازگار که به چشم درآیند مفید است و زبری را از بین می برد .

برای از بین بردن نقطه خونی (طرفه) مفید است و همچنین اگر شیر با سفیده تخم مرغ و روغن خام گل مخلوط کنند و بر چشم دردمند گذارند بسیار سودمند است .

اندام های تنفسی :شیر تازه دوشیده بز برای سرفه و سل و خون برآوردن خوب است .

شیر گوسفند بهتر از آنها است .در دهان گردانیدن و غرغره کردن شیر داروی خفگی ها و ذبحه صدریه و آماس زبان کوچک و لوزتین است .

برای بیماریانی که خفقان تر خونی یا بلغمی دارند خوب نیست . شیر شتر علاج برنشیت و ضعف اندام ها است .

اندام های غذا :شیر سبب بندآمدنی ها در مثانه و کبد می شود .آب پنیر در علاج یرقان مفید است .

آب پنیر زرداب سوخته را ریزش می دهد .آب پنیر مخلوط با اف تیمون سودای سوخته را بیرون می راند .شیر سنگ به وجود می آورد .

شیر را آنقدر بجوشانند تا ماده آب از آن خارج شود ، شکم را بند می آورد و بهم خوردن عادت ماهانه را سر و سامان می بخشد . شیر شتر حیض را راه می اندازد .

دوغ گاوی برای بیرون دادن مزاره خوب است .

با شیر دوشیده حفته(وارد کردن مانند شیاف ،آمپول و ...) کنند زخم های زهدان را علاج می نماید .شیر بز برای زخم آبدان مفید است .

شیر زیان جماع را جبران می کند و شهوت انگیز است .هر شیر و حتی شیر ترش (ماست) که تر و بادزا است آرزوی جماع را زیاد می کند .

شیر بادکن روده است .هر شیری که پرمایه باشد و به ویژه آغوز که بسیار پرمایه است قولنج را بر می انگیزاند و سنگ پدید می آورد .شیر در علاج پوسته انداختن مفید است .شیر ترش و پخته اسهال زردابی و خونریزی را بند می آورد .شیر شتر داروی بواسیر است .آماس های اطراف مقعد ، زخم های مقعد ، ورم های زهار ،زخم های زهار را اگر با شیر بیندایند درد را تسکین می دهد .

تب ها :شیر تازه دوشیده از بز برای بیماری دق مفید است . شیر ترش اگر به خوبی چربیش را بگیرند ولی چربی بماند اکثراً تب دق را قطع می کند . اما باید در حالتی باشد که با اشتها آن را بخورند .انواع شیر پرمایه ( غلیظ )اکثراً تب می شوند و تب داران باید از آن پرهیز کنند .

زهرها :کسی که سم خورده و مسموم شده است شیر بنوشد مفید است .

## شیره انگدان (حلتیت)

بیخ و ساقه انگدان را نشتر می زنند و شیره آن را می گیرند . حلتیت خشک شده آن شیره است .بهترینش آن است که رنگش مایل به سرخی و صاف و روشن است و آن را «مر» می گویند . بوی تند دارد و بوییش به بوی گندنا شبیه نیست و رنگش سبز نمی باشد و چشیدنش بدمزه نیست و به آسانی می گدازد و هر گاه آب شود رنگش سفید است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :بادشکن .از گدازندگی که دارد باد را از بین می برد و با این همه خود بادزا است .قطع کننده است و خون لخته شده درونی را تحلیل می برد .

آرایش :با سرکه و فلفل محلول شود داروی کم مویی است اگر با غذا مخلوط کنند رنگ را زیبا می کند و زگیل های میخی را بر می کند .

دمل و جوش : اگر ورم پلید و کشنده را با بیشتر باز کنند و حلتیت در آن بمالند سودمند است .در علاج دمل های محسوس و غیر محسوس خوب است .

زخم و قرحه :داروی قوباء(نوعی بیماری ویروسی) است .

مفاصل :حلتیت را با آب انار بنوشند داروی گسستگی در ماهیچه است .

گویند اگر مقداری از آن را با موم مخلوط کنند و قورت دهند یا با فلفل و فیجن و آب انگور کهنه بخورند درد پی‌ها را از قبیل کشیدگی و فلج معالجه می‌نماید .

سر: تنها حلتیت با حلتیت مخلوط با کندر اگنه دندان کرم خورده می‌باشد یا بر دندان دردمند بگذارند درد تسکین می‌یابد .

در معالجه صرع همان کنش فاونابا را دارد . اگر با آن غرغره کنند کرم را از گلو بر می‌کند .

چشم: در سرآغاز آب آوردن با عسل به چشم بکشند خوب است .

سینه: در آب حل شود و بنوشند فوراً صدا را صاف می‌کند .

زبری دیرینه پای گلو را شفا می‌دهد . اگر با تخم مرغ بخورند داروی سرفه دیرپا و ورم حجاب حاجز است و در علاج ورم زبان کوچک تأثیر زاج بلوری دارد .

اندام های غذا: اگر با انجیر خشک بکار برند داروی یرقان است .

حلتیت با معده و کبد ناسازگار است و به آن دو زیان می‌رساند .

اندام های دفعی: شهوت انگیز است . داروی بواسیر است . بول و حیض را روان می‌سازد . زخم روده را درمان می‌کند . در علاج اسهال سرد و کهنه سودمند است .

تب ها: در علاج تب سه در میانه بهترین دارو است .

زهرها: ضماد ، خوردن و پاشیدن محلولش با روغن زیتون پادزهر مارگزیده و نیش حشرات و به ویژه نیش کژدم و رتیل است .

شیره فیل زهره

دو نوع است . هندی و مکی .

هندی در سر و کار داشتن با مواز مکی بهتر و مکی در معالجه ورم ها از هندی مفیدتر است .

مزاج: گرمی و سردی معتدل دارد و خشک است .

خاصیت: در هندی آن گدازندگی هست و اندکی گیرندگی و در علاج هر نزیفی مفید است .

آرایش: مو را محکم می‌کند و رنگ مو را سرخ می‌گرداند و به ویژه هندی قوی تراز مکی است .

لکه های سیاه صورت را می‌زداید و همه نوع آن داروی کژدمه است .

ورم و جوش: داروی ورم های سست و مورچگی است .

زخم و قرحه: زخم پلید را درمان می‌کند .

مفاصل: مفاصل را استحکام می‌بخشد .



سر: در مداوای چرک و ریم گوش ، زخم گوش ، زخم لثه و بیماری لثه بسیار سودمند و اگر آن را به دهان بمالند جوش دهان و زبان را خوب می کند .

چشم: دواى رمد است . قرنيه را جلا مى دهد . تم چشم را از بين مى برد . شفاى گرى چشم است .

سینه: خوردن هندی اش علاج خون برآوردن و سرفه است .

اندام های غذا: خوردن یا مالیدن نوع هندی آن بر بدن در علاج یرقان سیاه و طحال سودمند است و درخت آن نیز در این زمینه و در اسهال معده مفید است.

اندام های دفعی: داروی ترک های مقعد است . بخورند یا بردارند در علاج اسهال مزمن اسهالی که از ناتوانی معده باشد ، مؤثر است و خون حیض را راه می اندازد .

میوه تازه و ترش در بیرون راندن بلغم آبی و شفا دادن زخم های مقعد و بازداشتن خونریزی زنانه و علاج بواسیر سودمند است.

زهرها: میوه اش در مقابل سم های کشنده مقاومت می کند و هندی آن را بخورند گزند مارگزیده را خنثی می سازد .

## شیشه

مزاج: گرم و خشک است .

سر دندان را جلا می دهد . اگر با روغن گل باشد مو را باز می رویاند و اگر سر را با آن بشویند جوش های سوزنی را علاج می کند .

چشم: دیده را جلا می دهد ، سفیدی را بر طرف می کند و سوخته اش مفیدتر است . اگر سائیده سوخته اش را با آب بخورند بهترین داروی سنگ گرده و مثانه است .

## شترک

شترک هندی قطعه چوبهای کوچک و باریک و دارای پوستی است شبیه دارچین و اگر بشکنی رنگش میانه سرخ و سیاه است.

مزاج: با سرکه بر پوست بمالند علاج لک و پیس و برص است.

زخم و زخم: با سرکه بر پوست انداختن گری را درمان می کند .

مفاصل: اگر خورده شود بهترین علاج درد مفاصل است .

اندام های غذا: بر طحال بمالند لاغرش می کند .

اندام های راننده: می گویند بیخش را به گوش آویزند درد مثانه تسکین می یابد .

## خواص مواد دارویی حروف ( ص ، ط ، ع ، غ )

«ص»

### صندل

چوبهای ستبری است که از مرز مملکت چین می آورند و سه نوع است : زرد ، سرخ ، زرد مایل به سپیدی که بعضی آن را مقاصیری می گویند .

بوی مقاصیری از بوی بقیه خوش تر است .

مزاج : سرد و خشک

خاصیت : صندل و به ویژه صندل سرخ رنگ مانع تراوش رطوبت بدن

است . ورم : صندل و به ویژه سرخ رنگش ورم گرم را تحلیل می برد . بر باد سرخ بمالند مفید است .

سر : در علاج سر درد بد نیست .

سینه : خوردنی و مالیدنی تپش ناشی از تب ها را علاج است .

اندام های غذا : خوردن و مالیدنش ناتوانی معده گرم را برطرف می کند .

تب ها : صندل و به ویژه سفید رنگ مقاصیری در علاج تبهای گرم سودمند است .

### صدف

گوشت صدف بیابانی (حلزون) را خرد کنند و بسایند و بر تن بمالند بسیار خشکاننده است . سوخته صدف فرگیری بادشکن ، زداینده و هم قوت عرق نعنا و بونه است . همه انواع صدف های ریزه استخوان و خار را جذب می کنند به شرطی که درسته و بی هیچ تغییر حالتی استعمال شوند .

آرایش : همه پوشش های صدفی و پوسته صدف ها وقتی که می سوزند زداینده لک و پیس اند . صدف خام و ناسوخته پیکانهای استخوانی را جذب

می کند . اگر صدف فرگیری (ارغوانی) را در روغن زیتون بپزند و بر جای مو بمالند از ریزش مو جلوگیری می کند .

ورم و جوش : ماده لزجی که بر حلزون است و آن را زنگ حلزون گویند اگر با کندروالوا و مر مخلوط کنند تا بر پرمایگی عسل در آید ، ورم بناگوش را خشک می کند و اگر رطوبتی در ژرفا داشته باشد بر می چیند .

زخم و قرحه: سوخته فرفیری زخم را می زداید، پاک می کند و بهبودی می بخشد. صدف سوخته با نمک داروی سوختگی است و بر سوخته می پاشند تا آن را خشک کند. سوخته هر صدفی برای معالجه مفید است.

در علاج زخم و به ویژه زخمی که بر عصب باشد صدف همراه گوشتش و کندر و مر بر او بگذارند و اگر با گرد آسیاب هم باشد داروی خوبی است و زخم را شفا می دهد.

مفاصل: صدف را ضماد کنند علاج درد مفاصل و نقرس است و ورم مفاصل را فرو می نشاند.

سر: سوخته صدف فرفیری و به ویژه اگر با نمک سوخته شود دندان را جلا می دهد. صدف را بسایند و با سرکه آمیزند خون دماغ را قطع می نماید.

چشم: صدف را با گوشتش بسوزانند و سوخته را بشویند و در چشم بکشند آماس پلک را فرو می نشاند، سفیدی و تم را از چشمک می زداید.

اگر گوشت صدفی را که به (طیلس) کهنه مشهور است بسوزانند و سوخته آن را با قطران بسایند و بر پلک بمالند مانع رویش مو می شود.

ماده لزجی که بر حلزون بیابانی است موی برگشته پلک را می چسباند.

اندام های غذا: گوشت هر صدفی که برشته و نپخته نباشد درد معده را تسکین می دهد. صدف فرفیری را با سرکه بخورند علاج طحال است. ضماد صدف را بر استسقاء بگذارند تا پایین نیورد جدا نمی شود، و باید بگذارند تا خودش بیفتد. و به ویژه در علاج استسقاء صدف بیابانی که بسیار خشکاننده است از سایر صدف ها مؤثرتر است.

اندام های راننده: گوشت صدف فرفیری ملین نیست.

گوشت صدفی که مردم شام آن را (طالبیس) می گویند، تاتر است و به ویژه آبگوشتش ملین است و همچنین آبگوشت صدفهای کوچک ملین است.

دود بر کشیدن از سوخته صدف فرفیری علاج خفگی زهدان است و بچه دان را بیرون می آورد.

دود گوش ماهیه های ساحلی از قبیل بابلی، قلزمی، در علاج خفگی زهدان مفید است و صرع زدگان را به هوش می آورد.

صدف را بردارند حیض را ریزش می دهد.

زهرها: گوشت صدف پادزهر سگ هار است.

## صنوبر

درختش مشهور است.

مزاج: ایاف صنوبر بزرگ بسیار قوی و الیاف صنوبری که آن را فوفی می گویند ناتوان تر است.

خاصیت: الیافش بسیار قابضیت دارد . کرمی که در صنوبر است در برندگی همانند آلاکلنگ است .

زخم و قرحه: الیافش زخم را بهبود می دهد . در علاج زخم ناشی از سوختگی مفید است . الیافش به اندازه ای گیرنده است که می تواند پوست انداختن از ضمادش شفا یابد . الیافش را بسایند و گردش را بر سوخته آب گرم بپاشند مفید است . ساییده برگش را بر زخم بگذارند زخم را بهم می چسباند .

الیافش در علاج جای ضربه خوردن مفید و بهم آورنده زخم است و برگش که نمناک تر است در این زمینه از الیاف مؤثرتر است .

سر: آب پز پوست صنوبر را در دهان بگردانند بسیار بلغم بیرون می آورد.

در آب جوشیده الیافش را با سرکه در دهان بگردانند درد دندان تسکین می یابد . آب پز الیاف صنوبر و سرکه را در دهان بگردانند بلغم های بسیار سرازیر می کند .

چشم: دود صنوبر از ریزش مزه جلوگیری و خوره گوشه چشم را درمان می کند .

سینه: دانه اش داروی سرفه کهنه است .

اندام های غذا: خوردن پوست و برگ صنوبر درد کبد را درمان می کند .

اندام های راننده: دانه اش شکم را بند می آورد . تخم صنوبر با تخم خیار چنبر همراه آب انگور کهنه سیاه انگور خورده شود ریزش بول می دهد و علاج زخم کرده و آبدان است . الیاف صنوبر شکم را بند می آورد .

## صنوبر هندی

از تیره سرو کوهی است و آن را صنوبر هندی می گویند .

چوب هایش به چوب زرنباد شبیه است کمی تندمزه و شیره اش گرم و تند مزه و تشنگی آور است .

مزاج: خشک و گرم است .

خاصیت: تند مزگی شیر آن چنان است که می سوزاند و قابض است .

مفاصل: در مداوای سستی اعصاب و فلج و دهان کجی بهترین علاج است .

سر: در علاج بیماری های سرد مغز و سکتته و صرع سودمند است .

اندام های غذا: شیرش تشنگی آور است .

اندام های دفعی: سنگ کلیه و مثانه را خرد می کند . شکم را بند می آورد . سستی مقعد را بر طرف می کند به شرطی که در آب پزش بنشینند .

## طالیسفر (نبق هندی)

پوسته ای است ره آورد هندوستان قبض و تند و کمی خوشبو

کمی لطافت دارد و گوهر خاکی در آن زیاد است .

مزاج :گرم و خشک

اندام های دفعی :در ذرب (فساد معده ) و زخم های روده و خونریزی زهدان و خونریزی مقعد و علاج بواسیر مفید است .

## طریقولیون

دیسقوریدوس گوید :گیاهی است که در کرانه های دریا روید و مد دریا به آن می رسد .رویشش در آب نیست و از گیاهان آبی به شمار نمی آید .

گویند گل این گیاه در روز سه مرتبه تغییر رنگ می دهد .

گیاهان سفید ، درنیمروز بنفش و نزدیک غروب به رنگ سرخ خونی درمی آید.

مزاج :گرایش به گرمی دارد .

اندام های دفعی :اگر آن را با نوشآب های بنوشند مواد آبکی شکم و بول را ریزش می دهد .

زهرها :قبل از سایر پادزهرها آنرا برای دفع گزند سم استعمال می کنند .

## طرفحوماس

دیسقوریدوس گوید :بعضی این گیاه را ادبار گویند .

این گیاه در جاهایی پیدا می شود که رستگاه پرسیاوشان است و تمام کارهای پرسیاوشان را انجام می دهد .

## طراغیون

از گیاهان جزیره کرت است .

خاصیت :دیسقوریدوس گوید :اگر تیری در گوشت تن بزکوهی فرار بگیرد و بز به میان این گیاه بخزد تیر بیرون می آید .

اگر این گیاه را ضاماد کنند پیکان و خارها و خلیده ها را از گوشت بیرون می کشد .

اندام های دفعی :خوردن آن چکمیزک را قطع می کند .سنگ مثانه را خرد می نماید .حیض را راه می اندازد و زخم روده ها را معالجه می کند .

## طلق (تلک)

بعضی گفته اند که خوردن آن خطرناک است زیرا به گوشه و کنار و پیچ و خم های معده می چسبد .

چنگ اندر گلو و مری می زند .دوشیدن تلک از این قرار است :تلک را با چند قطعه یخ و چند دانه شن در پارچه ای می ریزند و بهم می زنند تا حل شود .

مزاج :سرد و خشک .

خاصیت :قبض است .بازدارنده نزیف خون است .

سینه :آماس های تازه برخواسته پستان ، میان دو ران ، پشت گوش و هر جایی را که سست گوش باشد درمان می کند .

اندام های تنفسی :با آب بارهنگ باشد خون برآوردن را قطع می کند .

اندام های دفعی :خوردن شستشو داده اش خونریزی مقعد و زهدان را قطع می کند مالیدن محلولش نیز همین اثر را دارد .

## طوقریوس

دیسقوریدوس گوید :گیاهی است که شاخه های بسیار و شبیه به چوبدستی دارد .خوردن آب پزش آماس طحال را به کلی می برد . اگر آن را با سرکه و انجیر ضماد نمایند باز هم برای طحال دارویی مفید است .

## طیقاوواون

دیسقوریدوس گوید :برگ این گیاه به برگ تاجریزی می ماند .شاخه های بسیار دارد .گلش سیاه و کوچک و بسیار است . زهدان را می پالاید و مواد سیلانی را بر می چیند .

اگر آن را همراه چیزی کنند و بخورند می گویند شیر پستان را زیاد می کند .

## طین شاموس

خاصیت :در بند آوردن و سایر کنش ها همانند گل مهر زده است و تفاوت در این است که شاموس از مهر زده هوایی تر و سبک تر است .

مزاج :کشدار ، لزج و چسبنده است .نیاز به شستشو ندارد .

سردی بخش و بسیار آرام کننده است .

ورم و جوش :ورم گرم نوحواسته را باز می دارد ، در این زمینه از سایر گلها کاری تر است .شاموس نفع رسان ، بی آزار است و چون گل مهر زده نیست که زبری آزاد دهنده همراه داشته باشد .

زخم و قرحه: در علاج سوختگی ها کمتر از مهر زده است. زیرا کش داریش بسیار است و از فایده اش می کاهد.

مفاصل: در علاج نقرس نوظهور مفید است.

چشم: تاول های قرنیه را معالجه می نماید.

سر و سینه: در علاج ورم پستان و دمل پشت گوش مفید است.

اندام های دفعی: بهم خوردن عادت ماهانه را عادی می سازد و خونریزی زهدان را باز می دارد.

## «ع»

### عالیون

بعضی این گیاه را عالیون و گروهی (عالاریون) می گویند و همه به معنی شیربند است. زیرا همچون پنیر مایه شیر را می بنداند.

برگ و شاخه این گیاه شبیه برگ و شاخه (حرینان) است.

خاصیت: گلش ضمد شود در خونریزی مفید است.

زخم: گل و برگش داروی سوختگی است.

مفاصل: آن را با موم و روغن گل مخلوط کنند و نمک بزنند تا سفید شود داروی خستگی و علاج درد ناشی از خستگی است.

اندام های راننده: بیخش شهوت انگیز است.

### عالوسی

بعضی گویند این گیاه را در طبرستان (بربهم) می گویند.

گیاهی است که تماماً به گزنه می ماند. لیکن برگش از برگ گزنه صاف تر است و اگر در دست فشار دهی بویی بسیار بد می پراکند.

خاصیت: سفتی ها را نرم می کند.

زخم: در علاج زخم پلید و خوره مفید است.

ورم: ضمد کنند و نیم گرم روزی دو بار بر ورم بگذارند ورم های سرطانی و خنازیر و سایر ورم ها را علاج می کند.

سر: برگ و شاخه هایش ضمد شود در علاج ورم پشت گوش و لوزتین مفید است.

## عدس

دو گیاه به نام عدس هستند. خوردنی که کاشتنی و بیابانی دارد و نوع بیابانی خوب نیست و دیگری عدس تلخه می باشد .

بهترین عدس خوردنی آن است که زود بپزد و اگر در آب می ریزند آب را سیاه رنگ نکند .

مزاج: گرم و خشکی معتدل دارد .

خاصیت: ترکیبی از قوای گیرنده و زداینده و بادزاست کسی که عدس می خورد خواب های پریشان می بیند. خون را پرمایه می گرداند و در رگ ها روان نیست. بول و حیض را کاهش می دهد .

ورم: عدس را با سرکه بپزند و ضماد کنند علاج خنازیر و آماس های سفت است. عدس با اینکه بازدارنده است اما ریم و چرک را جمع می کند . زیاد خوردن آن باعث سرطان و ورم های سفت می شود .

زخم و قرحه: عدس را با سرکه بپزند زخم گود را از گوشت پر می کند و زخم پلید را بر می کند .

اگر دمل (زخم) بسیار بزرگ باشد عدس در سرکه پخته را با قبض تر از عدس قبیل پوست انار و غیره بر زخم بگذارند و اگر با آب دریا مخلوط کنند علاج خوره و باد سرخ و مورچگی و ترک های ناشی از سرما می باشد .

مفاصل: برای اعصاب خوب نیست . عدس و قاوت را ضماد کنند و بر نقرس بگذارند مفید است .

زیاد خوردن عدس جذام می آورد .

چشم: چون بسیار خشکی دارد کسی که زیاد عدس بخورد به تیرگی چشم گرفتار می آید .

از عدس ، شاه افسر ، روغن گل و به ضماد سازند و بر چشم گذارند آماس گرم چشم فرو می نشیند .

سینه: عدس را در آب دریا بپزند و ضماد کنند آماس پستان که ناشی از جمع شدن خون یا شیر باشد از بین می رود .

اندام های غذا: دیر هضم است و با معده سازگار نیست . بادآور و سنگین است . می گویند سی دانه عدس پوست کنده را بخورند سستی معده را از بین می برد. نباید با عدس شیرینی بخورند و گر نه راه بندان در کبد روی می دهد .

اندام های راننده: عدس و شاه افشره و به روغن گل را ضماد کنند و بر ورم مقعد بگذارند فرو می نشیند. عدس بیابانی که عدس تلخ است خون را بیرون می آورد .

عدس که خون را غلیظ می گرداند سبب کاهش بول و حیض می گردد . اما عدس تلخه بر عکس بول و حیض را سرازیر می آورد و ریزش می دهد .

## عرقون

به عقیده دیسکوریدوس گیاهی است که برگ دراز و دو نیمه دارد و به برگ آلاله شبیه است بیخش لوله ای شکل و سفت و خوردنی است .



ورم زهدان را علاج است .

## عسل

عسل بسیار خوب آن است که کاملاً شیرین مزه ، خوشبو و رنگش به سرخی بزند و پر مایه باشد و بهم متصل .می گویند عسل تابستانی خوب نیست .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :زداینده است ، دهانه رگها را باز می کند ، رطوبت را از بین می برد و مانع تباهی و گندیدگی می گردد .

آرایش :به تن بمالند شپش و رشک را از بین می برد با کوشنه مخلوط باشد و بر پوست بمالند لکه های سیاه چهره را حتی اگر کهنه هم باشد از بین

می برد .عسل و نمک با هم لکه های بادمجانی رنگ ناشی ازضربه خوردن را می زداید.زخم :زخم های ژرفا را پاک می کند ، عسل را آنقدر بر آتش بگذارند تا غلیظ شود ، زخم های تازه را بهم می آورد . عسل و شبت را بر پوست بمالند ( قوبا )را شفا می دهد .

سر :نمک اندرانی را با عسل مخلوط کنند و نیمه گرم در گوش بچکانند چرک را از گوش می زداید ،زخم های داخل گوش را می خشکاند و حس شنوایی را نیرو می دهد . عسل تند مزه و سمی را بو کنند عقل از سر می پرد و تا چه رسد به خوردنش .

چشم :عسل ، تم چشم را از بین می برد .

نفس و سینه :غرغره کردن با عسل و عسل به دهان مالیدن علاج خناق و لوزتین است .

اندام های غذا :عسلاب اشتها را بر می انگیزد و توان بخش معده است .

اندام های راننده :عسل نیشکر ملین است ولی عسل (طبر) ملین نیست .

زهرها : عسل را با روغن آمیزند و بر آتش بگذارند تا گرم شود و به گرمی بخورند پادزهر افیون خوردگی و نیش حشرات موذی است .لیسیدن عسل پادزهر سگ هار و قارچ سمی است .کسی که سم خورده عسل بخورد قی می کند و اثر سم خنثی می شود .

بو کردن عسل تند مزه و عطسه آور است یکباره عقل را از سر بدر می کند و عرق سرد بر بدن می نشیند و علاجش آن است که ماهی شور بخورد و بعد قی کند .

## عشقه

به رنگ های سیاه و سفید و سرخ هست و هر سه گونه اش تند و گیرنده است .

مزاج :گرایش به گرمی دارد .

خاصیت: با عصب سازگار نیست .

آرایش: آبی که از آن می تراود شپش کش است و مو را می سترد .

زخم و قرحه: برای زخم علاج خوبی است ، سرایت زخم پلید را باز می دارد .

از عشقه و موم و روغن گل مرهم می سازند و بر سوختگی می گذارند بسیار مفید است .

مفاصل: برای عصب زیان آور است .

سر: افشرد آن را با روغن زیتون ، نظرون و عسل مخلوط کنند و به بینی بکشند سردرد مزمن از بین می رود .

اندام های غذا: عشقه سبز را با سرکه ضماد بگذارند به نفع طحال است .

اندام های راننده: با سه انگشت از گل سفید رنگ عشقه را با آب انگور کهنه بخورند و در روز دوبار این کار را انجام دهند علاج

گرفتگی یا پیچ خوردگی روده است .

ضماد عشقه سبز و شکوفه هایش خون حیض را راه می اندازد .

بعد از حیض کمی عشقه دود کنند و برکشند مانع بارداری است .

شاخه اش را که سرش به سوی درون باشد بردارند حیض را بیرون می ریزد.

گلش شکم را بند می آورد .

زرها: بیخ عشقه را با آب انگور کهنه و سرکه بخورند پادزهر نیش رتیل است .

## عناب

میوه درختی است که میوه و درخت آن را همه می شناسد و اکثراً در گرگان دیده می شود . در جاهای دیگر هم هست ولی

عناب گرگان از همه درشت تر است .

تا درشت تر و زیباتر و سرخ رنگ تر باشد بهتر است .

مزاج: سرد، خشکی و رطوبتش تقریباً معتدل و کمی به سوی رطوبت است .

خاصیت: کم غذا و دیر هضم است .

سینه: با سینه و شش سازگار است .

اندام های غذایی: به زیان معده است و به دشواری هضم می شود .

اندام های راننده: به عقیده بعضی برای گرده و آبدان خوب است .

## عنبر

پندارند که عنبر از چشمه ای در میان دریا می جوشد بعضی می گویند کف دریا است و گروهی برآنند که سرگین حیوانی است که در سرزمینهای دور از ما زندگی می کند .

نوع خویش عنبر خاکستری رنگ است که بسیار قوی می باشد .

در درجه ی دوم عنبر کبود و درجه سوم عنبر زرد خوب است و بدترینش عنبر سیاهی است که اکثراً آن را بلعیده و بعد از آنکه مرده است از شکمش بیرون آورده اند و آن را «منده» می گویند .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: گرمای لطیف می بخشد و از این رو با مزاج پیران سازگار است.

آرایش: از منده که عنبر سیاه است نوعی است که دست را سیاه می کند و ممکن است آن را در رنگ باز دادن رنگ پریده ها (موهایی رنگ شده که رنگ باخته اند) به کار برد .

سر: برای مغز و حواس مفید است .

سینه: برای قلب بسیار خوب است .

## عنصل

پیاز موش است ، برگش به برگ سوسن می ماند ، رنگ گلش مایل به سیاهی است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تکه کننده است و لزجی دارد .

آرایش: سوخته آن را عسل معجون کنند و بر سر بمالند علاج کم مویی و کم خونی است .

سینه: گلو را زبر می گرداند ، در علاج برنشیت و خرخر سینه و سرفه همیشگی خوب است .

## عود

تکه هایی از چوب و رگ های درختی است که از چین و هندوستان و عربستان می آورند. در سختی و صافی به دسته هاون سنگی می ماند که داروها را با آن می کوبند .

بهترین عود مندلی نامیده می شود که از هندوستان می آورند . نوع دوم عود هندی است که از کوهساران می آید .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطیف ، بازکننده بند آمده ها و بادشکن است زیرا رطوبتی بسیار دارد .

آرایش: جویدنش دهان را بسیار خوشبو می نماید .

مفاصل: لزجی لطیف دارد اگر بر اعصاب بمالند اعصاب را تقویت می کند.

سر: عود برای مغز و تقویت حواس بسیار مفید است .

سینه: برای قلب شادی آور و توان بخش است .

اندام های غذا: رطوبت های گندیده معده را بر می چیند و معده و کبد را توانا می کند .

اندام های راننده: قبض است .

## عود النجور

چوبی است که پوسته رنگارنگ و بوی معطر دارد و در عطرها آن را به کار می برند .

مزه اش گیرنده و کمی تلخی دارد .

اندام های سر: دهان را خوشبو می کند .

اندام های تنفسی: در مداوای پهلوی درد سودمند است .

اندام های غذا: درد کبد را درمان می کند . یک مثقال از آن لزجی معده و ناتوانی آن را بر طرف می کند .

اندام های دفعی: خوردنش با آب علاج زخم روده و درد و پیچش گرم شکم است .

## «غ»

## غار

ثمر غار به شکل فندق کوچک است .

مزاج: دانه اش گرم و پوست ثمرش کمتر گرم است .

خاصیت: در همه اجزایش گرمی هست . برگ از دانه گرم تر و گرمی زاتر و خشکاننده تر است .

دانه اش سستی آورد .

آرایش: با انگور کهنه بر لک و پیس بمالند مفید است .

ورم و جوش: با نان و قاوت بخیسانند و بر ورم گرم بگذارند سودمند است .

مفاصل: همه اجزایش در علاج درد عصب مفید است. روغنش خستگی را در می آورد .

سر: غار و روغنش علاج سردرد است. روغن غار درد سرد گوش را دوا می کند ، شنوایی را باز می گرداند. صداهای گوش را می خواباند . نزله ها را قطع می کند .

سینه: با آب انگور کهنه سیاه یا با عسل بخورند علاج تنگ نفسی و بلند نفسی است و شش را از زائده های رطوبتی حفظ می نماید .

غار و به ویژه دانه اش را با عسل بلیسند در علاج زخم شش و بلند نفسی مفید است .

اندام های غذا: روغن غار با آب انگور کهنه خورده شود ، یا پوست آن با آب انگور کهنه ریحانی باشد درد کبد را دوا می کند . اما روغن و دانه غار معده را سستی می دهد و سبب استفراغ می شوند .

اندام های راننده: روغن غار دل بهم می آورد و قی انگیز است ، بو و حیض را ریزش می دهد .

آب پز غار را بخورند یا در آن بنشینند در علاج درد آبدان و زهدان مفید است.

مقداری از آن را با عسلاب یا سکنجبین می خورند داروی اسهال است .

خوردنش سنگ را خرد می کند . دانه غار هم در خرد کردن سنگ مؤثر است .

تب ها: روغنش را بر تن بمالند از لرزه جلوگیری می کند .

زهرها: با آب انگور کهنه بخورند پادزهر نیش کژدم است .

## خواص مواد دارویی حروف(ف،ق)

« ف »

### فاخره

ثمری است که به نخود می ماند و دانه ای دارد که به آلبالوی تلخ شبیه و در میان آن دانه های ریز شاه دانه مانند موجود است و ثمر در قسمت پایین شاخه ها قرار دارد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تحلیل برنده و قبض است .

اندام های غذا :معدة و کبد سرد را علاج و در سوء هضم ناشی از سردی مفید است .

اندام های راننده :در علاج اسهال سرد مفید و بندآورنده شکم است .

### فاوانیا

فاوانیا عود الصلیب است که نر و ماده دارد . بیخ فاوانیای نر سفید و به ستبری انگشت و مزه اش گیرنده است . بیخ فاوانیای ماده ریشه های بسیار دارد و شاخه هایش زیاد است .

مزاج: بسیار گرم نیست .

خاصیت: خشکاننده ، گیرنده ، گدازنده ، بازکننده ، تکه کننده و زداینده

است .

آرایش: لکه های سیاه را از پوست می برد .

مفاصل: داروی نقرس است .

سر :علاج صرع است و اگر آن را بر مصروع ببندند دچار صرع نمی شود و اگر باز کنند صرع باز می گردد .

اندام های غذا :اگر فاوانیا را با شربت های مازوجی (عفصی - گسی ) بخورند قبض است ، تخمش معدده را توان می بخشد ، درد معدده را تسکین می دهد و سوزش معدده را از بین می برد . بیخ آن در علاج یرقان و باز کردن بند آمدنی های کبد مفید است .

اندام های راننده :حبض را راه می اندازد ، بول را ریزش می دهد .

اگر دوازده دانه از تخمش با آب انگور کهنه خورده شود خونریزی را قطع می کند .

اگر زن تازه زائیده یک بادام از بیخ فاوانیا را بخورد از بیرون ریختنی های لازم پاک می گردد .  
خوردن بیخش به اندازه ی یک بادام درد گرده و آبدان را بر طرف می کند .  
آب پزش با آب انگور کهنه شکم را بند می آورد و بول را ریزش می دهد .

## فاس

دارویی است که آن را فاس (تبر) نیز گفته اند زیرا همچون تبر دو لبه دارد .  
مزاج :گرم است و تلخی و گسی دارد .  
خاصیت درمانی :بند آمدن های درونی را باز می کند .  
مفاصل :در علاج درد مفاصل مفید است .

## فریز

گویند همان (بندکتا) است و اهل طبرستان آن را بندآوش می نامند .  
مزاج :سرد و خشک  
خاصیت :گیرنده است و می گزد .  
زخم و قرحه :این گیاه و به ویژه بیخش اگر ضماد شود و بر زخم های بد و تر بگذارند زخم را جوش می دهد و خوب می کند .  
سر :بازدارنده هر نزله ای است .  
چشم :برای چشم داروی بسیار خوبی است .  
اندام های غذا :تخم و بیخش استفراغ را قطع می کنند و نمی گذارند مواد ناباب به معده راه یابند .  
اندام های راننده :آب پز ، بیخش و تخمش در علاج زخم مئانه مفید است .  
آب پز در علاج درد و پیچش روده ، بی اختیاری ادرار عسر البول و زخم مئانه بسیار سودمند است .

## فریون

دیسقوریدوس حکیم فرماید :شیره ی گیاهی است که به (قثاء)خیار چنبر شبیه و در (لینوی) که در سرزمین (سدد) واقع است و در مملکت (مورشیا) می روید .  
این گیاه پر از شیر است و مزه شیرش خارج از اندازه گرم و تند و تیز مزه است .

فربیون خوب آن است که: صاف ، زرد رنگ یا زعفرانی رنگ و تندبو و بسیار تند مزه باشد .

مزاج: گرمیش همراه لطافتی سوزنده و زداینده است .

مفاصل: بر فلج و تخدیر شده بمالند بسیار سودمند است .

چشم: در چشم بکشند دیده را جلا می دهد. آب کبود چشم را تحلیل می برد. اما تمام روز سوزش در چشم حس می شود و برای پرهیز از این سوزش باید با عسل مخلوط کنند و در چشم بکشند .

اندام های راننده: در علاج آب زرد ، سردی گرده و قولنج سودمند است .

خوزیان گفته اند: فربیون دهانه زهدان را چنان بهم می آورد که داروهای بچه انداختن را به زهدان راه نمی دهد .

هم ایشان گفته اند: بلغم لزج را که در سرین و پشت و روده ماندگار است بیرون می آورد .

زهرها: کسانی گویند: اگر پوست سر کسی را بشکافند تا آهیانه پیدا شود آنگاه از ساییده این گیاه در آن بریزند و داروهای ضد گندیدن بر آن بگذارند ، از گزیدن مار و حشرات دیگر زبانی نمی بیند .

خوردن مقداری از این گیاه معده و روده ها را چرکین می کند و خورنده را در مدت سه روز می کشد .

## فقلامینوسی

گویند بخور مریم است که تیره ای از عرطنیثا می باشد .

خاصیت: زداینده ، تکه کننده ، بازکننده ، گدازنده و تنقیه بخش است .

خوردن بیخس کم هوشی می آورد و عرق کردن زیاد بدنبال دارد .

آرایش: علاج یرقان است . کسی که این دارو را بخورد باید دراز بکشد و خود را با پوشش های بسیار بپوشاند تا بسیار عرق کند و عرق به رنگ زرداب بیرون دهد ، تا از یرقان شفا یابد .

بیخ این گیاه پوست را تنقیه می کند ، لکه های سیاه را می زداید ، آب پزش ترک های ناشی از سرما را خوب می کند .

وسط بیخس را با کارد گود کنند ، پر از روغن زیتون کنند و بر خاکستر گرم بگذارند تا گرم شود ، روغنی است که ترک های ناشی از سرما را به سرعت درمان می کند .

ورم و جوش: بیخس جوشها را از بین می برد . افشره اش ورم سخت را نرم می کند .

آماس طحال را فرو می نشاند . تر و خشک این گیاه داروی خنازیر و زخم است و گری خشک را علاج است .

زخم و قرحه: بیخ این گیاه را تنها یا با سرکه و عسل مخلوط کنند و به کار برند زخم ها را قبل از کهنه شدن شفا می دهد . اگر با آب پزش سر را بشویند ، زخم های سر را درمان می کند .



مفاصل: ضماد گذاشتنش در علاج پیچش عصب و نقرس مفید است .

سر: آبش را در بینی کنند سر را می پالاید. آب پزش سرشویه شود زخم های سر را شفا و سردرد سرد را تسکین می دهد .

چشم: آبش که با عسل باشد در چشم کشند یا در بینی کنند در علاج آب که در چشم پدید آید و در علاج ضعف دید مفید است .

سینه: بعضی بیخ آن را علاج برنشیت می دانند و به بیمار می خوراند .

اندام های غذا: با سرکه بر طحال می گذارند .

اندام های راننده: خوردن و برداشتن آن حیض را ریزش می دهد . به وسیله ی پشم بردارند اسهال آور است .

افشره اش در این باره قوی تر است. آب این گیاه را با سرکه که بیامیزند و بر مقعد بر آمده بریزند به جای خود باز می گردد. افشره اش دهانه رگهای داخل پیزی را می گشاید . خوردن و برداشتن بیخس سبب ریزش خون حیض است .

زهرها: پادزهر داروهای سمی و به ویژه پادزهر خرگوش دریایی است .

## فلنجه

این گیاه تخم مثلث دارد که به سرنیزه می ماند و از این رو عریان آن را حربه نامیده اند که به معنی نیزه است .

مزاج: حربه کاشتنی کم حرارت و حربه بیابانی گرم است .

زخم و قرحه: سبز و شادابیش زخم ها را بهم می آورد .

اندام های غذا: پوستش را با سرکه بر طحال بگذارند یا برگ خشکیده آن را بخورند درد طحال را بر طرف می کند .

اندام های دفعی: ادراک می دهد و به ویژه برگش که به برگ « اسقولوقندریون » شبیه است .

## فلفل

جالینوس فرماید: تا ثمر بر درخت است دارفلفل ، دانه ای که از آن جدا شد فلفل است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: جاذب ، گدازنده و زداینده است. فلفل و مویز را با هم بجوند بلغم را بر می کند و بلغم لزج را ریشه کن می کند .

فلفل مسکن درد و آرام بخش عصب و با مزاج تندرستان سازگار است .

آرایش: فلفل با گیاه زداینده لک و پیس و تا با گیاه است لاغر کننده است .

ورم و جوش: گیاه باشد خنازیر را درمان می کند .

مفاصل: در گرم کردن عصب و ماهیچه نظیر ندارد .

سر: با سرکه برای دندان مفید است .

چشم: فلفل سفید با داروهای به چشم کشیدن باشد دیده را جلا می دهد .

سینه: همراه لیسیدنی ها باشد (لعوقات) در علاج سرفه و سینه درد مفید است .

فلفل و عسل را به دهان بمالند ضد خناق است و شش را می پالاید .

اندام های غذا: فلفل را با برگ بوی سبز بخورند هضم کننده ، اشتهاآور و بادشکن است .درد و پیچش روده را تسکین می دهد .

فلفل مخلوط با سرکه را بخورند یا بر پوست بمالند در علاج آماس طحال مفید است .

فلفل سفید برای معده از فلفل سیاه بهتر است و بیشتر معده را توان می بخشد.

اندام های راننده : بول را ریزش می دهد . بعد از جماع بخورند مانع بارداری است .

فلفل آب پشت را به کلی می خشکاند .اما دارفلفل شهوت انگیز است زیرا رطوبتی زائد دارد .

خوردنش با برگ بوی سبز در علاج درد و پیچش روده مفید است .

تب ها :با روغن مخلوط شود و به تن تبار بمالند تب لرزه را شفا می دهد.

زهرها :فلفل سفید در پادزهر استعمال می شود .دارفلفل نیز با روغن باشد و بر جای نیش بمالند یا بخورند پادزهر حشرات گزنده است .

## فلفلک

از سبزی های مشهور است و عبارت از فلفل آبی است .برگش به برگ بید مشک می ماند .لیکن از آن زرد رنگ تر است .

شاخه هایش سرخ رنگ و مزه اش مزه زنجفیل است .اگر سگ آن را بخورد می میرد .

مزاج :گرم و خشک

آرایش :فلفلک سبز را با تخمش بکوبند لکه های صورت از قبیل لکه های سیاه و کک و مک کهنه را می زداید .

دمل و جوش :فلفلک سبز را با تخمش بکوبند ضماد شود ورم های سخت را فرو می نشاند .

## فلفل دراز

باریک و کوچک شبیه انگشتان و هم شکل گل بیدمشک پراکنده ولی ریزتر است . سخت و چسبناک و مزه اش در تندی به مزه فلفل نزدیک است .

دارفلفل اولین ثمر فلفل است و از این رو از فلفل مرطوب تر است .

بهترینش آن است که دست نخورده مانده باشد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: گدازنده است و بیماریهای سرد را از بین می برد .

چشم: با آب کبد بریان بز تیرگی چشم را بر طرف می کند .

اندام های غذا: هاضم است ، طعام را حرکت می دهد و معده را قوی می گرداند .

اندام های دفعی: در شهوت برانگیختن برابر زنجفیل است .

## فندق

مشهور است .مزاج خاکی فندق از مزاج خاکی گردو بیشتر و از گردو مغزی تر است .زیرا از گردو پرمایه تر و کم چربی تر و دیر هضم تر است .مزاج: هوایی است و بیشتر به گرمی و خشکی می گراید .

خاصیت: سبب پیدایش مراره می شود . از گردو قابض تر است . بادآور است و در قسمت پایینی شکم باد ایجاد می کند .

آرایش: سوخته آن مو را سیاه می کند .

سر:سر درد می آورد . اگر در روغن سرخ کنند و با اندکی فلفل بخورند زکام را پخته می گرداند .

بقراط فرماید:فندق مغز را افزایش می دهد .

چشم: گروهی پنداشته اند که اگر فندق را بر جاندارانه (یافوخ) کودک چشم کبود بمانند کبودی چشم از بین می رود .

اندام های تنفسی: با عسل آب خورده شود داروی سرفه مزمن است و خون برآوردن را باز می دارد .

اندام های غذا: دیر هضم و تحریک کننده استفراغ و از گردو دیر هضم تر است .

اندام های دفعی: پوست فندق قابض است و شکم را بند می آورد .

زهرها: پادزهر گزیدگی ها است و به ویژه اگر با انجیر و سداب باشد پادزهر نیش کژدم است .

## فو

گیاهی است که برگش به برگ کرفس شبیه و از آن درشت تر است .

این گیاه اکثراً در سرزمینی می روید که آن را (نیطس) می گویند .

خاصیت :بیخش گرم است .

سینه :پهلوی درد را درمان می کند .

اندام های راننده :بول را ریزش می دهد و خوردن سبز و خشکش حیض را راه می اندازد .در ادرار از سنبل هندی و رومی فعال تر است و کار می جوشه را انجام می دهد .

## فوفل

دارویی است که از حیث کنش با بوزندان برابر است .

مزاجش گرم و تر و شهوت انگیز است .

## فلیزهره

گویند درخت حضض است و ثمری چون فلفل دارد .

حضض شیره آن است .یا شیره زرشک است .

آرایش:تنها یا با روغن زیتون بر سر بمالند موی را تقویت می کند .

اندام های غذا : شاخه هایش را با سرکه بپزند و بخورند داروی طحال است و یرقان را نیز علاج می کند .

اندام های راننده :آب پز شاخ و برگش حیض را ریزش می دهد و خلط بلغمی را به کلی بیرون می آورد .

## فیلگوش

دو نوع است یکی پیچیده و دیگری صاف .پیچیده اش خالص تر از آن نوع است که آن را لوف مار می گویند .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :راه بندان ها را باز می کند ، خلط های پرمایه و لزج را به اعتدال تکه تکه می نماید و زداپندگی دارد .در همه ی اینها خاصیت پیچدار قوی تر است .

آرایش :بیخ فیلگوش پیچیده و به ویژه اگر با عسل باشد لکه های سیاه و سفید و کک و مک را می زداید .همراه آب انگور کهنه داروی ترک های ناشی از سرما است .

ورم و جوش :در مداوای هر ورمی که نیاز به زدودن دارد مفید است .

زخم و قرحه: بیخ و به ویژه فلیگوش پیچیده را با هزار گوشان مخلوط نکنند و مرهم شود زخم های پلید را علاج است. آنچه تر است در علاج زخم ها به کار می آید و اگر خشک شد آن را می کوبند و فتیله زخم و ناصورها را از آن درست می کنند .

مفاصل: فیلگوش با سرگین گاو داروی نقرس و سستی ماهیچه ها است .

سر: آب خوشه فیلگوش بستانی درمان درد گوش است و اگر با روغن گل در بینی کنند خوره و سرطان بینی را از بین می برد . اگر افشره خوشه لوف ماری را با روغن زیتون و قطران بیامیزند و قطره هایی از آن را در گوش بریزند درد از بین می رود .

بیخ آن از جمله داروهایی است که چرک را از گوش می برد و زخم گوش را شفا می دهد . در علاج کری مفید است . تخم آن علاج هر نوع جوش و زخم بینی است . اگر سرطانی باشد بهتر آن است که بوسیله ی پشم آن را به بینی وارد کنند .

چشم: بیخش در زخم چشم مفید است .

نفس کش: فیلگوش یا بیخ آن و به ویژه نوع پیچی آن را چندین بار در آب بجوشانند تا قوت داروئیش کاهش یابد و پس از آن بخورند در مداوای خون برآوردن ، برنشیت کهنه و نفس بلندی ، مفید است .

اندام های غذا: خوردنش خلط غلیظ پدید می آورد .

اندام های دفعی: گرده را می پالاید ، علاج بواسیر است . بول را ریزش می دهد .

زهرها: اگر تن را با بیخ آن ماساژ بدهند مار نمی گزد .

## فیجن

دیسقوریدوس گوید: فیجن انواع دارد: کاشتنی ، بیابانی و کوهی .

بهترین نوع آن کاشتنی است که در همسایگی درخت انجیر است .

مزاج: فیجن تر گرم و خشک است .

خاصیت: تکه کنند ، گدازنده ، بسیار بادشکن ، پالاینده رگ ها ، زخم آور و گیرنده است .

آرایش: بانطرون علاج لک و پیس سفید و زگیل و زیاده های گوشتی است . فیجن بوی پیاز و سیر را می زداید و داروی داء الثعلب است .

ورم و جوش: فیجن بیابانی را بکوبند و با نمک ضماد کنند و بر اندام بگذارند ورم گرم به وجود می آورد . اگر بر خنازیر گردن و زیر بغل بگذارند تحلیل می برد . صمغ فیجن در این کارها مؤثرتر است .

زخم و قرحه: با روغن و عسل مخلوط کنند و بر قوبا بمالند مفید است .

با سرکه و سفیداب باشد علاج مورچگی و بادسرخ و زخم کهنه است . اگر با مر مخلوط کنند و بر زخم بچسبانند فایده می بینند .

مفاصل: خوردن فیجن، یا ضمادش که با عسل باشد در علاج فلج و بیماری اعصاب و درد مفاصل سودمند است .

سر: بوی سیر و پیاز را از بین می برد. با قاوت ضماد شود داروی سردرد همیشگی است. با سرکه در بینی کنند خون دماغ بند می آید .

افشیره اش را در پوست انار گرم کنند و در گوش بچکانند گوش را پاک می کند و درد و صداها و وزوز را خاموش می نماید . کرم گوش را می کشد یا زنده بیرون می آورد و بر زخم سر بمالند داروی خوبی است .

چشم: فیجن و به ویژه افشیره اش که با افشیره رازیانه و عسل مخلوط کنند و به چشم بکشند یا بخورند دید را تقویت می کند .

فیجن را با قاوت ضماد کنند و بر چشم بگذارند تپش و التهاب را فرو

می نشاند.

اگر از فیجن و رازیانه و مرو عسل مرهم درست کنند و بر پیرامون چشم بمالند کم سویی را از بین می برد .

سینه: آب پز فیجن تر با شبت خشک در علاج سینه درد خوب است و بقول روفس داروی دشوار تنفسی است و درد شش و پهلوی و سرفه و درد دنده ها را بر طرف می کند .

اندام های غذا: فیجن را در آب انگور کهنه بپزند و بخورند یا با انجیر ضماد کنند در علاج استسقای گوشتی و استسقای خیگی مفید است .

سکسکه بلغمی را تسکین می دهد، گوارشی است ، اشتها می آورد و معده را توان می بخشد. در علاج طحال مفید است .

آب پشت را می خشکاند و قطع می کند. آرزوی جماع را به کلی از بین می برد .

هر دو نوع آن قبوضیت می دهند. درد و پیچ روده را علاج است. با فیجن و روغن زیتون حقه کنند درد قولنج تسکین می یابد.

با عسل مخلوط کنند زخم معده را شفا می دهد. فیجن را در روغن زیتون بجوشانند و بخورند داروی کرم است. هر دو نوعش زائده های تن ( بیرون ریختنی ها ) را به وسیله ی ریزش بول بیرون می ریزند و هر دو قبوضیت می دهند .

تب ها: خوردن فیجن یا تن اندایی به روغنش در تب و لرز مفید است .

زهرها: با زهرها مقاومت می کند زیاد خوردن فیجن بیابانی سم قاتل است.

« ق »

قارچ

دیسقوریدوس گوید : قارچ خوردنی هست و قارچ سمی هم هست .

انگیزه سمی شدن قارچ این است که یا در نزدیکی میخهای زنگ زده روئیده و یا در همسایگی کهنه پارچه های متعفن رسته یا در جوار لانه حشرات موذی سر برآورده است. بر قارچ های رطوبتی لزج یا کفکی مانند تار عنکبوت می نشیند .

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت: خلط غلیظ و بد به وجود آورد. بهتر آن است که قارچ را در آب بجوشاند و گلابی تر و خشک و پونه کوهی را با آن مخلوط کنند و بعد از خوردنش آب انگور کهنه انگوری پرمایه بنوشند .

سر: سبب کرخی و سکنه می شود .

نفس: قارچ خوردنی سبب خناق می شود تا چه رسد به قارچ سمی که کشنده است .

اندام های غذا: اگر قارچ خوب را زیاد از حد بخورند سبب قی و استفراغ می گردد. قارچ دیر هضم است و غذای بسیار می دهد.

از خوردن قارچ سمی عرق سرد می کنند و به غش گرفتار می آیند .

اندام های راننده: عسر البول می آورد .

زهرها: پادزهر سمی ، سکنجبین و پونه یا چلغوز خروس و مرغ با سرکه یا خوردن عسل است ، و گرنه شاید حداکثر در مدت یک روز بکشد .

## قارچ درختی

خوبش آن است که صاف و سفید و زودشکن و متراکم و کنار صاف باشد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تحلیل برنده ، تکه کننده ، خلط پرمایه ، بازکن راه بندان ها و نرمی بخش است .

مفاصل: با سکنجبین بخورند در علاج بیماری اعصاب مفید است. در افتادن و تنقیه عصب مناسب است. اگر بیمار تب داشته باشد با عسل آب با شربت گل بخورند بهتر است .

سر: مغز را می پالاید و در علاج صرع سودمند است .

سینه: با آب انگور کهنه سیاه و پرمایه بخورند علاج برنشیت و زخم شش است. اگر آن را با آب بخورند در خون برآوردن از سینه مفید است .

اندام های غذا: داروی یرقان است ، با سکنجبین بخورند ورم طحال را فرو می نشاند اگر آن را تنها بجوند یا ببلعند درد معده را دوا می کند و درد کبد را درمان می کند .

اندام های راننده: خوردن آن با عسلاب انواع خلط پرمایه سودایی و بلغمی را بیرون می آورد .

اگر با داروهای مسهل می باشد کمک اسهال است و بول و حیض را ریزش می دهد و درد گرده را مسکن و در خفگی زهدان مفید است .

تب ها :در علاج تب لرزه و تب های کهنه مفید است .

زهرها :بر جای نیش حشرات بگذارند مفید است .

## قدومه (تودری )

برگ تودری شبیه برگ گندنای کوهی است .

مزاج :گرم و تر است .

خاصیت :در تندمزگی مانند تخم ترتیزک بیابانی و زخم آور است .

ورم و جوش :با آب و عسل بر جوش های سرطانی که تر نیستند بمالند مفید است . ورم سفت را نرم می کند و ضمادش التهاب را فرو می نشاند .

مفاصل :ضمادش سفتی نفرس را نرم می کند .

سر :ورم بیخ گوش را درمان می کند .

چشم :با عسل در چشم بکشند داروی زخم چشم است .

اندام های راننده :تودری شهوت انگیز است .

## قروقومعا

می گویند ته نشین روغن زعفران است .خوبش آن است که خوشبو ، سنگین ، سیاه رنگ و هیچ چوبی با آن نباشد و اگر در آب حل کنند آب را به رنگ زعفران درآرد و اگر بچوند دندان را رنگ کند و رنگش پایدار باشد .

خاصیت :گرم کننده و رساننده است .

چشم :تم چشم را می برد و دیده را جلا می دهد .

اندام های راننده :بول را ریزش می دهد .

## قره بوخور – اصطرک (استرک )

استرک قره بوخور – اصطرک :به گفته ی دیسقوریدوس نوعی از مایعات است و برخی برآنند که صمغ زیتون است .

دود استرک در همه احوال کار دود کندر را انجام می دهد .هرچه خوشبوتر باشد بهتر است .



دیسقوریدوس گوید: «زعفرانی رنگ آن که دارای چربی است و به صمغ صنوبر می ماند بهترین نوع است.»

در جرم استرک جرم های سفید رنگ موجود است که بوی خوش و با دوام

دارد. اگر استرک را با دست بساییم نمی پس می دهد که شبیه انگبین است. استرک سیاه و بی مایه که مانند سبوس است چندان ارزشی ندارد.

اندام های سر: سرگردانی، سردرد و خواب می آورد، در مداوای زکام و نزله مفید است.

اندام های نفس و سینه: از سرفه و صداگرفتگی و صدابردگی جلوگیری می نماید.

اندام های دفعی: روغن آن در علاج سختی زهدان و باز کردن و جاری کردن حیض سودمند است.

اگر آن را با مقداری شفر بنه بخورند شکم را ملین است.

## قطران

افشره درختی است که آن را شیرین می گویند.

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: خون را به نزدیکی پوست می آورد، داغ گذار است. لاش مرده را از گندیدن حفظ می کند.

آرایش: شپش و رشک آدمیزاد و حیوانات را ریشه کن می کند.

زخم و قرحه: گوشت سست را محکم می کند. علاج گری آدمی و حیوان است.

مفاصل: در معالجه گسستگی ماهیچه و جمع آمدن خون و ریم در ماهیچه ها خوب است. لیسیدنی و مالیدنی آن داروی پاغر و واریس است.

سر: قطران بر سر مالیدن بهترین علاج سردرد است. در گوش بچکانند کرم گوش را می کشد. آن را با آب زوفا در گوش بچکانند صداها و وزوز گوش را خاموش می کند با آب زوفا داروی درد دندان و دندان کرم خورده است.

چشم: اثر زخم های چشم را پاک و دید را تقویت می نماید.

سینه: بر گلو بمالند، درد گلو و لوزتین را علاج می کند. داروی سرفه دیرینه است.

اندام های غذا: میوه درخت قطران با معده سازگار نیست.

اندام های راننده: قطران و به ویژه حقنه با آن درمان همه نوع کرم است. حیض را ریزش می دهد. آب پشت را تباه می گرداند. اگر ذکر را با قطران تر کنند و جماع کنند مانع بارداری است.

داروی چکمیزک است.

زهرها: با آب انگور کهنه سیاه پرمایه بخورند پادزهر مسموم شدن از خرگوش دریایی است .

قطران را با پیه شتر بگذارند یا بر تن بمالند حشرات موذی می گریزند .

## قفر الیهود

دیسقوریدوس گوید: قفر را از آفریقا می آورند و در شهر (صیلون) و شهر (اقریش) پیدا می شود. در جزیره سسیل هم هست قفر خوب آن است که بنفش درخشنده و نیرومند و سنگین باشد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: هم قوت زفت است و اندام ها را توانا می کند. خوردنش خون بند آمده در شکم را درمان می کند .

آرایش: بر ناخن بمالند لکه های سفید را بر می دارد .

ورم و جوش: خنازیر را می رساند .

زخم و قرحه: بر پوست بمالند علاج بیماری ویروسی است و آماس زخم ها را فرو می نشاند .

مفاصل: ضمادش داروی نقرس و خوردنش یا مالیدنش علاج بیماری اعصاب است .

سینه: در علاج سرفه ، زخم شش ، خون برآوردن ، بیرون راندن چرک و ریم از سینه ، آماس لوزتین و خناق سودمند است .

اندام های رانده: سفتی زهدان را نرم می کند. آن را بردارند یا دودش را برکشند برآمدگی و درد زهدان را درمان می کند و اگر با افشره جو حقنه شود علاج دیزانتری است .

## قلومس ، گوش خرس

بوصیر تحلیل برنده است و به ویژه آنچه گل طلایی رنگ دارد و به اعتدال زداینده است .

آرایش: گل طلایی آن مو را سرخ می گرداند .

دمل و جوش: برگش را بپزند داروی ورم ها است .

زخم و قرحه: ضمادش که با عسل باشد زخم و زخم را درمان می کند .

مفاصل: در علاج سستی ماهیچه ها سودمند است .

سر: اگر آب پز را در دهان بگردانند درد دندان از بین می رود .

چشم: دواى رمد گرم است .

اندام های تنفسی: در معالجه سرفه خشک مفید است .

بوصیر برگ سفید و برگ سیاه داروی اسهال مزمن است .

## **قنقین**

گویند روغن کرچک است .

زخم و قرحه :برسر بمالند داروی گری و زخم سر است .

اندام های راننده :خوردن و مالیدنش در علاج بهم آمدگی دهانه زهدان مفید است .علاج ورم گرم پیزی است .خوردنش اسهال می آورد و کرم های داخل شکم را بیرون می راند و در این زمینه بسیار بسیار خوب است .

## خواص مواد دارویی حرف (گ)

« گ »

### گاوزبان

گیاهی است برگ پهن همانند مرو. در بکار بردن به منظور درمانی گاوزبان خراسانی خوب است .  
اما آنچه را که در مملکت ما گاوزبان می پندارند و طبیبان از آن استفاده دارویی می نمایند گاوزبان راستین است .  
مزاج : گرم است .  
خاصیت : سوخته اش داروی زخم دهان کودکان و فرونشاندن التهابات درون دهان است .  
ناسوخته اش نیز برای علاج زخم و التهابات درونی دهان خوب است ولی سوخته اش بهتر است .  
نفس کش : همراه آب انگور کهنه شادی آور است . تقویت قلب می کند ، علاج بیماری ترس است . تپش قلب را از بین می برد ،  
علاج بیماریهای سودایی است .

### گاورس

سه نوع گاورس هست و قوتش به قوت برنج نزدیک ولی برنج از آن مغذی تر است .  
گاورس در همه حالات از ارزن بهتر و ارزن از گاورس قابض تر است .  
مزاج : سرد و خشک است .  
خاصیت : قابض است و خشکاننده و بی گزش . درد را تسکین می دهد . اگر تدبیری نکنند خون سرد پدید می آورد . گاورس از سایر دانه هایی که نان می شوند کمتر مغذی و کمی لزج است و کسانی گفته اند که نوعی لطافت دارد .  
اندام های غذا : گوهر گاورس و نان گاورس کند می گذرند و در معده بسیار می مانند .  
اندام های دفعی : برای درد و پیچ شکم و روده بر شکم بگذارند خوب است .  
گاورس ادرار آور است .

### گاو چشم

بهار گلی دارد که میانه سرخ ، برگ زرد و از برگ بابونه چاق تر است .  
مزاج : گرم و خشک است .

سر: بو کردنش بادهای متراکم سر را پراکنده می کند .

## گاو شیر

برگ درختچه ای است که از زمین دور نمی شود. به برگ انجیر شبیه و بسیار سبز رنگ و پنج گوشه و اجزای منقطع و مستدیر دارد .

ساق این گیاه به اندازه خیار چنبر بلند می شود و کرکی دارد که به گرد شبیه است. برگ هایش بسیار کوچک است و بر سر ساقه اش تاج گلی هست که به تاج گل شبت می ماند. گل زرد رنگ و خوشبویی دارد .

رگ هایی بسیار از یک بیخ شاخه می گیرند. گاو شیر پوست سستبر و مزه تلخ دارد و از بویش سنگینی حس می شود .

بیخ گاوشیر را در اولین وهله که ساقش پدید آید می خراشند ، شیره ای سفید از آن تراوش می کند و چون خشک شود رویه اش به رنگ زعفرانی در می آید و آن را صمغ گاوشیر می نامند .

بهترین بیخ گاو شیر آن است که سفید رنگ ، زبان گز است و یکپارچه باشد و بوی عطر بدهد بهترین میوه گاو شیر آن است که بر وسط مقابل ساقه قرار دارد. بهترین شیره گاو شیر آن است که بسیار تلخ مزه ، درون سفید و بیرون آن زعفرانی رنگ و ترد است . زود در آب حل می شود و آنچه سیاه رنگ و نرم است حتماً تقلب در آن شده و باید ران و موم آمیخته شده باشد . مزاج: گرم است .

خاصیت: بادشکن و ملین و زداينده است .

دمل و جوش: سخت ها را نرمی و شکوفه اش جوش ها را لیونت می دهد .

زخم و قرحه: بیخ گاو شیر در مداوای استخوان لخت مفید است. با غسل باشد علاج زخم مزمن و آتش پاریسی است. شکوفه اش چاره ساز زخم و جوش است. عموماً تمام اجزای آن در علاج زخم های پلید مفید است .

مفاصل: اگر پی از ضربه خوردن سست شده باشد ، گاو شیر با عسلاب یا با آب انگور کهنه بخورند مفید است .

سر: دندان کرم خورده را با آن پر کنند درد نمی گیرد. در علاج سردرد و صرع و استسقای مغز سودمند است .

چشم: در دیده بکشند دید را قوی می کند .

اندام های سینه: ضماد آن درد پهلو را تسکین می دهد گاو شیر برای سرفه داروی خوبی است .

اندام های غذا: ضماد افشرده اش سختی طحال را نرم می کند و اگر با سرکه بخورند برای طحال مفید است .

اندام های دفعی: در نرم کردن سختی زهدان و در علاج چکمیزک مؤثر

است. به اندازه ی یک فندق گاوشیر با آب گرم خورده ادرار بول و حیض می کند و زهدان سرد را سر حال می آورد .

میوه گاو شیر نیز حیض را حرکت می دهد و به ویژه اگر با گیاه خاراکوش

باشد. گاوشیر در علاج خفگی زهدان ، بادکردگی زهدان و سختی زهدان مفید است. داروی قولنج است و بلغم خام را بیرون می دهد و خارش مثانه را از بین می برد .

تب ها : در تب لرز و تب هر روزه گاو شیر را به عسلاب بخورند خوب است .

زهرها : گاو شیر و زفت را مرهم می کنند و برگزیده سگ هارمی چسبانند. گاو شیر مخلوط با زراوند یا افشره گاوشیر خورده شود ضد نیش حشرات سمی است .

## گاو دانه

گویند دانه ای است به بزرگی عدس که گاو آن را دوست دارد .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : باز کننده و زداینده است . خلط بد دارد .

آرایش : محلول آن برای از بین بردن لک و پیس و کک و مک و اثر زخم خوب است.

رنگ را زیبا می کند . آن را قاوت سازند و گلوله های گردویی از آن درست کنند و بخورند لاغری را بر طرف می کند .

آب پزش را بر ترک های ناشی از سرما بپاشند خارش را از بین می برد و ترک را خوب می کند . داروی جوش های شری است.

ورم و جوش : همه سختی ها و به ویژه سخت شده های پستان را نرم می کند.

زخم و قرحه : همراه عسل باشد زخم ها را پاک می کند و در سعفه (کچلی) مفید است .

سینه : علاوه بر نرم کردن سختی پستان ، خون برآوردن غلیظ را چاره می نماید .

اندام های دفعی : زیاد خوردنش به اندازه ای ادرار می دهد که خون ادراری می آورد و مسهل است .

اگر در سرکه و آب انگور کهنه ریزند در عسر بول مفید است . پیچ روده را تسکین می دهد .

زهرها : با آب انگور کهنه ضماد شود پادزهر نیش مار و گزیده سگ هار است .

## گاو کشک

در کشتزار می روید . نوع خویش آن است که سبک مایل به سرخی شبیه پوست پیچیده و الیافش باریک باشد .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : گیرنده و تند است و دهانه رگها را می ترکاند و از این رو از استعمال آن پرهیز می کنند .

سر : شیرش در کشیدن دندان کمک می کند .

اندام های غذا: به زیان معده و کبد است .

اندام های راننده: سودا و بلغم و آب را اسهال می دهد .

زهرها: سم قاتل است .

## گردو

گردو گرم و گرمی شکن آن برای گرمی داران سکنجبین است و برای آنها که معده ضعیف دارند باید گردو را در سرکه پرورش دهند .

مزاج: گرم و خشک است . گردوی در روغن پخته بسیار قابض است و برگ و پوست گردو هر دو باز دارنده نزیف هستند . سوخته پوست گردو خشکاننده است و گزش ندارد . تأثیر روغن گردوی کهنه چون تأثیر روغن زیتون کهنه است . زداینده کهنه آن قوی تر است .

آرایش: ضماد گردوی تر را بر جای ضربه بگذارند مفید است .

دمل و جوش: مغز گردو را بچوند و بر دمل سودایی چرکین بگذارند داروی خوبی است .

زخم و قرحه: صمغ آن را بکوبند و بر زخم گرم بپاشند یا داخل مرهم کنند سودمند است .

مفاصل: گردوی مخلوط با عسل و فیجن علاج پیچش عصب است .

سر: سردرد آورد . افشیره برگ آن را به حالت نیم گرم در گوش بچکانند ، چرک و ریم گوش را پاک می کند .

چشم: روغن گردو داروی خوره ، سرخی و ناصورهای گوشه چشم است .

اندام های تنفسی: افشیره و رب گردو و بازدارنده خناق و برای سرفه بد است . روغن گردوی کهنه درد گلو به بار می آورد . همه انواع گردو و به ویژه گردوی ملوکی بزرگ را بر پستان آماسیده بگذارند آماس را از بین می برد .

اندام های غذا : گردو دیر هضم است و برای معده خوب نیست . گردوی پرورش یافته (مربا) و گردوی تر برای معده سرد بد نیست و کمتر از گردوی خشک زیان دارد . به شرطی که هر دو پوسته آن را بکنند . گردویی که در عسل پرورش دهند برای معده سرد مفید است .

اندام های دفعی: جوش ها را پدید می آورد . درد و پیچ شکم را تسکین می دهد ، شکم را بند می آورد و به ویژه در روغن جوشیده اش بسیار قبض است . پوست گردو نزیف حیض را قطع می کند . مربای گردو بهترین داروی گرده سر است ، خاکستر پوستش را شربت کنند و بخورند یا بردارند بازدارنده حیض است . گردو را با آبکامه بخورند کرم ها را بیرون می راند ، ضد کرم کدو است و در روده کور مفید است .

زهر: گردو که با انجیر و فیجن باشد پادزهر هر نوع سمی است . گردو با پیاز و نمک اگر برگزیده سگ هار و غیره ضماد شود سودمند آید .

## گز

دیسقوریدوس گوید: دو نوع گز هست . نوعی در نزدیکی آبهای راکد می روید که ثمرش به گل آن می ماند و ماهیتش مانای کوچک اشنان است .

نوع دومی که بیشتر در مصر و شام یافت می شود کاشتنی (بستانی) است و بجز ثمرش به گز بیابانی شبیه است .

ثمر گز بستانی به مازو شبیه است . زبان گیر است و برای درد دندان بکار می آید و در داروهای چشم و دهان بجای مازوج بکار می برند .

خوردنش خون برآوردن را باز می دارد و اسهال آور است .

خاصیت: قبض و زداينده و پاک کننده است . بسیار خشکاننده نیست . آب گز زداينده و خشکاننده است .

آرایش: آب پز آن را بپاشند شپش را از بین می برد .

ورم و جوش: ضماد برگ گز داروی دمل های نرم است .

زخم و قرحه: دود گز زخم های ترشح دار و آبله را می خشکاند . سائیده و خاکسترش را بر اثر سوختگی و زخم های تر بپاشند مفید است .

ثمر و خاکسترش زخم های بدخیم را می خشکاند و گوشت زائد را می خورد .

سر: آب پز برگ گز که با آب انگور کهنه باشد و در دهان بگردانند ، و به ویژه اگر بجای برگ ثمرش باشد درد دندان را تسکین می دهد و مانع کرم خوردگی می شود .

چشم: در بیماری های چشم کار شیره فیلز هره و مازو را انجام می دهد .

اندام های تنفسی: گز و به ویژه ثمرش از خون برآوردن همیشگی جلوگیری می کند .

اندام های غذا: شاخه های گز در سرکه از هم پاشیده شود ، ضماد کنند و بر طحال بگذارند مفید است . خوردن آب پز برگ و شاخه گز علاج بیماری های طحال است .

از چوب گز کاسه های آبخوری می سازند و کسی که بیماری طحال دارد از آنها آب بخورد سود می بیند .

اندام های دفعی: علاج اسهال مزمن است .

ثمرش را بخورند یا شیاف کنند . یا در آب پز گز بنشینند رطوبت های ناجور زهدان از بین می رود .

زهرها: ثمر درخت پادزهر نیش رتیل است .

## گز انگین استبرک



گزنه انگبینی است که بر استبرک می نشیند و به تکه های نمک می ماند .

با اینکه مزه اش شیرین است کمی گسی و تلخی در آن حس می شود .

گزنه استبرک یمن سفید است و آنچه ره آورد حجاز است سیاه رنگ می باشد .

خاصیت: بعلت گسی که دارد زداینده است .

چشم: دید را قوی می کند .

سینه: برای شش خوب است .

اندام های غذا: با شیر شتر داروی استسقا است و چون از سایر شکرها شیرین تر است کمتر تشنگی می آورد . با معده و کبد سازگار است .

برای گرده و آبدان خوب است .

## گزنه

رنگ تخم گزنه شبیه رنگ تخم تره و از آن زرد و تر و درخشان تر و از تخم تره کوتاهتر است . به هر جای بدن که برخورد کند روده ها را هم می گزد .

خواص درمانی: جذب کننده ، زخم آور ، گدازنده ، قوی و سودمند است .

بعضی گویند: چندان گرمی زا نیست و بادآور است و بسیار زداینده و زخم ها را نمی گزد و چنان چه با گوشت بپزند تأثیری در آن نمی ماند .

دمل و جوش : ضمادش که همراه سرکه باشد دمل های درونی را می ترکاند و سود می رساند و در مداوای ورم سخت ، مفید است . اگر خاکستر با تخم آن را ضماد کنند در ورم سرطانی سودبخش است .

زخم و قرحه : خاکستر گزنه مخلوط با نمک در مداوای زخم دندان سگ و زخم های پلید و سرطانی مفید است .

مفاصل: ضمادش که با نمک باشد پیچش مفاصل را بر طرف می نماید .

اندام های سر: کوبیده برگش خون دماغ را قطع می کند ، تخمش بندآمدگی ها را باز می کند ، ضماد تخمش دندان کشیدن را آسان می کند و بر ورم های پشت گوش بگذارند سودمند است .

سینه و اندام های تنفسی: گزنه و افشره جو ، یا گزنه ای را که در افشره جو بپزند و بخورند سینه را تنقیه می کند و خلط های پرمایه و هر چه در سینه باشد خارج می شود .

تخمش قوی تر است ، ربو ، برونشیت و تنگ نفسی و درد سر بیماریهای سر را بر طرف می کند .

تخم گزنه با پیاز و تخم مرغ بخورند شهوت انگیز است .

تخم گزنه را با مر بپزند و بخورند ، یا تخم را با مر شیاف کنند و بردارند حیض را براه می اندازد و رحم را باز می کند .  
ضماد برگ سبز آن برآمدگی رحم را فرو نشانده ، از زداینده گی که دارد نه از قوت اسهالی بلغم خام و سایر بلغم ها را بیرون می دهد .  
روغن گزنه از روغن کاجیره مسهل تر است . پخته برگ گزنه با صدف ملین است اگر بخواهند که اسهال شدید نباشد مغز دانه گزنه را با قاوت می ساینند و در آب انگور کهنه می ریزند و می نوشند .  
کسی که این مسهل را می نوشد باید کمی از روغن گل را بعد از آن بنوشد که گلویش نسوزد . گزنه را با عسل شیاف کنند و بردارند خاطهای بد خارج می شود .

## گز مازو

آن را گز مازوک می گویند .  
مزاج : حرارتش معتدل است .  
خاصیت : خوب است و نزیف را قطع می کند .  
سر : با سرکه مزمه کنند درد دندان را تسکین می دهد .  
اندام های غذا : آب پز گزمازو با سرکه بهترین داروی سخت شدن طحال است .

## گل صد تومانی

دیسقوریدوس گوید : اسم این گیاه در بعضی جاها ( ذوالاصابع - دارای انگشتان ) است و بعضی آن را (علعیسی ) می نامند که در عربی به معنی شیرین بو آمده است .  
سر : به وزن پانزده حبه را با عسلاب رقیق بخورند در بیماری پوستی مفید است .  
اندام های غذا : خوردنش سوزش معده را از بین می برد .  
اندام های راننده : زنانی که هنوز از خون بعد از زایمان پاک نشده اند به اندازه ی یک بادام تلخ از آن را بخورند بقایای خون بیرون می آید و پاک می شوند .  
سنگ که در کودک تازه پیدا می شود ، اگر از این گیاه به کودک بخوراند یا شربت سازند و بنوشند سنگ را بر طرف می نماید .

## گل گندم

بهبترش باریک و کوچک مایل به زردی و زبان گز است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: زداینده، گیرنده و تند، کمی شیرین، خشکاننده بی آزار.

گویند این گیاه را اگر با پاره گوشت‌ها بپزند گوشت را گرد هم می‌آورد.

زخم و قرحه: زخم‌های تر را تنقیه می‌کند، زخم کهنه را کبره می‌گذارد. خشکیده اش را در مرهم بریزند ناصورها را علاج و زخم‌های گود و زخم‌های بد را درمان می‌کند. ناصور را پر از قنطاریون کنند و ببندند خوب می‌شود.

مفاصل: علاج گسستگی ماهیچه و چرک و ریم ماهیچه است.

آرد آن را حقنه کنند داروی بیماری اعصاب و درد عصب است. کوبیده آردش برای حقنه بسیار خوب است اگر خون بیرون آورد باز به نفع بیمار است. اگر خاکسترش را با آب بیامیزند و مایه حقنه شود باز سودمند است.

چشم: افشیره نوع کوچک و باریک که با غسل باشد سپیدی چشم را که ناشی از خوب شدن زخم باشد می‌زداید.

سینه: چون گیرنده است در خون برآوردن مفید است.

هر دو نوع ستر و باریکش داروی دشوار نفس کشیدن است.

اندام‌های غذا: بند آمده‌های کبد را باز کند و طحال سفت را نرم می‌نماید.

اندام‌های راننده: بول و حیض را ریزش می‌دهد، ضد کرم است. خوردن دو درهم از آن درد و پیچ روده را تسکین می‌دهد، درد زهدان را دوا می‌کند و علاج قولنج است.

خوردن آب پز نوع کوچکش بلغم و زرداب ناپخته را بیرون می‌ریزد و اگر پارچه‌های کوچک آن را به دندان بچوند و بلعند اسهال خونی می‌دهد. اگر آرد آنرا بخورند در این زمینه مؤثرتر است.

تب‌ها: تب دار اگر از آن بخورد بسیار سود می‌بیند.

## گل اربه

از تیره درمنه و تمی گرمی و تندی دارد. گل اربه کوچک از بزرگ تند و تلخ تر است. گل اربه عبارت از شاخه‌هایی است که گلی کرک دار سفید یا مایل به زردی می‌دهد.

گل آن پر از تخم است و تخمدانش چون کره‌ای در میان جای گرفته و به موی سپید می‌ماند. کمی خوشبو است اما بوی آن سنگین است.

گل اربه بزرگ از کوچک کم تأثیر تر است آن هم تلخ مزه و تا اندازه‌ای تندی دارد. نوع کوهی از سایر انواع کوچکتر است.

مزاج: کوچک آن گرم و خشک است.

خاصیت: بازکننده و لطافت بخش است. بزرگ آن در باز کردن بستگی‌های درونی ویژگی دارد.

زخم و قرحه: تر و شاداب آن زخم های تر را بهتر می آورد و در این باره بزرگ آن مؤثرتر است .

چون خشک شد داروی زخم های پلید و کوچک در این زمینه فعال تر است .

سر: سردرد می آورد .

اندام های غذا: همراه سرکه بر طحال بمالند آماس طحال و سختی آن را از بین می برد . با معده ناسازگار است . داروی یرقان سیاه و بزرگ آب پز آن در معالجه یرقان مفیدتر است . در علاج استسقا مفید است و علی العموم برای معده خوب نیست .

اندام های دفعی: ادرار بول و حیض می کند ، مسهل و بهترین علاج کرم کدو است .

تب ها: داروی تب های مزمن است .

زهرها: پادزهر نیش کژدم است . آب پز بزرگ آن پادزهر همه ی حشرات موذی است . اگر دود کنند و در خانه گسترند حشرات را می راند.

## گلنار

گل انار بیابانی مصری یا ایرانی است . به رنگهای مختلف سرخ ، سفید ، صورتی در می آید .

گنش گل انار همچون کنش گیاه شنگ است .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: چسبنده ، بند آورنده هر رونده-روان و پدید آورنده سودا می باشد .

آرایش: برای لثه خونین بسیار مفید است .

زخم و قرحه: داروی خوبی برای زخم و قرحه و زخم های ناشی از کوفتگی و بریدگی است که گرد آن را بر زخم می پاشند .

مفاصل: برای درد گردن از آن چسبان درست می کنند (پلاستر)

سر: دندان لق را محکم می نماید .

سینه: برای خون برآوردن علاجی بسیار سودمند است .

اندام های دفعی: قابض است و در علاج زخم روده ، نزیف و سیلان زهدان سودمند است .

## گل سنگ

مزاج: پولس گوید: قوتی سرد کننده و خاموش کننده دارد و اندکی خشکاننده است .

خاصیت: نزیف را باز می دارد .

آرایش: فربهی می آورد .

زخم و قرحه :اگزما را خوب می کند .

اندام های دفعی :شهوت انگیز است .

## گل ارمنی

گلی است به رنگ سرخ مایل به خاکی .

زرگران آن را در رنگ دادن طلا به کار می برند .گل آلانی تأثیرش به گل ارمنی نزدیک است .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت :بسیار خشکاننده و از اینرو بند آورنده خونریزی است .

ورم و جوش :در جوش های طاعونی چه بخورند چه بر تن بمالند مفید است و نمی گذارد عفونت از اندامی به اندام دیگر سرایت کند .

زخم و قرحه :در شفا دادن زخم بسیار مفید است .

اندام های سر :مانع نزله است ، جوش و زخم دهان را شفا می دهد .

سینه :زخم شش را می خکشانند و در مداوای سل مفید است . برای خون برآوردن علاج خوبی است .

تنگ نفسی که در اثر سرماخوردگی باشد علاجش با گل ارمنی است .

اندام های دفعی :علاج زخم روده و اسهال و خونریزی زهدان است .

تب ها :در علاج تب های سلی و وبایی ویژگی دارد .

قومی که عادت کرده بودند از گل ارمنی شربت رقیق بسازند و بنوشند از بیماری واگیر بسیار خطرناک نجات یافتند .

هر گاه آن را برای دفع وبا بخورند باید بعد از آن فوراً نوشآب های بخورند تا آن را بدرقه کند و به قلب برسانند و باید شربت پادراجه با گلاب مخلوط باشد .

## گل مهر زده

هر آنچه از این گل بوی شبت بدهد نوع بهترین است .اگر خون از دهان بیاید و دهان را با آن بشویند خون بند آید و گل به زبان می چسبد .

خاصیت :بهترین بند آورنده خونریزی است و اگر اندام نرم باشد نمی تواند این گل را تحمل کند و به زبری گرفتار می آید .سردی بخش و چسبنده است .ورم و جوش :ورم های گرم نوحاسته را فرو می نشاند .

زخم و قرحه : زخم های تر را بهم آرد . زخم های دشوار را درمان می کند .

بر سوختگی بمالند نمی گذارد چرک کند و زخم را شفا می دهد .

مفاصل :علاج کوفتگی اندام ها است که از افتادن ناشی باشد .

شکستگی را بهم پیوند دهد .ریزش مواد را بسوی دست و پا منع می کند . خوره را باز می دارد .

سر :نزله ها و سیلان های دهان و لثه را قطع می نماید .

نفس کش :آسیب دیدن درون از افتادن را بر طرف می سازد . در مداوای سل مفید است .

زخم شش را می خشکاند و داروی خون بر آوردن است .

اندام های دفعی :خوردنش از خراش و پوست اندازی روده جلوگیری می کند ،به ویژه اگر آن را با صاف شده عسل حقنه کنند و بعد با نمک آب حقنه کنند بسیار مفید است .

زهرها :گل مهر زده را با آب انگور کهنه مخلوط کنند و بخورند یا با سرکه بیامیزند با سم ها و گزیده حشرات سمی مبارزه می کند .

کسی که سم خورده اگر بعد از سم خوردن گل مهر زده خالص بخورد پی در پی استفراغ می کند و سم بیرون می ریزد .

## گل معمولی

مزاج :سرد

خاصیت :زداینده . گل آزاد آفتاب زده اگر مواد سوزنده ای مانند سفال و خاک دیوارهای از آفتاب سوخته با آن مخلوط نباشد ، نوعی چسبندگی دارد که بدنهای سست و فرو هشته گوشت را می خشکاند و سوزش و آزاری هم همراه ندارد و تا اندازه ای نیروی گدازنده هم دارد . اگر گل را بار دیگر با آب بشویند خشکاننده ای می شود که در گرما و سرما معتدل و لطیف می باشد.

آرایش :گوشت سست را محکم می نماید .

ورم و جوش :با شمع و روغن گل مرهم شود خنازیر و تصلبات را از بین می برد .

اندام های غذا :کسانی که استسقا یا درد طحال دارند یا از گوشت زیاد در آزارند گل آفتاب زده را بر بدن مالند سود می بینند .

## گل جالیز

تکه چوب هایی است پر از چین و چروک و به ستبری یک انگشت و به درازی یک انگشت یا کوتاه تر یا درازتر .

رنگش خاکی ، مزه ای گیرنده ، هم قوت گل انار ، گویند آن را از صحرای عرب می آورند .

خاصیت :گیرنده است . گویند جنبش خون را در همه اندام ها راکد می کند .

مفاصل: مفاصل سست را توان و تاب می بخشد .

اندام های غذا: در علاج سستی معده و کبد مفید است .

اندام های دفعی: گیرنده است . خونریزی را قطع می کند .

اگر آن را در شیر جوشیده بز بریزند و بخورند در علاج بهم خوردن عادت زنانه مفید است .

## گل اسپانیایی ، اندلسی

مزاج: سرد است .

خاصیت: چون خالص و بی آرایش است منفعت ها در بر دارد . سردی می بخشد و می گدازد . اگر آن را بشویند گدازندگی آن از بین خواهد رفت .

ورم و جوش : با سرکه علاج ورم طرف های پایین معده است .

زخم و قرحه: هر دو نوع سفید و بنفش را اگر در سرکه حل کنند محلولی می گردد که سوختگی و سایر زخم ها را فوراً تسکین می دهد . به شرطی که قبل از تاول زدن و آماس کردن استعمال کنند .

سر: حل شده اش در سرکه علاج لوزتین و آماس های بیخ گوش است .

مفاصل: برای هر ورمی در بدن مفید است .

اندام های دفعی: هر دو نوعش سخت شدن بیضه ها را نرم می گردانند .

## گل تاک

دیسقوریدوس گوید: گل تاک را از شام می آورند و دو نوع است . نوعی به پارچه زغالهای مستطیل می ماند که از درخت ارز بدست می آورند و رنگش سیاه است .

قسمی دیگر به قطعه چوبهای نهال شاداب شباهت دارد و در آب زود حل می شود . هرچه سیاه رنگ تر باشد بهتر است .

خاصیت: بدون آزار دادن می خشکاند ، سردی بخش است و اندکی گدازندگی دارد .

آرایش: داخل سرمه می کنند موی مژه را باز می رویاند . با آن مو و ابرو را رنگ می کنند .

اندام های دفعی: تاک را با این گل می آلاینند تا کرم نزند و برگ و جوانه هایش از آسیب محفوظ باشند .

اگر در آب حل شده آن را بخورند کرم های ریز و درشت روده ها را می کشد .

## گل خوردنی

اندام های غذا: ایجاد انسداد می کند و تباه کننده مزاج است. لیکن دهانه معده را تقویت می نماید و زیان خوراک را از بین می برد .

در بازداشتن استفراغ خاصیت عجیبی دارد .

اگر کسانی گویند که خوردنش نشاط انگیز است باید بدانند که این اثر نسبت به کسانی است که بدان عادت کرده اند و از خوردنش لذت می برند .

آنهايي که بسيار آرزوی خوردن آن را دارند علامت پیدایش زخم ناخنی در آنهاست .

## گل چسناک

بهبترينش آن است که بسیار سرخ و بی شائبه باشد و از بغداد می آورند .

خاصیت: قبض و خشکاننده

زخم: زخم ها را بهم آورد .

اندام های دفعی: کرم کش است و محلولش را بعد از تخم نیم برشت بنوشند شکم را بند می آورد .

گل مستکی خودمانی ، طین رومی

زداينده ، شوينده ، روپاننده گوشت و جوش دهنده زخم است .

## گل کشتزارها

ديسقوريدوس گوید: کلیه ی گلهايي که به منظور دارويی استعمال می شوند عموماً کنش گیرندگی نرمی بخشی ، سرد کردن و چسبناکی را دارند .

هر یک از آنها دارای ویژگی هایی است که سایر گلها موجود نیست .

گل کشتزاران دو نوع است : سفید و خاکستری رنگ

خاکستری رنگ از سفید نرم تر و بهتر است . اگر آن را بر پارچه ای مسین بسائیم چرکی بدست می آید که هم رنگ ريحان است .

گل کشتزاری را همانند سفیداب شستشو می دهند .

خاصیت: قبض ، سرد و کمی نرمی بخش است .

زخم و قرحه: زخم ها را پر گوشت می کند و زخم های تازه را جوش می دهد .



## گل سرخ

ترکیبی است از گوهر آبی و خاکی. تند مزه و گیرنده و تلخ و جمع کننده است و کمی شیرینی هم دارد و به همین علت در مواد آبی گل انکسار گرمایی هست (انعکاس) در گل لطافتی هست که قبضش سودمند است. و بسا اتفاق می افتد که سبب زکام می شود. با وقتی که با طراوت و شاداب است با تلخی همراه است و وقتی که خشک شود تلخی آن کاهش می یابد. بدین علت است که خوردن مقداری از گل شاداب اسهال آور است.

مزاج: خشک است.

خاصیت: چون تلخ مزگی بیشتر از گیرندگی دارد خشکانیدنش بیشتر از گیرندگی است. بازکننده و زداینده است. جنبش صفرا را خنثی می سازد. تخمش در گیرندگی قوی تر است و پرزی که در وسط گل هست از سایر اجزایش قبض تر است.

همه اجزاء گل اندام های درونی را تقویت دهد و قبوضیتش مانع تحلیل رفتن نمی باشد. گل خشکیده قبض تر و سردتر است و به عقیده کسانی قوتی در آن است که خار و پیکان ها را بیرون می کشد.

بهترین افشره گل افشره ای است که از گل قطع شده از شاخه می گیرند به شرطی که زائده های آن را (آنچه به سفیدی مایل است) جدا کنند.

برای مربای گل باید گل را در سایه خشک کنند و بکار برند.

آرایش: اگر در گرمابه خود را به گل شویند بوی بد عرق رازز بین می برد. گروهی برآنند که سائیده گل زگیل ها را ریشه کن می کند.

زخم و قرحه: از زخم ها به ویژه از زخم های پوست انداز میان رانها و پیچ و خم ها جلوگیری می کند. در زخم های گود گوشت بر می آورد. سائیده آن را بر زخم پاشند خار را بیرون می کشد.

سر: شادابش سردرد را درمان می کند. گلاب هم سردرد را تسکین می دهد.

بو کردن روغن گل عطسه می آورد. گل برای هر کسی که مغزش گرم است عطسه آور می شود. تخم گل و آب پز گل لته را محکم می کند. درد گوش را تسکین می دهد.

چشم: چشم دردی را درمان می کند که از گرما باشد. آب پز گل خشکیده را در چشم بکشند ورم پلک ها را فرو می نشاند.

روغن و افشره گل برای چشم مفیدند. اگر زائده های سفید را از گل دور سازند در مداوای رمد خوب است.

غش کرده را گلاب دهند سر حال می آید. افشره گل و شاخه و کاسبرگ علاج خون برآوردن است.

اندام های غذا: گل برای معده و کبد خوب است. مربای گل که با عسل باشد (گل انگبین) تقویت معده می کند و کمک هضم است.

گل و افشره گل رطوبت های بد معده را بر می چینند.

روغن گل التهاب معده را فرو می نشاند و حتی اگر گل را بر معده بمالند همین فایده را دارد. شربت گل برای کسانی که سستی در معده حس می کنند مفید است .

اندام های دفعی: بوسیله ی پریبر مقعد بمالند درد را از بین می برد آب گل یا آب پز گل خشکیده درد زهدان را که از گرما باشد از بین می برد و درد روده مستقیم را درمان می کند. حقنه آن زخم روده ها را علاج می نماید . شربتش نیز در مداوای زخم روده مفید است .

خواب بر بستر گل شهوت را قطع می کند .

خشک شده اش مسهل نیست . روغن گل مسهل است .

## گل قاصد

برگش چون برگ باریک کاهو اما مایل به سیاهی و کرکدار است .

زردش قوی و سفیدش آبی و ناتوان است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: زداینده و بازکن است و گل خشکش نیرومندتر است .

ورم: خودش یا آبی که با مرهم و روغن گل باشد زخم را بهم می آورد .

مفاصل: برگش با رگهایش ضماض شود علاج نقرس و اگر با سرکه باشد علاج بیماری اعصاب است .

سر: افشردن اش را به بینی کشند سر را تنقیه می کند ، با عسل مخلوط باشد و به داخل دهان بمالند زخم های دهان را شفا می دهد .

چشم: خشک آن چشم را از لکه های بازمانده پاک می کند و درمان کلفت شدن طبقات چشم است .

اندام های غذا: کبد را تنقیه می کند ، در سرکه پرورده اش را بخورند یا ضماض کنند علاج سپرز است .

اندام های راننده: در ریزش دادن حیض بسیار مفید است. در علاج ورم سخت زهدان مفید است به شرطی که بردارند یا در آب پزش بنشینند و در ریزش دادن حیض بی مانند است و از هر دارویی بهتر است . با مرهم موم و روغن گل ترک های اطراف مقعد را خوب می کند .

## گل سرشور

دیسقوریدوس گوید: گلی است که به سنگ می ماند .

زرگران در صیقل دادن و هموار کردن بکار می برند . آنهاهم مانند گل کشتزاری سفید و خاکستری دارد .

خاکستری رنگش نازک و ورقی می باشد و به اشکال گوناگون دیده می شود . هر آنچه بسیار سفید است بسیار زودشکن و ترد است و همین که خیس شد بی درنگ حل می شود .

در گرمابه این گل را بجای اشنان و نظرون بر بدن می مالند .

خاصیت: گیرنده ، خشکاننده و سردی بخش است .

از نوع اولی هر چه سفیدتر باشد بهتر است و از نوع خاکستری رنگ هم هر چه مایل به سفیدی باشد بهتر است .

آرایش: تن را صفا می دهد ، زیبا می کند و رخساره را صیقل می دهد .

سر: حواس را پرمایه تر می نماید .

چشم: همراه شیر در چشم بچکانند علاج سفیدی و جوش های چشم است .

## گلابی

در مملکت ما نوعی گلابی هست که آن را شاه امروود می گویند . شاه امروود مدور تمام است . پوستش نازک و بسیار خوشبو است .

مزاج: شاه امروود معتدل و تر مزاج و گلابی چینی سرد و خشک است .

خاصیت: همه انواع گلابی گیرندگی دارند و در ضماد بند آوردن مواد مؤثرند .

شاه امروودی که در خراسان پیدا می شود بر عکس گلابیهای دیگر ملین است .

زخم و قرحه: گلابی و به ویژه گلابی وحشی که بسیار خشکاننده است دهانه زخمها را بهم جوش می دهد و خوب می کند .

اندام های غذا: معده را دباغ می دهد . مگلابی چینی معده را توان می بخشد ، تشنگی را قطع می کند و زرداب را تسکین می دهد .

اندام های دفعی: گلابی و به ویژه خشک شده آن شکم را بند می آورد . گلابی سبب قولنج می شود بهتر آن است که بعد از خوردن گلابی عسلاب را با ادویه جات بخورند . مریای گلابی برای مراره صفراوی سودمند است .

زهرها: نوعی از گلابی را که بسیار قبض است و دیر می رسد بسوزانند خاکسترش گزند قارچ را خنثی می کند و اگر این قارچ را با گلابی بپزند کمتر زیان دارد .

## گندنا

سه نوع دارد: ۱ - شامی ۲ - نبطی ۳ - بیابانی

مزاج: گندنای شامی با سماق داروی زگیل و جوشهای شری است .

زخم و قرحه :گندنای شامی با نمک علاج زخم پلید است .گندنای بیابانی داروی زخم پستان است .گندنای نبطی را با سرکه ضماد کنند دمل را می ترکاند .

سر :خون دماغ را بند می آورد .تخم گمدنا را با قطران بسوزانند و دود آن در دهان بیاید گرم دندان را می کشد و بیرون می آورد .

خوردنش سردرد و خواب های پریشان می آورد . خاکسترش با روغن گل و سرکه آب انگور کهنه درد گوش را تسکین می دهد .

لثه و دندان را تباه و دندان ها را زرد می نماید .و به ویژه شامی برای لثه و دندان بسیار بد است .آب گندنای نبطی مخلوط با کندر و شیر یا روغن گل را در گوش بچکانند درد و صدا و وزوز گوش را از بین می برد .  
چشم :سبب تم چشم است .

نفس کش :گندنا با افشره جو داروی برنشیتی است که از ماده غلیظ بوجود آمده .به ویژه اگر گندنای نبطی با عسل باشد چه بهتر .در علاج ورم شش و رسانیدن ورم های شش مفید است .برای خون برآوردن تخم گندنا و تخم آس را مخلوط می کنند و می خورند .

خام خوردن گندنا برای گرفتگی ریه مفید است .

اندام های غذا :گندنای بری برای معده بد و از گندنای کاشتنی بدتر است . زیرا تلخ تر و تندتر و گزنده تر است .همه انواع گندنا بادزاست و باید دو بار بپزند تا بادش کاهش یابد .همه نوع گندنا دیر هضم است .

اندام های دفعی :گندنا عموماً و به ویژه نبطی و بیابانی بول و حیض را ریزش می دهد .به مثانه و کلیه زخمی زیان می رسانند . خوردن یا ضماد پخته آن داروی بواسیر است .شهوة انگیز است . تخمش هم در این باره بی تأثیر نیست به شرطی که در روغن بپزند .تخم گندنا را با تخم آس در روغن بجوشانند داروی زحیر و خونریزی مقعد است .در آب پز برگش بنشینند برای بهم آمدن دهانه زهدان و سختی زهدان مفید است .

بیخ گندنا را با روغن کاجیره و روغن بادام یا کنجد سوپ نمایند برای قولنج مفید است .افشره اش را خشک گردانند خون را اسهال می دهد .

گندنای بیابانی از دیگر گندناها بیشتر بول و حیض را ریزش می دهد .

زهرها :افشره اش همراه عسل آب پادزهر حشرات سمی است .

## گندنای کوهی

این گیاه تلخ مزه است .

خاصیت :بازکننده ، زداینده ، راننده ، گدازنده و تکه کننده است .

سر: افشرداش علاج درد همیشگی گوش است. گوش را از چرک پاک می کند منفضهای بند آمده گوش را باز می کند. درد کهنه گوش را درمان می کند.

چشم: افشرداش با غسل دید را تقویت می نماید.

سینه: بوسیله ی خون برآوردن سینه و شش را می پالاید.

اندام های غذا: در باز کردن بند آمدنی های کبد و طحال بسیار مفید است.

اندام های راننده: حیض را بیرون می ریزد و زهدان را می پالاید.

زهرها: با نمک ضماد شود پادزهر سگ هار است.

## گور گیاه

از این گیاه چندین نوع وجود دارد. اعرابی که بوی خوش دارد و جنگلی که باز بد و شکل باریک و ستبر است نوع باریکش سخت تر. از نوع ستبر می باشد و بویی ندارد.

دیسقوریدوس گوید: دو نوع وجود دارد که یکی بدون میوه و دیگری دارای میوه سیاه رنگی است.

بهترین نوع این گیاه اعرابی سرخ رنگ و خوشبو است. شکوفه آن به سرخی می زند و بعد از شکفتن به رنگ بنفش در می آید. برگش باریک است و بوی آن مشابه بوی گل محمدی است.

اگر این گیاه را در دست بفشاری و خرد کنی بوی آن به مشام می رسد. فایده اش در وهله اول در گل آن است و بعد در شکوفه و ریشه و ساقه آن. مزه گور گیاه در زبان تأثیر می گذارد و آن را آزار می دهد (می برد).

نوع جنگلی اش نیرویی سرد کننده دارد و به عقیده ابن جریج بکلی سرد است ساقه آن گیرنده تر از بخش های دیگر است. شکوفه اش اندکی گرمی بخش و گیرندگی آن کمتر از گرمی دهندگی است.

خاصیت درمانی: شکوفه اش به علت گیرندگی اش از خونریزی جلوگیری می کند. در روغن آن تحلیل و گیرندگی هست. ریشه آن از حیث این اختصاصات قوی تر است. شکم را بند می آورد. دارای قوه رسانندگی و نرم کنندگی نیز هست. جدار رگها را باز نگه می دارد و دردهای درونی و به ویژه درد زهدان و نیز انواع باد را از بین می برد.

زخم و قرحه: روغن آن خارش بدن انسان و حیوان را از بین می برد.

دمل و جوش: پخته آن در مداوای دمل های گرم مفید است.

خوردن گور گیاه پخته و ضماد آن سفت شدگی اندام های درونی را بر طرف می کند و در مداوای ورم های سرد و درونی مفید است.

مفاصل: خوردن یک چهارم مثقال آن همراه فلفل برای ماهیچه ها و مداوای ترنجیدگی (تشنج) مفید است. روغن آن خستگی را از بین می برد.

اندام های سر: انواع آن به ویژه نوع جنگلی آن مایه سنگینی سر است . نوع باریک ترش سردرد می آورد و ستبرش خواب آور است . تخم این گیاه مخدر است . تمام انواعش لثه را استحکام می بخشند و رطوبت های آن را رفع می کنند .

اندام های تنفسی و سینه: در معالجه درد شش مفید است و شکوفه اش از خونریزی دستگاه تنفسی جلوگیری می کند .

اندام های تغذیه ای: ریشه اش معده را قوت می بخشد و اشتها را بر می انگیزد . به اندازه یک مثقال ریشه گور گیاه همراه یک مثقال فلفل دل بهم خوردگی را تسکین می دهد .

شکوفه آن مسکن معده و در مداوای ورم معده و کبد مفید است .

اندام های دفعی: در تسکین درد زهدان بسیار مؤثر است . اگر بیماری که ورم گرم زهدان دارد در جوشانده آن بنشیند یا مقداری از آن را در زهدان بچکاند و یا از آن بنوشد برایش مفید است .

اندام های دفعی: تخم جنگلی و اعرابی آن سنگ دستگاه ادراری را بر طرف می کند ، شکم را قبضی می دهد . دو قسم جنگلی در این زمینه مفیدتر هستند . هر دو نوع آن خونریزی زنانه را قطع می کنند .

شکوفه آن دردهای کلیه و خونریزی کلیه را دفع می کند و در علاج ورم های مقعد مفید است .

زهرها: برگ های زیرین را تا زمانی که تر و تازه اند چنانچه بر جای نیش زدگی حشرات بگذارند تسکین بخش است .

## گوگرد (کبریت)

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطافت بخش ، جذب کننده و بسیار زدااینده است .

آرایش: از داروهای برص است و به ویژه اگر آتش ندیده باشد . اگر با سقز مخلوط کنند اثر بالای ناخن را بر می کند . با سرکه داروی لک و پیس است . زخم: علاج گری چرکین است ، بیماری ویروسی را علاج می کند و به ویژه اگر با سقز تلخ یا با سرکه باشد بسیار مفیدتر است .

اگر همراه نظرون باشد و تن را با آن بشویند خارش بدن را از بین می برد .

مفاصل: همراه نظرون و آب بر نقرس بمالند مفید است .

سر: بخورش زکام را بند می آورد . با سرکه و عسل داروی ترک های گوش است .

## گوشت

انواع گوشت به ترتیب اولویت :

۱ - گوشت گوسفند که نوعی تندی لطیف دارد .

۲ - بز جوان و گوساله و تا کم سن تر باشد زود هضم تر است و غذای لطیف تر می دهد .

۳ - بزغاله کمتر از بره زوائد (فضول) دارد .

۴ - گوشت هر شیرخواری که شیر خوب بخورد خوبست .

۵ - گوشت گوسفند پیر و لاغر خوب نیست .

گوشت حیوان رنگ سیاه از گوشت حیوان سفید رنگ سبک تر و خوشمزه تر است . گوشت حیوان نر و گوشت نر مه جدا شده از گوشت بسیار چرب و سفید از گوشت دیگر سبک تر است .

بهترین و گواراترین گوشت در میانه استخوان ها است . گوشت طرف راست سبک تر و بهتر از گوشت طرف چپ است . وسط ماهیچه بی عیب ترین گوشت است .

غذای گوشت زبان برابر با غذای گوشت ماهیچه و غیره است .

بهترین گوشت پرنده به ترتیب :

تذرو ، مرغ ، که از تذرو لطیف تر اما مغذی تر نیست ، کبک ، تیهو و دراج است . هر حیوانی که خشک مزاج باشد در بچگی خوب است مانند گوشت بزغاله که بسیار خوب است . گوشت بز نر مطلقاً بد است . گوشت درندگان ناپسندیده است . گوشت پرندگان بزرگ شناور و هر آنچه گردن دراز دارند ، گوشت طاوس ، هوبره و کبوتر دشتی و سنگخوارک و هر چه سوداء زیاد پدید آورد و تیره گنجشک و غیره هیچ کدام خوب نیستند .

از حیوانات وحشی گوشت آهو با اینکه کمی مایل به سودایی است از سایر گوشت ها بهتر است .

مزاج : گوشت پرنده از گوشت چارپا خشک تر است . گوشت گاو خشک تر از گوشت بز خشک و دیر هضم تر از گوشت گوسفند است .

گوشت شتر غذایی غلیظ و بسیار گرم است . گوشت خرگوش گرم و خشک است . گوشت پرندگان بزرگ و غاز و هوبره غلیظ است . گوشت اردک و دیگر شناورها بسیار مرطوب است و رطوبت تقریباً با گوشت گوسفند دارد .

خاصیت : گوشت غذایی است که بدن را توان بخشد ، از هر غذایی برای تبدیل به خون شدن آمادگی بیشتر دارد .

گوشت پرچربی کم غذا است و شکم را نرم می کند و به زودی تبدیل به ماده دودی و مراره می شود و زود هضم است . دنبه از چربی و پیه گوشت بدتر است زیرا دیر هضم و بد غذا است و گرم و غلیظ تر از پیه است .

گوشت گاو غذایی زیاد است . اما گوشت سیاه و غلیظش خوب نیست و بیماری های سودایی به وجود می آورد . بهترین گوشت گاوی گوشت گوساله است . گوشت گاو را با پوست خربزه بپزند به زودی از هم می پاشد و می رسد .

بهترین وقت برای خوردن گوشت گاو فصل بهار و اوایل تابستان است .

آرایش : گوشت گاو لک و پیس پدید می آورد . سوخته گوشت قورباغه داروی کم مویی است .

ورم و جوش: گوشت گاو و گوشت های غلیظ جوش های سرطانی بوجود می آورند و ورم های سخت را نرم می کند .

زخم و قرحه: از گوشت گاو گری و قوبای بد می خیزد و گوشت های غلیظ هم همین اثر را دارند. سوخته گوشت بره را بر بیماری ویروسی بمانند سودمند است. مفاصل: گوشت گاو و سایر گوشت های غلیظ جذام و پاغر و واریس به دنبال دارند. پیه و دنبه خوب ضمادی برای عصب خشکیده هستند. بیمار نقرس در آب پز گوشت خرگوش بنشیند سود می بیند. بیمار درد مفاصل در آبگوشت خرگوش یا روباه بنشیند آرام می یابد گوشت راسو را ضماد بکنند داروی درد مفاصل است پیه گورخر با روغن کوشنه مرهم شود داروی درد پشت و بادهای متراکم است .

گوشت مار داروی جذام و گوشت جوجه تیغی در علاج جذام سودمند است .

سر: گوشت گاوی و سایر گوشت های غلیظ که خشکانندگی دارند بیماری سودایی و وسواس به دنبال دارند .

گوشت راسو با آب انگور کهنه مخلوط شود و بخورند برای صرع مفید است .

چشم: خاکستر گوشت بره داروی سفیدی چشم است . گوشت درندگان و پرندگان شکاری بد را توان می بخشد و برای چشم مفید هستند .

اندام های تنفسی: خرچنگ آبی برای سل داران بسیار خوب است . گوشت جوجه مرغ خفگی را بر می انگیزد اما اگر بکنند زیانی ندارد .

اندام های غذا: انواع گوشت غلیظ طحال را بزرگ می کند . گوشت سنگخوارک در علاج تباهی مزاج ، استسقا ، بندآمدن های کبد و طحال و غیره مفید است .

گوشت گاوی زرداب را به روده راه می دهد . گوشت برشته خرگوش از زخم های روده جلوگیری می کند . گوشت خشکیده جوجه تیغی با سکنجبین درد گرده را بر طرف می نماید .

آبگوشت (سوپ) خروس پیر برای قولنج و بیماریهای سودایی مفید است . پیه گورخر همراه با روغن کوشنه دردی را که در اثر باد متراکم در گرده حس می شود تسکین می دهد .

گوشت درندگان و پرندگان شکاری داروی بواسیر است .

گوشت پرندگان و به ویژه کبک ، تیهو ، سنگ خوارک و چکاوک بریان شوند یا نشوند شکم را بند می آورند . گوشت پرندگان نامبرده را آب پز کنند و آبگوشت گوزن بر آن بریزند بول را ریزش می دهد .

تب ها: گوشت گاو ، گوزن ، کل و عموماً گوشت پرندگان بزرگ تب سه اندرمیان با خود می آورند .

زرها: گوشت راسو را خشک کنند و با آب انگور کهنه مخلوط کنند و بخورند داروی مسمومیت است .

گوشت سوخته بره درد مار گزیده و نیش انواع کژدم را تسکین می دهد و اگر آب انگور کهنه باشد پادزهر سگ هار است .

گوشت قورباغه پادزهر حشرات گزنده است .



## گون کتیرا

دیسقوریدوس گوید: بیخی است پهن و زیر که شاخه های نیرومند و کوتاه دارد و زیاد از زمین جدا نمی شود. برگهای زیاد و خارهای سفید رنگ و سخت و رو به بالا دارد و کتیرا را از آن بدست می آورند .

سینه: کتیرا با عسل معجون شود و زیر زبان بگذارند در تسکین سرفه و از بین بردن زبری سینه سودمند است .

اندام های دفعی: کتیرا با سوخته شاخ گوزن که شستشو داده باشند یا با کمی زاج بلوری مخلوط کنند درمان درد گرده و سوزش مثانه است .

## گوش موش

گیاهی است که شیشه را با آن جلا می دهند .

خاصیت: قبض ، مرطوب ، چسبنده ، تنقیه کننده و نرمش دهنده است .

ورم و جوش: ورم را آرام می کند ، برگش خورده شود داروی سوختگی و ورم های بلغمی است .

افشیره اش با سفیداب سرب داروی مورچگی و باد سرخ است .

در علاج آماس لوزتین اگر با آن غرغره می کنند مفید است .

مفاصل: با موم و روغن گل بر نقرس بگذارند سودمند است .

سر: افشیره اش با روغن گل داروی درد گوش است . گوش موش یا افشیره آن را در دهان بگذارند لوزتین را درمان می کند .

نفس: سوپ افشیره آنرا بنوشند سرفه مزمن را علاج می کند .

اندام های دفعی: بواسیر را از بین می برد .

## گوش فیل

گیاهی است که تا اندازه ای به اشنان شبیه است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: شوری و گیرندگی دارد و کمی بازکنندگی در او است .

نفس و سینه: گوش فیل یا نمک آن را در شیر بریزند و غرغره کنند مفید است .

اندام های راننده: گوش فیل و بخصوص تخم و افشیره اش آب زرد را اسهال می دهد و باید زیاد نباشد که لاغری ببخشد. بول را ریزش می دهد. آب پشت به وجود می آورد. در اسهال صفرا و مواد آبکی ملایم است .

## گیاه ثعلب

دیسقوریدوس گوید: برگ این گیاه بر زمین گسترده و سبز رنگ و به برگ زیتون کوچک می ماند و از آن باریکتر و درازتر است .

مزاج: گرم و تر

مفاصل: در علاج ترنجیدن و کشیدگی به سوی عقب و در علاج فلج بسیار مفید ، شهوت انگیز و کمک غریزه جنسی است .

اندام های راننده :ضمدش زخم بسته عفونی را می گشاید .

## گیاه شیردار (یتوع)

کلمه ی یتوع دلالت بر گیاهانی دارد که شیره آنها تند ، مسهل ، تکه کننده ، سوزنده باشد و آنچه در این زمینه مشهور است عبارت از :

هفت برگ ، شبرم ، چشمیزک ، آذربونه ، ماهودانه ، مازیرون و پنج انگشت که آن را پنج برگ هم می گویند .

همه اینها کشنده هستند و تنها از شیره آنها می توان استفاده درمانی کرد .

مزاج: شیر چشمیزک گرم و خشک است همین طور بقیه گیاهان دیگر .

خاصیت: زخم آور و سم است و اگر در حوض بریزند ماهیها می میرند .

آرایش: گوشت زائد ، زگیل ، خال و زائده های اطراف ناخن را بر می کند. برای از بین بردن مو شیره اش را بر پوست می مالند و در آفتاب این کار را می کنند ، مو را می سترد و بعد که می روید ضعیف است و اگر عمل را تکرار کنند دیگر مو بر نمی آید .بهتر آن است که با روغن زیتون مخلوط شود و برای ستردن مو بکار ببرند تا خطری نباشد .

زخم و قرحه : با سرکه باشد سفتی های پیرامون بواسیر را از میان می برد. داروی بیماری ویروسی است . زخم گندیده را بهبود می بخشد ، اگر با قیروطی ( مرهم موم ) و روغن گل مخلوط شود علاج خوره و گری سودایی و آتش پاریسی است .

سر :شیره اش را بر دندان کرم زده بگذارند دندان خرد می شود و می افتد و اگر با قطران باشد که از قوتش می کاهد برای معالجه دندان سالمتر است . بهتر آن است که قسم سالم دندان ها را با کمی موم بپوشانند و آنگاه این دارو را بگذارند . اگر بیخ گیاه نامبرده را با سرکه بپوشانند و مزمه کنند درد دندان تسکین می یابد .

چشم :شیرش ناخن را از بین می برد .

بواسیر را بر می کند ، بلغم مواد آبکی را خارج می سازد . دو قطره تا سه قطره شیرش را بر انجیر بریزند و بگذارند تا خشک شود و بخورند اسهالی کافی می دهد .

همین مقدار اگر با قاوت یا با آن خورده شود باز مسهل خوبی است. اما اگر بخواهند آن را تنها بخورند بهتر آن است که همراه قیروطی یا موم و عسل باشد تا دهان و گلو را زخم دار نکند .

## خواص مواد دارویی حروف(ک)

« ک »

### کاکنه

قوتش به فوت تاجریزی نزدیک است و به ویژه قوت برگ آن .

مزاج: سرد و خشک

زخم و قرحه :افشره آن در معالجه زخم و از میان بردن چرک و ریم گوش و نرم کردن سختی های کهنه شده ناصور سودمند است .

اندام های تنفسی :در علاج برونشیت و ضعف نفس و تنگ نفسی مفید است .

اندام های غذا :در علاج یرقان مفید است .

زخم مجرای بول را مداوا می کند .

### کافور

کافور چند گونه است .قنصوری ، ریاحی ، آزاد ، اسفرک کبود .

کافور به چوب چسبیده و از چوب برآمده است .

کسانی می گویند کافور بسیار بزرگ است ، بسیاری از جانوران را در سایه خود پناه می دهد و ببرها سایه اش را دوست دارند و در مدت سال مگر در وقتی معین کسی نمی تواند به درخت کافور برسد .

چنان که می گویند کافور در دامنه کوههای کنار دریا می روید .

مزاج: سرد و خشک

آرایش :به کار بردنش پیری زودرس به دنبال دارد .مو را سفید می گرداند .

ورم و جوش :ورم گرم را فرو می نشاند .

سر :کافور مخلوط با سرکه یا افشره خرما نارسیده ، یا آب آس ، یا آب ریحان ، درد سر ناشی از تب گرم را از بین می برد .

بی خوابی آورد ، تقویت حاسه گرمی داران است .

بهترین داروی زخم های دهان است .

اندام های دفعی :شهوت جنسی را از بین می برد .

سنگ کلیه و مثانه به وجود می آورد .بی اشتهایی ناشی از صفرا را بند می آورد .

## کاهو

کاهوی بیابانی در قوت با خشخاش سیاه برابر است .

مزاج :سرد است .

خاصیت :زدایندگی ، گیرندگی ، شکم روان کردن و غیره در کاهو نیست .

خونی که از کاهو بدست می آید از خونی که از سایر سبزی ها بدست می آید بهتر و کاهوی پخته از ناپخته غذایی تر است .

ورم :اگر ورم گرم و باد سرخ بسیار بزرگ نباشند مالیدن کاهو در علاج آنها مفید است .

مفاصل :ضمادش درد استخوان را دوا می کند .

سر :کاهوی کال و در آب جوشیده خواب آور و علاج بی خوابی است .

چشم :شیر کاهوی بیابانی در علاج (غرب) مفید است و زخم را از قرنیه می زداید .

اندام های غذا :در تشنگی و گرمی و التهاب معده خوب است .

کاهوی کاشتنی با معده سازگار است .

کاهو با سرکه اشتهاآور و در یرقان مفید است .

اندام های راننده :تخم کاهو آب پشت را خشک می گردانند ، آرزوی جماع را فرو می نشاند و خواب های جنسی را از بین می برد .

زرها :شیر کاهوی بیابانی را بخورند پادزهر رتیل و کژدم است .

## کاسنی

کاسنی بیابانی و کاشتنی است .نوعی از کاسنی برگش پهن و برخی باریک است . کاسنی کنش کاهو را دارد ، ولی می گویند همه خاصیت های کاهو را در بر ندارد .

در سود رساندن به کبد هر چه تلخ تر بهتر است .

مزاج :سرد و خشک و کاسنی سبز ، تر است . کاسنی کاشتنی سرد و مرطوب تر از بیابانی آن است .کاسنی در تابستان بیشتر تلخ مزه می شود و گرایش به نوعی حرارت پیدا می کند که کنش خود را از دست می دهد . کاسنی بیابانی که همان «طرخشقوق» است از کاسنی کاشتنی کمتر رطوبت دارد .

خاصیت: انسدادهای درونی و رگ ها را باز می کند . قبض است اما نه بسیار شدید اگر آب کاسنی با سفیداب و سرکه را برای سرد گردانیدن جایی که نیاز به سردی داشته باشد بر آن بمالند تأثیری شگفت آور دارد .

مفاصل: ضمادش در بیماری نقرس مفید است .

چشم: رمدم گرم را درمان می کند .شیره کاسنی بیابانی سفیدی چشم را می زداید .

سینه: با آرد جو ضماد کنند تپش را علاج می کند و قلب را نیرو می بخشد .

خیار چنبر را در آب کاسنی حل کنند و غرغره کنند ورم گلو را از بین می برد .

اندام های غذا: دل بهم آمدن و هیجان صفرا را درمان می کند .تقویت معده می کند .برای مداوای معده که سوء مزاج گرم داشته باشد داروی بسیار خوبی است .کاسنی بیابانی برای معده از کاشتنی آن بهتر است .

می گویند در همه حالات با مزاج کبد سازگار است .برای فروکش نمودن گرمی کاری تر است .برای مزاج سرد به اندازه ی سایر سبزی های سرد زیان دربر ندارد .

اندام های دفعی: کاسنی را با سرکه بخورند شکم بند می آید و به ویژه کاسنی بیابانی که قبض تر است .

تب ها :علاج تب سه اندر میان (ربع) و تب های سرد است .

زهرها: کاسنی را اگر با بیخ کاسنی یا با قاوت ضماد سازند پادزهر کژدم و حشرات مودی و زنبور و مار و وزغ بیابانی است .

## کاسنی بیابانی

نوعی از هندبای مشهور است .

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت: سردی بخش و باز کننده است .

چشم: شیر آن سفیدی چشم را می زداید .

اندام های غذا: افشره اش بهترین علاج استسقاء و راه بندان های کبد را باز می کند .

زهرها: با زهرها مبارزه می کند .ضمادش را بر جای نیش و به ویژه کژدم می گذارند .

## کاجیره

کاشتنی و بیابانی دارد .بیخ آن ارزش دارویی ندارد .اما سائیده برگ و برش مفید است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: روغنش تقریباً حکم روغن گزنه دارد و از آن ناتوان تر است .

اندام های غذا: برای معده خوب نیست ، شیر را در معده پنیر می کند .

سینه: سینه را می پالاید و صدا را صاف می کند .

اندام های راننده: با انجیر یا عسل بخورند بلغم سوخته را بیرون می آورد . علاج قولنج است شهوت برانگیزد . روغنش شکم را روان می سازد .

زرها: برگ یا ثمر کاجیره بیابانی را با هم بخورند پادزهر نیش کژدم است .

دیسقوریدوس گوید: این گیاه برگش دراز و خم شده و زبر و خاردار است . ساقه اش تقریباً به بلندی دو ذرع و بی خار است . بر سر ساق ها تاج هایی شبیه دانه زیتون های بزرگ است . گلش زعفرانی و سفید و قسمتی به سرخ رنگی مایل است و در خوراک مصرف می شود .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: رساننده است و قبوضیتی معتدل دارد .

آرایش: لکه های سیاه و لک و پیس را می زداید .

زخم: با سرکه بر (قوبا) بمالند مفید است .

سر: کاجیره بیابانی را با عسل مخلوط کنند و به دهان بچه بمالند زخم دهان را شفا می دهد .

## کبر Cabr

دو نوع ثمر دارد یکی خرنوب شامی و دیگری که به خیار شبیه است .

بیخ آن تلخ و تند است . نوعی کبر هست که آن را کبر قلز می گویند و به حدی تند است که تاول در دهان پدید می آورد و لثه را آماس می دهد . برای استفاده دارویی پوست بیخش از همه نافع تر است .

مزاج: همه انواعش گرم و خشک است .

خاصیت: تحلیل برنده ، زداینده ، بازکننده ، بیخش تکه کننده ، لطافت بخش ، پاک کننده و باز کن است . پوستش تلخ و تند و گیرنده است .

ورم و جوش: بیخ و برگش خنازیر را می گدازد و سخت ها را نرم می کند .

زخم و قرحه: پوست بیخش را بر زخم های پلید و چرکین بگذارند بهترین علاج است .

مفاصل: پوست بیخش در علاج بیماری اعصاب و درد سرین مفید است و آبش را حقنه کنند در این زمینه مفید است .

برای دفع فلج و تخدیر خوب است. چون گیرندگی دارد، اندام ها را محکم می کند و گسستگی سر و وسط ماهیچه ها را بهم جوش می دهد.

سر: پوست بیخش را بچوند رطوبت های سر را جذب می کند و سر درد سرد تسکین می یابد.

آب آن را در گوش بچکانند کرم گوش را می کشد. با دندان دردمند پوست بیخش را گاز بگیرند و به ویژه اگر پوست شاداب باشد درد بر طرف می شود.

سینه: نمک سودش داروی برنشیت است.

اندام های غذا: خوردنش همراه آب، ضمادش که با آرد جو و غیره باشد، و به ویژه پوست بیخ آن بهترین علاج طحال است.

اندام های دفعی: خلط نارسیده و غلیظ را بیرون دهد. حیض را راه می اندازد. کرم های ریز و درشت را از روده بیرون می راند. داروی بواسیر است.

شهوت انگیز است. نمک سودش قبل از غذا ملین است.

## کیابه

ره آورد چین و قوتش به قوت روناس (فوه) شبیه است.

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: باز کننده است و لطیف اما تا آن اندازه نیست که کار دارچین را انجام دهد.

زخم و قرحه: در علاج زخم گندیده که در اندام نرم باشد بسیار مفید است.

سر: در مداوای زخم و جوش هاس گندیده دهان سودمند است.

سینه: در دهان گیرند صدا را صفا می دهد.

اندام های غذا: راه بندان های کبد را به خوبی باز می کند.

اندام های دفعی: مجرای بول را تنقیه می نماید. بول ریگی را بیرون

می ریزد. سنگ کلیه و مثانه را از بین می برد.

## کیکه

دیسقوریدوس گوید چهار نوع است:

۱ - برگش به برگ گشنیز شبیه و از آن پهن تر است.



۲ - از نوع اولی بزرگتر و ریشه هایش ژرفا روتر است .

۳ - بسیار کوچک و طلایی رنگ است .

۴ - به نوع سوم شبیه ولی گلش سفید شیری است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: هر چهار نوعش گرم ، تند ، زخم آور ، زداینده ، پوست کن ، پوست گز و گدازنده است .

آرایش: برگ و شاخه اش قبل از آنکه خشک می شوند در زدودن برص و سفیدی ناخن ، کم مویی بسیار مؤثرند و اثر مثبت دارند .

ورم و جوش: در برانداختن گری ، برکندن زگیل های میخی ، و غده های آویزه ای ناشی از سرما بسیار داروی خوبی است .

زخم و قرحه: آب پز نیمه گرمش بر لکه های سیاه مایل به سرخی (سعه) مالند مفید است .

سر: بیخ خشکیده اش از عطسه آورهای قوی است .

گرد آن را بر دندان التهابی بمالند مفید است .

## کچوله

گونه ای از کف دریا است که جامد شده و به نی چسبیده است .چنان تند مزه است که به کار خوردن نمی آید ، بعد از آنکه از تندی آن می کاهند آنرا چون مرهم مالیدنی به کار می برند .

مزاج: بسیار گرم است .

خاصیت: مزاج سرد و تباه را به حالت طبیعی بر می گرداند و استعمال آن تنها باید از راه مالیدن خارجی باشد .

آرایش: لکه ها را از بین می برد .

دمل و جوش: جوش های شری را درمان می کند .

زخم و قرحه: در مداوای گری تر و اگزما مفید است .

مفاصل: ضمادش در علاج بیماری اعصاب سودمند است .

## کدو

مزاج: سرد و تر است .

خاصیت: در آب جوشیده اش بسیار کم غذا است . زود راهی می شود .

افشیره اش درد گرم گوش را آرام می کند و به ویژه اگر با روغن گل باشد بهتر است . در علاج ورم مغزی و سرسام و تسکین درد گلو مفید است .

نفس کش :قاوت کدو علاج سرفه و سینه دردی است که ناشی از گرما

باشد .اندام های غذا :آب پزش زائده های گرم را از معده می لغزاند و می راند .

افشیره اش را در بینی کشند درد دندان تسکین می یابد .کدو رفع تشنگی می کند .

تب ها :در تب های بسیار شدید مفید است .

## کرفس

چند نوع است :کوهی ، بیابانی و کاشتنی

قوی ترین کرفس رومی کوهی است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :بادبر ، بازکننده ، بندآمدنی ها ، عرق آور و مسکن درد است . آرایش :کرفس بیابانی از کم مویی ، ترک ناخن ها ، زگیل ها و ترک پوست ناشی از سرما داروی خوبی است .کرفس کاشتنی دهان را خوشبو می کند.

ورم و جوش :هرونوع از کرفس و به ویژه کرفسی که نامش (سمرنیون) است ورم های بلغمی تازه بر آمده و ورم های سخت و گرم را تحلیل می برد .

زخم و قرحه : کرفس بیابانی و به ویژه سمرنیون نامش چون ضماد شود پوست می کند و از این رو در علاج گری ، بیماری ویروسی و سایر زخم ها خوب است که آنها را بهبودی می بخشد .

مفاصل :کلیه اجزاء سمرنیون داروی بیماری اعصاب می باشد .

سر :برای صرع خوب نیست صرع را بر می انگیزاند ، می گویند ریشه کرفس را بر گردن ببندند درد دندان آرام می یابد ولی دندان شکن است .

سینه :کرفس و به ویژه سمرنیون در علاج سرفه ، برنشیت ، تنگ نفسی و دشواری نفس سودمند است .ضماد کرفس ورم گرم پستان را فرو می نشاند.

چشم :در معالجه چشم درد کرفس کاشتنی ضماد می شود .

اندام های غذا :برای کبد و طحال مفید است .باد گلو را تحریک می کند زیرا تحلیل برنده است زود هضم نیست .زودگذر نیست . تخم کرفس در علاج استسقاء مفید است .کبد را می پالاید و گرم می نماید .

بول و حیض را راه می اندازد ، برای زن باردار خوب نیست .همه نوع های کرفس و همه اجزاء کرفس از تخم تا برگ و غیره برای پالایش کلیه و مثانه و زهدان سودمند است .

تخم و برگش مسهل نیستند .ولی بیخش شکم را نرم می کند .کرفس کوهی سنگ را خرد می کند هر نوع کرفس و به ویژه سمربیون بیابانی از عسر بول رهایی می دهد ، بچه دان را بیرون می آورد .اگر همیشه کرفس بخورند و عادت همیشگی شود رطوبت سوزناک در زهدان پدید می آید .بعضی گفته اند : کرفس شهوت انگیز است و نباید زن شیرده کرفس بخورد زیرا شهوت جنسی بر او غالب می آید و شیرش به تباهی می گراید .

کرفس رومی در علاج قولون و مثانه و کلیه مفید است و بادکردگی مقعد را فرو می نشاند .

خوردن آبش برای استسقاء مفید است .

تب ها :در تب های هر روزی مفید است .

زهرها :بیخ سمربیون بیابانی بخورند پادزهر حشرات است .

کرفس کاشتنی را با بیخش ببزند و بخورند پادزهر سم است و گزند حشرات را دفع می نماید .گزند مردار سنگ را از بین می برد .این دارو را با داروهای ترکیبی پادزهر مخلوط می کنند .

کسی که سم خورده اگر آش کرفس و عدس بخورد قی می کند و سم را بیرون می دهد .کسی که کرفس خورده اگر به نیش عقرب گرفتار آید کارش دشوار است .

## کرویا

درختش در ارمنستان و مملکت (قماعینا) بسیار است و در عربستان و هندوستان و غیره نیز یافت می شود .کرویا ثمر این رستنی است .

آنچه ره آورد هندوستان و ارمنستان است و در کوبیدن سرسخت ، پر و متراکم است خوب است و در غیر این صورت ارزش ندارد .

قسم خوب کرویا بوی خون می پراکند و مزه اش تند مایل به تلخی است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :گرمی بخش ، خون به سوی پوست می آورد ، گدازنده است و اندام های درونی را توان می بخشد .

زخم و قرحه :با سرکه بر پوست بمالند علاج گری و بیماری ویروسی است .

مفاصل :در علاج درد عصب ، درد سرین ،در بیرون راندن بلغم ، در مداوای فلج و گرفتگی ماهیچه مفید است .

سر :با آب بخورند علاج صرع است .

سینه: سرفه را آرام می کند و سینه را می پالاید .

اندام های راننده: علاج درد و پیچ روده و ضد کرم و کرم کدو است .

زهرها: پادزهر نیش کژدم و حشرات دیگر است .

کرم سرخ ، کرم خاکی

اندام های دفعی: اگر با روغن زیتون و موم و زرده تخم مرغ مخلوط شود و از ماده گدازنده گیش بکاهد و سخت نشود در مداوای درد زهدان ، کلیه ، ادرار بول و حیض مفید است .

اگر با زیره سیاه قرد مانا باشد داروی بواسیر است .

تب ها: علاج تب و لرز است .

زهرها: پادزهر حشرات موذی است .

## کره

مزاج: گرم و تر و رطوبتش بیشتر است .

خاصیت: رساننده ، تحلیل برنده و سست کننده است .

آرایش: اگر بدن را با کره آغشته کنند غذا می دهد و فربه می گرداند .

زخم و قرحه: در علاج زخم های پی مفید است . زخم را پر و پاک می نماید .

سر: کره را با داروهای زخم های پرده مغز ، ورم های بیخ گوش ، پره بینی ، دهان و لثه و جوش های زبان مخلوط می کنند . لثه کودکان را کره بمالند دندان آسان تر بر می آید .

اندام های نفس: کره و اگر به ویژه با بادام و شکر باشد در علاج سرفه سرد و خشک ، ذات الجنب و ذات الریه مفید است .

خون بر آوردن را سهل می کند و می رساند اگر با بادام و شکر باشد رسانندگی آن بیشتر است . کره به تنهایی در تنقیه کمتر اثر دارد و رسانندگی آن بیشتر است . اما اگر با شکر باشد تنقیه آن بیشتر از پخته آن است .

اندام های دفعی: کره ملین است و زیادش مسهل . برای علاج ورم های گرم و سخت روده ، زهدان و رگهای بیضه حقه کره سودمند است .

کره را با داروی خراج دهانه مئانه مخلوط می کنند .

زهرها: بر مار گزیده بمالند سودمند است .

## کرچک

خاصیت: تحلیل برنده و ملین و روغنش از روغن زیتون ساده لطیف تر و لطافت بخش تر است .

آرایش: کوبیده کرچک زگیل را بر می کند و لکه های سیاه را می زداید .

ورم: برگ کرچک را بکوبند و با آرد جو مخلوط کنند ورم بلغمی را فرو می نشاند .

زخم: روغن کرچک داروی زخم تر و گری است .

اندام های غذا: اگر سی دانه کرچک را بسایند و بخورند معده را بسیار سست می گرداند .

سینه: تنها با سرکه بر پستان بگذارند ورم پستان فرو نشیند .

اندام های رانده: کرچک دانه را بکوبند و بسایند و بخورند بلغم و مراره و کرم را بیرون می راند .

## کسیلی

چوبک هایی است مانند (فوه) روناس و سیاهی بر آن چیره است .

مزاج: گرم و تر است .

خاصیت: چسبنده است و در شکستن نیروهای داروهای گرم کار صمغ عربی را انجام می دهد .

آرایش: فربهی بخش است و رنگ رخساره و پوست را زیبا می کند .

## کشوت

به شکل الیاف و به لیف مکی می ماند و بر خارها و درخت ها می پیچد .

آبی برگ است و گل های کوچک و سفید دارد . مزه اش تلخ گس است و تلخی چیره است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تنقیه می کند . ریختنی های لطیف را از رگ ها خارج می نماید . بر معده سنگینی می کند ، زیرا قبض است . رگ ها را می پالاید و هر زائده ای باشد بیرون می آورد . افزاینده و لطیف است .

اندام های غذا: کشوت و به ویژه در روغن جوشیده اش معده را تقویت می کند .

اگر همراه سرکه بخورند سکسکه را تسکین می دهد ، راه بندان های کبد و معده را باز می نماید و معده و کبد را تقویت می نماید . آب آن در بیماری یرقان بسیار مفید است .

افشره کشوت بیابانی را اگر بسایند و در آب انگور کهنه ریزند معده ناتوان را توان می بخشد .

اندام های دفعی: پلیدی های شکم بچه را در زهدان تنقیه می کند ، زیرا تنقیه کننده رگ ها است . بول و حیض را راه می اندازد . در تسکین پیچ و درد شکم و روده مفید است .

آن را بردارند و خونریزی را بند می آورد .

در روغن جوشیده اش قبوضت می دهد و رطوبت های زهدان را پاک می کند .

تب ها : آزمایش شده است که تخم و آبش بهترین علاج تب های کهنه است .

## گشنیز

جالینوس فرماید قوتی که در تر و خشک گشنیز است قوتی مرکب است چیرگی با خاکی تلخ و آبی نیم گرم است و کمی گسی دارد که کمی گیرنده شده است .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : گیرندگی و تخدیر دارد . افشره آن با شیر هر ضرباتی را تسکین می دهد .

ورم و جوش : علاج ورم گرم است . گشنیز با آبگوشت ساده ، سرکه ، روغن گل ، عسل و روغن زیتون علاج ( شری ) و آتش فارسی است .

گشنیز همراه با آرد باقلا ، یا قاوت ، آرد نخود خنازیر را تحلیل می برد . اگر بجای گشنیز افشره اش باشد همین تأثیر را دارد .

سر : سرگیجه یا صرع که از بخار مراره ای یا بلغمی منشاء گرفته باشند چاره اش با گشنیز است . زیرا گشنیز بخار سر را دفع می نماید و به همین سبب است که اگر کسی صرعش ناشی از بخار معده است گشنیز در خوراکش می ریزند و زیاد به وی می خوراند . گشنیز تر یا خشک ذهن را مشوش می نماید . گشنیز تر خواب آور است و خون دماغ را بند می آورد . پاشیدن گرد خشکیده اش یا مززه کردن با افشره اش زخم داخل دهان را علاج می کند .

چشم : تیرگی چشم پدید می آورد . افشره اش را در چشم بچکانند و به ویژه اگر همراه با شیر پستان زن باشد پرش و ضربان چشم را تسکین می دهد .

ضماد برگش بر چشم ، چشم را از مواد سیلانی محفوظ می دارد .

نفس کش : علاج حفقان گرم است . گشنیز با آب بارهنگ بخورند خون برآوردن را قطع می کند .

اندام های غذا : دیر هضم است . معده گرمی دار را توان می بخشد . در روغن جوشیده اش مانع استفراغ است .

تخمش در روغن بجوشد قبض است . گویند تخمش باسیکی گرم های دراز را بیرون می آورد گشنیز تر با عسل و روغن زیتون ورم گرم رگ های بیضه را فرو می نشاند .

تر و خشک گشنیز قوت جماع را کاهش می دهد .

زهرا: زیاد آن کشنده است. آدمی را به چنان غمی دچار می سازد که غش می کند و دق مرگ می شود.

## کف مریم

شکل آن به کف دست می ماند. قسمی با دو رنگ زرد و سفید، قسمی دیگر زردرنگ و گرد رنگ و بدون سپیدی می باشد. سخت و کمی شیرین است. در آب کردن زوائد سخت، بسیار مؤثر است.

مفاصل: در علاج بیماریهای مربوط به اندام های عصبی سودمند است.

اندام های سر: مخصوصاً درمان دیوانگی است.

## کف دریا

کف دریا پنج نوع است:

۱- ابری شکل و تندبو و بویش به بوی مشک ساییده می ماند که این نوع پرمایه است و در کنار آب پیدا می شود.

۲- ابری شکل و سبک و دراز و نرم است و بوی جل وزغ را می دهد.

۳- گلرنگ

۴- بنفش رنگ که این دو نوع سبک و کم مایه و به پشم چرکین شباهت دارند.

۵- به شکل قارچ است و رویه اش صاف و طرف اندرونی زیر و هیچ بویی ندارد.

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: پلیدی ها را پاک می کند، زداینده و سوزنده است. کف دریای گلرنگ از سایر انواع آن لطیف تر است.

آرایش: سوخته کف دریا و به ویژه سوخته گلرنگ آن داروی کم مویی است. گویند کف دریای قارچی را برای ستردن مو و درمان لکه های سیاه استعمال می کنند.

سر: کف دریا عموماً دندان ها را استوار می کند و صاف آن در جلا دادن دندان ها کاری تر است.

دمل و جوش: کف دریای صاف ورم های میخی را علاج کند و گلرنگش داروی خنازیر است.

زخم و قرحه: کف دریا عموماً و به ویژه دو نوع ابری آن در علاج گری چرکین و انواع بیماری ویروسی مفید هستند.

مفاصل: اگر کف گلرنگ را با موم و روغن گل مخلوط کنند داروی نقرس است.

اندام های غذا: گلرنگش برای طحال و استسقاء سودمند است.

اندام های دفعی: کف گلرنگ علاج دشواری بول و درد کرده است و سنگ مثانه را بیرون می آورد.

## کلم

یکی از سبزیجات مشهور است .

مزاج: بیخ کلم از برگش تر مزاج تر و کلم وحشی از کاشتنی گرم و خشک تر است .

خاصیت: رساننده و نرمی بخش است و اگر پخته شود و آب اولش را بریزند ملین است .

خاکستر شاخه هایش بسیار خشکاننده است و برای تسکین دردها مفید است .

ماده غذائیش کم و از عدس مرطوب تر است . نم برگ هایش هم خوب نیست . ورم و جوش : کلم بیابانی و دریایی و کاشتنی سخت ها را نرم می کنند . اگر برگ کلم بیابانی با کاشتنی را خوب بکوبند و تنها با قاوت ضماد کنند علاج ورم گرم بلغمی و باد سرخ و شری است .

زخم و قرحه : زخم را بهم می آورد . سرایت زخم پلید را باز می دارد . با سفیده تخم مرغ در بریدگی بگذارند مفید است . با نمک مخلوط شود آتش فارسی را بر می کند و در مداوای گری چرکین سودمند است .

مفاصل : داروی لرزش است . با شنبلیله ضماد نقرس است . آب پزیش را بر مفاصل بمالند درد از بین می رود . با آرد شنبلیله و روغن کنجد ضماد نقرس باشد مفید است .

سر : داروی سپوسه و شوره است . افشیره اش را به بینی کشند سر را می پالاید . زبان را خشک می گرداند ، خواب آور است . رنگ و رو را صفا می دهد .

چشم : با اینکه در داروهای سرمه ای وارد است ولی خود به خود تم چشم می آورد .

سینه : افشیره یا آب پزیش را با سرکه غرغره کنند علاج خفگی است .

کلم خوردن صدا را صاف می نماید . کلم را بجوند و آبش را بمکند صدابریدگی از بین می رود .

اندام های غذا : برای معده بد است . افشیره اش همراه آب انگور کهنه برای طحال و یرقان سودمند است . جزء تمام سفیدش دیر هضم است . برگ خام کلم را با سرکه بخورند برای بیماران طحال مفید است .

اندام های دفعی : بول و حیض را ریزش می دهد . تخم کلم با آب لوبیا گرگی داروی کرم است . شکوفه اش حیض را به راه می اندازد . خاکستر بیخش سنگ را خرد می کند . کلم بحری که شوری و تلخی دارد ملین است و اگر با گوشت چرب باشد مسهل است .

برگش را بر جای درد گرم روده بمالند مفید است .

دیسقوریدوس گوید : اگر کمی در آب بجوشد و بخورند مسهل است . اگر دوباره آن را در آب بجوشانند و بخورند قبوضیت می آورد .

افشیره کلم را با بیخ زنبق و نظرون مخلوط کنند اسهال آور است .



تخم کلمی که تنها در مصر می روید داروی کرم است .

زهرا : افشره کلم همراه آب انگور کهنه پادزهر نیش مار است و برای سگ هار گزیده هم خوب است . تخم کلم مصری را یکی از پادزهرها شمرده اند.

## کلمات

دیسقوریدوس گوید : بیخی است گرد و بی ساقه و بی برگ ، به رنگ خاکی پنبه آسا .

آنچه از زمین های ریگ زار است و بوی بد ندارد خوب و تر آن بهتر از خشک است .

خاصیت : بسیار غلیظ است .

مفاصل : برای فلج خطر دارد .

سر : بیم سکنه در بر دارد .

چشم : آبش دیده را جلا می دهد .

اندام های غذا : دیر هضم و آزار دهنده و بر معده سنگین است .

اندام های دفعی : سبب قولنج و بی اختیاری ادرار می شود .

## کنجد

از هر تخمی چرب تر است و همین است که زود تغییر می یابد و فاسد می شود.

بعضی گویند روغن کنجد تنها برای بیماران سودایی مفید است چون گرمی و تری می افزاید .

جرمش از روغنش قوی تر است .

خاصیت : گرمی اش معتدل ، چسبنده ، نرم کننده ، سستی بخش و در روغنش غلظتی هست .کنجد روغن جوشیده کم زیان تر از کنجد عادی است .

آرایش : خوردن کنجد و روغن کنجد ، مالیدن روغن کنجد و به ویژه افشره ساقه و برگش مو را دراز می کند و سوزنی (نازک) را از بین می برد .

آس را در روغن کنجد بجوشانند مو را از ریش نگاه دارد و ریشه مو را تقویت می کند و سخت می گرداند .

ورم : ورم گرم را نرم می کند .

زخم و قرحه : علاج سوختگی است . روغن کنجد را با آب آلو و آب مویز می خورند ، خارش بلغمی و خونی از بین می رود .

مفاصل: ضماد کنجد ستبری عصب را سرحال می آورد .

سر: روغن کنجد مخلوط با عطر گل سردرد بسیار گرم و سوزان را تسکین می دهد .

افشیره بوته کنجد داروی (ابریه) سوزنی است .

چشم: ضماد کنجد التهاب و آماس چشم را فرو نشاند .

سینه: در علاج تنگ نفسی و برنشیت مفید است .

اندام های غذا: دل بهم آور است . برای معده بد است ، زود سیر گرداند و اشتهای خوراک از بین ببرد . دیر هضم است و اندام های درونی را سستی می دهد .

تشنگی آور است . غذایی بسیار چرب می دهد . کنجد پوست کنده دیر سرازیر می شود ، اگر با پوست باشد زودتر از پوست کنده به معده می رسد .

برای قولون مفید است . کنجد خیس شده در آب در ریزش دادن حیض بسیار قوی است . اگر کنجد را در آب خیس کنند و با تخم خشخاش و تخم کتان بخورند آب پشت را فزونی می دهد و شهوت انگیز است .

زهرها: پادزهر مار شاخدار است .

## کنجده

صمغ گیاه خاردار است که در ایران می روید . نوعی از آن تلخ و نوع دیگر آن کمی تلخ است .

بهترین نوع انزروت نوعی است که رنگش مایل به زرد است و به کندر شبیه است .

مزاج: برخی گفته اند که این گیاه گرم و خشک است .

ابن جریر گوید: «انزروت در ایران و (لوردجان) می روید و بسیار گرم است .»

خاصیت درمانی: این گیاه خاصیت ترمیم کنندگی دارد و بدون سوزش

است . از این رو لبه زخم را بهم می آورد و جوش می دهد . در مرهم ها نیزیکار می رود .

انزروت ، تنگ شده ، سد کننده ، رساننده و تحلیل برنده است .

آرایش: خوردن زیاد و مداوم انزروت برای همه به ویژه برای پیران موجب ایجاد طاسی سر می گردد .

دمل و جوش: ضماد انزروت تمام دمل ها را تسکین می دهد .

زخم و قرحه ها: انزروت گوشت تباه زخم را تحلیل می برد . زخمهای آبدار را بهبود می بخشد و شکستگی در «زبرده» را التیام می دهد . برای این منظور نیروی تحلیل برنده انزروت و نیروی تحلیلی که در ریشه آن است مورد استفاده قرار می گیرد که خشکاننده است .

اندام های سر :اگر فتیله آغشته به عسل را در انزروت کوبیده بگذارند و بعد آن را در گوش دردناک فرو کنند درد گوش در مدت چند روز قطع می شود .

چشم :اگر انزروت را به ویژه با شیر خر پرورش دهند در معالجه رم د ، ژفک چشم ، ریزش اشک و بیرون آوردن خاشاک از چشم مفید است .

اندام های دفعی :انزروت بلغم خام و غلیظ را به ویژه بلغمی که در سرین و مفاصل وجود دارد دفع می کند .

## کنگر

به خارخسک می ماند ، لیکن از آن سفیدتر است و خار بلندتر دارد .برگ آن به برگ هل شبیه است لیکن نازک تر و سفید تر است .

ساقه اش به دو گز می رسد .گلش ارغوانی رنگ و دانه اش به دانه کاجیره شبیه و از آن مدورتر است .

تخم آن گرم و لطیف است و بعضی گفته اند بسیار گرم است .

خاصیت درمانی :در کنگر بطور عموم و به ویژه در تخم آن قوتی تحلیل برنده و بازکننده موجود است .نزیف را بند می آورد و در گیرندگی معتدل است .

دمل و جوش :از خاصیت گیرندگی و گدازندگی که در آن هست در علاج ورم های بلغمی مفید است و بیخ و سایر اجزاء آن را بر ورم می گذارند . بیخش بسیار مؤثر است .

مفاصل :از گیرندگی معتدل که با تحلیل بردن همراه است در علاج ترنجیدگی سودمند است .

هرگاه جنبش ماهیچه های کودک بر وفق مراد نباشد تخم کنگر می خورند .

اندام های سر :با افشره آن مزمه کنند درد دندان تسکین می یابد .

سینه :کنگر و به ویژه بیخ آن در علاج خون آمدن از سینه مفید است .

اندام های غذا :ناتوانی معده را بر طرف می نماید و انسداد را باز می کند .

کنگر و به ویژه بیخ آن در علاج اسهال مزمن و اسهال واگیر مفید است و ضمناً مدر است .

تب ها :در مداوای تب های بلغمی دراز مدت ، تب هایی که ناشی از ضعف معده باشند و کلیه تب های کهنه سودمند است .

زهرها :کنگر را بچوند و بر جای نیش عقرب گذارند سم را بر می کشد . خوردم تخم آن درمان گزند حشرات مودی است .

## کنگر فرنگی بیابانی

دارویی است کرمانی و از ایران است .

مزاجش گرم است و لطیف .

## کنیلا

تخم هایش ریگ مانند و سرخ است که از سرخی ورس کمتر است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :بسیار گیرنده است .

اندام های راننده :می گویند چه بخورند یا بمالند کرم و کرم کدو را بیرون می آورد .

## کندر

صمغی است از شهری که یونانیان آن شهر را کندر می خوانند .

گاهی کندر را از شهری می آورند که نامش (مرباط ) است .

بهترین نوع کندر قسم نر و سفید رنگ و مدور شده اش است که اگر بشکنند میانش زرد طلایی رنگ چسبیده است .

مزاج :خود صمغ کندر گرم و خشکاننده است .

پوست صمغ کمی از صمغ سردتر و خشکاننده تر است .

خاصیت :در کندر قبضی بسیار کم است .رساننده است و سوزشی برای گوشت در بر ندارد .نزیف خون را بند می آورد و اگر

زیاد از لازم به کار رود خون را می سوزاند .

دود کندر در قبضی و خشکیدن از همه قوی تر است .

آرایش :کندر با عسل مخلوط شود و بر کژدمه بگذارند خوب می شود .

پوست کندر علاج آثار زخم است .

کندر مخلوط با سرکه و روغن زیتون را بر جایی که درد مرکب دارد بمالند سودمند است .درد مرکب دردی را می گویند که

برجستگی های زگیل مانند از پوست برآید و احساسی مثل جای پای مورچه بر بدن حس می شود .

ورم و جوش :مخلوط با قیمولیا و روغن گل علاج ورم گرم پستان است .

کندر در ضمادهای تحلیل برنده ورم درونی مفید است .

زخم و قرحه: بهترین خوب کننده زخم های تازه است .

زخم های ساری را از سرایت باز می دارد .

کندر بایه اردک داروی بیماری ویروسی است .کندر و پیه خوک علاج زخم های لبه ای و ترک های ناشی از سرماست .زخم های سوختگی را بهبود می بخشد .

سر:هوش و فکر را تقویت می کند .بعضی مردم را نصیحت می کنند که همیشه ناشتا آب خیسانیده آن را بخورند . اما زیاد خوردنش سر درد می آورد .کندر با نظرون مخلوط باشد و سر را با آن بشویند سپوسه و شوره را از بین می برد .اگر کندر را با آب انگور کهنه در گوش بچکانند درد گوش تسکین می یابد .

کندر با زفت مخلوط باشد یا همراه روغن زیتون یا آمیزه شیر شود و بر صدفه ی گوش بمالند ترک ها را بهبودی می بخشد . خون دماغ حجاب مغزی را قطع می کند .

در دردهای گوش ناشی از کوبیدگی بسیار سودمند است .

چشم :زخم های چشم را پر می کند و خوب می نماید . ورم مزمن چشم را می رساند .

دود کندر ورم گرم چشم را بهبود می بخشد .جریان رطوبت های چشم را بند می آورد .

زخم های پلید چشم را درمان می کند .چرک و خون زیر قرنیه را پاک می کند .

کندر یکی از داروهای بسیار با ارزش برای ناخسته سرخ کهنه شده چشم است . در علاج جوش سرطانی چشم مفید است .

نفس کش و سینه :کندر مخلوط با قیمولیا و روغن گل ورم گرم پستان تازه زاییده را خوب می کند .

یکی از داروهای قصبه الریه بشمار می آید .

اندام های غذا :کندر استفراغ را بند می آورد .پوست کندر معده را قوی می گرداند ، از سستی باز می دارد و از هر قسم دیگر کندر برای معده گرمی رسان تر است و در گوارش مفیدتر .

پوست کندر برای بهم آوردن معده سست از هر چیز بهتر است .

اندام های دفعی :از بی اشتهاپی و فساد معده جلوگیری می کند .

خونریزی زهدان و مقعد را بند می آورد .

زخم های پلید مقعد را از سرایت کردن باز می دارد .بشرطی که از کندر فتیله سازنده و در مقعد داخل کنند .

تب ها :در مداوای تب های بلغمی مفید است .

زهر :اگر کندر زیاد با آب انگور یا با سرکه بخورند سم است .

## کور گندم

گلی است سبک وزن و به چوبک اشنان شبیه است .

بهترینش آن است که از سرزمین بربر می آورند و هر آنچه ره آورد رقه است خوب نیست .

مزاج: تر و سرد است .

خاصیت: خشکاننده است و رطوبتی هم دارد .

گویند خونریزی را بند می آورد .

آرایش: بسیار چاقی می دهد .

## کوشنه

دیسقوریدوس گوید: سه نوع کوشنه هست: یکی عربی که سفید، سبک، خوشبوی و مایل به زردی است. دومی از هند است که سیاه و به شکل خیار چنبر است .

سومی از سوریه آید که سم است و رنگ چوبش به رنگ چوبی شبیه است که آن را (تند بو) گویند .

قسم خوبش کوشنه عربی سفید، تازه، پرمایه، درشت و رنگ نباخته است که زبان را بگزد و بتراشد .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: آنقدر تلخی و تندی و حرارت دارد که زخم می آورد .

آرایش: با آب و عسل بر پوست بمالند لکه های سیاه را بر می دارد .

زخم و قرحه: زخم می آورد . آنچه تلخ است زخم ترشح دار را می خشکاند .

سر: در علاج بیماری (لیترغس) مفید است .

سینه: داروی سینه درد است .

اندام های راننده: خوردنش یا بوسیله ی قیف دود بر کشیدنش بول و حیض را ریزش می دهد .

کرم کدو و کرم های دیگر را بیرون می آورد . غریزه جنسی را تقویت می کند. آن را بردارند یا بخورند یا در آب پزش بنشینند درد زهدان را درمان می کند و با آب انگور کهنه بخورند شکم را روان می سازد .

از آنجا که دارای رطوبتی زائد و بادآور است در تقویت جنسی مؤثر است .

تب ها: با روغن زیتون مخلوط کنند و بر تن بمالند در تب لرز مفید است .

زهرها: کوشنه را با خاراگوش همراه آب انگور کهنه بنوشند پادزهر نیش مار و سایر حشرات مودی است .

## کهربا

صمغی است همانند سندروس . در شکستن نازک و شکسته اش به رنگ مایل به زردی و سفیدی است و بعضی نوع آن به مایل به سرخ‌رنگی است .

کاه و خشکه گیاه را بسوی خود می کشاند و از اینرو آن را کهربا یعنی رباینده کاه نامیده اند .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: خونریزی را از هر کجا باشد بند می آورد .

ورم و جوش: گویند کهربا را بر ورم گرم ببندند سودمند است .

سر: خون دماغ را بند می آورد . ماده آبکی که از سر به سوی ریه سرازیر می شود با کهربا قطع می شود .

چشم: از داروهای چشم است .

سینه: نیمه مثقال کهربا را با آب سرد بخورند تپش قلب را آرام می بخشد و بهترین علاج خون برآوردن است .

اندام های غذا: بندآورنده استفراغ است . مواد بد را از معده دور می سازد . با مصطکی مخلوط باشد معده را تقویت می کند .

اندام های دفعی: خونریزی زهدان و مقعد را قطع می کند . بی اشتهایی را از بین می برد .

## خواص مواد دارویی حروف (ل-م)

« ل »

### لادن

گیاهی است که نامش قاسوس می باشد. شبنمی که بر این گیاه می نشیند از ماده ای که در گیاه است تأثیر می پذیرد و از ماده تراوشی و شبنم چیزی پدید می آید که بوی خوش دارد .

بزها وقتی در چراگاه به این گیاه می رسند و از آن می چرند و گردن به گیاه می ساینند این ماده به مو وپشم آنها می چسبند و مردم آن را جدا می کنند و این جدا شده را لادن می نامند. خالص آن لادنی است که به موهای بالایی چسبیده و گرد و خاک ندیده است. بهترین نوعش لادن چرب و سنگین و زود رنگ قبرسی است که بوی خوش دارد و ریگ در آن نفوذ نکرده است و در روغن تماش می گدازد و هیچ دردی بجا نمی گذارد اما لادن سیاه قیر مانند خوب نیست .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: بسیار لطیف ، کمی قبض ، رساننده رطوبت های متراکم که به اعتدال آنها را تحلیل می برد. نیرویی جذب کننده و گرمی بخش در آن هست که دهانه رگها را باز می کند و مسکن درد است .

آرایش: لادن و به ویژه اگر با روغن آس و آب انگور کهنه باشد از لطافتش که ژرفا رواست مواد تباه زیر پوست را تحلیل می برد و پوست را از آرایش گوشتخوار پاک می کند و سبب رویش

مو ،افزونی مو و تراکم مو می شود. زیرا ماده سازگار با مو را به سوی پوست و رستنگاه مو می کشاند. در اوایل طاس شدن و برا ی جلوگیری از ریزش و کم شدن موی سر بسیار مفید است .

زخم و قرحه: زخم های وخیم و صعب العلاج را خوب می کند .

سر :لادن مخلوط با روغن گل را در گوش بچکانند ، درد تسکین می یابد . از داروهای ضد سردرد و تپش می باشد .

نفس کش :خوردنش داروی سرفه است .

اندام های دفعی :فرزجه از لادن ورم و زخم را از بین می برد .

اگر با آب انگور غلیظ کهنه خورده شود شکم را بند می آورد و بول را ریزش می دهد .

### لاجورد

قوتش همان قوت صمغ گیاه بدران و کمی از آن ضعیف تر است .

مزاج: گرم و خشک



خاصیت: گزنده، گنداننده، زداینده همراه تندی و کمی گیرندگی. می سوزاند و زخم می آورد.

آرایش: زگیل ها را از بین می برد.

چشم: رویشگاه موی مژه را به بهترین حالت در می آورد. موی مژه را زیاد می کند.

سینه: درمان نفس بریدگی ناشی از خستگی است.

اندام های دفعی: بخورند یا بردارند ریزش ملایم به بول می دهد، داروی درد گرده است.

## لای

شیره گیاهی است که به مر شبیه است. لاک بوی خوش دارد و باید در استعمال آن مواظب باشند.

آرایش: بسیار لاغر کننده است.

نفس کش: در تپش قلب مفید است.

اندام های غذا: تقویت کبد می کند و در علاج یرقان و استسقا و درد کبد سودمند است.

## لایه

بهترین و سالم ترین دردی لایه آب انگور غلیظ و کهنه و سپس هر آنچه شبیه است. دردی سرکه بسیار تند و قوی است. باید آن را بعد از خشک کردن ساییده و چون سوزاندن کف دریا سوزاند. یعنی باید آن را در پارچه گل اندود یا در دیگ گذاشت تا بسوزد.

باید آن قدر بسوزد تا سفید رنگ گردد و گردی لطیف گردد.

هر نوع دردی که کهنه نباشد برای نفع دارویی باید سوزانده شود و آنگاه به کار برده شود. دردی کهنه از قوتش کم شده است و نیاز به سوختن ندارد. باید دردی را در ظرف های ویژه نگاهداری کنند که هوا نزند و گاهی دردی را همچون توتیا شستشو می دهند.

خاصیت: دردی سرکه قوی ترین دردی، زداینده و جمع کننده است. سوخته آن سوزنده است و با نیروی دیگری که در آن وجود دارد می گنداند.

آرایش: دردی سوخته با صمغ درخت صنوبر سپیدی ناخن را از بین می برد.

دمل و جوش: دردی ناسوخته به تنهایی داروی التهاب ورم است و اگر با آس باشد التهاب را فرو نشاند و جوش هایی را که چرک ندارند علاج می نماید. سینه: دردی ناسوخته سیلان مواد را از معده مانع می شود.

دردی ناسوخته ضماد شود و از خارج بر رحم بگذارند نیزف حیض را باز می دارد.

## لبلاب

مزاج: تقریباً در سردی و گرمی برابر است و تا اندازه ای گرایش به گرمی دارد .  
خاصیت: گدازنده و باز کننده است .

آرایش: شیر لبلاّب بزرگ مو را می سترد و شپش کش است .

زخم و قرحه :اگر با موم و روغن گل (قیروطی ) مرهم شود بهترین داروی سوختگی است .

سر: در گوش چکاندن افشیره اش درد گوش را تسکین می دهد و ورم گرم گوش را فرو می نشاند .لبلاّب رطوبت های مزمن و زخم های کهنه شده گوش را علاج می کند .افشیره آن برای سردرد مزمن مفید است .

اندام های تنفسی : برنشیت را تنقیه می کند ،برای سینه و شپش خوب است . اندام های غذا :راه بندان کبد را باز می کند .

اندام های دفعی :آب لبلاّب زرداب سوزنده را بیرون می آورد و ناپخته اش بهتر است .

## لعل معبری

صمغی است بدمزه که ره آورد عربستان است .

خاصیت: کمی چسبندگی دارد .

آرایش:اثر زخم را بزودی از بین می برد . برای لاغر شدن هر روز مقداری را با سکنجبین یا آب بخورند بسیار سود می بینند .

سر: در علاج افتادن گوشت لثه و تسکین درد دندان بی مانند است .

چشم: جلائی دیده است .

نفس کش: با غسل آب داروی برنشیت است . کشتی گیران به کار می برند .

اندام های غذا :سه روز سکنجبین بخورند طحال را بسیار لاغر می کند .

اندام های راننده: با عسلاب حیض را راه می اندازد .

## لوبیا

مزاج: گویند سرد و خشک است ولی عده ای می گویند گرم است و لوبیای سرخ از هر نوع گرم مزاج تر است .

خاصیت: لوبیا از ماش زود هضم تر است ولی باد آورتر است و باقلا از لوبیا بادزاتر می باشد .

نفس کش: برای سینه و شش خوب است .

اندام های غذا: خلط غلیظ پدید می آورد و دفع گزندش با خردل ، سرکه و نمک ، فلفل و مرزه است .

اندام های دفعی :لوبیا و به ویژه لوبیای سرخ اگر با روغن سنبل باشد حیض را ریزش می دهد .

## لوبیای مصری

گیاهی است که به لوبیا گرگی شبیه است و از این روی آن را ترمس نامیده اند و ترمس لوبیا گرگی است .

مزاج:گرم و خشک

خاصیت درمانی :به حالت اعتدال می خشکاند و زداینده است .

آرایش:لکه های سیاه صورت را به حالتی معتدل از بین می برد .

زهرها :جالینوس فرماید : این گیاه مخصوصاً برای دفع گزند سگ هار بسیار خوب است و بیمارانی را نجات داده و از این رو یونانیان آن را آلوسن نامیده اند .(شفای هاری )

## لوبیا گرگی

کاشتنی و بیابانی هست .

ترمس بیابانی تأثیرش بیشتر اما کوچکتر است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت : تلخیش زداینده و تحلیل برنده بی آزار است .

آرایش :مو را نازک می کند ، ترمس و به ویژه اگر در آب باران بپزند تا از هم بپاشد و آب آن را بر پوست بمالند در زدودن لکه های رخسار و لک و پیس و برص و لکه های خون خشک شده و جوش های صورت بسیار مفید است و رخساره را جلا می دهد .

ورم و جوش :علاوه بر جوش صورت در علاج زخم و ورم گرم و خنازیر و سخت شدنی ها مفید است به شرطی که با سرکه و عسل و تأثیرش از بدنی تا بدنی متفاوت است .

زخم و قرحه :ترمس که با بیخ خاما لاون ضماد می شود داروی گری است و حتی گری حیوانات را نیز شفا می دهد و در علاج خوره ، گری خشک ، زخم بد و پلید مفید است .

مفاصل : ضمادش داروی بیماری اعصاب است .

سر : آردش علاج زخم تر سر است .

اندام های غذا: ترمس و به ویژه اگر با سرکه و عسل بپزند یا با عسل و فیجن و فلفل بپزند راه بندان های کبد و طحال را باز می کند .

اندام های راننده: پخته اش را بر ناف بمالند و از آن بخورند یا با عسل مخلوط کنند و بلیسند یا با سرکه بخورند داروی کرم و کرم کدو و در تسکین درد بیماری اعصاب مفید است . اگر با فیجن و فلفل بخورند و بردارند یا با مرو عسل مخلوط کنند و بردارند حیض را راه می اندازد .

اگر با عسل و سرکه بخورند کرم ها را بیرون می آورد .

بول را ریزش می دهد و قبض است .

« م »

## مارچوبه

دیسقوریدوس گوید: بعضی این گیاه را میان و گاهی اسفراعس و در بعضی جاها مواقینوس می گویند و سکانی می پندارند که اگر شاخ گوسفند نر را خرد و در خاک کنند مارچوبه از آن می روید .

مزاج: گرم است و هر چه سخت تر می شود گرمی آن بیشتر می شود و شیری از آن می تراود که بسیار گرم و زبان سوز است.

خاصیت: مارچوبه عموماً و به ویژه مارچوبه سنگلاخی برای باز شدن بندآمدن های درونی و به ویژه انسدادهای کبد و کلیه مفید است و خاصیت زداینده دارد .

مفاصل: آب پزش را برای رفع درد پشت و علاج بیماری اعصاب می خورند .

سر: بیخ مارچوبه را با سرکه یا بیخ و تخم را با هم بپزند در تسکین درد دندان بسیار مؤثر است .

اندام های غذا: انسدادهای کبد را باز می کند ، داروی یرقان است . کمی دل بهم خوردن در بر دارد .

اندام های دفعی: روفس پنداشته است که قبض است . شاید از ادرار آوردنش باشد . دیگری عقیده دارد که آب پخته آن ملین است و اکثریت بر آنند که در علاج قولنج بلغمی و بادی مفید است . بیخ آب پز مارچوبه ادرار بول می کند . عسرالبول را از بین می برد . شهوت انگیز است . در دشواری بارداری کمک می نماید . تخم آن را بردارند (شیاف کنند ) حیض را راه می اندازد و بستگی های کلیه را باز می نماید .

زهرها: با آب انگور کهنه بپزند پادزهر رتیل است و پخته آن سگ را می کشد .

## مامیثا

بلوط مانندهایی است زرد رنگ مایل به سیاهی و زودشکن . تلخ است و ترکیبی از گوهر آبی و خاکی دارد . سردی آبی اش زیاد نیست و هم مزاج آب آبیگیرها است .

این گیاه اکثراً در بلندی ها می روید و ریشه اش بسیار تند بو ، تلخ مزه و افشره اش به رنگ زعفران است .

مزاج :سرد و خشک

خاصیت :گیرنده ولی ملایم .

ورم و جوش :در علاج ورم گرم و پر مایه مفید است . باد سرخ کم و ناتوان را در بدن های سخت شفا می دهد . اما شایسته بدنهای کوچک و نرم نیست زیرا بسیار خشکاننده است .

چشم : درد چشمی را که در مرحله اول باشد شفا می دهد .

## ماش دارو

این گیاه شاخه های باریک سرخ مایل به سیاهی یا سبز است . گلش سرخ تیره و تلخ مزه و کمی گیرنده است یا تند مزه است و تلخ نیست .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت : باز کننده ، زداینده ، در پاک نمودن اندام های داخلی بسیار مؤثر و نیرویی اسهال کننده هم دارد .

ورم و جوش :ورم سخت را نرم می کند و به ویژه علاج ورم پستان است .

زخم و قرحه :با عسل ضماد شود زخم ها را بهم می آورد و زخم گندیده را از میان بر می دارد .

مفاصل :داروی بیماری اعصاب و اگر با عسل باشد بهتر است .

اندام های غذا :داروی بیماری های کبد است و بند آمدن های کبد را باز می کند .

علاج طحال و یرقان سودایی است به شرطی که هفت روز پیایی بخورند .

اندام های دفعی :راه بندان زهدان را باز می کند . بی اختیاری ادرار را از بین می برد .

بول و حیض را راه می اندازد .علاج درد گرده است .

اگر با عسل فرزجه بشود زهدان را می پالاید . اگر دو مثقال از این دارو با عسل یا انجیر شیاف گردد بلغم را می راند .

زهرها : پادزهر سمی است که بعضی آن را (اورقطنون) می نامند .

## ماهی

در انتخاب ماهی باید دقت کرد که بسیار بزرگ و کلفت و سخت گوشت نباشد . بسیار خشک و بسیار چرب خوب نیستند . ماهی های دریایی عموماً خوب و گوشت لطیف دارند و در میان آنها هر آنچه پناهگاهش کنار آبهای سنگی و گردشگاهش آبخیزهای پر حرکت است بهتر است .

مزاج: همه انواع ماهی سرد و تر هستند. ماهی شور گرم و خشک است. خاصیت: ماهی تازه بلغم آبکی بوجود می آورد. اعصاب را سستی می دهد. تنها با معده ای سازگار است که بسیار گرم باشد و خونی که از او تولید می شود رقیق است.

زخم و قرحه: سر ماهی های خشکیده را در آفتاب بسوزانند، سوخته اش گوشت زیاد زخم را بر می کند. سرایت زخم را منع می کند. زگیل ها را از بین می برد.

آب پز ماهی شور زخم های گندیده را شستشو می دهد و در علاج آنها مفید است.

مفاصل: با آب پز ماهی شور چندین بار وارد کردن به بدن (آمپول و شیاف و...) کنند در علاج درد سرین بسیار مفید است. آب پز ماهی تازه اعصاب را سست می کند.

سر: ماهی های ریزی که شامیان آن را حیر (صیدا) می گویند اگر از آنها آبکامه تهیه شود و بدان مزمه کنند زخم های پلید دهان شفا می یابد. لرز ماهی زنده را نزدیک سر دردمند کنند سر را کرخ می کند و احساس درد از بین می رود.

چشم: پوست نوعی ماهی را بر پلک گر شده بمالند مفید است. پوست سیفانوس را می سوزانند، یکی از داروهای چشم بشمار می آید. چنان که اگر با نمک مخلوط باشد و در چشم بکشند ناخنه را از بین می برد.

خوردن ماهی سرخ کرده سبب تم چشم می شود.

سینه: جری تازه و نمک سود در تنقیه و قصبه الریه و صاف نمودن صدا مفید است. سر ماهی های خشک شده نمک سود، داروی آماس زبان کوچک است. ماده سر یشمی ماهی را در سوپ بریزند و بخورند مانع خون بر آوردن است.

سر ماهی های ریز نمک سود در آفتاب خشکیده در علاج ترک های اطراف مقعد بسیار سودمند است. گوشت ماهی اگر تازه باشد و به گرمی بخورند غریزه جنسی را زیاد می کند. کسی که تازه به زخم روده گرفتار آمده در آب پز نمکین ملخ دریایی نمک سود بنشیند بسیار سود می بیند.

زهرها: سوخته سر ماهی در آفتاب خشکیده نمک سود، برگزیده سگ هار و جای نیش کژدم بگذارند مفید است.

## ماه پروین

تکه هایی است شبیه زراوند و از آن باریک تر است. در تأثیر بعضی همانند زراوند و از آن قوی تر است. با بیش هم رستنگاه است و بیش در همسایگی آن قوت خود را بسیار از دست می دهد.

ماسر جویه گوید: قوت ماه پروین چون قوت گیاه درونه و از درونه ناتوان تر است.

زهرها: پادزهر همه سم ها است. از مار گرفته تا بیش و غیره.

## ماهودانه

ماهودانه را حب الملوک نیز می گویند. درختش را در مملکت ما، سیستان می نامند. برگ هایش به ماهی های ریز می مانند که به درازای یک انگشت باشند.

مزاج: گرم و خشک

مفاصل: مسهل است و از اسهالی که می دهد علاج درد مفاصل و نقرس و بیماری اعصاب است .

اندام های غذا: در علاج استسقا مفید است .

## مازو

مازو ثمر در درختی است بسیار بزرگ که در بعضی اماکن موجود است .

مازو دو نوع است: یکی سبز ، شاداب ، کوچک حجم ، دنداندار و بی سوراخ که آن را مازوی سبز هم می گویند .

نوع دوم صاف و سبک و دارای سوراخ است .

مازوی خوب آن است که کال ، سنگین وزن و سخت باشد . مازوی زرد و سست و سبک قوتش کم است و بر اخگر نهی می سوزد .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت: بسیار قبض و رطوبت ها را از جریان باز می دارد و گوهر سرد خاکی دارد .

آرایش: آب و آب پز مازو رنگ مشک مو است .

زخم و قرحه: با سرکه بر ( بیماری ویروسی ) مالند قوبا را از بین می برد .

سائیده مازو را بر گوشت سست و زائد پاشند می گدازد .

سر: رطوبت های تباه را به زبان و لثه نمی دهد . داروی زخم دهان و به ویژه اگر با سرکه باشد در شفا دادن زخم دهان کودکان بسیار سودمند است و اگر بر دندان کرم خورده بگذارند سود می بینند .

اندام های راننده: سائیده مازو را در آب حل کنند و بخورند علاج زخم روده و اسهال همیشگی است و اگر با غذا مخلوط کنند باز در علاج اسهال مزمن مفید است .

## مازیون (هفت برگ)

از گیاهان بزرگ شیردار است و بر دو نوع: یکی برگش بزرگ و نازک و دیگری کوچک و سست است . نوع اول بهتر است و اگر نوعش سیاه باشد کم قاتل است .

بهترینش آن است که برگ زیاد دارد و برگ ها به برگ درخت زیتون شبیهند و لطیف تر .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: زداینده ، پاک کننده و پوست کن است و بسیار تند .

آرایش: هر نوع از آن را که با گوگرد مخلوط کنند و بر پوست بمالند علاج لک و پیس و کک و مک و لکه های سفید پوست است .

زخم و قرحه :همه انواع آن که با عسل مخلوط شوند بیماری ویروسی و زخم پلید را درمان می کند .

سر : آب پز آن و بخصوص آب پز نوع سیاهرنگ آن در دهان بگردانند درد دندان تسکین می یابد .مازیون را با فلفل و موم عجین کنند و تکه ای از آن بر دندان دردمند بچسبانند سود می بینند .

اندام های غذا:مازیون برای کبد بسیار بد است.

اندام های دفعی :مازیون و به ویژه آنچه از گیاه سبزش که در وقت گل دادن است می گیرند ماده آبکی را بیرون می دهد .

زهرها :مازیون را همراه آب انگور کهنه بنوشند پادزهر حشرات است . مازیون سیاه را که سم قاتل است اگر با قاوت مخلوط کنند و به وسیله ی آب و روغن زیتون عجین کنند موش و سگ و خوک را می کشد .

آدمی دچار افسردگی و استفراغ و اسهال شدید شده و می میرد .

## محلّب

آلوبالوی تلخ ، بهترینش سفید رنگ صاف مرواریدی است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :زداینده ، لطیف ، تحلیل برنده و مسکن درد است .

مفاصل :در علاج پهلوی درد و درد پشت داروی خوبی است .

اندام های تنفسی :با عسل آب بخورند در غش کردن سودمند است . داروی قولنج و سنگ کلیه و سنگ مثانه است .

## مر

صمغی است که خالص و تقلبی دارد بهترینش آن است که رنگش به سیاهی و سرخی می زند .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :باز کن ، بادشکن ، گیرنده ، چسبنده و نرم کننده است .

آرایش: اگر مر با روغن آس و لادن مخلوط باشد مو را قوی و پرپشت می گرداند .اثر زخم را از بین می برد . اگر مر را در دهان گیرند بوی دهان را خوش می کند .گند دهان را می زداید . مر مخلوط با زاج بلوری بوی گند زیر بغل را می زداید .مر با عسل و دارچین ختایی داروی زگیل است .

ورم و جوش :علاج ورم بلغمی است .



زخم و قرحه: زخم را بهم می آورد . استخوان لخت را می پوشاند . با سرکه داروی قوبا است و زخم های گندیده را شفا می بخشد .

مفاصل: مر با صدفه خوراکی معجون شود و بر درد و زخم اندام های کرکی مانند گوش و غیره بمالند شفا می دهد .

سر: سردرد می آورد . مر مخلوط با آب انگور کهنه و روغن زیتون را در دهان بگردانند دندان ها را نیرومند و محکم می کند ، کرم خوردگی را از بین می برد . لته را محکم می کند . رطوبت لته را بر می چیند . گرد مر را بر زخم سر بپاشند زخم را خشک می کند . سوراخ بینی را با مر بیندایند آبریزی های همیشگی را قطع می کند .

چشم: اثر زخم را در چشم از بین می برد ، زخم چشم را پر می کند ، سفیدی را می زداید . زری پلک را از بین می برد . چرک و ریم چشم را بدون هیچ آزاری از بین می برد .

اندام های نفس و سینه: در معالجه سرفه مزمن و مرطوب ، سرماخوردگی ، تنگ نفسی و بلند نفسی و پهلوی درد مفید است زیرا به لطافت و ملایم می زداید و زبر نمی کند . صدا را صاف می کند . زیر زبان بگذارند و آب را قورت دهند زبری گلو را بر طرف سازد .

اندام های غذا: مر خالص درعلاج سست شدن معده ، آب زرد و باد کردن معده سودمند است .

مر به ویژه اگر با آب سداب یا آب خاراگوش یا آب لوبیا گرگی حقه شود ، حیض را ریزش می دهد . تلخی که در آن است سبب بیرون راندن کرم و کرم کدو می شود . بهم آمدن دهانه زهدان را نرم می کند .

به اندازه ی یک باقلی مر بخورند داروی زخم روده ، پوست اندازی روده ، و اسهال است .

تب ها: به اندازه ی یک دانه باقلا با فلفل خورده شود ، تب لرز را که در اوایل باشد از بین می برد .

زهرها: با آب انگور کهنه خورده شود پادزهر کژدم است .

## مرغ و خروس

محتاج به معرفی نیست . آبگوشت خروس پیر خاصیت بسیار دارد .

بهترین گوشت خروس گوشت خروسی است که هنوز نمی خواند و بهترین گوشت مرغ گوشت مرغی است که تخم نگذاشته است و هر چه پیرتر بدتر است .

مزاج: پیه جوجه از پیه مرغ بزرگ گرم تر است .

مفاصل: سوپ خروس با شبت و نمک درد مفاصل و لرزش را از بین می برد .

سر: گوشت مرغ جوان عقل را زیاد می کند ، مغز مرغ خون دماغی را که از پرده مغز آمده باز می دارد .

سینه: سوپ خروس داروی برنشیت است .

گوشت مرغ صدا را صفا می دهد. سوپ خروس پیر با شبت و کاجیره همه این فوائد را در بردارد سوپ ساده جوجه التهاب معده را فرو می نشاند .

اندام های غذا :آبگوشت خروس درد معده را که از باد باشد برطرف می کند.

اندام های دفعی :آبگوشت خروس پیر همراه شبت و بسپایک بهترین علاج قولنج است .گوشت مرغ جوان آب پشت را فزونی می دهد . آبگوشت مرغ جوان همراه بسپایک باشد سودا را بیرون می ریزد و اگر با کاجیره باشد بلغم را بیرون می آورد .با داروهای قابض مخلوط کنند خراش روده را علاج است .با شیر باشد داروی زخم مثانه می باشد .

تب ها :آبگوشت خروس علاج تب های مزمن است .

زهرها :قلب مرغ یا خروس را بشکافند و بر جای نیش حشرات سمی بگذارند و هر یک ساعت عوض کنند از اثر سم می کاهد .کسانی که سم خورده اند گوشت خروس یا مرغ را با شبت و نمک بپزند و آنقدر بخورند تا قی کنند تأثیر سم را باز می دارد .

## مریم نخودی

شاخه هایش با برگهای به زمین نزدیک و به ستبری ریحان و بزرگتر است .

رنگش سبز و یونانیان این گیاه را بلوط زمینی می گویند . زیرا برگهای ریزش به برگ بلوط شبیه است و تلخ مزه اند .بیخ این گیاه به رنگ ارغوانی می زند .باید همین که تخم در آن پیدا شد چیده شود .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :بازکننده ، تکه کننده ، لطافت بخش و گرمی رسان است .

زخم و قرحه :همراه غسل زخم های مزمن را پاک می نماید .

مفاصل :سبز یا آب پز را بخورند در گسستگی ماهیچه مفید و شربت آن ترنجیدگی را سر حال می آورد و تا کهنه تر گردد مفیدتر است .

چشم :حب از آن می سازند و می خشکانند و برای مداوای زخم چشم به کار می برند .این دارو را در روغن زیتون بجوشانند یا بسایند و گردش را در چشم بکشند آب ریزی همیشگی چشم را درمان می نماید .

سینه :سرفه مزمن را چاره می کند .

اندام های غذا :کلفتی طحال را لاغر می کند .داروی یرقان سودایی است .شربت آن برای رفع سوء هضم بهترین دارو است .

استسقا را در اولین مرحله علاج می نماید و تا کهنه تر باشد مؤثرتر است .

اندام های دفعی :بول و حیض را ریزش می دهد .

زهرها :ضمادش پادزهر حشرات سمی است .

## مرزنگوش

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: لطیف ، بازکن و گدازنده .روغن مرزنگوش گرمی می دهد و مسهل است و تند مزاج .

آرایش: آب مرزنگوش را در ابزار حجامت می ریزند و بعد از حجامت بر پوست می مالند سپیدی هایی که از برش تیغ حجامت بوجود آمده از بین می رود .

خشکیده مرزنگوش را با عسل مخلوط کنند و بر پوست بمالند لکه های سیاه خونی و لکه های سبز رنگ خونی را بر می دارد و به ویژه برای زدودن لکه های خونی زیر چشم بسیار مفید است .

ورم و جوش: بر ورم بلغمی بمالند مفید است .

مفاصل: در مرهم موم و روغن گل مفید است و پیچش مفاصل را علاج می کند .درد پشت و بیخ ران را تسکین می دهد .با عسل علاج خستگی است .

روغن مرزنگوش فلج را چه آن فلجی که گردن را به سوی عقب کج می کند و چه غیر آن باشد مداوا می کند .

سر: راه بندان مغز را باز می کند ، سردرد عادی یا سودایی ، رطوبت باد متراکم ، چاره اش با مرزنگوش است .

قطره هایی از آن را در گوش بچکانند درد گوش آرام می گیرد . فتیله را به روغن آن آغشته کنند و در گوش بمالند گوش را از گرفتگی می رهاند .

اندام های غذا: آب پز مرزنگوش در علاج استسقا سودمند است .

اندام های دفعی: آب پز آن داروی بی اختیاری ادرار و پیچش و درد روده است . روغنش گرمی بخش و نرمی بخش است و در بهم آمدن دهانه زهدان که در راه حقنه شدن است مفید است .

زهرها: با سرکه باشد پادزهر نیش کژدم است .

## مشو

در دارویی بودن به عدس شبیه و از عدس دیر هضم تر است .

مزاج: معتدل و مایل به خشکی است .

خاصیت: همچون عدس قبض است و سبب سودا می شود .

مفاصل: برای مفاصل خوب است و ضماد آن فتق و آب در بیضه آمدن کودک را شفا می دهد .

اندام های دفعی: قبوضیت می آورد .

## مشک

نافه حیوانی است که به آهو شبیه است یا خود نوعی از آهو است که دو دندان پیشینش به سوی داخل خم شده اند و به دو شاخ شبیه هستند .

مشک آهوی تبت خوب است و می گویند مشک آهوی چین و جر جیراول است و در درجه ی دوم مشک آهوی هندی است .

مشک آهوئی بسیار خوب است که از گیاه بهمنین و سنبل بخورد و در درجه ی دوم مشککی است که آهوی آن مر خورده باشد از حیث رنگ و بو زرد شکوفه آسا بهترین است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطیف و توان بخش است .

چشم: دیده را نیرو می دهد . رطوبت های چشم را از بین می برد و سپیدی نازک چشم را می برد .

نفس کش و سینه: شادی آور و توان بخش دل است . ضد تپش و بیماری ترس است .

زهرها: پادزهر است و به ویژه گزند «بیش» را خنثی می کند .

## مشک چوپان

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطیف و تلخ است .

آرایش: سوخته مشک چوپان که با روغن کرچک یا روغن ترب یا روغن زیتون باشد علاج ، کم مویی است . در زود بر آوردن موی ریش مفید است . لثه سست را محکم می کند .

ورم و جوش: ورم بلغمی را نرم می کند . اگر با به بپزند ورم بسیار سرسخت را تحلیل می برد .

زخم و قرحه: تا سبز است برای زخم خوب نیست و سوزش دارد .

مفاصل: آب پزش داروی گسستگی در ماهیچه است و عرق النسای وخیم و کهنه را شفا دهد .

سر: با روغن زیتون بپزد سر را گرم می کند و سردی را از سر می زداید. اندام های راننده: حیض را ریزش می دهد . سنگ گرده و آبدان را خرد می کند .

زهرها: چون فرش زیر انداز باشد حشرات را می گریزند .

## مشک زمین

دیسقوریدوس گوید: بین گیاهی است که برگ هایش به رنگ گندنا شبیه لیکن از آن بلندتر و نازک تر و سفت تر است. بوی خوش دارد و به تلخ مزگی می زند. بهترینش آن است که متراکم، سنگین، در کوبیدن سخت، خوشبو و کوتاه شاخه باشد که بسیار تندمزه و در مرهم ها وارد است.

آرایش: رنگ را زیبا و بوی دهان را خوش می کند و چنانکه می گویند هندی اش مو را می سترد.

ورم و جوش: دمل های صعب العلاج را علاج می کند، در معالجه ورم های الیافی و خوره مفید است.

مفاصل: با روغن دانه بن (میوه درخت سقر) داروی پهلوی درد است و پشت را محکم می کند. زیاد به کار بردنش جذام می آورد.

سر: در علاج گندیگی بینی، دهان، زخم، جوش های دهان و سستی لثه مفید است و زخم های خوره ای دهان را مداوا می کند.

برای تقویت هوش بسیار خوب است. سنگ را از بین می برد. در چکمیگزک سودمند است. در علاج بواسیر و بهم آمدن دهانه زهدان و استسقا مفید است.

تب ها: در تب های کهنه داروی خوبی است.

زهرها: پادزهر نیش عقرب و حشرات است.

## مشک طرامشیر

شاخه هایی دارد که به شاخه ریحان سبز شبیه است. خشکیده آن نخست هیچ مزه ای ندارد و بوی آن قدرها نیست. لیکن بعد مزه آن تلخ و تند می شود.

اگر گله از این گیاه بچرد ادرارش خونی می شود. در تأثیر درمانی کار پونه را انجام می دهد و از پونه بسیار قوی تر است.

مزاج: گرم و خشک

اندام های تنفسی: رطوبت های لزج را از سینه و شش بیرون می راند.

اندام های غذا: خوردنش در غش کردن و افسردگی سودمند است.

اندام های دفعی: در ریزش دادن بول و حیض بسیار کاری است. گاهی از اثر آن خون ادرار می کنند. شربت از این گیاه خون بعد از زایمان را بیرون می دهد.

## مصطکی

درخت مصطکی مزاج مرکب از کمی آبی و بسیار خاکی و دو نوع است. مصطکی رومی که سفید رنگ و مصطکی نبطی که به سیاهی مایل است.

مصطکی از کندر لطیف تر و سودمندتر است و بهترینش سفید رنگ پاک و بی آرایش و براق است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: گیرنده و گدازنده است. از ثمر این درخت روغنی می گیرند که بسیار گیرنده است .

ورم و جوش: در علاج ورم درونی سودمند است و نوع سیاه رنگ نبطی مفیدتر است .

زخم و قرحه: افشره و آب پز برگ درخت مصطکی جوش های ساری را از سرایت باز می دارد .

آب پز و افشره برگ آن را بر زخم بمالند گوشت را باز می رویند . بر شکسته استخوان بپاشند بهم می آورد .

سر: جویدن مصطکی سر را از بلغم پاک می کند . در دهان گردانیدنش لثه را محکم می کند .

چشم: مژه برگشته را مصطکی می چسبانند .

اندام های تنفسی: مصطکی و به ویژه آب پز بیخ و پوست درختش در علاج سرفه و خون بر آوردن سودمند است .

اندام های غذا: تقویت کبد و روده می کند ، اشتها را باز می کند ، در بهبود بخشیدن به معده و کبد بسیار زود اثر است .

اندام های دفعی: کبد و روده را محکم می کند . علاج ورم کبد و روده است .

آب پز بیخ و پوستش بهم خوردن عادت ماهیانه را تنظیم می کند . آب پز برگ و خود برگش علاج خونریزی زهدان و دردهای

زهدان و رطوبت های زهدان و برآمدگی زهدان و مقعد است .

روغن درخت مصطکی و تخم ثمرش نیز همین تأثیر را دارند .

## مغز

بهترین آن مغز پرنده و به ویژه مغز پرندگان کوهی است و در میان حیوانات اهلی اول مغز شتر و در درجه ی دوم مغز گوساله

بهترین است .

مزاج: سرد و تر

خاصیت: بلغم و خلط های متراکم بوجود می آورد .

سر: مغز مرغ خانگی در بازداشتن خون دماغی که از حجاب مغز باشد مفید است . مغز شتر اگر بخشکد و با سرکه آب انگور

کهنه بخورند داروی صرع است .

اندام های غذا: هنگام هضم شدن دل بهم می خورد . مغز دیر هضم است .

اندام های دفعی: ملین است . مغز اردک از داروهای آماس مقعد است .

زهرها: خوردن مغز اثر سم خورده و نیش حشرات موذی را خنثی می کند. بهترین مخ به ترتیب اولویت مخ: گوساله ، گوزن ، گاو نر ، بز و گوسفند است .

مغز بز نر گشن و مغز گاو نر گشتی از سایر مخ ها خشک تر است .

مخ استخوان دست و پا از مخ سر چرب تر است .

خاصیت: گرمی بخش ، نرمی بخش ، زداینده و اگر با اشتها بخورند بسیار غذایی است .

ورم و جوش: مخ گوساله و گوزن و امثال آنها در علاج سخت و سفت شده ها داروی خوبی است . اما مخ بز نر و کل و همانند آنها خشک است و فایده ای ندارد .

اندام های غذا: اشتها را از بین می برد ، باید مخ را با غذا و ادویه جات بخورند .

اندام های دفعی: مخ های پسندیده را فرزجه کنند و به زهدان فرو کنند سختی زهدان را نرم می کند .

زهرها: گویند مالیدن تن به مخ گوزن حشرات را دور می سازد .

## مغیلان

از تیره درختچه های خاردار بیابان و مشهور است .

مزاج: سرد و خشک

خاصیت درمانی: گیرنده است و هر جریانی را باز می دارد و مانع خونریزی هم می شود .

اندام های تنفسی: مانع بالا آوردن خون می شود .

اندام های دفعی: سیلان رحم را قطع می نماید .

## مو

تکه های مختلف الشكل است که هم رنگ قاو (نوعی قارچ ) می باشد .

بهترینش سفید رنگ زود گداز و بی آرایش است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطی، زداینده ، بازکننده ، هم قوت سنبل است و از سنبل گرم تر و گیرنده تر .

مفاصل: بخورند یا بر بدن بمالند درد مفاصل را تسکین می دهد .

سر: از آنجا که دارای رطوبت خام زائد است زیاد به کار بردنش سردرد به بار می آورد .

اندام های غذا: در مداوای درد سرد کبد و بادکردگی کبد مفید است. اندام های دفعی: خوردن و ضمادش عسرالبول را درمان می کند. مو در معالجه درد ممانه، جمع آمدن ریختنی ها در ممانه، سودمند است. حیض را ریزش می دهد. خوردن و نشستن در آب پز آن درد زهدان را بر طرف می کند .  
قرقر و پیچ و درد روده و باد را از بین می برد .

## موم

موم صاف از دیوار خانه زنبور عسل است که در آن تخم می گذارد و عسل را نگه می دارد .  
مزاج: معتدل است .  
خاصیت: نرمش می دهد . زخم را از چرک و پلیدی پاک می کند و از آنجا که می چسبد و سوراخها را می بندد نمناکی عارضی می دهد . موم در همه مرهم های سردی بخش و گرمی دهنده مفید است .  
بدون شک کمی رسانندگی و اندکی گدازندگی را از همسایگی عسل بسیار کسب کرده است .  
موم سیاهی که اشغال کندو است قوت جاذبه ای دارد که می تواند پیکان و خارها را از ژرفا بیرون بکشد . لطیف است و کمی پالاینده و بسیار نرم کننده .  
ورم و جوش: ورم سخت را نرم می کند .  
زخم: کبره را نرم می کند و زخم را پر از پلیدی می نماید .  
مفاصل: پی ها را نرمش می دهد .  
سر: موم سیاه بوسیله ی بویی که در اوست عطسه آور است .  
اندام های تنفسی: بر سینه بمالند یا بلیسند سینه را نرم می کند و به ویژه اگر با روغن بنفشه معجون شود بسیار مؤثر است .  
شیره گره شده در پستان زنان شیرده را می گشاید .

اندام های دفعی: در علاج زخم روده ده ارزن را در سوپ گاورس یا سوپ برنج مخلوط می کنند و می خورند .  
زهرها: گویند سم را بر می کشد . بر زخم تیرهای زهرآلود می مالند و هیچ زبانی دربر ندارد .

## موز

موز که مشهور است . برگ درخت موز پهن ، دراز و به برگ اختر می ماند. از روئیدنی های گرمسیری است .  
خاصیت: اندک غذا می دهد و ملین است . زیاد خوردنش بندآور است و در بعضی مزاج ها بلغم و صفرا را زیاد می کند .  
سینه: داروی سوزش سینه و گلو است .



اندام های غذا: بر معده سنگین است .

اندام های دفعی: ادرار بول می کند. با گرده سازگار است .

## مومیا

مومیا قوت قیر و زفت با هم مخلوط دارد ولی بسیار منفعت رسان است .

مزاج: گرم است .

خاصیت: لطیف و گدازنده .

ورم و جوش: داروی ورم بلغمی است .

مفاصل: خوردن یا مالیدنش مسکن در برکنندگی و شکست و افتادن و ضربه خوردن و فلج و دهن کجی است .

اندام های سر: به اندازه ی یک حبه مومیا را با آب مرزنگوش به بینی بکشند و عطسه کنند در تسکین سردرد نصفی، سردرد سرد و صرع و سرگیجه مفید است یک دانه از آن مقدار یک حبه با جیوه درد گوش را تسکین می دهد . فتیله ای را با مومیا و روغن گل و آب غوره آغشته کنند و در گوش فرو کنند چرک و ریم گوش را قطع می نماید .

اندام های غذا: یک قیراط مومیا در آب زیره و ننه حوا و شاه زیره معده را توان می بخشد .

اندام های دفعی: یک قیراط مومیا با شیر، داروی زخم ذکر و آبدان است . کمی مومیا را با آرد مخلوط کنند و بردارند برای کنترل ادرار مفید است .

زهرها: دو حبه از مومیا با آب پز سه کوهه و انگدان علاج مسمومیت است. وزن یک قیراط مومیا با آب انگور کهنه خالص ضد کژدم است .

یک قیراط آن با روغن گاوی درد نیش کژدم را دوا می کند .

## موسیر

پیازی است کوچک و خوردنی که به پیاز نرگس شبیه و برگش شبیه برگ تره است و گلش به بنفشه می ماند .

آرایش: بر لکه های سیاه چهره بمالند و در آفتاب بنشینند مفید است . اثر زخم را از بین می برد. دهان و زبان را زبر می گرداند. با زرده تخم مرغ بر زگیل بمالند و با سکنجبین برای علاج زخم های شری مفید است .

زخم و قرحه: ضماد موسیر که با سرکه باشد برای چربی وسط ماهیچه ها سازگار است و همین ضماد را در نقرس و درد مفاصل به کار می برند .

گر تنها موسیر را ضماد کنند در پیچش عصب ، ترک های ناخن و گوش خوب است و گاهی بدین منظور موسیر را با قاوت مخلوط می کنند و بر سر می مالند. چشم :موسیر خود به خود و با زرده تخم مرغ معالج (طرفه) است و اگر سرکه را به آن اضافه کنند (غرب) را از بین می برد و برای مداوای هر ورمی در گوشه های چشم خوب است .

اندام های غذا :موسیر سرخ و شیرین با معده سازگار است و ضماد آن که با عسل باشد درد معده را تسکین می دهد .در مداوای درد معده موسیر تلخ بهتر است .غذا را هضم می نماید .با موسیر قوه غذایی طعام بیشتر می شود .

اندام های دفعی :شهوة انگیز است .

## مهر گیاه

مزاج :سرد و خشک

خاصیت :مخدر است .

آرایش:لکه سیاه پوست را مدت یک هفته با برگ آن و به ویژه با برگ سبز و شاداب آن ماساژ دهند بدون زخم کردن خوب می شود .

شیره مهر گیاه لکه های سیاه و سفید پوست را بدون سوزش و گزش بر می دارد .

ورم و جوش :علاج دمل های سخت و درونی و خنازیر است .

مفاصل :بیخس که با قاوت باشد و ضماد شود درد مفاصل را از بین می برد و شاید در معالجه واریس هم مفید باشد .

سر :چرت آور است و خواب آور است .اگر در آب انگور کهنه بریزند بسیار آرام بخش است .اگر در مقعد شیاف کنند می خوابند.

بو کردنش خواب آور است .این خاصیت از آن نوع سفید برگ بی ساقه است که آن را نرینه می گویند .

زیاد استعمال کردن و بو کردن مهر گیاه ممکن است به سخته کردن بینجامد و به ویژه آنچه برگش سفید است این خاصیت را بیشتر دارد .

چشم :قطره تراوشی آن درد بسیار آزار دهنده چشم را بر طرف می کند برگش را بر چشم بگذارند درد چشم تسکین یابد .

اندام های غذا :مقداری از قطره تراوشی مهر گیاه با عسل آب خفیف خورده شود مراره و بلغم را بیرون دهد ولی مقدار زیاد آن سم است .

اندام های دفعی :شیاف آن ادرار بول می کند .

تخم آن خورده شود زهدان را می پالاید .

اگر آن را با گوگردی که آتش ندیده مخلوط کنند و فرزجه شود خونریزی زهدان قطع می شود .

شیره مهر گیاه بلغم و مراره را بیرون می راند .

اگر بچه خردسال اشتبهاً مهر گیاه بخورد به چنان استفراغ و اسهالی گرفتار می شود که شاید بمیرد .

زهرها: همه انواعش و به ویژه نوعی که برگش سفید و کوچکتر از بقیه است پادزهر تاجریزی سمی است .

کسی که از مهر گیاه مسموم می شود عوارض خفگی زهدان در او پیدا

می شود. گونه اش سرخ می گردد و چشمش بالا می آید و باد می کند. در این حالت علاجش روغن و عسل است و اگر استفراغ می کند مفید است .

## میخک

از گیاهان مرزهای چین و به یاسمین شبیه است. لیکن سیاه است و میخک ثمر این گیاه است. آنچه شبیه هسته زیتون ، خشک ، خوشبو و خوشمزه است خوب است .

مزاج: گرم و خشک

آرایش: بوی دهان را خوش می کند .

چشم: دید را تقویت می کند ، تم را از چشم می زداید .

خوردن و به چشم کشیدنش برای چشم مفید است .

اندام های غذا: تقویت کبد و معده می کند و در استفراغ و دل بهم آمدن مفید است .

## خواص مواد دارویی حروف (ن-و-ه-ی)

« ن »

### نانخواه

گاهی آن را سند ریطس می نامند .

اندام های دفعی: در بند آوردن خونریزی زخم های روده و نزیف زنانه سودمند است .

### نارگیل

مشهور است و همان نارگیل است .

بهترینش تر و شاداب و بسیار مفید است که آب صاف در داخل دارد . اگر آب در آن نباشد دلیل بر کهنگی آن است . باید پوسته مغزش را بکنند .

مزاج: گرم و خشک و اندکی رطوبت زائد دارد .

خاصیت: سنگین ولی غذای خوبی است .

مفاصل: روغن کهنه نارگیل درمان درد پشت و سرین است .

اندام های غذا: بر معده سنگین است و با اندک زیانی که دارد بد غذایی

نیست . پوسته مغزش هضم شدنی نیست بهتر آن است که نخورند .

اگر نارگیل بخورند باید بعد از آن تا یک ساعت طعام نخورند .

اندام های دفعی: شهوت انگیز است . اگر یک مثقال نارگیل که کهنه اش بهتر است به ویژه با یک مثقال روغن زردآلو خورده شود در علاج بواسیر سودمند است . روغن نارگیل اگر کهنه باشد و بخورند کرم ها و کرم کدو را می کشد و بیرون می آورد .

### ناخن بویا

قطعات اظفار الطیب شبیه ناخن است ، بوی معطر دارد و از دود آن در مداوا استفاده می شود .

دیسقوریدوس گوید: از رده صدف هاست و از جزیره ای واقع در دریای هند می آید . در این جزیره سنبل هم وجود دارد .

دو نوع است: قلمی و بابلی . هر دو قسم بسیار معطر هستند .

نوع سپید رنگ آن که در دریای هند و یمن و بحرین پیدا می شود و بهتر از نوع بابلی است سیاه رنگ و ریز است .

به گفته ی عطاران بهترین نوع آن بحرینی، بعد مکی و جدّه ای است که در آبادان یافت می شود .

مزاج: گرم و خشک

خواص درمانی: لطیف کننده است .

اندام های سر: دود آن برای مداوای صرع مفید است .

اندام های دفعی: بخور آن در معالجه اختناق زهدان به کار می رود .

اگر آن را با سرکه بیامیزند و بخورند هر نوع قبوضیتی را از بین می برد .

## نخود

عموماً دو نوع است: کاشتنی است و بیابانی. جنس نخود به رنگهای گوناگون دیده می شود. نخود سفید ، سرخ ، سیاه و گاودانه رنگ. نخود بیابانی تند مزه تر و تلخ تر از نخود کاشتنی و گرمی بخش تر است. در تأثیر دارویی با نخود کاشتنی برابر است ولی غذایی که در نخود کاشتنی است بهتر است .

مزاج: نخود سفید گرم و خشک و نخود سیاه از آن قوی تر است .

خاصیت: هر دو نوع نخود بازکن و نرمی بخش و تکه کننده هستند .

همه انواع نخود بهترین غذای شش است .

آرایش: خوردن و پاشیدن آب نخود در زدودن کک و مک و زیبا کردن رنگ مؤثر است .

دمل و جوش: در علاج ورم گرم ، ورم سخت ، ورم غده ها و سایر ورم ها مفید است .

زخم و قرحه: روغن نخود داروی بیماری ویروسی است .

آرد نخود زخم های پلید و سرطانی و خارش را دوا می کند .

مفاصل: علاج درد پشت می باشد .

سر: جوش های تر سر را از بین می برد . خیس شده اش مسکن درد دندان ، و داروی ورم گرم و سخت لثه و معالجه ورم های بیخ گوش است .

سینه: صدا را صاف می نماید . از هر غذایی برای شش بهتر است و سوپ آرد نخود بسیار با شش سازگار است .

اندام های غذا: آب پز نخود داروی استسقا و یرقان است. هر نخودی و به ویژه نخود گاودانه ای رنگ و سیاه گرفتگی های کبد و طحال را باز می کند.

خوردن نخود نه در آغاز غذا خوب است و نه بعد از پایان آن ، بهتر آن است که در میان غذا خورده شود .

اندام های دفعی: آب پز نخود سیاه همراه با روغن بادام و ترب و کرفس سنگ آبدان و گرده را خرد می کند .  
نخود برای زخم زخم مئانه بد است .

بسیار شهوت انگیز است .

همه نوع نخود ملین است و گرفتگی کلیه را باز می کند و به ویژه نخود سیاه و گاودانه رنگ آن مؤثرتر است .  
بعضی گویند: نخود را در سرکه بخیسانند و ناشتا بنوشند و تا نیم روز صبر کنند کرم را می کشد .

بقراط فرماید: در نخود دو گوهر موجود است که در پختن از دست می دهد، یکی شور است که ملین شکم و دومی شیرین که بول را روان می سازد و آن گوهر شیرین شهوت انگیز است .

## نرگس

خاصیت: بیخ نرگس جذب کننده ای است که از ژرفا بر می کشد. خشکاننده و زداینده و شستشو دهنده است. روغن نرگس تأثیر روغن یاسمین دارد و از آن ناتوان تر است .

بیخ نرگس و به ویژه اگر با آرد شلمک و با عسل باشد پیکان و خارها را بیرون می کشد .

نرگس و به ویژه بیخش که همراه سرکه باشد لکه های سیاه و لک و پیس را می زداید. بیخ نرگس داروی کم مویی است .

ورم و جوش: از بیخ نرگس و عسل و گاودانه معجون درست کنند. دمل های ناپایدار نارس و سخت را می ترکاند .

ضماد بیخ نرگس ورم عصب را فرو می نشاند .

زخم و قرحه: زخم ها را می خشکاند و محکم بهم می چسباند و حتی تر گسسته را بهم جوش می دهد. گردش مخلوط با عسل در سوختگی ها و زخم عصب و زخم های داخلی مفید است .

سائیده نرگس همراه گاودانه و عسل چرک و پلیدی را از زخم پاک می کند .

مفاصل: روغن نرگس به عصب سود رسان است. ضماد بیخ نرگس ورم عصب و گره عصب و درد مفاصل را درمان می کند .

سر: نرگس و به ویژه روغنش بند آمدن های مغزی و سردرد تر سودایی را علاج است و سرهای گرم را به درد می آورد .

سینه: روغن نرگس را بر سینه بمالند ورم سخت و سرد حجاب را از بین می برد .

اندام های غذا: بیخش و آب پز بیخش را هر کس بخورد استفراغ می کند .

اندام های دفعی: در علاج درد زهدان و مئانه مفید است .

روغن نرگس دهانه بهم آمده زهدان را باز می کند و در علاج درد زهدان سودمند است .

## نر قیسی

این گیاه دارویی است گرم و در مغز آن پیه سبز رنگ و بسیار قیض هست و اگر با روغن زیتون باشد عرق آور است .

سر: در سوراخ بینی بدمند خون دماغ قطع می شود .

نفس و سینه: مغز تر آن هر خونی را که در سینه گرد آمده بیرون می آورد .

مغزش اسهال مزمن را علاج است .

زهرها: با آب انگور کهنه بخورند پادزهر مار است .

## نسرین

قوتش با قوت نرگس برابر و از قوت یاسمن کمتر است . روغنش تأثیر روغن یاسمن دارد ولی از آن ناتوان تر است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: همه انواع تنقیه کننده ، لطافت بخش است و گلش در این زمینه مؤثرتر است .

مفاصل: گویند در سردی عصب مفید است .

سر: گرم داخل گوش را می کشد . صدا و وزوز را از بین می برد . داروی درد دندان است نسرین بیابانی را بر پیشانی بمالند سردرد تسکین می یابد . همه نوع نسرین گرفتگی سوراخ بینی را باز می کند .

سینه: در آماس لوزتین و گلو مفید است .

اندام های غذا: نسرین و به ویژه بیابانی اش را بخورند استفراغ و سکسکه را آرام می کند .

## نشاسته

مزاج: سرد و خشک است .

خاصیت: توان بخش و نرم کننده است . باید نشاسته را با سه برابرش آب بپزند .

آرایش: نشاسته و زعفران را بر پوست مالند لکه سیاهه را بر می دارد .

زخم: زخم را بهم می آورد و خوب می کند .

چشم: مواد سیلانی را از چشم دور می کند .

سینه: سینه را نرم می کند . سوپ نشاسته سرماخوردگی سینه را از بین می برد .

اندام های دفعی:نشاسته تنها یا با عدس شکم را بند می آورد و از اختلاف مراره جلوگیری می کند .

## نعناع

مزاج:گرم و خشک است و رطوبتی زائد همراه دارد .

خاصیت:قوتی دارد که گرمی بخش و گیرنده و بازدارنده است . در میان سبزی های خوردنی گوهر نعناع از همه لطیف تر است .اگر چند شاخه آن را در شیر بگذارند شیر ، پنیر نمی شود .اگر افشره اش را با سرکه بخورند خونریزی شکم را قطع می کند .

ورم و جوش :نعناع را با قاوت ضماد کنند دمل های داخلی را علاج است .

نعناع مثل پونه گس مزه نیست و گدازندگی و گرمی و خشکی اش خارج از حد و آزار دهنده است .

سر :با آرد جو ضماد شود و بر پیشانی بگذارند سردرد را دوا می کند .با نعناع زبان را ماساژ بدهند زبری زبان را از بین می رود .  
افشره نعناع را با عسلاب در گوش دردمند بچکانند مسکن است .

سینه :خون برآوردن و خونریزی را قطع می کند . ضماد آن را بر پستان بگذارند شیر منعقد شود و آماس پستان را فرو می نشیند .

اندام های غذا :تقویت معده و گرم کردن معده با نعناع است .

سکسکه را آرام می کند ،هضم کننده است و استفراغ خونی و بلغمی را بند می آورد .

نعناع و به ویژه شربت آن داروی یرقان است .

اندام های دفعی :نعناع کاشتنی مرطوب و بادزا است و غریزه جنسی را تقویت می نماید کرم ها را می کشد .اگر قبل از جماع بردارند ضدبارداری است .اگر چند شاخه ای از آن با دانه انار خورده شود ، اسهال و استفراغ شدید را قطع می کند .

زهرها :نعناع و به ویژه تخم نعناع برای سگ هار گزیده پادزهر خوبی است .

## نقل خواجه

درختی است کویری که بلندیش به یک ذراع می رسد .

برگش سفید رنگ اما نه بسیار سفید .ثمرش شبیه فلفل ،روغن و شیره دارد .

مزاج :گرم است و نم دارد .

آرایش:فربه و زیبا می کند .

اندام های غذا :در معده ماندگار است و هرگاه هضم شد غذای بسیار



می دهد .

اندام های دفعی :آب پشت را فزونی می دهد و شهوت را بر می انگیزد .

## نمک

درنمک تلخی و گیرندگی هست .قوتش نزدیک به قوت بورک است . نمک چندین نوع است .سبک و متخلخل ، نمک کانی ، دارانی که بلوری است ، نمک نفتی و از این رو سیاه رنگ است نمک هندی سیاه رنگ سیاهش نفتی نیست در گوهر سیاه است .نمک دریا همینکه آب دید می گدازد اما نمک کوهی به این زودگذازی نیست .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :زداینده ، تحلیل برنده و گیرنده است و بسیار بادزا .

نمک سوخته بسیار خشکاننده و گدازنده است و مانع گندیدگی است و خلط غلیظ را سر حال می آورد .

آرایش :نمک سوخته را بر دندان بمالند دندان را پاک می کند و از کرم خوردگی نگه دارد و نمک را بر پوست بمالند لکه های سیاه خونی را در هر جای باشد می زداید .نمک به کاربردن به اعتدال رنگ و رو را زیبایی می بخشد .

ورم و جوش :نمک با عسل و مویز ضماد دمل ها است .نمک با پونه و عسل ورم بلغمی را فرو می نشاند و مورچگی را از زیاد شدن باز می دارد .

زخم و قرحه :گوشت های زائد و آویزه را می خورد .داروی گری چرکین و قوبا است .نمک را با روغن زیتون و سرکه بر تن مالند و پهلوی آتش بنشینند عرق می کنند و خارش بلغمی تسکین می یابد .

مفاصل :نمک و آرد و عسل ضماد شود پیچش عصب را راست می کند ، داروی نفرس است .نمک را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر تن بمالند خستگی را در می کند .

سر :نمک و پیه هندوانه ابوجهل را بر سر بمالند جوش ها را درمان کند . نمک اندرانی هوش را می افزایش دهد .نمک خوردنی و به خصوص نمک اندرانی لئه را محکم می کند .نمک و سرکه ضماد شود و بر گوش بگذارند درد گوش تسکین می یابد .

چشم :زیاده گوشت پلک را می خورد و ناخنه را می زداید .قسمت شفاف و درخشانش در علاج تم و سفیدی چشم ویژگی دارد .لکه سیاه خونی که در چشم پدید می آید نمک و روغن زیتون و عسل را ضماد کنند و بر چشم بگذارند لکه را از بین می برد .

سینه :نمک اندرانی و نفتی و سایر نمکها بلغم لزج را در سینه از هم می پاشند .

اندام های تنفسی :نمک نفتی را با عسل و سرکه به دهان بمالند در علاج خناق و ورم زبان کوچک و خرخر کردن مفید است .

اندام های غذا :نمک درد معده سرد را درمان می کند .هر نمکی و به ویژه نمک نفتی و اندرانی در استفراغ کمک هستند .

اندام های دفعی :همه انواع نمک مواد دردی را بیرون می ریزند و سرازیر شدن خوراک را آسان می کنند .نمک نفتی بلغم گندیده و ماده آبکی و مراری و سودا را پراکنده می کند و در حقنه به کار می رود .

نمک بسیار سیاه که نفتی نیست بلغم و سودا را بیرون می راند .

زهرها :با تخم کتان ضماد شود پادزهر نیش کژدم است .

با سرکه و عسل پادزهر هزارپا و زنبورها است .نمک و سکنجبین گزند افیون و قارچ سمی را خنثی می کند .

## نمک چینی

سنگی است که نمک بر آن می نشیند و آن را گل آسیوس می نامند .

گمان می رود که نمک مزبور از رطوبت دریا و شبندی که بر آن می نشیند به وجود می آید .

خاصیت درمانی :قوت آسیوس و گل آسیوس بازکننده و جوش دهنده است . اندکی گنداننده است و گوشت گندیده را آب می کند و گزشتی ندارد .

دمل و جوش :اگر آسیوس را با سقز درخت بنه ضماد کنند جراحات ها را از بین می برد .

زخم و قرحه :در مداوای زخم های دشوار ، شدید ، بزرگ و عمیق سودمند است .

مفاصل :آن را با آرد جو بر جای نقرس می گذارند .اگر بیمار نقرسی دست و پا را در پخته آن بگذارند مفید است .

اندام تنفسی :آن را با عسل بلیسند زخم های شش را معالجه می کند .

اندام های غذا :با آهک و سرکه بر طحال بمالند سودمند است .

## ننه حوا

کمی تلخ است و تند مزه .تخمش از همه اجزایش مفیدتر است .

مزاج :خشک است .

خاصیت :با اینکه خشکاننده است نرم کننده هم هست . بندآمده ها را باز می کند .

آرایش :خوردنی یا مالیدنی آن رنگ را زرد می کند . در داروهای برداشتن لکه های لک و پیس و برص مفید است . با عسل معجون شود لکه های سیاه خونی را در هر جا باشد می زداید .

سینه :در علاج پلیدی های سینه و دل بهم آمدن مفید است .

اندام های غذا :رطوبت معده را بر می چیند ، دل بهم آمدن و تهوع را تسکین می دهد .برای کبد و معده سرد مفید است .

با آب انگور کهنه بخورند بول را ریزش می دهد . بی اختیاری ادرار را از بین می برد . سنگ را بیرون می آورد .گرده و مthane را می پالاید .بادشکن است .درد و پیچ روده را تسکین می دهد . با صمغ صنوبر بخور شود زهدان را پاک می نماید .

تب ها: در علاج تب های کهنه بهترین درمان است .

زهرها: آب پزش را بنوشند پادزهر حشرات است و بر نیش کژدم بپاشند درد تسکین می یابد .

## نوشادر

بهترینش نوشادر (بیکالی) صاف و بلوری است .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: لطافت بخش و گدازنده است .

چشم: در سفیدی چشم مفید است .

نفس کش: زبان کوچک افتاده را بالا می برد و در خناق مفید است .

## نی

انواع دارد :

۱ - نی تودار که تیر از آن می سازند .

۲ - نی ماده که زبانه نای های نواختنی می شود .

۳ - نی ستبر و بند بند که قلم می گردد .

۴ - نی ستبر و توخالی که در کنار جویبارها می روید .

۵ - نی شوره زاری که باریک و سفید است و اکثریت مردم بیخ آن را می شناسند .

۶ - نی بسیار باریک توخالی که از آن حصیر می سازند .

۷ - نی بسیار ستبر و دراز و دیر شکن که از هند آورند و نیزه می کنند (خیزران).

مزاج: بسیار سرد و خاکسترش گرم است .

خاصیت: برگ و ریشه آن کمی زداینده است. ضمادش خار و پیکان بر می کشد. تکه های نی و بقایای تیر را از ژرفای گوشت بیرون می آورد .

آرایش: پوست و ریشه نی داروی کم موپی است ، پلییدی را می زداید .

بیخ نی با پیاز دشتی پیکان را جذب می کند .

ورم و جوش: برگ سبزش را بر باد سرخ و ورم گرم بگذارند مفید است .

مفاصل: پیچش عصب را چاره است .

سر: گلش در گوش افتد کری همراه دارد و در بیرون آمدن سرسختی می کند. سوخته نی سعه و بیماری ویروسی پوستی سر را علاج می کند .

اندام های راننده: بول و حیض را ریزش می دهد .

زهرها: پادزهر نیش کژدم است .

## نی نھاوندی

نوعی نی است که در هندوستان می روید . خوبش آن است که به رنگ یاقوتی باشد و بندهایش کم فاصله و چون بشکنی چندین پارچه شود .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: لطافت بخش ، کمی گیرنده و تند است .

آرایش: بدرنگی خون خشکیده را می زداید .

ورم: ورم را نرم می کند .

مفاصل: داروی گسستگی در ماهیچه است .

چشم: جلای دیده است .

سینه: بوسيله ی قیف دودش را برکشند داروی سرفه است و اگر با سقز خام باشد بهتر است .

اندام های غذا: با عسل و تخم کرفس علاج ورم کبد و معده و مانع شکم گنده شدن است .

اندام های راننده: با تخم کرفس به نفع گرده و علاج چکمیزک است . خوردن آب پزیش یا در آن نشستن درد زهدان را دوا می کند .

با عسل و تخم کرفس بخورند ورم زهدان را فرو می نشاند .

## نیل

دو نوع است: کاشتنی و بیابانی .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: گیرنده است و خونریزی را باز می دارد. نیل کاشتنی خشکاننده ای قوی و بی گزش است .

در نیل بیابانی تند مزاجی هست، از کاشتنی خشکاننده تر است و مواد را از ژرفا جذب می کند .

آرایش: لکه های سیاه و لک و پیس را می زداید و در کم مویی مفید است .

ورم و جوش: نیل آماس فروهشتگی و سست اندامی را فرو می نشاند . زخم های پلید را در اندام های سخت علاج می کند .

عموماً هر ورمی که نوحاسته است علاجش با نیل است . نیل و آرد جو را ضماد کنند باد سرخ و مورچگی را مداوا می کند .

زخم و قرحه: نیل کاشتنی که بسیار خشکاننده است زخم های گرم بدن های سخت را درمان می کند . نیل بیابانی حدتی دارد و در علاج زخم گندیده اثری عجیب دارد . نیل کاشتنی که حدت کم دارد و ملایم است برای علاج زخم ها بهتر است .

سائیده نیل کاشتنی با عسل در سوختگی مفید و زخم عصب را درمان می کند و اگر با آرد شلمک باشد در جذب و برکشیدن خار و پیکان سودمند است .

سینه: سرفه قی آور کودکان را علاج است افشره اش نیز در این زمینه مفید است . درمان زخم شش و درد شدید سودایی درون است .

اندام هایی غذایی: نیل و به ویژه نیل بیابانی به نفع طحال است .

## نیلوفر

جالینوس فرماید نیلوفر کلم آبی است . بیخ نیلوفر هندی حکمش حکم مهر گیاه است . بهترینش آن است که بیخ سفید دارد که از بیخ سیاه قوی تر و تخمش از تخم آن مؤثرتر است .

آرایش: بیخ نیلوفر و به ویژه بیخ سیاه آن را با آب به کار برند لک و پیس را می زداید و با زفت مخلوط کنند داروی کم مویی است .

ورم و جوش: بیخ نیلوفر داروی ورم گرم و آماس طحال است .

زخم: تخم و بیخ نیلوفر داروی زخم است .

سر: خواب آور است . سردرد گرم و صفراوی را تسکین می دهد ولی بدن را ضعیف می کند .

سینه: شربتش برای دفع سرفه و سینه درد خوب است .

اندام های غذا: بیخ نیلوفر خورده شود یا ضماد گردد داروی آماس طحال است .

اندام های دفعی: بیخ نیلوفر ، علاج اسهال مزمن و زخم روده است .

بیخ نیلوفر ضماد شود درد مثانه را از بین می برد . تخم نیلوفر در هر چیز از خود نیلوفر قوی تر است . تأثیرش به حدی است که خونریزی حیض را بند می آورد .

اگر بیخ نیلوفر زرد و تخم آن را چند بار با شیر بخورند رطوبت های همیشگی زهدان را باز می دارد .

شربت نیلوفر زرد شکم را نرم می کند .

تب ها :شربت نیلوفر برای تسکین تب بسیار گرم و مشتعل بسیار سودمند است .

## نیطافیلی

شیره گیاهی است که آن را پنج برگ می نامند .

خاصیت :بسیار خشکاننده است ولی نه تند و تیزی دارد و نه گزش و سوزش .

ضمادش خونریزی را قطع می کند .

ورم و جوش :ضمادش علاج خنازیر ، سخت شده های بلغمی ، کژدمه و گری است .

مفاصل :داروی درد مفاصل و بیماری اعصاب است و اگر ضمد کنند یا بخورند آماس رطوبتی بیضه را (قلیه) فرو می نشاند .

سر :با آب پز بیخ آن مزمه بکنند درد دندان را تسکین می دهد .زخم دهان را خوب می کند .برگش را با آب انگور کهنه سی روز بخورند علاج صرع است .

سینه :آب پز را در گلو بگردانند زبری گلو برطرف می شود .افشره بیخش درمان درد شش است .

افشره اش را با نمک و عسل بیامیزند و چند روزی بخورند در یرقان و درد کبد مفید است .بیخ و آب پز بیخش باز دارنده اسهال ، علاج زخم روده و داروی بواسیر است .

تب ها :برگش با ادرو مالی یا با آب انگور کهنه تب نوبه و سه اندرمیان را دوا می کند .

زهرها :افشره بیخش سم قاتل است .

«و»

## واله

گیاه پوسته مانند باریک و نازکی است که دور ساقه درخت بلوط ، صنوبر و گردو می پیچد و بوی معطر دارد .

نوع سفید رنگ این گیاه مطلوب و نوع سیاه رنگش نامطلوب است . دیسکوریدوس گوید :«بهترین نوع اشنه همان است که بر ساقه صنوبر می پیچد و بعد از آن نوعی که بر ساقه گردو می پیچد و هر قدر خوشبوتر باشد بهتر است و نوع سپید رنگ مایل به آبی از سپید ساده مرغوب تر است » .

مزاج :اشنه سرد مایل به ولرم و دارای قبوضیت معتدل است .

خواص درمانی :گیرنده ، تحلیل برنده و نرم کننده است . نوعی که بر ساقه صنوبر می پیچد گیرندگی معتدل دارد .نوعی که بر ساقه بلوط می نشیند بند آمدگی ها را باز می کند و گوشت سست را محکم می گرداند .

دمل و جوش: مرهم اشنه دمل های گرم و ورم های گوشت نرم را تسکین می دهد و قسمت های سفت شده را نرم می گرداند.

مفاصل: اشنه را در مرهم های ضد خستگی بکار می برند . مرهم و جوشاننده آن سختی مفاصل را از بین می برد .

چشم: چشم را جلا می دهد .

اندام های تنفسی و سینه: در معالجه خفقان مفید است .

اندام های تغذیه ای: قی را بند می آورد ، معده را توان می بخشد و باد آن را از بین می برد .به ویژه خیسانده آن در آشامیدنی ها خاصیت گیرندگی دارد و درد کبد ناتوان را رفع می کند .

اندام های دفعی: انسداد زهدان را باز می کند .نشستن در آب اشنه برای تسکین درد زهدان و دفع خون حیض مفید است .

## وج

منظور از وج ریشه گیاهی است مانند پاپروس که در آب های راکد می روید و براین ریشه ها چند گرهی است که به سپیدی می زنند و بوی بد و کمی بوی وش دارند و مزه اش تند و تیز است .

بهترینش پرمايه تر و متراکم تر و خوشبوتر است .دیسقوریدوس گوید : بهترین وج آن است که سفید رنگ ، پرمايه ، میان پر و خوشبو باشد . متخلخل و خراش برداشته خوب نیست .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: باد را پراکنده می کند و با کرده را فرو می نشاند .لطافت می دهد ، زداپنده بی سوزش است و باز می کند .

آرایش: رنگ و رو را صفا می دهد . لک و پیس و لکه سفید برص را می زداید .مفاصل: وج و آب پزش چه مالیدنی و چه نوشیدنی در علاج ترنجیدگی و گسستگی ماهیچه سودمند است .

سر: مسکن درد دندان و علاج سنگینی زبان است .

چشم: ستبری قرنیه را باریک و سفیدی چشم را بر طرف می سازد .

سینه: آب پزش علاج درد سینه و پهلوی است .

اندام های غذا: در مداوای درد سرد کبد سودمند است . تقویت کبد می کند و معده را توان می بخشد .سختی طحال را از بین می برد . طحال را بسیار لاغر می گرداند .معده را تنقیه می نماید .

پیچ و درد شکم و فتق را علاج می کند .آب پزش درد زهدان را تسکین می دهد .ادرار بول می کند .حیض را به راه می اندازد . داروی چکمیزک است .

چنانکه گویند شهوت انگیز است و میل جماع را بر می انگیزد .

درد روده و خراش روده که از سرما باشد علاجش با وج است .

زهرها : پادزهر حشرات موذی است .

## ورس

چیزی است سرخ به رنگ خون و شبیه زعفران سائیده است . آن را از یمن می آورند و گویا تراشه درختی است .

مزاج : گرم و خشک

خاصیت : قبض است .

آرایش : در از بین بردن لکه های سیاه و کک و مک مفید است و خوردن آن لکه سفید را از بین می برد .

دمل و جوش : داروی جوش ها است .

زخم و قرحه : در علاج گری ، خارش ، سعه و بیماری ویروسی سودمند است .

## وسمه

برگ نیل است . بهترین خراسانی است .

مزاج : گرم و خشک است .

خاصیت : قبض است و زداینده .

آرایش : رنگ مو است .

## ولیم

آشی است که همه می شناسند .

آرایش : فربهی می دهد و برای کسی که تنش خشک است سودمند است .

اندام های غذا : دیر هضم و بسیار مغذی است .

## «هـ» و «ی»

## هال بوا

همان خیربوا و از قافله ی لطیف تر است .

مزاج : گرم و خشک است .



اندام های غذا: کبد و معده سرد را توان می بخشد. برای هضم طعام بسیار مفید است .

## هزار چشم

شاخه هایش گل های جدا گلبرگ دارد و دانه اش زرد مایل به سرخی و شبیه دانه سماق است. اما سرخی آن به سماق نمی رسد .

جالینوس فرماید میوه اش را نیز بخورند خوب است و تنها گلش مفید نیست .

مزاج: گرم و خشک است .

خاصیت: ورم و جوش را تحلیل می برد و لطیف است و بازکننده و گدازنده.

زخم و قرحه : ضماد برگ آن در علاج سوختگی مفید است و زخم های بزرگ را بهم می آورد و زخم های پلید را درمان می کند .

اگر برگ خشکیده آن را بکوبند و بر زخم های باد کرده و سست و گندیده بپاشند سودمند است .

مفاصل: اگر شربت بشود و چهل روز پی اندر پی بخورند بیماری اعصاب را از بین می برد و دوی درد سرین است .

اندام های دفعی: ادرار بول و حیض می کند . ثمر آن مراره سودا را بیرون می راند .

## خزار جشان

میوه اش به خوشه هایی شبیه است و دباغان به کار می برند .

هزار جشانی که نزد دارو سازان است قطعات چدنی است که به شفتالو شبیه است و در اولین مرحله جویدن بی مزه است و بعد تلخی آن پدید می آید .

## هزار گوشان

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: تند و تیز ، زداینده ، خشکاننده ، لطافت بخش است و با ملایمت گرمی می دهد .

آرایش: بیخ هزار گوشان با گاودانه و شنبلیله پوست بدن را صاف و پاک می کند و لکه ها و اثرهای زشت و سیاه را که بقایای زخم باشد می زداید .

اگر هزار گوشان با روغن بیزد تا بکلی از هم بپاشد، لکه های زشت و خون خشک شده زیر چشم را می زداید .

ورم و جوش: بیخ زگیل ها و جوش های شری را ریشه کن می کند .

زخم: ضماد بیخ هزارگوشان با نمک داروی زخم پلید است .

هزارگوشان را در مرهم های گوشت خوار به کار می برند .

ثمر آن را بر گری چرکین و خشک بمانند مفید است و پوست می اندازد .

مفاصل: ضماد بیخش که با آب انگور کهنه باشد تکه استخوان ها را بیرون می آورد .

هرروزه مقداری از آن خورده شود علاج فلج است . خوردن و مالیدنش دوی گسستگی ماهیچه است .

سر: به مدت یک سال هر روز مقدار هزار گوشان خورده شود صرع و بیماری کم هوشی و سرگستگی را شفا می دهد . اما گاهی می شود که سبب درهم شدن عقل می گردد .

سینه: از هزارگوشان و عسل ، لیسیدنی سازند داروی خناق و بد نفسی و سرفه و پهلودرد است .

افشیره اش را با گندم نپخته بخورند شیر پستان افزایش می یابد .

اندام های غذا: جالینوس فرماید: خوردن جوانه های نوبر آمده هزار گوشان که کمی تلخ و تند است ، به سود معده می باشد .

اندام های راننده: مغز (قلب) هزارگوشان را در نخستین مرحله پیدا شدن کامل یا پخته بخورند بول را ریزش می دهد . شکم را روان می کند .

در آب پزشک بنشینند زهدان را تنقیه می کند . افشیره اش بلغم را بیرون می آورد . برای طحال داروی خوبی است و اگر در روغن بیزند داروی بواسیر پیزی است .

در آب پز هزارگوشان بنشینند یا آب پزشک را بر ورم بریزند ورم ها را از بین می برد و مشیمه را بیرون می آورد .

زهرها: کمی از بیخش پادزهر مارگزیدگی و سایر حشرات موذی است .

## هل

رنگ میوه آن طلایی و رنگ چوبش شبیه یاقوت است . هل بوی خوش دارد . نوع اول آنکه طلایی رنگ ، شاداب ، تلخ مزه ، خوشبو است و از همه بهتر است . در درجه دوم آنچه چوبش سبزرنگ است و کم بو و در جاهای مرطوب می روید و از قسم سوم هرآنچه رنگش به سفیدی و سرخی گرایش دارد و پرمایه ، صاف ، گسترده ، بی پیچ و خم ، برهم آمده ، زبان سوز ، تند مزه و دیر شکن است بهتر است .

مزاج: گرم و خشک

خاصیت: نازک می کند ، می رساند ، قبض است و قوتش با قوت سوسن زرد برابر است .

دمل و جوش: ورم گرم را می رساند .

مفاصل: نقرس داران از آب پز هل بنوشند یا در آن بنشینند فایده می بینند .

سر: سردرد دنبال دارد و خواب آور است .

برخی گویند اگر بر پیشانی بمالند سردرد را درمان می کند .

چشم: آب پزش درمان رمد گرم است .

سینه: ورم سرد حجاب حاجز را بر طرف می نماید .

اندام های غذا: بند آمدگی های راه کبد را باز می کند و آب پزش را در بیماریهای کبد می خورند . هل زود هضم تر از سوسن زرد است .

اندام های دفعی: حیض و بول را روان می سازد . درد زهدان و زخم زهدان را بر طرف می نماید . کسی که درد گرده دارد در آب پزش بنشینند و زنی که زهدانش بیمار است آب پزش را بخورد در ورم درونی مفید است .

زرها: ضماد هل و ریحان پادزهر نیش کژدم است .

## هلبله

چندین گونه است زرد نارسیده ، هلبله سیاه هندی که رسیده و چاق تر از نارسیده است .

هلبله کابلی از همه قسم های هلبله درشت تر است .

هلبله چینی هم هست که از همه باریک تر و ریزتر و سبک تر است .

بهترینش زرد بسیار ، زرد مایل به سبز سنگین وزن و پر مایه و سخت است .

هلبله کابلی هر آنچه پر گوشت تر و سنگین تر است و در آب فرو نشینند و رنگش به سرخی بزند بهتر است .

از هلبله چینی هر آنچه نوک دارد خوب است .

مزاج: می گویند هلبله زرد از سیاه آن گرم تر است . می گویند هلبله هندی کمتر از هلبله کابلی سرد است . همه ی هلبله ها سرد و خشکند .

خاصیت: همه انواعش در بیماری مراره مفید است .

آرایش: هلبله سیاه رنگ و رو را زرد می گرداند .

دمل و جوش: همه انواع هلبله در معالجه جذام مفیدند .

سر: هلبله کابلی دوی سردرد است و حواس و هوش و عقل را نیرو می دهد .

چشم: هلبله زرد در سست شدن جسم معالج است و اگر در چشم بکشند مواد سیلانی را قطع می کند .

سینه: خوردن آن تپش و علت ناشی از ترس را درمان می کند .

اندام های غذا: هلیله عموماً و به ویژه دو نوع سیاهش و علی الخصوص پرورده مربای آنها تقویت معده می کنند، سستی معده را از بین ببرند، معده را دباغ می دهند، تنقیه می کنند، خشک می نمایند و کمک هضم طعام هستند. هلیله زرد باغ خوبی برای معده است. اما هلیله چینی در این عمل از کابلی ناتوان تر است. هلیله کابلی نوعی دل بهم خوردن به دنبال دارد. ولی در علاج استسقا سودمند است.

اندام های دفعی: هلیله های کابلی و هندی با روغن زیتون بجوشند شکم را بند می آورند.

هلیله زرد برای بیرون راندن صفرا و بلغم اندکی خوب است.

هلیله سیاه سودا را بیرون می آورد و در علاج بواسیر مفید است.

هلیله کابلی سودا و بلغم را خارج می کند و می گویند داروی قولنج است.

تب ها: هلیله کابلی در علاج تب های کهنه مفید است.

## هوه چوبه

بعضی گویند همان حسن الحمار (گل قاصد) است که آن را شنجار هم می نامند. گیاهی است دارای کرک و خاردار. زبر و سیاه رنگ. برگهایش زیاد و به ساقه چسبیده. بیخ آن به ستبری انگشت و بسیار سرخ رنگ است و اگر در تابستان به آن دست بزنند دست را رنگ می کند.

آرایش: با سرکه بر لک و پیس بمالند مفید است و آن را بکلی از بین می برد. در معالجه پوست پوست شدن بدن بسیار مفید است و برگش از بیخ آن کم تأثیرتر است.

دمل و جوش: مخلوط با آرد کشک باد سرخ را از بین می برد.

زخم و قرحه: با موم مخلوط می کنند و بر زخم می گذارند مفید است و به ویژه برای سوختگی آتش بسیار سودمند است.

اندام های غذا: ریشه اش معده را دباغی می کند. آن را بجوشانند و با عسل آب رقیق بخورند در مداوای یرقان و درد طحال سودمند است.

اندام های دفعی: آن را در عسل آب بجوشانند یا با عسل آب بخورند درد کلیه و سنگ کلیه را از بین می برد.

خلط های مراری را تحلیل می برد. ریشه زرد آن برگ همراه زوفا و خردل کرم ها را می کشد و بیرون می راند.

تب ها: پخته بیخ این گیاه با عسل آب تب های مزمن را از بین می برد.

زهرها: پخته میوه سرخ و برگ زرد را بجوند و بر حشره موزی تف کنند می کشد. در مارگزیدگی نیز سودمند است.

## هویج

هویج معروف است و قوی ترین دارو در هویج، تخم هویج بیابانی می باشد.

مزاج: گرم و تر است .

زخم و قرحه :تخم و برگ آن را بکوبند و بر زخم خوره زده بگذارند مفید است .

اندام های سینه :داروی سینه پهلو و سرفه مزمن است .

اندام های غذا :دیر هضم است و مریایش زود هضم تر و داروی استسقا است .

اندام های دفعی :تخم آن و به ویژه تخم هویج بیابانی و همچنین برگ هویج بیابانی در ادرار دادن قوی و شهوت انگیز است .

تخم هویج بیابانی برای رفع درد شکم و روده مفید است .

بذر هویج کاشتنی نیز شهوت انگیز و از آن بادآورتر است .

ریشه هویج بیابانی (شقاقل) از هویج کاشتنی شهوت انگیزتر است و ادرار حیض و بول می کند و در این مسئله خوردن و برداشتن آن مفید است .

تخم و ریشه هویج در باردار شدن زن کمک می کند .

## هیوفسطیداس

شیره گیاهی است که آن را شنگ می نامند و شیره نامبرده سرد و قبض است .

مزاج: سرد و خشک

## هفت بند

همان بطباط است که نر و ماده دارد و نر آن از ماده نیرومندتر است .

خاصیت :قبوضیت دارد اما قسمت آبی در آن زیاد است و چون سیلان مواد را منع می نماید ، خشکاننده است .از خونریزی جلوگیری می کند .

ورم و جوش :ضماد آن در علاج التهابات زیر پوست و باد سرخ و مورچگی و آماس زخم بسیار مفید است .

زخم :در مداوای زخم های تازه بسیار مؤثر است .

سر :افشره اش کرم گوش را می کشد و چرک و ریم گوش را می خشکاند .

سینه :آبش از خون برآوردن جلوگیری می کند .

اندام های غذا :ضمادش التهاب معده را از بین می برد و معده را به حالت اعتدال باز می آورد .خونریزی زهدان را بند می آورد و زخم روده را شفا می دهد .

## هشت دهان

عود هندی است و بازرگانان آن را می شناسند .

مفاصل :داروی نقرس است .

## یاسمین

سفید آن از زرد گرم تر و زرد آن از ارغوانی رنگش گرم تر است .

مزاج :گرم و خشک

خاصیت :رطوبت را لطیف می کند و روغنش برای پیران سودمند است .

آرایش:اگر در حمام صورت را با تر و خشک آن بشویند ، لکه های سیاه پوست از بین می رود .

بسیار بو کردن یاسمین رنگ را زرد می کند .

مفاصل :روغن یاسمین در علاج بیماریهای ناشی از سرما که برای اعصاب و پیران رخ داده مفید است .

سر :بویش سردرد می آورد و با این همه اگر آن را بو کنند سردردی را که از بلغم لزج پیدا شده از بین می برد .

بو کردن روغن خالص یاسمین - عطر یاسمین سبب خون دماغ گرمی داران می شود .